انتشارات دانشگاه تهران
۴۵۲

تاریخ دیپلوماسی عمومی

دکتر حسن ستوده تهرانی
استاد دانشکده حقوق

(تجدید چاپ)

تهران
[illegible]

13

انتشارات دانشگاه تهران

۴۵۲

تاریخ دیپلماسی عمومی

دکتر حسن ستوده تهرانی

استاد دانشکده حقوق

(تجدید چاپ)

تهران

۱۳۳۶

ل

مقدمه

دردنیای کنونی هنوز قوه عالیهٔ که بتواند اختلافات بین دول‌راحل کندوجود نداشته‌ومشکلات ومناقشات باید یابوسیله جنك یابطریق دیپلوماسی حل گردد.

توسل بجنك که برای رفع‌اختلافات درزمان قدیم‌وتاقرن حاضر امری عادی بود امروزه وسیلهٔ بس خطرناك وباعث ازبین‌رفتن میلیونها نفوس و ملیاردها ثروت میشود خصوصاً که با اختراعات جدید و نیروی تخریب عظیم آنها هیچ عقل سلیمی حاضر نیست تاآخرین حدامکان ازبروزجنك جلوگیری ننماید. باینجهت روزبروز براهمیت دیپلوماسی که وسائل جلوگیری از جنك وخونریزی را فراهم میسازد افزوده میشود.

بدون آنکه بخواهیم درتعریف‌های مختلفی که ازدیپلوماسی شده است بحث کنیم دیپلوماسی‌را میتوان علم وفنی نامید که بوسیله‌آن روابط حسنه‌بین‌دول‌ایجاد ونگاهداری میشود ولی باید درنظرداشت که دیپلوماسی مانند علوم طبیعی‌وریاضی تابع اصول وقواعد معینی نبوده ومتکی به‌اصول اخلاقی هم‌نیست. دیپلماسی‌عمومی ترکیبی‌است ازسیاست خارجی کشورهای متعدد وهدف اصلی سیاست خارجی هر کشورودرنتیجه دیپلماسی عمومی درتحت تأثیرعوامل مختلفی که‌اغلب‌اوقات‌ضدو نقیض یکدیگرند درهرزمان تغییر کرده ونمیتوان قواعد ثابتی برای‌آن وضع نمود بهترین راه فراگرفتن این علم وبدست‌آوردن تجربه درباره این‌فن‌بررسی وتشریح

بها: ۲۰ ریال

عمومی را تاپایان جنك بین‌الملل اول (۱۸–۱۹۱٤) شرح میدهد. وقایع و اتفاقاتی که از ۱۹۱۸ ببعد رخ داده است موضوع کتاب دیگری خواهد بود که انشاءالله اگر فرصت باشد بعدها منتشر خواهد شد.

در مطالعات تاریخی منابع اخبار وحوادث و بی‌نظری و بصیرت مورخ اهمیت زیادی دارد باینجهت درپایان کتاب فهرستی از منابع ومآخذی که مورد استفاده نویسنده واقع شده و مربوط بموضوع میشود درج گردیده ولی ذکر این نکته لازم است که بیشتر استفاده نویسنده درتنظیم این یادداشتها ازدو کتاب فرانسه زیر بوده است:

تاریخ دیپلوماسی اروپا درچهارجلد تألیف آ. دبیدور

سیاست خارجی درچهارجلد تألیف امیل بورژوآ

مطالعه این دو کتاب که ازتألیفات بسیارمفید میباشند برای کسانیکه میخواهند اطلاعاتی راجع به دیپلوماسی عمومی پیدا کنند فوق‌العاده سودمند بوده ومخصوصاً بشاگردان سال سوم سیاسی دانشکده حقوق توصیه میشود.

برای اینکه مطالعه این کتاب مطلوب واقع شده و فهم آن آسان باشد بخوانندگان محترم توصیه میشود قبلا مراجعه بتاریخ عمومی بنمایند چونکه مجبوریم برای احتراز از تطویل کلام ازذکر وقایعی که جنبه تاریخی عمومی دارند خودداری کنیم معهذا درذیل هر صفحه توضیحاتی راجع باسامی که ذکر میشود داده خواهد شد. درفصل اول کتاب هم مختصری ازوضع سیاسی کشورهای مختلف در نیمه دوم قرن نوزدهم شرح داده شده وتدریجا به تحولاتی که بعداًرخ خواهدداد اشاره خواهد شد.

درپایان چون دانشجویان دانشکده حقوق تهران کتابی بفارسی راجع بتاریخ دیپلوماسی عمومی دردست نداشتند ووقت کافی هم برای دقت بیشتری در تحریر این کتاب نبود اگر اشتباه یا قصوری درضمن آن مشاهده شود از خوانندگان محترم پوزش میطلبد.

این کتاب دردو جلد منتشر میشود:

جلد اول: جنبش ملل اروپا وتأسیس دول جدید ۱۹۰۰- ۱۸۵٦

جلد دوم: دوره صلح مسلح و جنك ۱۹۱۹– ۱۹۰۰

تاریخ دیپلوماسی عمومی‌است که روابط سیاسی کشورهای جهان‌را درادوار مختلف بیان مینماید .

بابررسی تاریخ دیپلوماسی هدف اصلی سیاست‌خارجی‌دول که درلفافه کلمات والفاظ دلفریب اظهارمیشود ازطرزرفتارونتیجه اعمال آنها ظاهر میشود . حقیقت سیاستهای مختلف‌مانند : قاعده توازن نیروی دول - سیاست مرزهای طبیعی-انجمن اروپائی - نظریه منروئه - اصول نژادی -جامعه‌جهانی - خلع‌سلاح‌عمومی - تحریم جنگ فضای حیاتی وغیره مکشوف میگردد .

درقرن نوزدهم درنتیجه اختراعات وترقیات جدید روابط کشورهای مختلف جهان دراثر تسهیلات رفت وآمد اهمیت بسیاری پیدا کرد . مداخلات دول درامور کشورهای دیگر علاوه براینکه در روابط خارجی و قلمرو حکمفرمائی آنها مؤثر واقع شد درداخل کشورهاهم نتایج زیادی داشت . مطالعه این تغییرات وتحولات نه تنهاازجنبه‌تاریخی مفید وسودمند میباشد بلکه‌بمثل معروف که« گذشته‌پراز آینده است» بهترین‌راه‌نما برای‌جلوگیری ازاشتباهات وخطاهای گذشته‌است .اگر تاریخ اروپارا از قرن نوزدهم ببعد درنظر بگیریم خواهیم دید که حوادث و اتفاقاتی که بین ملل مختلفه پیدا شده مرتباً تکرار گردیده وچون هیکدام ازدول‌نتوانستند بعد ازفتح وظفرموقتی که نصیب آنها شده بود از خودخواهی وزیاده روی جلوگیری کنند تصمیمات آنها نه تنها عملی نشد بلکه اوضاع وخصوصیات تازهٔ که‌علت‌آن‌از خود پیمانها ناشی‌میشد تیشه بریشه‌آنهازده و بعد ازچندی‌بکلی وضع‌را دگرگون کرده است .

کتابی که بخوانندگان محترم تقدیم میشود قسمتی است از درسی که در دانشکده حقوق تهران تدریس شده است چون برنامه این‌درس فوق‌العاده‌سنگین‌واز انقلاب کبیر فرانسه‌شروع وبزمان حاضرختم میشودچندی پیش‌شاگردان دانشکده حقوق برای تسهیل کار قسمتی ازیادداشتهای خودرا که ازانقلاب کبیر فرانسه شروع شده وبه‌جنگ ۱۸۷۰ بین آلمان وفرانسه ختم میشد چاپ کردنداین مختصر که‌مکمل آن قسمت خواهد بود ازبعد جنگ کریمه (۱۸۵٦) شروع‌شده و تاریخ دیپلوماسی

جلد اول

جنبش ملل اروپا و تأسیس دول جدید

(۱۸۵۶-۱۹۰۰)

فصل اول

دول مهم جهان در نیمه دوم قرن نوزدهم

انگلستان- فرانسه- اطریش- پروس- دول آلمان-روسیه-ایتالیا-عثمانی یونان-اسپانیاوپرتقال- دول اسکاندیناوی-دول متحده امریکای شمالی- کانادا مکزیك -امریکای جنوبی- افریقای جنوبی - استرالیا - ژاپن -چین - ایران

انگلستان - درنیمه دوم قرن نوزدهم دولت انگلستان یکی ازبزرگترین دول مستعمراتی دنیا بشماررفته ودراقطار واکناف جهان نفوذ خودرا توسعه داده و دارای منافع بیشماری درتمام قاره‌ها میباشد . برای نگاهداری این مستعمرات سیادت بر دریاها جزء ضروریات سیاسی انگلستان بوده وشاه‌راهها واغلب تکیه گاههای دریائی دردست انگلستان میباشد . زمامداران انگلستان ازهرطبقه واز هرحزبی که باشند همواره متوجه این موضوع گشته وآنی ازمحافظت و حراست و توسعه امپراطوری انگلستان غفلت نمیورزند پالمرستون (۱) باایجاد انقلابات و کشمکشها در داخله کشورهای مختلف سعی میکند برتری نفوذ انگلستان راتثبیت نماید. سیاستمدار دیگری مانند استراتفورد رد کلیف (۲) مراقب اوضاع مدیترانه وامپراطوری عثمانی بوده و باایجاد

---

(۱) Henry John Temple' vicomte de Palmerston (۱۷۸٤ - ۱۸٦۵) سیاستمدار معروف انگلیسی که ازسال ۱۸۳۰ تا سال ۱۸۵۸ غیرازچندسالی سیاست خارجی انگلستان را دردست داشت .

(۲) Canning'sir stratford Redcliff (۱۷۸۸-۱۸۸۰) سیاستمدار انگلیسی که مدتی سفیر انگلستان در روسیه و بعداً در قسطنطنیه بوده در قضایای اماکن مقدسه دولت عثمانی را تشویق بمقاومت در مقابل تقاضای دولت روسیه میکرد و مسبب جنك کریمه میباشد .

۱۸۲۹) بعد ازجنگهائی که نیکلای اول تزارروسیه باعثمانی مینمایددیگربموجب معاهده خونکیاراسکلهسی[1](سال ۱۸۳۳) بعد از کمك هائیکه درمقابل فشارقوای مصر بدولت عثمانی میکند مزایای مهمی بدست میآورد ولی دولت انگلستان غافل ننشسته و بتحریك اوجنك بین مصر وعثمانی درسال ۱۸۳۹ تجدید شده و بالنتیجه معاهده بغازها (۱۸٤۱) قدری از نفوذ روسیه درعثمانی میکاهد

دولت انگلستان اقدامات خودرابرضدبرقراری نفوذ روسیه دردولت عثمانی باز تعقیب نموده وبالاخره مسئله اماکن مقدسه بهانه قرار گرفته ودرسال ۱۸٥٤ جنك کریمه بین انگلستان وفرانسه و دولت عثمانی کهدولت ساردنی هم بعدها بآنهامیپوندداز یکطرف ودولت روسیه ازطرف دیگر شروع شده و درسال ۱۸٥٦ بشکست روسیه منتهی میگردد. دولت روسیه باینطریق ازتمام منافع ومزایای خوددردولت عثمانی محروم شده ونفوذانگلستان دردولت عثمانی وشبه جزیره بالکان توسعه مییابد :

دراینموقع گرچه قارهافریقا هنوز کاملا مکشوف نشدهبودولی بادردست داشتن کاپ و مداخله درامورد دولت عثمانی ومصر انگلستان سعی میکند نفوذ خودرادراین قاره پابرجا نموده ورقبای خودرا ازمیدان بیرون کند .

درآسیا نیزانگلستان نفوذ خودرا درهندوستان توسعه داده و تقریبا سراسر این کشوررا تابع خود مینماید . درافغانستان وایران هم مداخلاتی نمودهبدون اینکه باایران جنگی کند بموجب ماده کاملةالوداد ازتمام مزایائیکه روسهابعد ازمعاهده ترکمان چای بدست آورده بودند بهرهمند میشود وحتی درجنك هرات بافرستادن سفاین جنگی خودبهبنادرخلیج فارس دولت ایرانرا مجبورمیکند ازتصرف این شهر صرفنظر کند .

دراینموقع باب مراوده اروپائیان بشرق اقصی کاملا بازنشده ورقابت دول برسر

---

(۱) Unkiar - Sklessi بموجب این پیمان روسیه تقریباحمایت خودرا بردولت عثمانی برقرارمیکرد و بغازها برای جهازات جنگی روسیه مفتوح و برروی جهازات جنگی دول دیگر مسدود بود .

انگلستان

جنگ کریمه نفوذ روسیه‌را در کشور عثمانی ودریای مدیترانه محدود نموده منافع انگلستان‌را تأمین‌میکنند

دراروپا سیاست دولت فرانسه بعد ازشکست واترلو[1] تقریباً تابع سیاست انگلستان گردید وهیچکدام ازپادشاهان فرانسه چه‌لوئی هیجدهم چه شارل دهم و چه‌لوئی فیلیپ نمیتوانند دربرابر اشکالاتی که سیاست انگلستان در داخل وخارج کشورشان فراهم‌مینمایدایستادگی کنند. ناپلئون‌سوم‌نیز ازاین‌قاعده مستثنی نبوده ودوستی باانگلستان تقریباً اساس سیاست فرانسه قرارمیگیرد.

دراسپانیا وپرتقال‌محرك اصلی انقلابات دولت انگلستان بوده ونفوذاین‌دولت بکلی‌اساس سیاست آن دودولت را تابع نظریات‌انگلستان میکند.

پروس واتریش‌ودول‌آلمان بنوبه خود نمیتوانندمخالفتی‌باتصمیمات‌انگلستان ابراز کنند.

دول ایتالیا مورد نظرانگلستان‌قرار گرفته وسفیر انگلستان دردولت ساردنی رسماً انقلابیون‌را تشویق وترغیب مینماید.

دریونان سفیرانگلستان ازهرگونه مداخله خودداری نکرده وپادشاه یونان تحت‌نفوذکامل‌انگلستان قرارمیگیرد وحتی درموقع جنگ کریمه برای‌اینکه‌دولت یونان کمکی بروسها نکند سواحل اپیر[2] ازطرف انگلستان مورد محاصره دریائی واقع میشود.

دول اسکاندیناوی نیزانگلستان‌را حامی خود میدانستند.

تنها دولتی که درنیمه قرن نوزدهم درمقابل انگلستان فعالیت‌مینمایددولت روسیه است که برای اجرای سیاست توسعه‌نفوذ خود در مشرق اروپا و آسیا با انگلستان رقابت میکند و حتی در دووهله یکی بموجب معاهده ادرنه[3] (سال

---

(۱) Waterloo

(۲) Epire

(۳) Andrinople بموجب این پیمان دولت روسیه عملانفوذزیادی درتمام ملل بالکان پیدا کرد.

شکست ازدولت پروس اساس امپراطوری راواژگون نموده ورژیم جمهوری دومرتبه برقرارمیگردد .

اطریش ـ بعداز کنگره وین نفوذاطریش در آلمان وایتالیاتوسعه پیدامینماید وباسیاست ماهرانه مترنیخ(۱) تاسال ۱۸٤۸ تفوق سیاسی اتریش در آلمان ودرایتالیا برقرارمیماند . اماچون دولت اطریش ترکیبی ازنژادهای مختلف ژرمن ـ مجار ـ اسلاو ـ لاتین بودتوافق ووحدت نظری درامپراطوری اتریش وجود نداشت. هرکدام ازاین نژادها سعی میکردند خودراازرقیت سایرین رها ساخته وبه استقلال یاحاکمیت بردیگران موفق شوند .

انقلابات سال ۱۸٤۸ و۱۸٤۹ اساس امپراطوری اتریش رامتزلزل کرد.هرکدام ازنژادهای مختلف ادعای استقلال نمودندبعدازعزل مترنیخ شوارزنبرگ(۲) صدراعظم اتریش باکمك روسیه موفق به خاموش نمودن انقلابات مجارستان وبرقرارکردن نفوذ اتریش درایتالیا و آلمان میشودولی این امرظاهری بوده واختلافات نژادی دراتریش خاتمه نمییابد بطوریکه درجنگ کریمه دراثرتحریکات پروس وبرای حفظ منافع اتریش در آلمان باوجود تمایل زیادی که دولت اتریش به الحاق بمتفقین داشت تاآخر جنگ این دولت وقت را درتردید گذراند ودرنتیجه ناپلئون سوم ازسیاست اتریش

(۱) Clément – Wincelas Lothaire ’ prince de Metternich Winncburg (۱۷۷۳ ـ ۱۸۵۹)

سیاستمدار معروف اتریشی ـ سفیر اتریش در پاریس از ۱۸۰٦ تا ۱۸۰۹ ـ نخست وزیرو وزیر امور خارجه اتریش ـ از سال ۱۸۰۹ تاسال ۱۸٤۸ زمام امور اتریش را دردست داشت. یکی از نمایندگان مبرز کنگره وین ـ بعد ازشکست ناپلئون اول بوسیله اتحاد مقدس و سیاست تشکیل کنگره ها نفوذ اتریش را در آلمان وایتالیا بر قرار میکند ـ در سیاست داخلی طرفدار استبداد مطلق است ـ درسال ۱۸٤۸ در نتیجه شورش وین مجبور باستعفا وفرار ازاتریش میشود

(۲) Felix – Louis – Jean – Frèdéric’prince de Schwarzenberg

سیاستمدارومارشال اتریشی (۱۸۵۲ ـ ۱۸۰۰) ـ صدراعظم اتریش ازسال ۱۸٤۸ ـ انقلابات ۱۸٤۸ را دراتریش وایتالیا باقوه قهریه خاموش مینماید ـ شورشیان مجارستان را بهمراهی ارتش روسیه قلع وقمع میکند ـ در آلمان بکمك رسیه نفوذ اتریش رادومرتبه مستقر میسازد

تصرف جزایر اقیانوسیه هنوز شروع نشده بودولی انگلستان بادردست داشتن استرالیا وزلاندجدید و بعضی ازجزایر دیگر وقسمتی از هندوچین ازسایر ملل نفوذبیشتری در اقیانوسیه وخاور دوراشت .

درامریکابعدازاستقلال دول متحده امریکای شمالی بهحیثیت انگلستان لطمه بزرگی وارد آمد ولی دولت انگلستان اقدامات خودرا متوقف ننموده درعوض کانادا رامستعمره انگلیسی کردودرامریکای جنوبی باتشویق انقلابیون دول مستقل امریکای جنوبی را رسما شناخته ونفوذ اقتصادی خودرا دراین قسمت کاملا برقرارمیکند .

بطوریکه ملاحظه میشوددرنیمه قرن نوزدهم دولت انگلستان یکی ازمهمترین ومقتدرترین دول جهان بوده و از این موقع بنابمثال معروف آفتاب در امپراطوری انگلستان هیچوقت غروب نمیکند .

فرانسه - بعد ازشکست ناپلئون اول دولت فرانسه موقتا ازجرگه دول بزرك اروپا خارج شدولی دراثر رقابت دول اروپا و کوشش دولت وملت فرانسه این کشور کم کم مقام ازدست رفته را بازآورد .

بعد ازانقلاب ژوئیه ۱۸۳۰ وانقلاب فوریه ۱۸۴۸ وحکومت جمهوری موقتی دراواخرسال ۱۸۵۱ دومرتبه رژیم امپراطوری بازمامداری ناپلئون سوم درفرانسه برقرارمیشود .

ناپلئون سوم که خودراوارث ناپلئون اول میدانست سعی میکند اثرات پیمان وین ۱۸۱۵ را ازبین برده ودولت فرانسه را دو مرتبه باوج اقتداربرساند . با جنگ کریمه ناپلئون سوم قدری بمنظور خودنزدیك میشود . مابین متحدین سابق نفاق و جنك اتفاق افتاده وبمعیت انگلستان دولت فرانسه از این جنك فاتح بیرون آمـده نمایندگان دول مختلف اروپا درپاریس مجتمع شدهوظاهراً هر کدام از آنها سعی میکنند نقطه اتکائی درنزدامپراطورفرانسه پیدانمایند ولی بطوریکه بعداً شرح داده خواهد شد درنتیجه سیاست سری و شخصی و ضد ونقیض ناپلئون سوم وتحریکات ملکه و درباریان فرانسه بعد ازجنك کریمه ازقدرت وابهت دولت فرانسه کاسته میشودتااینکه

درجنگ کریمه دراثر نصایح و عقاید بیسمارك فردریك ویلهلم چهارم نه تنها اقدامی بنفع متفقین ننمود بلکه باسیاستی که تعقیب کرد مانع الحاق اتریش با آنها گردید وسیاست بیسمارك بقدری ماهرانه بود که تمام شکایات متوجه اتریش شد و ناپلئون سوم ازپروس کینه دردل نگرفت .

بعد ازبرقراری ویلهلم اول بسلطنت پروس بیسمارك صدراعظم پروس گردیده و سعی مینمایدباموافقت ناپلئون سوم نفوذاتریش را از آلمان برانداخته و وحدت آلمان راتحت ریاست پروس عملی کند و باشکست اتریش درسال ۱۸۶۶ وشکست فرانسه در سال ۱۸۷۰ بیسمارك بمنظورخود نائل گردید .

روسیه - بعدازشکست ناپلئون اول یکی ازبزرگترین رقبای روسیه که مانع نفوذ اودرمشرق اروپا شبه جزیره بالکان میگردید از بین رفت ولی دولت انگلستان که برای برانداختن ناپلئون بااو متفق شده بود بعدازآنکه ازطرف فرانسه خیالش راحت گردیددرهرنقطه مزاحمت روسیه را فراهم کرده وباتوسعه این درلت مخالفت میکند وتمام ابتکارات وعقاید مختلفی مانند اتحاد مقدس وتشکیل کنگره‌ها که از طرف الکساندراول ابرازشدمانع مخالفت وممانعت دولت انگلستان نگردید .

بعد ازبسلطنت رسیدن نیکلای اول تزارجوان وجنگ جوی روسیه برعکس سلف خود که باسیاست وتدبیرمیخواست بمقصودبرسد تصمیم گرفت بازورمقاصدخود را عملی کند ورسماً بهسفیرانگلستان در سن‌پترزبورگ اظهار داشت دولت عثمانی شبیه بمرد بیماری است که‌دیریازود محکوم بمرك است وماترکاوباید هرچه‌زودتر تقسیم شود .

تزارروسیه‌برای دریافت حصه‌خود منتظردیگران نگردید در سالهای ۱۸۲۸ و ۱۸۲۹درنتیجه جنگهای باعثمانی پیمان ادرنه را به این دولت تحمیل کرد.درسال ۱۸۲۸ درنتیجه‌لشکرکشی‌بایران پیمان ترکمان چای‌رابدولت‌ایران قبولاند.درسال ۱۸۳۳باعقدپیمان خونکیاراسکله سی مزایای مهمی درعثمانی‌ودربغازهابدست‌آورد درمقابل سیاست روسیه دولت انگلستان نیزبیکارنه‌نشست . درنتیجه تحریکات

دلگیر گردید .

بعدازجنگ کریمه‌وشکست روسیه باتبلیغات نژادی‌وزمزمه اتحاداسلاوها که ازطرف روسیه تقویت میگردید باردیگر نژادهای تابعه امپراطوری اتریش‌شروع بفعالیت نموده ودولت اتریش مجبور گردید بعد ازشکست سادوا [۱] برای متلاشی نشدن اساس امپراطوری بامجارها کنار بیاید .

باین‌جهت منافع اسلاوها فدای این سازش گردید قسمتی از آنهاتابع‌اطریش وقسمت‌دیگرتابع مجارستان گردیدندودرحقیقت‌ازسال ۱۸۶۷دولت‌اتریش‌وهنگری مرکب ازدودولتی بود که بوسیله اتحاد شخصی باسلطنت فرانسوا ژوزف یکدولت متحده را تشکیل میدادند .

بعدازشکست اردولت ساردنی ودولت فرانسه درسال **۱۸۵۹** از نفوذ اتریش درایتالیا کاسته شدودرنتیجه شکست‌ازپروس درسال **۱۸۶۶**دست‌اتریش‌بکلی‌از آلمان کوتاه گردیدوبالاخره‌شکست‌فرانسه درسال **۱۸۷۰**واقدامات بیسمارک‌سیاست‌اتریش را تابع سیاست‌آلمان نمود .

پروس و آلمان - دولت پروس درقرن نوزدهم تحت تأثیرافکاروعقاید نژادی سعی میکند نفوذ اتریش‌را از آلمان دورساخته وباایجاد وحدت‌آلمان دول‌آلمان‌را تحت تبعیت خود در آورد تا زمانیکه مترنیخ صدراعظم اتریش بود اقدامات‌پروس جنبه مثبتی نداشت وحتی پس‌ازعزل اووانقلابات **۱۸٤۸** فردریك‌ویلهلم‌چهارم‌پادشاه پروس جرئت‌نکردازموقع استفاده نموده وریاست‌دول‌آلمان‌را قبول کنندولی‌ازسال **۱۸۳۰**بامنعقد ساختن معاهدات گمرکی‌دولت پروس‌سعی‌مینماید خودرابدول‌آلمان نزدیك کند. اقدامات شوارزنبرك و کمکی که دولت روسیه درسال **۱۸٤۹** به دولت اتریش کرد دولت پروس را مجبور نمود باردیگرنفوذ اتریش را در آلمان برسمیت بشناسدوهمین امرباعث تصمیم جدی بیسمارك گردید که دیریازود دست اتریش را ازآلمان کوتاه کند .

---

(۱) Sadowa

ایران وافغانستان وتبت وچین برقرار سازند .

ایتالیا - درنیمه قرن نوزدهم ایتالیامانندآلمان دولت واحدی‌راتشکیل نمیداد شمال آن‌قسمتی‌تحت تصرف اتریش‌وقسمتی‌حکومت ساردنی‌را تشکیل میداد قسمت مرکزی‌آن تحت تسلط پاپ و دوشه های مختلف و قسمت جنوبـی تابع حکومت دوسیسیل‌بود.

دراثر افکار وعقاید نژادی ملت ایتالیا خواهان وحدت واستقلال‌بود خـانواده ساووآ(۱) که سلطنت دولت ساردنی را داشت خودرا پیشوای این امر دانسته وسعی وافی‌برای‌ایجاد وحدت ایتالیا بعمل میآوردولی اقدامات ملیون ایتالیاودولت‌ساردنی درمقابل مخالفت اتریش همواره عقیم میماند تااینکه بعد ازجنك کریمه با صدارت کاوور و کمکی که دولت ساردنی بمتفقین نمود وتمایلی که ناپلئون‌سوم بـه توسعه ساردنی‌نشان میداددرنتیجه‌جنگهای بااتریش درسال ۱۸۵۹ قسمت‌مهمی ازمتصرفات اتریش بدولت ساردنی واگذارشد وبعداً درنتیجه اقدامات کاوورو گاریبالدی وحدت ایتالیا عملی گردید . درنتیجه جنك پروس وایتالیا با اتریش درسال ۱۸۶۶ ونیزهم بایتالیا ملحق شد . بالاخره درسال ۱۸۷۰ درنتیجه گرفتاری فرانسه بدون جنك و خونریزی شهررم نیزبتصرف ایتالیائیها درآمده ووحدت کامل ایتالیا عملی گردید.

عثمانی - از اواخرقرن هیجدهم دولت عثمانی بواسطه نفاق داخلی ورشوه ـ خواری متصدیان امر وخودسری پاشاها وحکام ولایات و سران لشکری دچار هرج ومرج شده وروبتجزیه میرفت بطوریکه تزارروسیه نیکلای اول این دولت‌را بمرد بیمار ومحتضری تشبیه نموده و در کمین ما ترك آن نشسته بود . ولی چون منافـع دول بزرك اروپا درعثمانی دائماً اصطکاك داشت وهیچیك ازاین دول راضی نمیشدند نفوذدولت‌دیگری درعثمانی برقرارشودبداینجهت باتمام فسادی که درحکومت‌عثمانی حکمفرما بوداستقلال آن از بین نرفت .

درنیمه اول قرن نوزدهم یونان آزادی خودرا بدست آورد وسربستان خـود

---

(۱) Savoie

این دولت درسال ۱۸۳۹ دومرتبه جنگ بین مصر وعثمانی تجدید گردید وپیمان بغازها درسال ۱۸۴۱ قدری ازامتیازات روسیه دربغازها کاست. درسال ۱۸۵۴ درسر قضیه اماکن مقدسه که تقریباً حل شده بوددرنتیجه تحریکات سفیرانگلستان درقسطنطنیه نماینده تزارروسیه منچیکف (۱) مجبوربترك پایتخت عثمانی واعلان جنگ بااین دولت گردید

شکست کریمه نفوذ روسیه را دردولت عثمانی ازبین بردودست آنراازمدیترانه دورنمود . دولت روسیه که ناچار بقبول این شکست گردیده بود ازاینموقع ازعقاید نژادی استفاده کرده وباتقویت جنبش اتحاد اسلاوها سعی مینماید ملل اسلاورا تحت تسلط ونفوذ خود درآورد . روزنامه نگارانی مانند کاتکف (۲) باایجاد روزنامه ها و مجلات سعی وافری برای تبلیغ اتحاد اسلاو مینمایند . ملل اسلاو هم بعضی مانند اسلاوهای تابع امپراطوری اتریش برای رهانیدن خود ازرقیب ژرمن ها ومجارهااز این عقیده استقبال میکنندولی برخی دیگرمانندلهستانیها که به عادات وسوابق تاریخی خودعلاقه داشتندبرعلیه این تبلیغات عصیان کرده ودرنتیجه درسال ۱۸۶۳ شورش میکنند

در سال ۱۸۷۰ دولت روسیه ازموقع استفاده نموده و بیطرفی دریای سیاه را یکطرفه نقض میکند. اقدامات انگلستان دراین وقت بجائی نرسید ودولت روسیه که دومرتبه قوت ورونقی پیدا میکند درسال ۱۸۷۸ بعد ازجنگهای باعثمانی بمقصود خود نزدیك میشود ولی دولت انگلستان وصدراعظم آن دیسرائیلی جداً مخالفت نموده ودرنتیجه کنگره برلن درسال ۱۸۷۸ تشکیل وروسیه ازقسمت زیادی ازمزایائیکه بدست آورده بود محروم میشود . بهمین طریق رقابت های سیاسی بین انگلستان و روسیه درآسیا توسعه مییابد و هر کدام ازدوحریف سعی میکنند تفوق خودرا در

(۱) Alexandre-Sergevitch, prince de Mentchikov (۱۷۸۷-۱۸۶۹) دریاسالار وسیاستمدارروسی که درموقع طرح قضیه اماکن مقدسه سفیر کبیر دولت روسیه درعثمانی بود وباترك قسطنطنیه باعث قطع روابط دوستانه بین روسیه وعثمانی وبروز جنگ کریمه گردید .

(۲) Michel- Nikiforovitck ,Katkov - روزنامه نگار روسی - از ۱۸۶۱ روزنامه مسکوراادارهنمود- طرفدار باحرارت اتحاداسلاوها ومخالف اصلاحات جدید بود.

درجنگ کریمه‌بدست آمده بوداستفاده نکرده‌است‌وبرعلیه اوشروع باقداماتی‌نمودند. این اقدامات با نظریات انگلستان نیز که با پادشاه یونان موافقتی‌نداشت مطابقت میکرد .

پادشاه یونان بامشاهده اقدامات موفقیت‌آمیز کاووربخیال افتاد بـا کاریبالدی داخل مذاکره شده وارتش انقلابی تشکیل دهدتامنظوریونانیان را عملی کند ولی درماههای فوریه ومارس ۱۸۶۲ شورشی در ارتش یونان اتفاق افتاد که‌منجر بتوقف مذاکرات گردید دراین بین‌دولت روسیه‌نیز که پادشاه‌یونان‌را ضعیف‌دیدبخیال‌افتاد برضداو اقداماتی نمود و یکی از نوادهای نیکلای اول‌را پادشاه نماید. اتون اول که تمام‌راههای‌نجات‌را مسدوددید برای چاره‌جوئی مسافرتی بنواحی‌مختلف‌یونان‌نمود تا‌یونانیان‌راباخودهمراه کند ولی‌ملیون غیبت‌اوراازپایتخت مغتنم شمرده وحکومت موقتی در ۱۰ اکتبر ۱۸۶۲ تشکیل دادند .

روسیه وانگلستان که‌درحقیقت باعث ومشوق این انقلاب بودند هر کدام در صدد برآمدنددست نشانده خودرا بتخت سلطنت‌یونان بنشانند. بالاخره باواگذاری جزایر ایونی بیونان درسال ۱۸۶۳ شاهزاده ژرژدانمارك[۱] که‌دست‌نشانده‌انگلستان بودبسلطنت یونان انتخاب گردیدولی تمایل بتوسعه یونان که‌مورداتفاق‌تمام‌یونانیها بود ازبین نرفت .

درسپتامبر ۱۸۶۶ اهالی یونانی جزیره کرت که‌اکثریت ساکنین‌این جزیره را تشکیل می‌دادندبرضددولت عثمانی برای پیوستن بیونان انقلاب نمودند باوجود اینکه تمام دول اروپا بانضمام کرت بیونان موافقت داشتند تحریکات سفیرانگلستان در قسطنطنیه دولت عثمانی را ترغیب برردپیشنهاد فرانسه کـه مبنی بـر انتزاع کرت ازدولت عثمانی بودنمود . ارتش عثمانی در آوریل ۱۸۶۷ شورشیان کرت‌را

(۱) Georges I (۱۹۱۳_۱۸٤٥) پادشاه یونان_فرزند دوم پادشاه دانمارك_بعد از خلع اوتون اول ازطرف انگلستان وروسیه‌وفرانسه بپادشاهی یونان‌پیشنهاد شدومجلس یونان اورا در مارس ۱۸۶۳ بسلطنت‌انتخاب کرد_عادات ورفتار یونانیها را قبول کرد_ در سال ۱۹۱۳ در سالونیك بقتل رسید

مختاری داخلی پیدا نمود. دولت مصر فقط اسماً از سلطان عثمانی تبعیت میکرد و حتی دو مرتبه رسما برعلیه آن وارد در جنگ گردید و اگر اقدامات دول اروپا نبود سلطنت آل عثمان را هم از بین میبرد.

در نیمه دوم قرن نوزدهم گرچه دولت عثمانی باتفاق دول انگلستان و فرانسه و ساردنی بر دولت روسیه فاتح شد اما اصلاحات اساسی در طرز حکومت جز در روی کاغذ بعمل نیامد و از هر طرف ملل بالکان سعی در استقرار استقلال خود نموده و برای بدست آوردن آزادی بتلاش افتادند.

اقدامات ملل بالکان برای بدست آوردن استقلال ـ رقابت دول بزرگ برای استقرار نفوذ در عثمانی ـ سوء تدبیر سلاطین عثمانی و فشار و آزار بر مسیحیان باعث شد که مسائل بالکان که بنام مسائل شرق معروف است موجب تزلزل صلح جهانی و بروز حوادث زیادی گردد که در ضمن فصول بعد شرح داده خواهد شد.

یونان ـ بعد از تأسیس دولت یونان ملیون این کشور درتحت تأثیر عقاید نژادی و تاریخی شروع به تبلیغات برای بدست آوردن تسالی ـ مقدونیه ـ اپیرو جزیره کرت نمودند. بعضی ها هم نظر خودرا بدورتر معطوف ساخته چشم طمع به قسطنطنیه و جانشینی دولت بیزانس دوختند.

اوتون اول(۱) پادشاه یونان نیز تحت تأثیر این عقاید قرار گرفته و گمان نمود بمعیت روسیه میتواند یونانیان را بمقصود نزدیک کند باینجهت در جنگ کریمه برای ممانعت از کمك احتمالی یونان بروسیه سواحل یونان بوسیله جهازات انگلیسی مورد محاصره دریائی قرار گرفت.

بعد از جنگ کریمه یونان پادشاه خودرا متهم کردند که از موقع مناسبی که

(۱) Frédéric – Louis Othon I (۱۸۶۷ ـ ۱۸۱۵) پسر دوم لوئی اول پادشاه باویر ـ در ۱۸۳۲ بوسیله کنفرانس لندن بپادشاهی یونان انتخاب شد ـ بزودی مورد تنفر یونانیها قرار گرفت ـ از سال ۱۸٤٤ دراثر فشار آزادیخواهان مجبور به برقراری رژیم دموکراسی در یونان گردید ـ درسال ۱۸٦۲ درموقعیکه مسافرتی بخارج از آتن کرده بود حکومت انقلابی دراین شهر تشکیل و اورا از سلطنت خلع نمود.

درممالك اسکاندیناوی (سوئد-نروژ-دانمارك) تبلیغاتی برای وحدت نژادی اسکاندینارها شروع گردید.

ازسال ۱۸٤۰ مجامعی درسوئد ودانمارك برای توسعه فکر وحدت نژادی تشکیل شد ولی پادشاهان ونجبا که بشخصیت کشورهای خود علاقه زیادی داشتند مانع پیشرفت این افکار میشدند.

دراختلافی که بین دانمارك ودول آلمان درسر قضیه دوشه ها بروز نمود در سال ۱۸٤۸ پادشاه دانمارك متوسل به اتحاد اسکاندینا و ها گردیده و عده زیادی از اهالی سوئد بعنوان داوطلب وارد آرتش دانمارك گردیدند. پادشاه سوئد اسکار اول(۱) نیزارتش خودرا تجهیز نمود وبا کمك اروپا ترك مخاصمه مالموئه(۱) بامضاء رسید.

خطر دیگری که بعد ازژرمنها متوجه اسکاندیناوی میشد نفوذروسها درفنلاند و لاپونی بود پادشاه سوئد شارل پانزدهم(۳) در سال ۱۸۵۹ طرفدار جدی اتحاد اسکاندیناوها گردیدودرژوئیه ۱۸٦۳ طرح پیمان اتحادی بین سوئد ودانمارك تهیه شد ولی فوت فردریك هفتم(٤) پادشاه دانمارك باعث شد که پیمان بامضاء نرسددرسال ۱۸٦٤ درمورد اختلاف بین دانمارك وپروس واتریش ودول آلمان در باره قضیه دوشه ها ناپلئون سوم ودول اروپا از کمك بهدانمارك دریغ نمودند و باشکست دانمارك فکر اتحاد اسکاندیناوها نیزازبین رفت.

دول متحده امریکای شمالی - از سال ۱۸۵۰ بین دول شمالی وجنوبی دول

---

(۱) Joseph - Francois -Oscar I (۱۷۹۹-۱۸۵۹) پسر برنادت-درسال ۱۸٤٤ بجانشینی پدرش پادشاه سوئد گردید.

(۲) - Malmoe

(۳) Charles-Louis Eugéne,Charles XV (۱۸۲٦-۱۸۷۲) ازسال ۱۸۵۹ جانشین پدرش پادشاه سوئد گردید.

(٤) Charles - Christian Frédéric VII (۱۸۰۸-۱۸٦۳) از سال ۱۸٤۸ جانشین پدرش پادشاه دانمارك شد.

منکوب کرد ودولت عثمانی که انگلستان را حامی منافع خود می‌دید به‌اعتراضات دول اروپاوقعی‌ننها دولی یونانی‌هاهم ازتبلیغات وتقاضای خود منصرف نگردیدند .

شبه جزیره ایبریا - درنیمه اول قرن نوزدهم درنتیجه سوءتدبیر پادشاهان اسپانیاوپرتقال‌اغلب‌مستعمرات امریکائی‌این دودولت‌ازتحت تسلط آنهاخارج گردید اقدامات دولت روسیه نیز که میخواست بنام اتحاد مقدس درامور اسپانیا و پرتقال مداخله کند دراثرمخالفت انگلستان بجائی نرسید .

جنك وجدال وشورشهائی که برسرسلطنت اسپانیا وپرتقال بین خانواده های سلطنتی این دودولت بروز نمود باعث ضعف آنها گردید ونفوذ انگلستان دراین‌دو کشور کاملا مستقر گشت .

تحریکات‌انگلستان دراسپانیاوپرتقال باعث‌تعویض وروی کار آمدن کابینه‌های مختلف گردیدوهروقت یکی‌ازآنهابرخلاف مصالح انگلستان‌قدمی‌برمیداشت‌دیری نمیگذشت که‌ازکارمیافتاد.این‌جریانات‌باعث‌شد که‌دسته‌جدیدی‌دراسپانیابرای‌بدست آوردن وحدت‌شبه‌جزیره‌ایبریاشروع‌بفعالیت کنند. درسال ۱۸۵۶ درموقعیکه‌ولیعهد پرتقال‌برای‌مسافرت باروپا ازمادریدعبورمیکرد نمایشاتی دراین‌شهربرله‌اوداده‌شددر ژانویه ۱۸۶۶ نیزشورشی دراسپانیا بنفع پادشاه‌پرتقال‌بروزنمودولی به‌نتیجه‌نرسید .

درسال ۱۸۶۸ درقادس شورش دیگری برضد ملکه ایزابل (۱) صورت گرفت وسلطنت‌یك‌شاهزاده پرتقالی پیشنهاد گردیدولی‌پادشاه پرتقال بااین پیشنهادمخالفت کردواتحادشبه جزیره ایبریامتوقف‌ماند بعدابطوریکه شرح‌داده خواهد شد انتخاب پادشاه اسپانیا باسیاست فرانسه وآلمان تماس پیدا نمودونقشه هواخواهان وحدت اسپانیا وپرتقال بکلی ازبین رفت .

اسکاندیناوی - درقرن نوزدهم درمقابل ادعاهای نژاد هـای ژرمن و اسلاو

---

(۱)Marie- Louise - Isabelle II(۱۸۳۰-۱۹۰٤)ملکه‌اسپانیا از سال ۱۸۳۳ تا سال ۱۸٤۳ مادرش نیابت‌سلطنت را عهده دار بود-سلطنت او موردمخالفت عمویش دون کارلو واقع شده ومدت۷سال جنك بین آنهاادامه داشت-از سال ۱۸٤۳ زمام امور رادر دست گرفت-درسال ۱۸٦۸ درنتیجه‌یك شورش‌نظامی‌از اسپانیا بفرانسه فرار کرد

جهان مینمایند .

کاناداـ در اثر وقایعی که در دول متحده آمریکا اتفاق افتاد دولت انگلستان برای ازبین بردن اختلافات بین نژادهای فرانسوی وانگلیسی در ۲۹ مارس ۱۸۶۷ دومینیون کانادا را تأسیس کرد بدون آنکه رسماً از انگلستان جدا باشد دو مینیون کانادا با اتکاء بانگلستان شروع بتبلیغات برای ترویج مهاجرت باین کشور نمود و در اثر مساعی وزحمات مهاجرین روزبروز توسعه یافته وبا اتحاد قطعی که بین نواحی مختلف آن بوجود آمد صنایع و کشاورزی کانادا روزبروز تقویت گردید .

مکزیك ـ دولت مکزیك از سال ۱۸۲۱ استقلال خودرا اعلام داشت ودر نتیجه ازدواجهای زیادی که بین بومیان که اکثریت اهالی را تشکیل میدادند باخارجیان نژاد جدیدی که ترکیبی از نژادهای بومی وخارجی بود در مکزیك بوجود آمد ·

دراوائل امر کلیسای کاتولیك که خودرا مروج تمدن میدانست در نتیجه تبلیغات دامنه دار قریب یکسوم ازاراضی مکزیك را بدست آورد. از سال ۱۸۴۰ مکزیکیها نفوذ و تملك کلیسای کاتولیك را مانع پیشرفت اقتصادی وسیاسی خود شمرده بر ضد آن شروع باقدام نمودند. جنگ با دول متحده امریکای شمالی درسال ۱۸۴۸ وانتزاع چهارناحیه ازمکزیك بیشتر باعث بیداری حس ملی آنان گردید، در نتیجه انقلابی درمکزیك رخ داد که نزدیك بود اساس اتحاد آنهارا از بین ببرد .در ۲۶ ژوئن ۱۸۵۶ اموال کلیسا ضبط گردید وقانون اساسی سال ۱۸۵۷ دول متحده مکزیك رامرکب از ۲۷ دولت مانند قانون اساسی دول متحده امریکای شمالی بوجود آورد .

عرفی نمودن قوانین وازدواج نیزبا بیرون کردن ژزوئیتها صورت عملی بخود گرفت . محافظه کاران قسمت مرکزی شروع بمخالفت بـا این حکومت کردند ولی درنتیجه مساعی ژوآرز(۱) رئیس انقلابیون اقدامات آنهابجائی نرسیدواصلاحات

(۱) Benito,Juarez (۱۸۷۲ـ۱۸۰۶) سیاستمدار مکزیکی ـ از سال ۱۸۵۱ نایب رئیس جمهوری وسردسته شورشیان گردید ـ در ۱۸۶۱ وارد مکزیکو شده وزمام امور را در دست گرفت ـ در موقع سلطنت ماکزیمیلین ژوآرز دست ازمقاومت برنداشت ودر اثر کوشش او سلطنت ماکزیمیلین ادامه پیدا نکرد ـ در ۱۸۶۷ ارتش فرانسه از مکزیك خارج شد وماکزیمیلین بقتل رسید وژوآرز مجدداً رئیس جمهور مکزیك گردید ـ اقدامات واصلاحات اساسی بدست ژوآرز صورت گرفت .

متحده امریکا اختلافاتی درباره قضیه بردگان و آزادی بازرگانی خارجی پیدا شد. اهالی جنوب که بیشتر از کشاورزی استفاده میکردند طرفدار استفاده از بردگان و آزادی بازرگانی خارجی بودند چون باین‌ترتیب میتوانستند اجناس خودرا ببهای خوبی بفروش‌رسانده و کالاهای صنعتی‌را باقیمت ارزان‌بدست‌آورند. برعکس‌قسمت شمالی که ازسال ۱۸۳۰ دراثرمهاجرت اروپائیان توسعه‌زیادی پیدا کرده واهالی آن کارخانجات‌زیادی تأسیس کرده بودند آزادی‌بازرگانی خارجی‌رامانع بزرگی‌برای پیشرفت کارخود میدیدند وبارژیم بردگی نیزمخالف بودند.

درسال ۱۸۵۲ رژیم چهارناحیه که ازمکزیك منتزع وبه‌دول‌متحده‌امریکای شمالی‌ملحق گردیده بودمورد اختلاف‌شمالی‌ها وجنوبی‌ها گردیدولی‌بالاخره‌سازشی دراین موضوع بین آنها حاصل گردید اما تبلیغات شمالی ها برای از بین بردن بردگی وانتخاب آبراهام لینکلن (۱) در سال ۱۸۵۹ بریاست جمهوری باعث تشدید اختلافات گردید در ٤ فوریه ۱۸٦۱ دول جنوبی کنگره تشکیل داده و خودرا ازسایرقسمتهای دول متحده امریکای شمالی مجزی نمودند و ارتش جنوبیهابرای دفاع‌ازسرحدات تجهیز گردید.دول شمالی که مخالف این‌تجزیه‌بودندنیزبسیج‌نموده ودرنتیجه جنگ‌بین شمالیها وجنوبیها شروع‌شد این‌جنگ که‌مدت٤سال طول کشید بنفع شمالی‌ها خاتمه یافت.

در۲۲ سپتامبر ۱۸٦۲ لینکلن رژیم بردگی را لغو کرد و بعد از اتمام‌جنگ در سال ۱۸٦۵ اصل آزادی تمام مردم و لغو بردگی در پیمان اتحاد دول متحده امریکا گنجانیده شد. درسال ۱۸٦۷ تعرفه گمرگی برای حمایت صنایع داخلی برقرار گردیده ودول متحده امریکای شمالی ازاین تاریخ شروع بفعالیت درسیاست

---

(۱) Abraham Lincoln (۱۸٦۵-۱۸۰۹)سیاستمدار امریکائی-وکیل مجلس ایلینو آدر ۱۸۳٤ نماینده کنگره در ۱۸٤٦-ازسال ۱۸٤۹ تقاضای‌لغو بردگی رانمود در ۱۸۵۹ بریاست جمهوری انتخاب شد-جنگ انفصال بین شمالیها وجنوبیها شش هفته بعد از انتخاب او به ریاست جمهوری شروع شد-لینکلن باتصمیم راسخ برنامه خود را تعقیب کرد-درسال۱۸٦٤دو مرتبه بریاست جمهوری‌انتخاب گردید-در۳ آوریل ۱۸٦۵ فاتحانه وارد پایتخت جنوبیها شد چند روز بعد توسط‌یکی از متعصبین جنوبی بقتل‌رسید

او مفتوح نمودند ولی ناپلئون سوم برای پیشرفت نظر خود ۴۰۰۰ سرباز دیگر گسیل داشت دراین بین بیماری درارتش اعزامی شیوع یافت ودرنتیجه اصرار اسپانیولیها در ۲۳ فوریه پیمانی بین آنها وژوآرز بسته شد که دیگر بسربازان اروپائی بهانه حمله بدولتی که رسماً شناخته بودند نمیداد .

ناپلئون سوم درمقابل این وضع سردار فـرانسوی را معزول نموده و بارتش فرانسه امر به پیشروی داد ودرنتیجه فرانسه یکه وتنها با ۶۰۰۰ سرباز برای برقراری ماکزیمیلین درمکزیك شروع باقدام نمود ، دراول امر فرانسویها دچارشکست شده ومجبور بعقب نشینی گردیدند ولی بافرستادن کمك وهزینه زیاد وبالاخره در ۵ ژوئن ۱۸۶۳ فرانسویها وارد مکزیکو شده وسلطنت ماکزیمیلین رااعلام کردند . ژوآرز نیز مجبور شد به نواحی شمالی پناهنده شود اما باپشتیبانی ملت مکزیك دست ازمقاومت بر نداشت .

بعدازاینهمه زحمت ماکزیمیلین که متوجه عدم ثبات سطلنت مکزیك شده بود وافکاراین ملت راباخود مخالف میدیدازرفتن بمکزیك امتناع کرد تابالاخره درنتیجه اصرارهمسرش (دختر پادشاه بلژیك) و ناپلئون سوم وپادشاه بلژیك ووعده فرانسوژوزف درباب تثبیت حق موروثیت اوبسلطنت اتریش ماکزیمیلین در ۱۹ آوریل ۱۸۶۴ بـه طرف مکزیك رهسپار گردید .

بمحض ورود بمکزیك در ۱۲ ژوئن ۱۸۶۴ ماکزیمیلین حس نمود که سلطنت کاتولیکی قابل دوام نیست باین جهت شروع باصلاحات نموده ومکزیکیهارا دراداره امور دخالت داد . ازآنطرف چون پایه واساس سلطنتش بوسیله کاتولیکها گذاشته شده بود مجبور باطاعت اوامر آنان نیز گردید ودرنتیجه باهیچیك ازطرفین نتوانست بسازد فقط بانکاء ارتش فرانسه تاسال ۱۸۶۷ توانست بسلطنت خود ادامه دهد .

درسال ۱۸۶۷ دول متحده آمریکای شمالی که موفق برفع اختلافات داخلی خود

اقتصادی شروع شد .

از سال ۱۸۵۹ کاتولیکها که منافع زیادی را در مکزیك ازدست داده بودند شروع بتحریك بر علیه این حکومت ملی نموده و توانستند نظر مساعد سه دولت فرانسهوانگلستان واسپانیا را برضد حکومت ژوآرزجلب کنند زیرادولت مکزیك در۳ژوئن۱۸٦۱ ازادای قروض خود بدول دیگر خودداری نموده وحفظ منافع‌مالی فرانسه وانگلستان واسپانیا بهانه خوبی برای‌مداخله در امور این دولت بود خصوصاً که دراینموقع دول متحده‌آمریکای‌شمالی سرگرم تقاضای‌های‌داخلی‌بوده وترسی از مداخله این دولت در بین نبود .

گرچه درصورت‌ظاهرسه دولت‌فرانسه وانگلستان واسپانیا بایکدیگربرعلیه مکزیك متفق بودند ولی هر کدام منظور و هدف بخصوصی داشتند . ناپلئون سوم برای‌بدست‌آوردن خاطر کاتولیکهاوحفظ‌منافع کلیسای کاتولیك‌اقدام‌میکرد‌انگلیسها منظورشان تقویت بازرگانی وتحصیل منابع‌اقتصادی‌بود. دولت اسپانیا که‌هیچکدام ازاین‌نظریات‌را تعقیب نمیکرد میل‌داشت‌مکزیك‌را مستعمره‌خودنموده‌یاالاقل‌یکی از اعضای خانواده سلطنتی اسپانیا را بتخت سلطنت مکزیك بنشاند .

درماههای دسامبر۱۸٦۱وژانویه۱۸٦۲شش هزار سرباز اسپانیولی ودوهزار و پانصد سرباز فرانسوی با کمك جهازات انگلیسی وارد مکزیك و در وراکروز(۱) پیاده شدند. ناپلئون‌سوم در اینموقع مایل‌بود سلطنت ماکزیمیلین(۲) را در اسپانیا بر قرار کند ودر نتیجه هم‌آهنگی که بین متفقین وجود داشت ازبین رفت .

انگلیسها و اسپانیولیها مانع اعلان جنگ بـه ژوآرز شده و باب مذاکرات را بـا

---

(۱) Veracruz

(۲) Ferdinand Joseph Maximilien (۱۸۳۲-۱۸٦۷) امپراطور مکزیك- برادر فرانسواژوزف‌پادشاه اتریش - در۱۸۵۷ بادختر پادشاه بلژیك ازدواج کرد -در ۱۸٦۳در نتیجه اصرار ناپلئون سوم بامپراطوری مکزیك انتخاب شد و در ۱۸٦٤ وارد مکزیك گردید-بعد از خروج قوای فرانسوی از مکزیك در ۱۸٦۷ مکزیکیها بر علیه او قیام کردند.ماکزیمیلین اسیر و محکوم بمرك و تیرباران گردید

گذارد.عدهٔ انگلیسی و فرانسوی وهلندی و آلمانی باین سرزمین مهاجرت کرده و بنام آفریکاندرز معروف گردیدند.ترانسوآل واورانژ نیز باین مستعمرات افزوده شد ولی دولت انگلستان دو جمهوری مستقل تحت حمایت خود بنام ترانسوآل و اورانژ تأسیس کرد.بوئرها که. ساکنین این‌دوجمهوری بودند بیشتر بشبانی پرداخته و آزادی خود را بکمال قوت حفظ میکرد.

استرالیاـ باکشف معادن طلا دراسترالیا درقرن نوزدهم ازهرسو مردم بطرف این جزیره بزرك متوجه شده و در ظرف مدت کمی جمعیت این سرزمین چندین برابر گردید در سال ۱۸۵۵ دولت انگلستان چهار مستعمره در استرالیا تشکیل داد و بهر کدام از آنها آزادی زیادی اعطا نمود.این دول دارای مجلس سنا ومبعوثان ووزیران مسئول در مقابل پارلمان گردیدند. دراثر توسعه وسائل ارتباط و استخراج معادن و توسعه گله داری قدرت و قوت استرالیا رو بافزایش گذاشت و ملت استرالیا در صدد بر آمد با کمك انگلستان جزائر اقیانوسیه را تحت نفوذ خود در آورد.

در نیمه دوم قرن نوزدهم استرالیا مانند دو مینیون کانادا دول متحده تشکیل داده و در بین راه دنیای قدیم و جدید رل مهمی را در اقیانوس ساکن بدست آورد.

ژاپنـ تانیمه دوم قرن نوزدهم کشور ژاپن از هر طرف مسدود و روابطی با خارجیها نداشت. حکومت آن یکنوع ملوك الطوایفی بود.امپراطور ژاپن دارای هیچگونه اختیاری نبود امور کشور بدست شوگون (۱) که در شهر یدو (۲) مسکن داشت اداره میشد. رؤسای قبایل دائیمیو ها (۳) وساموورائی ها (٤) نیز دارای نفوذ زیادی بودند.

در سال ۱۸۵٤ کشتیهای آمریکائی وانگلیسی ژاپن را مجبور کردند روابط

---

(۱) Shogoun فرماندهان نظامی درژاپن که مدتی عملا بطور موروثی حکومت ژاپن را دردست داشتند.

(۲) yedo شهر قدیمی توکیو

(۳) Daîmio نجبای درجه اول ژاپن

(٤) Samouraï نجبای درجه دوم ژاپن

شده بودند نظریه‌مونروئه[1] را پیش کشیده‌وعدم مداخله دول اروپارادرامور آمریکا تقاضا کردند ـ ازطرف دیگرخطرپروس که‌روزبروزنزدیکترمیشد فرانسه‌رامجبور نمود ارتش‌خودرا ازمکزیك احضار کندودر ۱۱ مارس ۱۸٦۷ آخرین دسته سربازان فرانسوی ازمکزیك خارج گردید ماکزیمیلین که بدون یارویاور درمکزیك‌تنها مانده بود بوسیله یکی ازافسرانش تسلیم ژوآرز ودر ۱۹ ژوئن ۱۸٦۷ تیرباران گردید .

بعدازقضیه ماکزیمیلین‌ژوآرز جمهوری‌مکزیك راتقویت وشروع‌باصلاحات اساسی نموده واتحادنواحی مختلف مکزیك عملی گردید .

آمریکای جنوبی ـ درنتیجه استقلال دول متحده‌آمریکای شمالی ازشروع قرن نوزدهم تبلیغات وفعالیتهائی درآمریکای جنوبی برضد دول مستعمراتی اروپا شروع‌شد. ضعف‌وسوءتدبیرپادشاهان‌اسپانیا وپرتقال نیزمؤیداین‌جنبش گردید.دولت انگلستان هم که از منافع زیادی در آمریکای شمالی‌محروم‌شده بود برای بدست آوردن بازار تجارتی وبرقراری نفوذ خود درآمریکای جنوبی ازهیچگونه کمك‌و مساعدتی بشورشیان‌آمریکای جنوبی خودداری نمینمود . درنتیجه درنیمه‌اول قرن نوزدهم دول بزرگی مانندآرژانتین ـ شیلی ـ برزیل وغیره بصورت دول متحده بر اساس تشکیلات دول متحده‌آمریکای شمالی بوجودآمد .

افریقای جنوبی ـ مستعمرات انگلیسی‌کاپ درنیمه قرن نوزدهم شروع به توسعه نمودند . در ۱۱ مارس ۱۸۵۳ دولت انگلستان قانون اساسی برای آنها وضع نمود که تاحدی استقلال داخلی‌آنان را تأمین میکرد .

با اصلاحات اقتصادی وایجاد راه‌آهن بزودی جمعیت این نواحی روبافزایش

---

(۱)Monroë نظریه که برای اولین مرتبه‌ازطرف‌رئیس جمهوری دول متحده‌امریکای شمالی مونروئه‌در سال‌۱۸۲۳ برای‌جلوگیری ازاقدامات احتمالی اتحادمثلث در آمریکا ابراز شد خلاصه این نظریه‌اینستکه‌آمریکا در اموراروپا دخالت نمیکند و هیچ دولت اروپائی حق ندارد در امور قاره آمریکا دخالت کند.

چون سفیر انگلستان تقاضای ملاقات امپراطور چین را جهت قرائت نامه ملکه انگلستان نمود و این امر توهین بزرگی برای چینیها محسوب میشد مذاکرات قطع گردید. ارتش انگلستان و فرانسه به پیشروی خود ادامه داده و بشهو هوزیو [۱] در نزدیکی پکن رسیدند . دراینجا باز چینیها مذاکرات راشروع وقسمتی ازارتش اروپائی راغافلگیر نموده بقتل رسانیدند ، اروپائیان بجنگ ادامه داده ودر ۱۳ اکتبر ۱۸۶۰ وارد پکن شدند . امپراطور چین برای مقابل نشدن با اروپائیان فرار اختیار کرد . اروپائیان هم برای انتقام قصر تابستانی امپراطور را آتش زدند تابالاخره در ۱۴ اکتبر پیمان صلح بین شاهزاده کونگ [۲] بنام امپراطور چین بافرانسه وانگلستان بسته شد .

انگلیسها با کمك هائیکه برای خوابانیدن شورش تائی پینگ [۳] به چینیها نمودند مورد توجه امپراطور چین واقع شده ونفوذ زیادی دراین کشور بدست آورده نظارت گمرکات چین بعهده آنها واگذار گردید و درتحت تأثیر آنها در سال ۱۸۶۳ دولت چین نمایندگانی بدربارهای اروپا فرستاد .

در صورتیکه انگلیسها و فرانسویها با کمك توپ سیاست خود را در چین پیشرفت میدادند روسها با دیپلوماسی شروع بکار نموده با توسعه سیبری باطراف رودخانه آمور رسیده بودند . در ۱۶ مه ۱۸۵۸ ژنرال موراویف [۴] پیمان آیگون [۵] را با چینیها بسته وسواحل سمت چپ آمور رسماً به سیبری ملحق گردید .

---

(۱) Ho-si-wo

(۲) Kong (۱۸۹۸ - ۱۸۳۲) سیاستمدار چینی - برادر امپراطور چین - از سال ۱۸۶۰ امور چین مخصوصاً روابط باخارجیها را دردست داشت .

(۳) Taï-pings فرقه مذهبی درچین که مخلوطی از عقاید چینی و مذهب مسیح بود - از ۱۸۵۰ این فرقه تأسیس گردید و تمام ناراضیها بآن پیوستند - در قسمت جنوبی چین شورش کرده وچندین ناحیه را متصرف شدند .

(۴) Mouraviev 'Amourski , Nicolas - Nicolaïevich (۱۸۸۱ - ۱۸۱۰) سردار روسی - مدتی درقفقاز خدمت کرد - در ۱۸۴۷ حاکم سیبریه شرقی شد تمام ناحیه آمور را متصرف شد .

(۵) Aigoun

بازرگانی بادنیا بر قرار کند.

در نتیجه فشار آنها در سال ۱۸۵۸ ژاپنیها پیمانهای بازرگانی با خارجیها منعقد کردند.نفرت از خارجیها باعث شد که نجبا و ملت از شوکون زوگردان شده و یکنوع بحرانی درژاپن بوجود آید ساموروائیها که ازسوابق تاریخی ژاپن اطلاع‌داشتندطرفداربرگشت برژیم‌سابق‌یعنی قدرت امپراطورشده ودر بین‌آنها عده طرفدارفراگرفتن علوم وفنون‌غربی گردیدند تابوسیله‌آن قدرت‌ژاپن‌را تأمین کند. ازسال ۱۸۶۲ساموروائیها دورامپراطور ژاپن موتسوهیتو[۱]جمع‌شده وبالاخره‌درسال ۱۸۶۸ شوگون را ازبین بردند.

در تحت تأثیر افکارامپراطور وطبقه منورالفکر ژاپن اصلاحات شروع شد. اشخاص عالیمقام وجوانان این کشوربرای فراگرفتن علوم وفنون غربی‌باروپا اعزام شدند. راه آهن و کشتی رانی در ژاپن شیوع یافت وبانظرموافق ملل‌خارجی ژاپن شروع‌بفعالیت نمود. ازاین تاریخ‌بااتکاء بسوابق تاریخی خوددولت ژاپن دراقیانوس ساکن وخاوردورآرزوهای بزرگی‌را تعقیب و کم‌کم وارد مسابقه سیاسی میگردد.

چین - ازسال ۱۸۴۲ بموجب پیمان نانکن انگلیسهاروابط بازرگانی خودرا باچین‌توسعه دادند. درسال ۱۸۴۴ فرانسویهابموجب‌پیمان‌وامپوا[۲]حمایت کاتولیکها را درچین بدست‌آوردند باوجود این پیمانها چینیها ازقتل‌وغارت مسیحیان‌خوداری نمینمودند باین جهت درسالهای ۱۸۵۷ و۱۸۵۸ جهازات فرانسه وانگلستان بندر تاکو [۳] رابمباران کرده ونمایندگان دائمی خودرا بدربارچین تحمیل کردند،

درسال بعد چینیها ازورود سفرای اروپائی ممانعت بعمل‌آوردند درنتیجه در فوریه ۱۸۶۰ ارتش فرانسه وانگلیس بطرف پکن متوجه گردید در ۲۳ اوت پرچم انگلیسیان برفرازترین تسن‌برافراشته‌شد چینیها ناچارحاضربرای مذاکرات شدندولی

---

(۱) Mutsou-Hito (۱۹۱۲-۱۸۵۲) امپراطورژاپن‌ازسال ۱۸۶۷- اصلاحات‌زیادی درامورژاپن بعمل آورد ژاپن را وارد جرگه دول بزرک نمود.

(۲) whampoa

(۳) takou

دربین این دوسیاست نفع دولت ایران نگاهداری این رقابت بود تابتواند استقلال خود را حفظ کند وتاریخ نشان میدهد که هروقت بین انگلستان وروسیه موافقت پیداشده استقلال این کشور بخطر افتاده است .

درسالهای ۱۸۱۳و۱۸۲۸ درنتیجه جنگ بادولت ایران روسهادوپیمان گلستان وترکمن‌چای را بایران تحمیل نمودندبموجب معاهده ترکمن‌چای ۱۸۲۸ قفقازیه ازایران منتزع وبحرخزردریای روسی گردید رژیم کاپیتولاسیون در ایران برقرار شده وتعرفه گمرکی بنفع روسها تنظیم گردید دول دیگرنیز بموجب ماده معروف دول کامله الو داد ازمزایای آن استفاده کردند .

انگلیسها نیزدرسال ۱۸۳۵ایران رامجبور بشناختن سیادت‌دریائی انگلستان در خلیج فارس نموده و کشتی رانی در خلیج را تقریباً بخود اختصاص دادند درسال ۱۸٦٤ هم امتیازبرقراری خطوط تلگراف را بدست آورند .

درقرن نوزدهم انگلیسها وروسها ازاقتدارونفوذ خود در ایران استفاده کرده وهر کدام مزایای اقتصادی وسیاسی زیادی بدست آورده وسرزمین ایران میدان رقابت سیاسی این دو کشور گردید درداخل کشور نیزهرج ومرج وجود داشته وحکومت مرکزی ضعیف بوده وروش معینی نداشت .

روسها سیاست‌خودرا طوری تعقیب مینمودند که بدون‌اینکه اهانتی‌به‌چینیها وارد سازند موفقیت‌های‌اساسی بدست‌آوردند. بعدازتصرف سواحل اقیانوس کبیر بندر ولادیوستك‌را بنانموده وروابط بازرگانی وسیاسی خود را ازطریق خشکی ودریا با چین توسعه دادند. در ۱۸۶۷ هم برای اینکه هم خود راکاملا مصروف آسیا کنند آلاسکا رابدول‌متحده‌آمریکای شمالی‌فروخته ودامنه عملیات‌خود رابدریای‌برینگ محدود کردند.

ایران ـ از زمان سلطنت صفویه ایران‌میدان رقابت سیاسی دول‌اروپا گردید اقتدار سلاطین صفوی و نادرشاه افشار مانع زیاده روی آنها گردید ولی از زمان سلطنت قاجاریه‌نفوذخارجی‌ها روزبروززیادتر گردیدو آقامحمد خان‌دائماً باروسها در جنگ وجدال بود.

درزمان‌سلطنت فتحعلی‌شاه ناپلئون بناپارت یکی ازسرداران خود را موسوم به ژنرال گاردان (۱) مأمورایران‌نمودتابتواند باین طریق انگلیسها را درهندوستان تهدید کند. بعد ازملاقات تیلسیت‌ناپلئون وعده‌های‌خود رافراموش کرد. انگلیسها ازاین امر استفاده کرده و درسالهای ۱۸۱۲ و۱۸۱٤پیمانی بادولت‌ایران‌منعقد کردند که بموجب آن دولت ایران تعهد مینمود ازهرنوع لشکرکشی بسمت هندوستان جلوگیری کند در عوض انگلیسها وعده دادند که در مقابل حمله دول اروپائی به ایران کمك کنند.

بعدازسرنگون‌شدن‌سلطنت‌ناپلئون‌انگلیسهارقیب تازه که‌بمراتب خطرناکتر از فرانسویها بود یعنی روسها درایران پیدا کردند زیرا ازطرفی‌روسها همواره‌مایل برسیدن بدریای آزاد بوده و کشور ایران راه مناسبی بنظر میامد.

از طرف دیگر راههای بری هندوستان از ایران وافغانستان عبور مینمود و انگلیسی‌ها بهیچوجه راضی‌به‌برقراری‌تسلط کشوردیگری دراین نقاط‌نمیگردیدند.

(۱) Claude - Mathieu de Gardane (۱۸۱۷ - ۱۷۶۶) سردار فرانسوی

نگاهداری متصرفاتش درایتالیا شده بود سعی‌نمود میانجیگری کرده وبا تعدیل‌نظر انگلستان‌نسبت بروسیه درضمن‌ارسال اولتیماتومی روسیه راحاضر بقبول صلح نماید بعد از مذاکراتی که بین نمایندگان اتریش و فرانسه و انگلستان صورت گرفت در ۱۶ دسامبر ۱۸۵۵ اولتیماتومی بدولت روسیه ارسال شد وچنانچه تزار روسیه تا ۱۷ ژانویه ۱۸۵٦ نظرخود را ابراز نمینمود دولت‌اتریش نیز بمعیت متفقین وارد درجنگ میگردید . مفاد اولتیماتوم بقرار زیر بود :

۱ ـ حکومت نشین‌های‌حوالی رود دانوب‌تحت‌حمایت دسته‌جمعی دول‌بزرگ قرار خواهندگرفت واین دول سازمان داخلی آنها را تضمین میکنند دولت عثمانی بدون تصویب دول اروپا حق مداخله نظامی در امور آنها نخواهد داشت.تصحیحات مرزی هم در قسمت بسارابی بعمل خواهدآمد .

۲ ـ آزادی کشتی رانی در روی رود دانوب تحت نظارت دول طرف قرارداد برقرار خواهد شد .

۳ ـ دریای سیاه بی طرف خواهد شد و قراردادی راجع بـاین موضوع بین دولتین روسیه وعثمانی بسته شده و ضمیمه پیمان خواهد گردید . دولت عثمانی‌وارد جرگه دول اروپائی شده وهرگونه اختلافی که بین اوودول دیگرامضا کننده‌پیمان رخ دهد قبلا بنظردول دیگرخواهد رسید . اصل بسته بودن‌بغازها نیزمجدداً اعلام خواهدگردید .

٤ـ بدون‌اینکه‌باستقلال‌وحاکمیت‌دولت عثمانی‌لطمه‌واردشودحقوق‌مسیحیان ساکن این کشورتأئیدخواهدشد دولت عثمانی دراین باب اقداماتی‌بعمل‌خواهدآورد که باید مورد تصدیق روسیه واقع شود .

۵ ـ دول متحارب می‌توانند علاوه بر شرایط فوق شرایط دیگری راهم که موافق با منافع اروپائی باشد برقرار سازند .

دولت روسیه‌چون احتمال‌نمیداد دولت اتریش بمتفقین به پیوندد در ۵ ژانویه

فصل دوم

کنگره صلح پاریس (۱۸۵۶)

جنگ کریمه - بیطرفی پروس - تردید اتریش - ورود دولت ساردنی در جنگ - تسخیر سباستوپول - اولتیماتوم متفقین - قبول آن ازطرف روسیه - دولی که در کنگره شرکت کردند - افتتاح کنگره صلح درپاریس - پیمان صلح - موضوعهای دیگری که درکنگره موردبحث قرار گرفت - نتایج کنگره پاریس و جنگ کریمه .

در سال ۱۸۵٤ جنگ کریمه بین انگلستان و فرانسه و عثمانی ازیکطرف و دولت روسیه ازطرف دیگر شروع شد دولت اتریش با اشتیاق فراوانی که بمداخله در این جنگ بکمك فرانسه و انگلستان داشت در اثر تحریکات و سیاست دولت پروس تا آخر جنگ را بتردید گذراند . دولت پروس که در اوائل امر مایل بورود درجنگ بنفع متفقین بود در اثر نصایح بیسمارك رویه خود را تغییر داده و با ممانعت اتریش از پیوستن بمتفقین بیشتر بروسیه کمك کرد . دولت ساردنی با راهنمائی کاوور برای احراز مقام درجه دول اروپا وعملی کردن وحدت ایتالیا تحت سیادت دولت ساردنی بدون توقع قبلی در ۲٦ ژانویه ۱۸۵۵ ارتش خود را در اختیار متفقین گذاشت .

دردوم مارس ۱۸۵۵ نیکلای اول تزار روسیه فوت نمود وجانشین او آلکساندر دوم باعث امیدواری بیشتری برای برقراری صلح گردید . بعد از تسخیر سباستوپول در صورتیکه دولت انگلستان مایل بود جنگ را ادامه داده و منافع بیشتری ببرد ناپلئون سوم درمقابل بی میلی فرانسویها بجنگ طرفدارصلح گردید . دولت اتریش که نتوانسته بود وارد درجنگ شود و کمك ساردنی بمتفقین موجب تشویش اوبرای

شرایط صلح تنظیم گردیدوموضوع بغازهابمیان آمد چون دولت پروس نیزدرقرارداد ۱۸٤۱ شرکت کرده‌است درجلسات کنگره شرکت کند. باوجود تقاضاهای مکرر دول دیگر آلمان از کنفدراسیون ژرمانیك هیچکس دعوت نشد .

کنگره‌صلح در۲۵ فوریه۱۸۵٦ درپاریس افتتاح گردید ریاست کنگره با وزیرخارجه فرانسه کنت‌والوسکی(۱) بودونمایندگان‌دول‌انگلستان-فرانسه-روسیه -اتریش - ساردنی - عثمانی در آن شرکت داشتند . چون قبل از تشکیل کنگره شرایط صلح معین شده‌بود کار کنگره خیلی سهل وآسان بود فقط درباره مرز های مولداوی واتحاد این حکومت‌نشین با والاشی مذاکرات زیادتری بعمل آمد. دولت روسیه مجبور گردید درباره مرزهای مولداوی گذشتهائی بکندوراجع باتحادآن با والاشی اخذ تصمیم موکول ببعد شد .

پیمان صلح روز ۳۰ مارس ۱۸۵٦ بامضاء رسید وتصمیمات مهم آن بقرارزیر میباشد :

دولت عثمانی وارد جرگه دول اروپا میشود وهریك ازدول تمامیت خاك‌اورا ضمانت میکنند و در صورت اختلاف هریك از آنهپ موظفند دول دیگر را از موضوع اختلاف مطلع سازند تا بلکه بتوان بوسیله میانجیگری از بروز جنك جلوگیری کرد .

دولت عثمانی موظف گردید فرمانی صادرنموده ورعایت حقوق ساکنین این کشوررا تصریح کند .(۲)

---

(۱) Alexandre -Florian-Joseph - Colona ، Comte Walewski (۱۸٦۸-۱۸۱۰) سیاستمدار فرانسوی- پسر غیرشرعی ناپلئون اول وماری والوسکای لهستانی-لهستانی‌الاصل در۱۸۳۰ بتبعیت فرانسه درآمد - وارد روزنامه‌نگاری‌وسیاست شد- چندمرتبه‌نمایندگی فرانسه درنزد دول خارجی باومحول شد- وزیر خارجه فرانسه از۱۸۵۵ تا ۱۸٦۰- رئیس مجلس مبعوثان فرانسه درسال ۱۸٦۵ .

(۲) این فرمان در تاریخ ۱۸ فوریه ۱۸۵٦ سادر شده بود ولی هیچگونه اثر عملی پیدا نکرد .

پاسخ مبهمی به ٤ شرط اول داد وشرط پنجم رابعلت اینکه مفاد آن معلوم نیست رد کرد وباوجوداینکه تذکرداده شد که این شروط عبارت خواهند بوداز استردادقارص وبیطرف نمودن جزائر الاند (۱) دولت روسیه درصددبر آمد ازاین اولتیماتوم برای بدست آوردن فرصت بیشتری استفاده کند.

دولت پروس که ازنتایج جنك وقوی شدن فرانسه بیم داشت ومخصوصاً شخص بیسمارك که انتظارات زیادی ازناپلئون سوم داشت دراین موقع مداخله نموده وفردریك گیوم چهارم نامه به تزار روسیه نوشته وباو توصیه کرد شرایط اولتیماتوم را بپذیرد در نتیجه در ۱٦ ژانویه ۱۸٥٦ دولت روسیه قبول اولتیماتوم را اعلام داشت و تاریخ انعقاد کنگره صلح در پاریس روز ۲٥ فوریه تعیین گردید.

اولین موضوع گفتگودر کنگره عبارت‌ازاین بود که چه دولی‌باید در کنگره شرکت کنند. شرکت دول انگلستان و فرانسه و عثمانی وروسیه و ساردنی مورد بحث‌نبود. دولت سوئد که فرصت ورود درجنك رانکرده بود باشرکت نکردن در کنگره موافقت نمود. دولت اتریش گرچه مایل بشرکت در کنگره نبود ولی‌چون جرئت ابراز آنرا نداشت به کنگره دعوت شد. دولت پروس میل زیادی بورود در کنگره داشت‌امادرمقابل دلائل‌انگلستان که‌اظهارمیداشت دولی‌باید در کنگره‌های صلح شرکت کنند که درمدت جنك متحمل خساراتی شده باشند موفق بورود در کنگره‌نگردید. دولت روسیه‌هم که عدم‌ورود پروس را در کنگره ازموجبات‌ضعف این دولت میشمرد ومایل بود دولت پروس همواره باواتکاء داشته باشد روی موافقتی نشان نداد. دولت اتریش گرچه در ظاهر از پروس طرفداری میکرد ولی در باطن برای‌ممانعت ازشرکت پروس در کنگره ازهیچگونه فعالیتی‌خودداری نمیکردفقط ناپلئون‌سوم دراثر کینهٔ که ازاتریش‌دردل گرفته‌بود ازدولت پروس‌طرفداری‌میکرد وبالاخره‌قرارشددرجلسات اولیه کنگره دولت‌پروس‌شرکت نکنند فقط درموقعی که

(۱) Aland

۱ـدولت روسیه گرچه درظاهرشکست خورده‌بود ولی خفیف نشده وهیچیک از سرحدات اصلی خـود را ازدست نداده بود بیطرفی دریای سیاه‌را امری مـوقتی تلقی نموده وبطوریکه خواهیم دید در اولین فرصت در صدد الغـاء آن برخواهـد آمد . دوستی پروس تقویتی برای اوبوده وتبلیغات نژادی که از این تـاریخ شروع میشودوسیله‌دیگری‌خواهد بودتابادردست گرفتن نهضت‌اتحاداسلاوبتواندربسط‌نفوذ خوددربالکان کوشش کند . دولت فرانسه‌هم نسبت‌بروسیه رویه‌معتدلی‌را پیش گرفته وازهرجهت دولت روسیه نسبت بآینده خود امیدوارمیشود .

۲ ـ دولت عثمانی موقتاً ازخطرروسیه درامان میماند ولی فساد داخلی این دولت و هـرج و مرجی کـه در دستگاه حکومت وجـود داشت بـا تبلیغـات و کوششهای نژادهای تابع این امپراطوری توأم شده خطرتجزیه این دولت روزبروز زیادترمیشود .

۳ـدولت انگلستان که‌امیدزیادی ازنتیجه این جنگ داشت کاملابمقصودخود نرسید گرچه دولت روسیه شکست خورده وازنفوذآن در دولت عثمانی و مدیترانه کاسته‌شده‌بودولی‌ازدولت فرانسه که‌تاپایان امر ازسیاست او پیروی نکرد دلگیر بود وآنطور که انگلستان انتظارداشت دولت روسیه ضعیف نـگردید . در نتیجه رقابت روسیه باانگلستان درنتیحه این جنگ خاتمه پیدا نمیکند .

٤ ـ دولت اطریش ازتمام دول دیگر بیشترضرر کرده بود از طرفـی دولت روسیه ازعدم حق‌شناسی‌اتریش وازمیلی که بالحاق بمتفقین نشان داده بودخشمگین ومایل بتلافی بود ازطرف دیگرمتفقین هم ازتردید اطریش ناراضی شده و ناپلئون سوم ازاوکینه بدل گرفته بود علاوه برآن دودولت‌جدید ساردنی درایتالیاودیگری پروس‌درآلمان خودرابرای انجام وحدت‌ایتالیا وآلمان حاضر کرده‌وتهدیدمستقیمی برای اتریش بشمارمیرفتند درداخله اتریش‌هم تبلیغات‌اتحاداسلاو وتقاضاهای مجارها این دولت را فوق‌العاده ناراحت میکرد .

۵ ـ دولت فرانسه درنتیجه جنگ کـریمه بنظر می‌آمد استفاده زیادی بـرده

مفاد پیمان ۱۸٤۱ راجع به‌بسته‌بودن بغازها تأئید گردید .

دریای‌سیاه بیطرف‌شناخته شد وتعداد کشتیهای دولتین روسیه وعثمانی بطور تساوی تعیین گردید .

آزادی کشتی‌رانی‌درروی رود دانوب برقرار کمسیونی‌برای‌تسهیل کشتی‌رانی ووضع مقررات‌لازم دراین موضوع پیش‌بینی‌شد .

دول امضاء کننده متعهدشدند درظرف چهارهفته تصویب‌پیمان‌را تأئید کنند .

گرچه بعدازامضای پیمان صلح کار کنگره تمام‌شده بود ولی چندموضوع دیگر نیز مورد مذاکره در کنگره واقع شد که آنها را می‌توان بشرح زیر خلاصه نمود :

۱ ـ لزوم توجه بوضع یونان .

۲ ـ تخلیه متصرفات پاپ ازارتش فرانسه واتریش .

۳ ـ لزوم تعقیب رویه مسالمت‌آمیز درمقابل افکارآزادیخواهان دردول شبه جزیره ایتالیا .

٤ ـ ابراز تنفر عمومی نسبت بحملات روزنامه‌های بلژیك برضدناپلئون‌سوم ولزوم جلوگیری اززیاده روی‌آنها .

۵ ـ وضع مقررات برای حقوق دریائی .

٦ـ طرح میانجیگری وداوری بین دول درمسائل مورد اختلاف .

راجع به٤ موضوع اول که بتحریك ناپلئون سوم ودرقسمتهای مربوطبایتالیا بتقاضای کاوور موضوع مباحثه قرار گرفته بود نتیجه عملی گرفته‌نشدموضوع‌داوری گرچه درصورت ظاهرمورد موافقت تمام دول قرار گرفت ولی هرکدام از آنها آزادی عمل‌رابرای‌خود حفظ مینمودند.فقط درقسمت پنجم مقرراتی‌ازطرف کنگره وضع گردید .

بعد از مطالعه پیمان صلح پاریس نتایج جنك کریمه‌را میتوان بشرح زیر خلاصه نمود :

فصل سوم

فرانسه ونابلئون سوم بعدازجنك کریمه

اهمیت فرانسه بعد از جنك کریمه- عقاید ناپلئون سوم-امور ایتالیا- قضایای رومانی-سوءقصداورسینی-جنك بااتریش-عدم توافق نظر با دولت ساردنی-تصرف نیس وساووآ-اقدامات برای جلب نظر کاتولیکها-تحریکات ناپلئون سوم دررومانی وسربستان-شورش لهستان-مداخله درامور مکزیك- عدم موفقیت سیاست ناپلئون سوم در داخله وخارجه

بعد از جنك کریمه نمایندگان قویترین سلاطین اروپا در پاریس بدوروارث ناپلئون اول گرد آمده وهر کدام سعی میکردند نظر موافق ناپلئون سوم را بطرف خود جلب کنند.

دولت انگلستان اتحاد فرانسه را برای تثبیت منافعی که ازجنك کریمه بدست آورده بود و توسعه نفوذ خود در شرق لازم میشمرد.

دولت روسیه بعداز شکست کریمه جلب نظرفرانسه را برای ترمیم وضع خود از واجبات میدانست.

دولت اتریش برای رفع سوء ظن و کینه ناپلئون سوم وجهت رفع خطری که از جانب ایتالیا و آلمان منافع اورا تهدید میکرد سعی مینمود موافقت ناپلئون سوم را به طرف خود جلب کند.

دول پروس وایتالیا امیدوار بودند ازعقائد نژادی ناپلئون ودشمنی اوبااتریش

است. ناپلئون سوم موفق شده بود اتحاد مقدس را متلاشی سازد و متحدین کنگره وین را ازهم جدا کند وهر کدام از دول اروپا برای انجام مقاصد بعدی خود کمك ناپلئون سوم‌را برای خود لازم‌میشمردند. ولی ناپلئون‌سوم نمیتواند ازاین موقعیت آنچنانکه باید استفاده کند ودر نتیجه» سیاستی کــه پیش میگیرداولا دو دولت قوی درهمسایگی فرانسه تأسیس میشود ثانیاً تمام دول اروپا یکی بعد ازدیگری ازعملیات او رنجیده شده ودر موقع لازم بدون یار و یاور در مقابل پروس تنهـا خواهد ماند .

۶ـ دولت ساردنی درتحت هدایت کاوور گرچه بعد ازجنك کریمه فـوراً بمقصود خود نائل نمیشودولی‌وارد جرگه‌دول درجه اول اروپا شده‌وزمزمه‌وحدت ایتالیاتحت‌نظردولت‌ساردنی قوت‌میگیرد بطوریکه سه‌سال‌بعداز کنگره‌پاریس کاوور بآمال وآرزوهای خود میرسد .

۷ ـ دولت پروس باآنکه درجنك کریمه مانع دخول اتریش درصف‌متفقین گردید طرف بغض‌و کینه متفقین‌قرار نگرفت . باسیاست مدبرانه که بیسمارك‌بانی آن بود ازیکطرف دوستی روسیه‌را بخود جلب کرده وازطرف دیگردشمنی‌فرانسه وانگلستان‌را فراهم‌نساخته بود باضعف اتریش راه را برای خارج کردن‌این‌دولت‌از اتحادیه‌آلمان هموار کرده ودرمدت کمی بعدازجنك کریمه بتشکیل وحدت‌آلمان تحت ریاست پروس موفق میشود.

ناپلئون سوم برای انجام‌منظورهای متضاد خود وزیران فرانسه را ازسیاستی که تعقیب مینمود بی‌اطلاع میگذاشت وهروقت یکی از آنهاقدمی برخلاف‌عقاید او برمیداشت فوراً معزول میگردید ولی نفوذ اطرافیان ناپلئون‌سوم وملکه‌باعث میشد که امپراطورفرانسه هیچوقت رویه‌خودرا بآخر نمیرساندودراواسط کارنظریه خودرا چندین مرتبه تغییرمیداد باینجهت سیاست فرانسه روش معین وثابتی نداشته و هیچ کدام ازاحزاب راضی باقی نمیماندند .

کاوور که ازعدم ثبات عقیده ناپلئون سوم‌اطلاع داشت مأمورین مخصوصی را برای‌مصاحبت‌اوانتخاب کرده‌بود کنت آرز(۱) ودکتر کونو(۲) هرآن‌میتوانستنددر نزد ناپلئون حاضرشده وبطورغیرمستقیم نظریات خودرا براوتحمیل کنند .

خانواده‌بناپارت نیزازآنها پشتیبانی مینمود در ۱۸۵۰ مداخله سیاسی‌ناپلئون سوم بنفع ساردنی ازپیش‌رفت اتریشیهاجلوگیری کرد . در ۱۸۵۲ سفیرفرانسه که پیروی ازسیاست‌کاوور نمیکردعوض شد و درخفای دیپلوماسی‌رسمی‌مقدمات اتحاد دولت‌ساردنی بامتفقین درجنك کریمه فراهم گردیدو کاووربااطمینان اینکه‌بهره‌کافی ازاین اتحاد خواهد برد بدون تقاضای پاداش‌آنی کمك خود را بلا عوض پیشنهاد کرد. ناپلئون سوم‌هم ازکاوورتقاضا کرد کمکهائی‌را که‌ازفرانسه انتظار دارد معلوم نماید وبعدازجنك کریمه دراثرتوصیه ناپلئون سوم دولت ساردنی مانند دول درجه اول‌اروپا درکنگره صلح پاریس شرکت کرد . تبلیغات وروزنامه‌های‌آزادیخواهان نیز کمك مؤثری‌برای ایتالیائیها بشمارمیرفت .

قضایای رومانی فرصت‌دیگری برای ناپلئون سوم جهت‌اجرای عقاید نژادی بدست ناپلئون‌سوم داده بود اما دراین مسئله سیاست روسیه و اتریش وعثمانی و

---

(۱)- Francois ,comte Arese (۱۸۰۵ -۱۸۸۱) ازجوانی‌باپرنس لوئی ناپلئون مصاحب بود -رابطه‌مخفی بین‌دولت ساردنی وناپلئون سوم گردید .

(۲) Dr Henri Conneau (۱۸۰۳ -۱۸۷۷) فرانسوی‌ولی‌درمیلان متولدشده بود منشی لوئی بناپارت پادشاه هلند- پزشك مخصوص لوئی ناپلئون اززمان‌طفولیت‌وپزشك مخصوص‌ناپلئون سوم وخانواده‌او- نماینده مجلس مبعوثان در۱۸۵۳- سناتور در۱۸۶۷

استفاده نموده وحدت آلمان و ایتالیا راتحت‌نظرخود عملی کنند .

ناپلئون سوم که خودرا طرف توجه تمام دول اروپا میدید خیال کرد فرانسه قوت وقدرت کافی داشته ومیتواند نقشه اروپا را طبق عقاید نژادی تغییرداده واثرات پیمان ۱۸۱۵ را ازبین برده با برقراری اتحاد نژاد لاتین وبدست آوردن سرحدات طبیعی برای فرانسه خاطرات واترلورا محونماید . ازسال ۱۸۵۵ برای اجرای‌مقاصد شخصی‌خود کنت والوسکی را که اصلا لهستانی بودبوزارت‌انتخاب‌نمودتا کاملامطیع فرامین او باشد . نسبت باحزاب فرانسه هم بدون اینکه با هیچکدام از آنها روی مخالفتی نشان‌دهد گاهی از عقاید یك دسته و زمانی ازنظریات دسته دیگر پیروی می کرد .

کاتولیکها سلطنت ناپلئون سوم‌را بدوره سن‌لوئی وشارلمانی تشبیه نموده وبا این عناوین ناپلئون را وادار بکمك بپاپ و بر قراری نفوذ مذهب کاتولیك در دنیا میکردندهمین‌امر باعث‌میشود کمك‌ناپلئون‌سوم به‌آزادی‌خواهان‌ایتالیادرمواقعی که باعث تهدید منافع پاپ میشد محدود گردد ومقداری ازقوای نظامی و مالی فرانسه برای توسعه نفوذ کاتولیکها درسراسرجهان متفرق شده واسباب‌ضعف فرانسه‌رافراهم آورد علاوه بر آن مداخلات فرانسه در امور دول دیگر موجب رنجش خاطر دول اروپا میگردد .

احزاب‌آزادیخواه نیز بکمك ناپلئون سوم امیدواربوده سلطنت ناپلئون را برای ازبین‌بردن اثرات کنگره وین و کوتاه کردن دست اتریش‌ازمداخله‌درایتالیا و بدست‌آوردن‌سرحدات‌طبیعی برای‌فرانسه‌مناسب میدانستند .

ناپلئون سوم کمك بکاتولیکهارا برای ادامه سلطنت خود لازم دانسته ونفوذ ملکه که کاتولیك متعصبی بود اثر زیادی در تصمیمات اوداشت و برای جلب‌نظر کاتولیکها نمیخواست‌ازهیچگونه کمکی‌بآنهاخودداری کند. ازطرف‌دیگرخاطرات طفولیت واقدامات او درموقع جوانی سیاست اورا به‌پیروی از عقاید نژادی و کمك بآزادی خواهان ایتالیا سوق میداد .

از بین ببرد؛ اظهار میدارد که اگر باز هم از کمك بایتالیائیها دریغ کند جانش در معرض مخاطره قرار خواهد گرفت. تبلیغاتی که در اطراف این قضیه بعمل آمد ملاقات رئیس شهربانی پاریس از اورسینی در زندان و انتشار توبه نامه او در روزنامه‌ها و التماس او از ناپلئون سوم برای کمك بایتالیائیها ناپلئون را مصمم نمود علیرغم نصایح وزرای خود وحدت ایتالیا را عملی نماید و خیال میکرد با تأسیس دول متحده از ایتالیائیها بتواند هم آنهارا راضی نگاه دارد هم منافع پاپ رامحفوظ بدارد باینجهت بدون اینکه وزرای خود را مطلع سازد توسط دکتر کونو یه به کاوور پیغام میدهد که در شهر پلومبیر (۱) منتظر اوست و برای اینکه خیالش از طرف دولتهای اروپا راحت باشد سعی میکند باختلافات خود با آنها خاتمه‌داده ونظر موافق دول انگلیس وروسیه وپروس را جلب نماید درداخله فرانسه نیز افکار عمومی رامتوجه ایتالیائیها ساخته از طرفی آزادی خواهان را دعوت بکمك برای رهائی ایتالیا از اتریش میکند واز طرف دیگر برای جلب رضایت کاتولیکها وعده استقرار پاپ را میدهد

بعد از مذاکرات پلومبیر و توافق نظر بین فرانسه و دولت ساردنی مقدمات جنك بااتریش فراهم شده و در سال ۱۸۵۹ جنك بااتریش شروع میشود. بعد از فتوحات اولیه در مقابل سیاست دول اروپا ناپلئون مجبور میشود مانند همیشه نقشه خود را تغییر دهد. از ماه ژوئن ۱۸۵۹ دول آلمان بتحریك پروس برضد فرانسه مشغول تجهیز میشوند دولت روسیه نیز جز با ارسال یادداشتهای سیاسی اقدامی برای جلوگیری از آنها بعمل نمیآورد. دولت انگلستان نیز که از عقاید نژادی ناپلئون اطلاع حاصل کرده بود ومیترسید موفقیت ناپلئون سوم خطری برای بلژیك ایجاد کند باوجود آنکه طرفدار آزادی ایتالیا بود بیمیل نبود فرانسه‌را درزحمت ببیند بهمین جهت تقاضای میانجیگری ناپلئون سوم‌را برای صلح بااتریش رد کرد.

درمقابل این اوضاع ناپلئون سوم بدون مشورت باوزرای خود بفرانسوا ژوزف امپراطور اتریش مستقیماً پیشنهاد صلح مینماید درصورتیکه ایتالیائیها بهیچوجه راضی

---

(۱) Plombières

انگلستان نیز بایکدیگر تماس پیدا مینمود ایتالیائیها نیز میخواستند ازاین قضیه بعنوان سابقه برای انجام وحدت ایتالیا استفاده نمایند . وزرای فرانسه مخاطرات مسئله رومانی را که باعث نفاق فرانسه بادولتین عثمانی واتریش وانگلیس میشد باوخاطر نشان کردند ولی ناپلئون وقعی باظهارات وزرای خودنگذاشت . درماه اوت ۱۸۵۷ دراسبورن(۱) ملاقاتی از ملکه ویکتوریا بعمل آورد وباشرح عقایدخود سعی نمود جلب نظر انگلیس هارا بنماید .

دولت انگلستان گرچه باابطال انتخابات رومانی که دراثر مداخلات عثمانی و اتریش بنفع آنها انجام یافته بود موافقت کرد ولی ازنظریات ناپلئون راجع به ازبین بردن تعهدات ۱۸۱۵ بیمناك گردید .

درملاقات دیگری که در ۲۵ سپتامبر ۱۸۵۷ ناپلئون سوم دراستوتکارت ازتزار روسیه بعمل آورد نقشه‌های اووعقایدوحدت نژادهای اروپامخصوصاً بی‌احتیاطی های ناپلئون راجع به تأسیس لهستان مستقل تزارروسید را نیزوادار باحتیاط از تعقیب مرام او نمود .

ازهمین مواقع اقدامات نائلئون سوم درنقاط مختلف جهان برای بدست آوردن خاطر کاتولیکها شروع میشود درچین ـ هندوچین ـ ماداگاسکار ـ سوریه ناپلئون سوم ازمنافع کلیسای کاتولیك حمایت میکند ولی مانند سایر اقداماتش برای نرنجانیدن آزادیخواهان نقشه خودرا مستورنگاه میدارد .

سوءقصدی که اورسینی(۲) درفوریه ۱۸۵۸ برعلیه ناپلئون سوم مرتکب گردید بهانهٔ بدست ناپلئون میدهد که مقاومت ملکه‌را برای کمك بآزادیخواهان ایتالیائی

Osborne (۱)

(۲) Felix Orsioi (۱۸۵۸ ـ ۱۸۱۹) یکی ازانقلابیون ایتالیا ـ چندین مرتبه در شورشیها وانقلابات ایتالیا شرکت ومحکوم بزندان وتبعیدشد ـ درسال ۱۸۵۵ محکوم باعدام شدولی اززندان فرار کرد ـ در ۱۴ ژانویه ۱۸۵۸ درموقعیکه ناپلئون سوم برای تماشا به اپرا میرفت اورسینی بمبهائی بطرف کالسکه اوپرتاب کرد که قریب ۵۶ نفررا مقتول ومجروح ساخت ولی به ناپلئون سوم آسیبی نرسید ـ بعدازمحاکمه در ۱۳ مارس ۱۸۵۷ اعدام گردید .

مذاکرات پارلمان نیز آزاد گردید .

برای خوش آمد کاتولیکها درسال ۱۸۶۰ ناپلئون جهازات فرانسه را بآبهای چین فرستاد. درماه اوت ۱۸۶۰ بکمك کاتولیکهای سوریه شتافت. درفوریه سال ۱۸۶۱ اقداماتی درهندوچین بعمل آورد . این عملیات علاوه بر آنکه تحمیلات زیادی ببودجه کشوروارد آورد باوجود پیمان بازرگانی که ۱۸۶۰ بین انگلستان وفرانسه بسته شد باعث تولید سوءِ تفاهمات زیادی بین این دو دولت گردید و کاتولیکها نیز از اقدامات امپراطورفرانسه راضی نشده اورا مسئول اشغال اراضی پاپ توسط ایتالیائیها دانسته ناپلئون سوم مجبور گردید علاوه بر نگاهداری ارتشی دررم به لاموریسیر (۱) اجازه دهد ارتش پاپ را اداره ومجهز کند وضمنا سعی بسیاری کرد که مابین پاپ و ایتالیائیهارا اصلاح نماید .

ولی تمام این اقدامات سبب شد که هم کاتولیکها ازاودلگیرشوندوهم ایتالیائیها اورا مانعی برای اشغال رم بپندارند وازناپلئون سوم کینه دردل بگیرند .

ناپلئون سوم درسال ۱۸۶۲ ازاقدام اهالی رومانی که باانتخاب آلکساندر کوزا وسائل اتحاد دوحکومت نشین مولداوی و والاشی را فراهم کرده بودند خوشنود گردیدوباتحریکاتی که درخفابعمل آورد درفوریه ۱۸۶۶ یکی ازشاهزادگان خانواده سلطنتی پروس (هوهنزولرن) که باناپلئون سوم نیز قرابت خانوادگی داشت پادشاه رومانی گردید .

ناپلئون سوم که درهمه جا سیاست نژادی خودرا تعقیب مینمود به شورشیان سربستان که ازسال ۱۸۵۸ باتعیین میشل ابرنویچ (۲) مایل بتأسیس سربستان بزرك

(۱) **Louis - Christophe - Léon - Juchault de Lamoricière** (۱۸۰۶-۱۸۶۵) سردارفرانسوی - درجنك های الجزیره خدمات شایانی نمود - در ۱۸۴۸ نماینده مجلس ووزیرجنك شد - مخالف سیاست ناپلئون سوم بود - باینجهت مدتی زندانی وبعداً تبعیدشد - درسال ۱۸۶۰ بخدمت پاپ داخل شدولی از ایتالیائیها شکست خورد .

(۲) **Michell Obrénovitch** (۱۷۸۰-۱۸۶۰) شاهزاده سربی که فعالیت زیادی برای رهائی سربستان ازتسلط دولت عثمانی بعمل آورد.

باین امر نبودند. در یازده ژویه ۱۸۵۹ ترك مخاصمه ویلافرانکا [۱] بامضاء رسید و جنگ متوقف ودرتأییدآن پیمان زوریخ در دهم نوامبر ۱۸۵۹ بین اتریش وفرانسه وایتالیا بسته شد.

ناپلئون سوم که خیلی میکرد ازایتالیا دول متحده به ریاست افتخاری پاپ و ریاست حقیقی پادشاه ساردنی تشکیل دهد درمقابل اقدامات میهن پرستان ایتالیائی و کاوور موفق بانجام نقشه خود نگردید.

ناپلئون سوم درمقابل توسعه دولت ساردنی طبق قراری که درپلومبیر گذاشته شده بود سعی نمود نیس وساووآ را بفرانسه ملحق سازد وچون کنت والوسکی موافق کمك بدولت ساردنی نبود مجبورشدازکار کناره گیری کند وتوونل [۲] جانشین او گردیده باتصرف نیس وساووآ ناپلئون سوم که خودرا بادولت ساردنی برای تجاوز بمتصرفات دیگران شریك کرده بوددیگر نمیتوانست مانع توسعه دولت ساردنی شود ولی باورود آرتش ویکتور امانوئل بمتصرفات پاپ افکارواحساسات کاتولیکهای فرانسه امپراطوراین کشورراتحت فشارقرارداد. ناپلئون سوم برای حفظ ظاهر درمقابل کاتولیکها در ۱۱ سپتامبر ۱۸٦۰ نماینده فرانسه راازتورن احضار کرد. برای محافظت شهر رم نیز ارتش خودرا درآنجا نگاهداشت باین ترتیب ناپلئون سوم بین دوسیاست متضاد قرار گرفته و نمیتوانست هیچیك از طرفین راراضی نگاه دارد. کاتولیکها طرفدار جدی کمك به پاپ وحفظ متصرفات او بودنددرصورتیکه ایتالیائیهاو آزادی خواهان وحدت ایتالیارا بدون رم ناقص دانسته وسعی میکردندهرچه زودتر آنرامتصرف شوند. ازاین تاریخ ناپلئون سوم سعی مینماید مسئولیت حوادث راازخود دورنموده ودروقایعی که اتفاق میافتد مانند داوری دررأس احزاب سیاست خودرا اجرا نماید بدینجهت در ۲٤ نوامبر ۱۸٦۰ فرمانی منتشرشد که بهمجلس مبعوثان وسنااختیاراتی رامحول نمودونشر

---

(۱) Villafranca de verona

(۲) Edouard Antoine . thouvenel (۱۸۱۸ ـ ۱۸٦٦) سیاستمدار فرانسوی عهده‌دار چندین سفارت ازطرف فرانسه درنزد دول خارجی ـ سناتوردر ۱۸۵٦ ـ وزیر خارجه ناپلئون سوم از ۱۸٦۰ تا ۱۸٦۲ .

روسیه محو نشده بود وباینجهت درموقع احتیاج فرانسه حاضر بهیچ گونه کمکی بــه فرانسه نشدند . تزار روسیه در ۳۱ مارس ۱۸۶۳ وعده عفوعمومی به لهستانیها داد و دولت روسیه در تحت فشار عقایــد اتحاد اسلاو باسختی و شدت تمــام شورش لهستان را خاتمه داد و در ۱۵ و ۱۷ آوریل قضیه لهستان بــا مکاتبات دیپلومــاسی خاتمه یافت .

درسال ۱۸۶۳ برای به‌رسمیت شناختن دولت ایتالیا سیاست ناپلئون سوم باز مورد انتقاد قرار گرفت ناپلئون سوم برای برسمیت شناختن دولت ایتالیا این دولت را مجبور کرد پایتخت خودرا شهرفلورانس قراردهد وبشهررم تجاوزی ننمایدارتش فرانسه هم‌درظرف دوسال رم‌را تخلیه کند . این رویه نه‌ایتالیائیها ونه کاتولیکهاهیچ کدام را راضی نکردوبلکه سبب مخالفت هردو دسته نسبت بناپلئون سوم گــردید زیراآن را امری موقتی‌میدانستند وبمحض اینکه گاریبالدی خواست ازتخلیه‌ارتش فرانسه ازرم استفاده نموده واین شهررا اشغال کند ناپلئون سوم بدون آنکه منتظر وفای بعهد ویکتور امانوئل شود در سپتامبر ۱۸۶۷ ارتشی برای حمایت پاپ به رم اعــزام داشت با شکست دادن گاریبالدی در اکتبر ۱۸۶۷ نــاپلئون سوم بــکلی اعتبار خود را در نزد ایتالیائیها از دست داد و مسئول عدم انجام وحدت کامل‌ایتالیا قلمداد شد .

دیگرازاقدامات ناپلئون سوم برای استرضای خاطر کاتولیکها مسئله‌مکزیك بود که از سال ۱۸۶۳ ناپلئون سوم امیدواری زیادی به‌نتایج آن داشت ولی دول انگلستان واسپانیا که دربدو امر بافرانسه همراه بودند بمحض اطلاع‌ازنقشه‌ناپلئون سوم‌برای‌برقراری امپراطوری کاتولیکی‌ماکزیمیلین‌درمکزیك‌خودرا کنار کشیدند مقاومت ژوارز ومکزیکیها درمقابل ماکزیمیلین واعتراض دول متحده آمریکای شمالی وتهدید پروس نسبت بفرانسه باعث شد که درسال ۱۸۶۷ فرانسه ارتش خودرا از مکزیك احضار نمایــد و درنتیجه ناپلئون نه‌تنها موفق بجلب رضایت کاتولیکها

مرکب ازنسبی‌وهزره‌گوین ومونتنگرو بودند کمك کرد. دراوائل سال ۱۸۶۲ سربها موفق شدند ترکهارا از کشورخود بیرون کنند ایتالیائیها نیز که‌میخواستند ازاین قضیه بنفع وحدت ایتالیا استفاده کنند درمشرق اروپا آتش انقلاب‌را دامن میزدند ولی‌توونل‌باسیاست خودتوانست فتنه‌را خاموش کندوبا گرفتن عفوعمومی‌برای‌اهالی مونتنگروواگذاری بلگراد بسربها قضیه‌را خاتمه داد .

درژانویه ۱۸۶۳ شورشی درلهستان اتفاق افتاد که نظر ناپلئون سوم را بخود جلب نمود حمایت ازلهستان اززمان قدیم اساس سیاست فرانسه قرار گرفته و چه آزادی خواهان‌وچه کاتولیکها طرفداراستقلال‌این کشوربوده‌و آن‌رامتحدطبیعی‌برای فرانسه‌درمقابل‌روسیه وپروس واتریش میدانستند دولت پروس‌ازبدوامر کمك‌نظامی خودرا به دولت روسیه پیشنهاد کرد دروئن دولوئی (۱) که دراین موقع دو مرتبه وزیرخارجه فرانسه شده بود درهیجده فوریه دول انگلستان واتریش رادعوت نمود که بافرانسه متفق شده ودولت پروس‌را ازاینکاربازدارند .

دولت اتریش پیشنهاد فرانسه‌را رد کردولی دولت انگلستان‌برای‌اینکه‌اتفاقی را که بعدازجنك کریمه بین روسیه وفرانسه پیدا شده بود ازبین‌ببردموقع‌رامناسب دیده درظاهرخودرا موافق بانظرناپلئون سوم جلوه داد ناپلئون سوم که‌ایتالیارانیز طرفدارخود میدید توسط سفیراتریش درپاریس بدولت اتریش پیشنهادنمود لهستان مستقل ودرتحت فرمان یك شاهزاده اتریشی گذاشته شود و درعوض ونیز بایتالیا مسترد گردد .

دولت انگلستان که منتظربودناپلئون‌شروع باقدامی کند که وجهه خودرادر مقابل روسیه ازبین ببرد فوراً از موقع استفاده کرده وباعث شد که فرانسواژوزف پیشنهاد فرانسه را قبول نکند . روسها که متوجه عملیات ناپلئون سوم وتحریکات‌او برای‌استقلال لهستان شدندازفرانسه فوق‌العاده دلگیرشده وصمیمیت مناسبات‌فرانسه وروسیه ازبین‌رفت بطوریکه‌خاطره این امردرموقع جنك بین پروس وفرانسه‌ازنظر

(۱) Edouard Drouyn de Lhuys (۱۸۰۵-۱۸۸۱) سیاستمدارفرانسوی-چندین مرتبه وزیرخارجه فرانسه شد .

فصل چهارم

تأسیس دولت رومانی

آمال و آرزوهای اهالی رومانی -تصمیم کنگره پاریس - تحریکات اتریش و عثمانی - انتخابات اول رومانی - قطع روابط فرانسه با عثمانی - ملاقات ناپلئون سوم از ملکه انگلستان و تزار روسیه - ابطال انتخابات رومانی و انتخابات مجدد - انتخاب آلکساندر کوزا بامارت مولداوی و والاشی - تأسیس دولت رومانی - کناره گیری آلکساندر کوزا - انتخاب پرنس شارل دوهوهنزولرن بپادشاهی رومانی.

ملت رومانی که از دیرزمانی درتحت حمایت ونفوذ دولت عثمانی ودولت روسیه قرار گرفته بود بعدازجنبش های نژادی که دراروپا شروع شد درصدد بدست آوردن استقلال خود افتاده وباتبلیغاتی که دراطراف گذشته تاریخی وزبان وعادات اهالی این سرزمین صورت میگرفت سعی نمود پیمان بالتالیمان(۱) را که درسال ۱۸٤۹ بین دولت روسیه ودولت عثمانی منعقد شده بود ازبین ببرد

در کنگره پاریس مسئله رومانی وحل آن ببعدمو کول گردید وتصمیم گرفته شد باانتخاب مجالسی دردوحکومت نشین مولداوی ووالاشی آراء اهالی پرسش شود

---

(۱) Balta-Liman یکی از شهرهای عثمانی درقسمت اروپا نزدیك قسطنطنیه - در ۱ مه ۱۸٤۹ دولت عثمانی ودولت روسیه دراین شهر پیمانی راامضا کردند که بموجب آن قوای روسیه وعثمانی درصورت بروزاغتشاش درمولداوی ووالاشی حق مداخله برای برقراری نظم داشتند

نگردید بلکه درچندین مرتبه مورد اعتراض سخت احزاب آزادیخواه واقع گردید ومتهم شد که نیروها و دارائی ملت فرانسه را صرف هوا و هوسهای خودمینماید .

بطوریکه ملاحظه میشود سیاست ضدونقیض ناپلئون سوم هیچکدام ازاحزاب را بطرف او جلب ننمود واقدامات متضاد او بهانه‌های بیشماری برای مخالفت ایجادمیکرد .

درنتیجه این عملیات قوای فرانسه در اقطار و اکناف جهان پراکنده شده و تحمیل زیادی ببودجه فرانسه وارد آمد ودرموقع جنك باپروس چه ازلحاظ نفرات و چه ازحیث تجهیزات ارتش فرانسه خیلی عقب‌تر ازارتش پروس بوددرسیاست خارجی نیز عملیات ناپلئون سوم باعث انزجار اغلب دولتهای اروپاشده بود کمك به ایتالیااتریش و پاپ را دشمن فرانسه ساخته و عدم موافقت با اشغال رم ایتالیائیها را از ناپلئون سوم متنفر کرده بود - کمك به شورشیان لهستان باعث کینه روسیه شده وعملیاتی که ناپلئون درمستعمرات برای جلب رضایت کاتولیکها تعقیب میکرد باعث وحشت انگلستان گردید علاوه بر آن چون ناپلئون سوم معروف به تعقیب سیاست استتار ودسیسه بازی شده بوددیگر هیچکس وقعی بوعده‌های او نگذاشته وبگفته‌های او کسی اعتمادنمیکرد از این جهت پیشنهادی که ناپلئون سوم از سال ۱۸۶۳ برای اصلاح امور بین‌المللی و کم کردن تسلیحات وتشکیل کنگره برای بحث در این قضایا نمود مورد موافقت دول اروپا قرار نگرفت ودرنتیجه سیاست شخص ناپلئون وتحریکات ملکه واطرافیان او و اقدامات احزاب وپارلمان وبالاخره درسالهای قبل از جنك باپروس دراثر بیماری وضعف مزاج وتردید امپراطور فرانسه بدون آنکه سیاست فرانسه رویه مشخص و معین داشته باشد سرنوشت فرانسه دستخوش حوادث گردید .

ونتیجه این انتخابات برعلیه‌اتحاد دوحکومت نشین مولداوی ووالاشی درآمد وبرای جلوگیری‌ازاعتراض اهالی‌رومانی ارتباطات پستی وتلگرافی تعطیل گردید. ناپلئون سوم که متوجه اقدامات برخلاف مقررات دولت عثمانی و اتریش وتحریکات سفیر انگلستان درقسطنطنیه شده بودفوق العاده خشمگین شد وچون سفیرانگلستان‌طرز انتخابات‌را درفرانسه به‌ناپلئون‌سوم گوشزد کردامپراطورفرانسه مصمم گردیدسعی‌در عزل سیراستراستفورد بنماید.

دره اوت ۱۸۵۷ ناپلئون سوم در خواست ابطال انتخابات رومانی را نمود در مقابل تردید دولت عثمانی سفیر فرانسه در٦ اوت قسطنطنیه راترك گفت به‌تبعیت‌از فرانسه‌دول‌روسیه‌وساردنی‌نیزروابط‌خودرابادولت‌عثمانی‌قطع کردندوتقریباً‌تمام‌قضایای قبل ازجنگ کریمه تجدید شد با این تفاوت که این مرتبه فرانسه نقش روسیه را بازی کرد وبه انگلستان پیشنهاد تقسیم خاك عثمانی را مینمود واز نظرفرانسه‌دولت عثمانی که تا آن وقت دولتی ضعیف و مستحق حمایت قلمداد میشد دولتی وحشی و خطرناك معرفی گردید.

چون پالمرستون درقبول پیشنهاد فرانسه تعلل میکرد ناپلئون مصمم‌بملاقات ملکه انگلستان گردیددراین ملاقات که در٦ اوت١٨٥٧ دراوسبورن صورت گرفت ناپلئون سوم عقاید نژادی خودرا برای ملکه انگلیس تشریح کرد ولی‌اصول‌سیاست انگلستان‌چیزی‌نبود که بااین‌ملاقات‌تغییر کند مخصوصاً که‌حفظ تمامیت‌خاك‌عثمانی ازمبانی‌سیاست انگلستان شمرده میشد وعقاید ناپلئون ممکن بود باعث بر هم زدن موازنه اروپا شود فقط برای خوش آمد ناپلئون سوم و نرنجانیدن فرانسه دولت انگلستان باابطال انتخابات مولداوی و والاشی موافقت کرد. ناپلئون سوم ملاقات دیگری نیزاز تزار روسیه دراشتوتگارت[1] بعمل آورد. تزار روسیه عقیده خودرا مبنی برنگهداری صلح وتمایل بختم قضیه رومانی بمسالمت ابراز داشت و گرچه‌از بعد ازجنگ کریمه موافقت نظری‌بین فرانسه وروسیه‌ایجاد شده بودولی تزارروسیه

Stuttgart (١)

ناپلئون سوم باپیروی از عقاید نژادی و بدست آوردن نفوذ دراین ناحیه مایل بتأسیس یك رومانی مستقل بوددولت روسیه هم که درجنك کریمه شکست خورده بود بیمیل نبود باتأسیس دولت رومانی مستقل باعث آزار اتریش وعثمانی شود . دولت اتریش که میترسید درنتیجه استقلال رومانی سابقهٔ ایجاد شده ونژاد های تابعه امپراطوری نیز بفکر استقلال افتند کاملا مخالف بااین امربود وعلاوه بر آن درنظر داشت روزی این دوناحیه را جزء امپراطوری اتریش بنمایدهمانطوریکه درجنك کریمه مبادرت باشغال این نواحی کرده بود . دولت عثمانی که این دوحکومت نشین تابع آن بودند واضح است که حداکثر فعالیت را برای برقراری مجدد تسلط خود بکارمیبرد . دولت انگلستان ومخصوصاً نماینده او سیراستراتفورد ردکلیف درقسطنطنیه که میترسید رومانی مستقل تحت نفوذ روسیه و فرانسه برقرار شود نیز با نظر اتریش و عثمانی موافقت داشت .

بعداز کنگره پاریس دراثر تحریکات اتریش دولت عثمانی برای اداره مولداوی ووالاشی مأمورین موقتی تعیین کرد . دراثر اقدامات سیراسترتفوردنماینده انگلستان درقسطنطنیه ارتش اتریش رومانی را تخلیه نکرد . باکمك این ارتش وتطمیع وتهدید مامورین دولت عثمانی وازبین بردن آزادی مطبوعات موضوع رومانی بطول انجامید وترتیبی برقرارشد که مأمورین دول اروپا که برای نظارت درانتخابات برومانی فرستاده میشدند نتوانند آزادانه منظورخودرا تأمین کنند . این قضایا و حاضربودن ارتش اتریش در رومانی وجهازات انگلیسی در بسفرو ارتش روسیه در شهر بولگراد (۱) بسارابی باعث پیدایش اختلاف نظری بین دول اروپا گردید .

ناپلئون سوم برای اصلاح اموردرصدد برآمد کنفرانسی درپاریس تشکیل داده قضیه را حل نماید ولی دولت عثمانی ازاین اختلافات استفاده کرده وباوجودمراقبتی که کمیسیون متشکله ازمأمورین دول اروپا بعمل میآورد به ترغیب سیراستراتفورد اقداماتی بعمل آورد که درانتخابات ۱۵ ژوئن ۱۸۵۷ قریب نه عشر اهالی شرکت ننمودند

---

(۱) Bolgrad

تأسیس دولت رومانی- کناره گیری آلکساندر کوزا

بطوریکه ملاحظه میشود دو حکومت نشین مولداوی ووالاشی باوجود تمام موانع بیکدیگر ملحق ومتحد شده ودول اروپا درمقابل عمل انجام شده مجبوربه تسلیم شدند. درسال ۱۸٦۱ دولت عثمانی نیزمجبور گردید عنوان شاهزادگی آلکساندر کوزا راقبول کند . درسال ۱۸٦۲ هم مجلسین مولداوی ووالاشی ووزرای آنها تبدیل بیك مجلس واحد ویك هیئت وزیران گردید وشهر بخارست پایتخت تعیین شد ودر اثر سعی و کوشش اهالی دولت جدید رومانی تشکیل گردید .

آلکساندر کوزا بعدازبرقرارشدن بسمت امارت رومانی یکنوع رژیم دیکتاتوری دراین کشور برقرار کرد وبرای ازبین بردن مخالفت اعیان و اشراف شروع بتقویت دهاقین نمود. این اعمال عده زیادی را ازاوناراضی کرد تـا اینکه توطئه برعلیه او ترتیب داده شد ودر ۲۱ فوریه ۱۸٦٦ مجبور بکناره گیری وترك رومانی گردید .

اهالی رومانی برای ازبین بردن نفاق داخلی وخرابیهائی که حکومت عثمانی درادارات ایجاد کرده بود تصمیم گرفتند شاهزاده خارجی بسلطنت رومانی انتخاب کنند. دربدو امر تاج پادشاهی به برادر پادشاه بلژیك کنت دوفلاندر[۱] پیشنهاد شد اما چون این انتخاب مورد پسندناپلئون سوم نبود پیشنهاد اهالی رومانی ازطرف کنت دوفلاندر ردشد وپرنس شارل دوهوهنزولرن[۲] که رابطه دوستی با ناپلئون سوم و قرابت خانوادگی باپادشاه پروس داشت نامزد سلطنت رومانی گردید . پادشاه پروس که میترسید انتخاب یکی از اعضای خانواده اوسبب تیرگی روابط با اتریش شود و ناپلئون سوم نیز تقاضاهای دیگری در مقابل این امرازدولت پـروس داشته باشد در بدوامر با این انتخاب موافقت ننمود . دولت روسیه هم که مایل بتشکیل دولت بالنسبه

---

(۱) Comte de Flandre

(۲) Charles-Eitel Frèdèric-zéphyrin de Hohen zollern-Sigmaringen, Caroll (۱۸۳۹-۱۹۱٤)- پادشاه رومانی - پسر دوم شاهزاده شارل آنتوان ازفامیل هوهنزولرن- در ۱۸٦٦ بامارت رومانی انتخاب در ۱۸۷۷ با دولت روسیه برضد دولت عثمانی متحد گردید - درنتیجه استقلال رومانی برسمیت شناخته شد - در ۱۸۸۱ پادشاه رومانی نامیده شد .

وعدهٔ صریحی به‌امپراطورفرانسه نداد .

درنتیجه‌اقدامات ناپلئون‌سوم دولت عثمانی مجبور گردید نخست وزیرخودرا معزول و ابطال انتخابات مولداوی و والاشی را اعلام کنند . انتخابات جدید در ۲۸ سپتامبر۱۸۵۸ بعمل آمد واهالی مولداوی ووالاشی‌بنمایندگانی‌رأی دادند که‌دارای مرام زیربودند : اتحاد دوحکومت نشین مولداوی ووالاشی - انتخاب یك شاهزاده خارجی بریاست حکومت-استقلال رومانی-حکومت مشروطه

بعد ازاین انتخابات بنظر میآمد که دول اروپا تعهدات خود را نسبت برومانی انجام خواهند داد ولی چون ناپلئون سوم درمقابل احضارسیراسترتفوردقبول کرده بود دیگر ازاهالی رومانی حمایت ننماید دراول دسامبر۱۸۵۷ بکمیسرهای‌اروپائی دستورداده شد ازاهالی رومانی‌دفاع نکنند در۲۳مه ۱۸۵۸ کنفرانسی ازنمایندگان دول اروپا تشکیل گردید ومفادپیمان پاریس‌را راجع‌به‌مولداوی‌ووالاشی‌باین‌ترتیب تعبیرنمودند که این دوناحیه باید مانند گذشته تحت فرمان‌سلطان عثمانی باشند و هرکدام ازآنها یك هوسپدار برای مدت عمرتعیین کنند ودولت عثمانی نیزآنان‌را برسمیت بشناسد بدون اینکه دوحکومت نشین‌حق‌اتحادبایکدیگر را داشته‌باشند. باین ترتیب آرزوی‌استقلال ووحدت رومانی ازبین میرفت .

اهالی رومانی برای‌نیل‌بمنظورخویش بامساعدتی که‌ناپلئون‌سوم‌بآنها مینمود بطورغیرمستقیم تصمیم کنفرانس را بنفع خود تمام کردند باینطریق که‌هرکدام‌از حکومت نشین‌های مولداوی‌ووالاشی درماه ژانویه۱۸۵۹جداگانه یك شخص واحد رابعنوان‌هوسپدار انتخاب کردند . با انتخاب این شخص که آلکساندر کوزا[۱] نام داشت گرچه ظاهراً دوحکومت نشین مولداوی‌ووالاشی ازیکدیگرمجزی‌بودندولی عملا تحت‌حکومت یك هوسپدارقرار میگرفتند .

(۱) Alexandre - Jean، Cuza (۱۸۲۰-۱۸۷۸) اولین‌امیررومانی - در۱۸۵۸ بنمایندگی ازطرف اهالی‌رومانی‌انتخاب ودرهمان سال وزیرجنك‌شد - در۱۸۵۹ بامارت مولداوی ووالاشی انتخاب گردید - در۱۸٦٦ مجبورباستعفا وترك رومانی شد .

فصل پنجم

وحدت ایتالیا

رویه پاپ-کاوور وعقایداو-جنك کریمه-شرکت ساردنی در کنگره صلح-تبلیغات کاوور . اعترض اتریش-سیاست ناپلئون سوم-ملاقات پلومبیر-پیمان ساردنی وفرانسه-رویه مسالمت آمیز اطریش-طرح تشکیل کنگره-اولیتماتوم اتریش-جنك بااتریش-ترك-مخاصمه- ویلافرانکا-الحاق دوشه‌های مرکزی ایتالیا بدولت ساردنی و نیس وساوو آ بفرانسه-پادشاه ناپل وشورش سیسیل-حمله گاریبالدی-سقوط ناپل و تظاهرات ایتالیائی ها-شکست پاپ-ایتالیای جدید فوت کاوور-تقاضای تصرف روم-پیمان سپتامبر ۱۸۶۴-اتحاد پروس و ایتالیا-تردید ناپلئون سوم- الحاق و نیز بایتالیا-تصرف شهر رم

درموقع انقلاباتی که درسال ۱۸۴۸ روی داد شخص پاپ یکی ازامیدواریهای ملیون ایتالیا بشمارمیرفت زیرادراین موقع طرفدار آزادی وبرقراری وحدت ایتالیا تحت‌نظرخود بود ولی پاپ رفته رفته ازرویه خود عـدول نموده و بنای مخالفت را با آزادیخواهان گذاشت بطوریکه یکی ازموانع ومشکلات فراهم شدن وحدت ایتالیا بشماررفت اهالی ایتالیا ناچاربرای بدست آوردن وحدت ایتالیا به تنها سلسله کـه بیشتر طرفدار آزادیخواهی بوده وتمایل بانجام وحدت ایتالیا داشت یعنی خـانواده ساووآ متوسل گردیدند کاوور(۱) هم‌ازاین موقعیت‌حدا کثراستفاده‌را نموده‌وقهرمان

---

(۱) Camil e Benso comte de Cavour (۱۸۱۰-۱۸۶۱) سیاستمدارایتالیائی بعد ازمسافرتهائی که بمنظور گرد آوردن اطلاعات بفرانسه وانگلستان وبلژیك کرد وارد

بقیه حاشیه درصفحهٔ بعد

معظمی بین روسیه وعثمانی نبود نیزباین انتخاب روی موافق نشان نداد . در نتیجه کنفرانسی درپاریس‌تشکیل گردید وبه اهالی رومانی‌توصیه شد برای امارت‌رومانی شاهزاده ازبین خود اهالی انتخاب شود . ناپلئون سوم برای‌ازپیش بردن نظریه‌خود درخفای دیپلوماسی رسمی وبدون اطلاع وزرای خودبه اهالی رومـانی اصرار نمود پرنس شارل رابه سلطنت رومانی انتخاب کنند تادول اروپا رادرمقابل عمل‌انجام‌شده قرار دهند . اهالی رومانی هم در ۱۶ آوریل ۱۸۶۶ پرنس شارل را انتخاب و بقبول سلطنت رومانی دعوت کردند .

ترس ازروسیه و میل براضی نگاه داشتن ناپلئون سوم پادشاه پروس را مردد ساخته بود که آیا با این انتخاب موافقت کند یاخیربالاخره بیسمارك به‌پرنس‌شارل پیغام داد بدون آنکه منتظرتأئید پادشاه پروس بشود مخفیانه بطرف‌رومانی‌حرکت کند . پرنس شارل هم در۱۲ مـه عازم رومانی گشت ودر۲۲ مه اهالـی رومانی ازاو استقبال شایانی بعمل‌آوردند ،

دولت عثمانی در مقابل این عمل خواست بدولت رومانی اعلان جنگ دهـد ولی‌جون قضایای مهمتری‌دراینموقع‌نظردول اروپارا بخود متوجه کرده بودازتصمیم خوممنصرف گشت ودر۲۱ اکتبر۱۸۶۶مجتوربشناختن رومانی جدید گردید ازاین تاریخ سیاست دولت رومانی درتحت تأثیرپادشاه جدید ونخست وزیران اومخصوصاً براسیانو(۱) برروی اساس نزدیکی بپروس قرارگرفت و دولت فرانسه که متحمل اینهمه زحمت برای تأسیس اوشده بود هیچگونه نفع سیاسی‌ازاینکار نبرد .

---

(۱) Bratiano ، Jean (۱۸۲۲-۱۸۹۱) درشورش ۱۸۴۸ شرکت کرد-در۱۸۷۶ ریاست حزب ملی رومانی‌رادر دست گرفت - درکنگره برلن استقلال رومانی رابرسمیت شناساند - از۱۸۸۱ تا۱۸۸۸ نخست وزیررومانی‌شد ویکنوع‌دیکتاتوری برقرارساخت- به بیسمارك رومانی معروف شد .

به اقداماتی برضد اتریش وحدت ایتالیا را عملی نمود. کاوور تصمیم بکمك بلاشرط بمتفقین ووزرای مخالف را از کابینه خارج کرد وبدون اینکه تقاضائی از متفقین بنماید ارتش ساردنی در کریمه درصف متفقین مشغول جنك شد.

اولین نتیجه کمك ساردنی بمتفقین حضور کاوور مانند نمایندگان دول درجه اول اروپا در کنفرانس صلح پاریس بود وباین طریق انحصار نمایندگی ایتالیا بوسیله اتریش ازبین رفت. گرچه برای احترام پاپ ناپلئون سوم حاضر بمذاکره رسمی درباره وحدت ایتالیا تحت نظر ساردنی نگردید ولی معلوم بود که مسئله ایتالیا دیر یا زود جلب نظر سیاستمداران اروپا را خواهد کرد. کاوور هم از هیچگونه وسیله تبلیغاتی بنفع دولت ساردنی خودداری نمیکرد بعد ازمراجعت کاوور از کنگره صلح روزنامههای ساردنی انتشاردادند ناپلئون سوم ووزیرخارجه انگلستان کمك خودرا بدولت ساردنی برای عملی کردن وحدت ایتالیا وعده دادهاند درصورتیکه دراین موقع ناپلئون سوم تصمیم قطعی درباره ایتالیا اتخاذ نکرده بود دولت انگلستان نیز که انجام وحدت ایتالیارا تحت نفوذ فرانسه مخالف سیاست خودمیدانست روی موافقتی نشان نمیداد.

برای تسریع نقشه خود کاوور تصمیم گرفت هرچه ممکن است اختلافات با اتریش را توسعه دهد تااین دولت مجبور بقطع روابط خود با دولت ساردنی گردیده وبهانه بدست دولت ساردنی برای تقاضای کمك ازفرانسه بدهد مثلا در ۱۵ ژانویه ۱۸۵۷ که دولت اتریش بابرقراری ماکزیمیلین بعنوان نایب السلطنه ایتالیا آزادیهای مختصری بایتالیائیها اعطا نمود کاوور به آزادیخواهان ایتالیا توصیه میکرد فریب تظاهرات اتریش را نخورند ویکتورامانوئل هم حاضر نشد بملاقات فرانسوا ژوزف که تاشهر میلان آمده بود برود. رویه دولت ساردنی موجب اعتراض دولت اتریش گشت وتخست وزیراتریش ـ گنت بوئول[1] ازدولت ساردنی توضیح ساخت (ژانویه

(۱۷۹۷-۱۸۶۵) Charles- Fèrdinand' comte BuolSchauens tein(۱)
سیاستمداراتریشی ـ چندین مرتبه نمایندگی اتریش رادر نزد دول خارجی عهدهدار شد- ازسال ۱۸۵۲ تاسال ۱۸۵۹ وزیرخارجه ونخست وزیراتریش شد.

ایجادوحدت ایتالیا گردید .

کاوور که جوانی خودرا درسویس ولندن وپاریس گذرانده بود جز وحدت ایتالیا خیالی درسر نداشت وچون بهقضایای سیاسی احاطه کامل‌داشت اقدام انقلابیون ایتالیارا برای‌بدست آوردن این‌وحدت کافی نمیدانست وبیشتر جنبه عملی قضایا را درنظرمیگرفت باینجهت باوجود تأسیس روزنامه ریزورژیمنتو انقلابیون ایتالیااورا از خود نمیدانستند . بعد از شکست دولت ساردنی در سال ۱۸۴۹ از اتریش عملا صحت نظریه‌کاوور ثابت گشت و کاوور که نماینده‌مجلس شده بود نظرپادشاه‌ساردنی را بطرف خودجلب کرد وازسال ۱۸۵۲ زمام امور دولت ساردنی را دردست گرفت کاوور سعی بسیاری برای از بین بردن نفاقهای جزئی که بین احزاب بود و ایجاد یگانگی دربین آنها بعمل‌آورد. کاوور باحزاب‌ایتالیا خاطرنشان نمود که‌نگاه کردن بگذشته ویادبود افتخارات‌سابق دردی‌را دوانکرده وملت ایتالیا بتنهائی‌قادرنخواهد بود استقلال ووحدت خودرا بدست‌آورد واززمانیکه زمام اموررا دردست گرفت در عین حال که اقتصادوارتش ایتالیا را تقویت مینمود بفکر بدست‌آوردن متحدین قوی وزورمندی برای دولت ساردنی افتاد تا به‌معیت‌آنها بتواند هم دست اتریش را ازایتالیا کوتاه کند وهم تمام شبه جزیره ایتالیارا درتحت حکومت دولت‌ساردنی در آورده وباینوسیله وحدت ایتالیارا تأمین کند .

درسال ۱۸۵۲ کاوور مسافرتهائی به لندن و پاریس نمود تا سیاستمداران انگلستان وپاریس را باخود همراه کند درموقع جنك کریمه باوجود اینکه اغلب وزیران دولت ساردنی عقیده داشتند که باید ازموقع استفاده نموده وبادست‌زدن

بقیه حاشیهٔ صفه قبل

میدان سیاست وطرفدار وحدت ایتالیا گردید-در سال۱۸۴۷ با بالبو روزنامه ایل ریزورژیمنتو il Risoregimento راتأسیس کرد -درجنك۱۸۴۸ برعلیه‌اتریش‌مانند یك سرباز خدمت کرد-بعداز این جنك نماینده مجلس شد-فصاحت وبلاغت واحاطه او بسیاست‌باعث ترقی وتعالی اوشد - ازسال ۱۸۵۲ نخست وزیردولت ساردنی شدوکابینه آزادی خواهی تشکیل داد - دولت ساردنی‌را بمقام درجه اول دربین دول اروپا ترقی داد - موسس وحدت ایتالیا وبانی ایتالیای جدید میباشد .

مداخله نکنند قرارشد صحبتی ازوحدت ایتالیادربین نباشد بلکه حمایت‌ضعفا(یعنی ایتالیا) درمقابل‌اقویا(یعنی‌اتریش)بهانه کمك‌فرانسه‌قرار گیرد ضمناً برای‌نرنجانیدن پاپ‌وتزارروسیه که حامی‌پادشاه ناپل‌بود امپراطورفرانسه نقشه خودرا راجع‌بایتالیا که عبارت بود ازایجاد دول متحده تحت ریاست اسمی پاپ وریاست عملی ویکتور امانوئل‌درایتالیا شرح‌داد کاوور که‌نقشه دیگری‌درپیش‌داشت برای‌جلب‌نظر ناپلئون سوم بدون‌اینکه‌هیچگونه اظهاری‌بنماید مخالفتی باعقایدناپلئون‌سوم‌نکرد وناپلئون سوم‌چنین تصورنمود که کاووربا نقشه اوموافقت دارد درصورتیکه کاوورتصمیم داشت بعدازموفقیت براتریش درنیمه‌راه متوقف نشده وناپلئون را درمقابل عمل‌انجام شده قراردهد. درمقابل‌توسعهٔ که دولت ساردنی بعد ازبدست‌آوردن متصرفات اتریش در ایتالیاپیدامیکرد کاوورموافقت‌نمودنیس‌وساووآ بفرانسه واگذارشودوشاهزاده‌خانم کلوتیلد(۱) باپرنس ناپلئون(۲) ازدواج کند.

درسوم اوت کاووروناپلئون‌سوم‌را مستحضرنمود که ویکتورامانوئل‌باشرایطی که درپلومبیرتعیین‌شده‌است موافقت دارد . ناپلئون سوم هم‌برای اینکه‌ازطرف دول اروپاراحت باشد در۲۴اوت ملاقاتی درشربورگ(۳) از ملکه ویکتوریا بعمل آوردو درسپتامبر۱۸۵۸ پرنس ناپلئون رابروسیه فرستاد تاموافقت تزار راجلب کند، کاوور نیزدر۲۴ دسامبرطرح پیمانی راکه باید بامضا برسد برای ناپلئون ارسال داشت

بعد ازاین‌مقدمات‌ناپلئون کم کم‌پرده ازروی کاربرداشته ملکه ووزیران‌خود را ازقضیه مسبوق مینمایدوحتی درروز اول عیداول‌ارسال۱۸۵۹ به‌سفیراتریش‌اظهار داشت: خیلی‌متأسفم که‌روابط مابادولت اتریش‌بخوبی گذشته‌نیست «ویکتورامانوئل

---

(۱) Marie-Thrése-Louise، princesse Clotilde (۱۸۴۳-۱۹۱۱)دختر ویکتور امانوئل دوم پادشاه ایتالیا-در۱۸۵۹ باپرنس ناپلئون ازدواج کرد .

(۲) Napoléon - Joseph - Charles - Paul ، Bonaparte معروف به Prince Napoléon (۱۸۲۲-۱۸۹۱) پسرژرم بناپارت وپسرعموی ناپلئون سوم درجمهوری دوم فرانسه بنمایندگی مجلس انتخاب شد-بعدازامپراطوری واردمجلس‌سنا شد - طرفدار کمك کامل بدولت ساردنی بود .

(۳) Cheroburg

۱۸۵۷) دولت ساردنی یادداشت اتریش را رد کرد و باوجود آنکه دولت انگلستان برای رضایت اتریش دولت ساردنی را ترغیب به خلع سلاح مینمود . ناپلئون سوم علیرغم سیاست کابینه فرانسه از کاوور پشتیبانی کردودولت اتریش مجبور گردید درماه مارس۱۸۵۷روابط سیاسی خوررا بادولت ساردنیقطع کند درنتیجهاینامر تمام احزاب ایتالیا مخالفتهای خودرا کنار گذاشته ودور کاوور که مظهروحدتایتالیاشده بودجمع شدند

تردید ناپلئون سوم برای کمك بوحدت ایتالیا باعث بغض وعداوت انقلابیون ایتالیا گردیده بودزیرا درموقع جوانی ناپلئون ازاعضای اینفرقهبوده واینهاتوقعات زیادی ازناپلئون سوم داشتند . در ۱٤ ژانویه ۱۸۵۸ اورسینی ایتالیائـی در پاریس بمبی بطرف کالسکه ناپلئون سوم پرتاب کرد و امید داشت در نتیجه قتل امپراطور فرانسه شورشی در پاریس ایجاد شده و ایتالیا بتواند آزادانـه بمقصود خود برسد . ناپلئون سوم ازاین حادثه جان بسلامت بدربرد و در بدو امر اقدامات جدی نموده واعتراضات سختی بدول انگلستان وایتالیا که مأمن قاتلین خوانده شدند فرستـاد . ولی بعداً ازاین سوء قصد استفاده نموده وتوانست باین وسیله مخالفت ملکهرانسبت باقدامات درایتالیات ازبینببرد در۲۰ فوریه ناپلئون سوم بهویکتورامانوئلپیغام داد حاضراست درمقابل اتریش بایتالیا کمك نظامی بکند. در داخل فرانسه نیزباانتشار توبهنامهاورسینی شروع بهتبلیغات برای حاضر کردن اذهانعمومی نمود. کاوور که که تحول رفتارناپلئون سومرا مشاهده نمود بیشترازپیش درعـزم خـود راسخ شده وبطوریکه حدس زده بود وقتیکه درماه مه ۱۸۵۸ دکتر کونو ازطرف ناپلئونسوم محرمانه اورابه پلومبیردعوت کرداطمینان حاصل کرد که درموقع لازمناپلئونسوم از کمك بایتالیا دریغ نخواهد کرد .

کاوور بعنوان مسافرت بسویس از ایتالیـا خارج گردید و در۲۱ و ۲۲ ژویه در پلومبیر مخفیانه ازناپلئون سوم ملاقاتی کرد . در این ملاقات شرایط کـمك فرانسه بـه ایتالیـا تعیین گردید و بـرای اینکه دول اروپـا در این قضیه مداخله

کاوور بمحض اطلاع از این خبر با عجله بپاریس شتافت و چون ناپلئون سوم بعذر اوضاع اروپا و مخالفت سایر دول گوش بحرف او نداد نا امید گردید و در نامهٔ که بامپراطور فرانسه نوشت تذکر داد چنانچه قضیه ایتالیا باین ترتیب حل شود ویکتور امانوئل و او مجبور باستعفا خواهند گشت. ناپلئون سوم در مقابل تقاضای کاوور دول اروپا را راضی نمود که دولت ساردنی نیز در کنگره شرکت کند. در ۱۶ آوریل دولت ساردنی مجبور گردید تصمیم امپراطور فرانسه را قبول کند و روز بعد خبر تشکیل کنگره اعلام شد و کاوور از روی ناامیدی درصدد انتحار بر آمد.

دولت اتریش که بواسطه تبلیغات نژادی چه در آلمان وچه در ایتالیا اعتبار سابق خود را از دست داده بود در این موقع گمان کرد اگر جنگی بین او و دولت ساردنی و فرانسه شروع شود خواهد توانست از احساسات ملیون آلمان برضد فرانسه استفاده نموده و دومرتبه نفوذ خود را در آلمان برقرار کند و با ازبین بردن دولت ساردنی نیز بتواند در ایتالیا مانند گذشته اوامر خود را اجرا نماید کابینه انگلستان نیز در این موقع طرفدار مداخله فرانسه در امور ایتالیا نبوده و بیشتر بطرف اتریش متمایل بود علاوه بر این بواسطه تبلیغات کاوور اتریش گمان نمیکرد ارتش فرانسه فوراً بتواند کمکی به دولت ساردنی کند بدین جهات دولت اتریش که تصور میکرد شروع جنگ کاملاً بمنفعت او تمام خواهد شد باوجود آنکه مقدمات تشکیل کنگره فراهم شده بود در ۲۳ آوریل اتمام حجتی بدولت ساردنی تسلیم نموده و باین دولت سه روز مهلت میداد که ارتش خود را خلع سلاح نماید.

کاوور که از تصمیم دولت اتریش قبلاً اطلاع حاصل کرده بود در ۲۱ آوریل برای اینکه مسبب جنگ بشمار نرود پیشنهاد خلع سلاح را قبول کرد و بمحض دریافت اتمام حجت اتریش دیگر از خوشحالی درپوست نمی گنجید بعد از انقضای مهلت جواب منفی باتریش داد و در ۲۶ آوریل دولت فرانسه نیز اعلام نمود متحد خود را که برخلاف عدالت مورد حمله قرار گرفته است تنها نخواهد گذارد. دولت انگلستان باز سعی بسیاری برای میانجیگری بعمل آورد ولی هیچکدام از طرفین دیگر راضی باین امر

هم در مجلس ایتالیا اظهار میداشت دیگر حاضر نیست بیش ازاین فریاد دردناك ملت ایتالیا رابشنود و اعلام مینمود که باعزم راسخ جلوخواهد رفت . دردهم ژانویه ۱۸۵۹ نیزپرنس ناپلئون برای ازدواج باشاهزاده خانم کلوتیلد بطرف ایتالیاحرکت کرد . پیمان مخفی در ۲۴ ژانویه ۱۸۵۹ بین دولت ساردنی وناپلئون سوم بسته شد که بموجب آن درعوض کمك بایتالیا دولت فرانسه میتوانست پس ازمراجعه بآراء عمومی نیس وساووآ راضمیمه فرانسه کند . این پیمان گرچه در ۲۶ ژانویه بامضای ناپلئون سوم رسیده است ولی برای اینکه ازدواج پرنس ناپلئون درانظار عام بهای این پیمان جلوه نکند تاریخ آن را ۱۶ دسامبر ۱۸۵۸ ثبت نمودند وپیمانهای مالی ونظامی نیز ضمیمه آن گردید .

دولت اتریش که ازرفتار ناپلئون سوم وجسارت ویکتورامانوئل دوم اتحاد بین فرانسه وساردنی راحدس زده بودرویه مسالمت آمیزی درپیش گرفت وامپراطورفرانسه وپادشاه ساردنی که قرار گذاشته بودند بجنك با اتریش جنبه ملی ندهند مجبوربه تشجیع وترغیب مردم شدند تا اختلافات بااتریش را غیرقابل احتراز نمایند . دولت انگلستان که مایل نبود ایتالیا درتحت نفوذ فرانسه قرارگیرد نیزبه اتریش نصایح مسالمت آمیزی داده وبهمراهی رئیس مجلس فرانسه دوك مورنی (۱) ازناپلئون سوم تقاضانمود اختلافات بوسیله دیپلوماسی حل گردد . درنتیجه این اقدامات در ۵ مارس ۱۸۵۹ درروزنامه رسمی فرانسه اطلاع داده شد که اختلاف با اتریش وارد مرحله دیپلوماسی شده است ودر ۱۹ مارس ۱۸۵۹ دربارهای لندن وبرلن وسن پترزبورك و پاریس اتفاق حاصل کردند که کنگره درپاریس تشکیل داده وباتأسیس دول متحده ایتالیا بدون آنکه اتریش درآن عضویت داشته باشد قضیه راخاتمه دهند .

(۱) Charles - Auguste - Louis - Joseph ، dnc de Morny (۱۸۶۵ - ۱۸۱۱) فرزندغیرشرعی مادرناپلئون سوم ـ از ۱۸۳۰ وارد خدمت نظام شد ـ بزودی وارد درسیاست ودر ۱۸۴۹ بنمایندگی مجلس انتخاب وفعالیت زیادی برای موفقیت کودتای ناپلئون سوم بخرج داد ـ از ۱۸۵۴ رئیس مجلس مبعوثان شد ـ نفوذزیادی در ناپلئون سوم وسیاست فرانسه داشت .

سوم ناراضی شده ودر داخله کشور ممکن بوداین قضیه لطمه باعتبار اوبزند صرفنظر ازاینکه برنامه ناپلئون سوم تشکیل دول متحده ایتالیا تحت ریاست پاپ بودنه تأسیس دولت ایتالیا تحت نظر دولت ساردنی .

ناپلئون سوم بنابجهاتی که شرح داده شده باوجود آنکه دولت ساردنی راضی بصلح بااتریش نبود ازدولت انگلستان تقاضای میانچیگری نمود ولی دولت انگلستان که مترصد بوداعتبارفرانسه رادرایتالیا ازبین ببرد فرصت رامناسب دانسته ودرموقعی که فرانسه می خواست ایتالیا رارها کند خود را طرفدار کامل ایتالیائیها قلمداد کرد ناپلئون سوم که دیگرچاره نداشت بنابروش سیاسی که تعقیب میکرد بـدون صلاح دیدوزیران خود در ٦ ژوئیه ١٨٥٩ مستقیماً بفرانسوا ژوزف امپراطور اتریش پیشنهاد ترك مخاصمه داد ودر ١١ ژوئیه درویلافرانکا ملاقاتی بین این دو امپراطور رخ داد وامپراطوراتریش راضی به تشکیل دول متحده درایتالیا تحت ریاست پاپ گردید دولت ساردنی نیز درمقابل عمل انجام شده مجبورشد سرتسلیم فرود آورد ودرنتیجه ١١ ژوئیه ١٨٥٩ ترك مخاصمه ویلافرانکا بامضاء رسید .

ترك مخاصمه ویلافرانکا برای ایتالیائیها خبرخوشی نبودزیرا اتریش بادردست داشتن ونیز همواره می توانست ایتالیا راتحت تهدید خود نگاهدارد و نقشه ناپلئون آمال وآرزوهای ملبون راتأمین نمیکرد. کاووردر ١٣ ژوئیه برای اینکه آزادی عمل خودرا حفظ کند از وزارت استعفاداد وباین طریق برای حاضر کردن اذهان اهـالی دوشه های فلورانس ومودن وبولونی به الحاق بدولت ساردنی کمك های بسیاری نمود وباپشتیبانی دولت انگلستان که پیشنهاد مینمود ارتش فرانسه و اتـریش متصرفات پاپ راتخلیه واصل عدم مداخله را درامورایتالیا رعایت وآراء عمومی راآزاد گذارند در ١٥ اوت فارینی (١) ازطرف اهالی مودن به ریاست حکومت انتخاب گردید ودر ٢١

(١) Luigi-Carlo , Farini (١٨١٢-١٨٦٦) سیاستمدار ایتالیائی ـ از ١٨٣١ در شورشهائی که بمنظور بدست آوردن وحدت ایتالیا انجام گرفت شرکت کرد ـ در ١٨٥٩ ازطرف مردم بریاست حکومت دوشه های پارم ـ مودن ـ رومانی انتخاب شد ـ مقدمات الحاق آنها را بدولت ساردنی فراهم کرد ـ درآخرین کابینه کاووروزارت داخله رابرعهده داشت ـ درسال ٦١-١٨٦٠ نماینده دولت ایتالیا در ایتالیای جنوبی گشت ـ نخست وزیر ایتالیا از ٨ دسامبر ١٨٦٢ تامارس ١٨٦٣ .

نمی‌شدند وارتش اتریش در ۲۹ آوریل شروع به پیشروی کرد اما بـرخلاف پیش بینی کنت دوبـوئول در همین موقع اولین دسته هـای ارتش فرانسه نیز وارد خـاك ایتالیا شدند .

ناپلئون سوم‌برای تهدید اتریش‌با کوسوت[۱] رئیس شورشیان مجارستان‌نیز وارد مذاکره گردید تاباروشن کردن‌آتش انقلاب درداخل‌اتریش این‌دولت‌راضعیف کند وازطرف‌دیگرچون کوسوت مدت‌مدیدی بود که درانگلستان زیست میکردو نفوذ زیادی درمحافل‌آنجا داشت بوسیله اوناپلئون‌سوم افکارعمومی رابرضدکابینه انگلستان تحریك کرد تابالاخره پالمرستون که نسبت بناپلئون نظربهتری‌داشت‌دو مرتبه نخست وزیرانگلستان گردید . ازاین طرف هم حساب اتریش غلط درآمد و کابینه جدید انگلستان گرچه باز مخالف نفوذ فرانسه درایتالیا بود ولی بااستقلال ایتالیا مخالفتی نداشت .

بعد ازشروع جنگ وفتوحاتی که درمونتبلو[۲] (۲۰مه)ـماژانتا[۳](۷ژوئن) وبالاخره‌درسولفرینو[۳](۲٤ ژوئن) نصیب ارتش فرانسه و ساردنی گردید امپراطور اتریش وامپراطور فرانسه ملتفت خطای خود گردیدند زیرا درداخله دولت اتریش اقدامات کوسوت تهدید مستقیمی‌باساس امپراطوری‌بود دردول آلمان نیزچون‌دولت پروس میخواست ازموقع‌استفاده نموده وریاست دول آلمان رادردست‌بگیرداتریش راضی بدرخواست کمك ازآنها نگردید ناپلئون سوم نیزدر این موقع کشورفرانسه رادرخطر میدید زیرا اقدامات دول آلمان و پروس تهدید مستقیمی نسبت بفرانسه بشمارمیرفت‌علاوه‌برآن‌درهر گوشه‌ایتالیااقداماتی‌برای‌بدست‌آوردن‌وحدت‌ایتالیاتحت نظردولت ساردنی بعمل‌می‌آمد و کاتولیکها که طرفدارپاپ‌بودند ازاقدامات‌ناپلئون

(۱) Kossuth ، Louis(۱۸۹٤ـ۱۸۰۲)سیاستمداروبکی ازرؤسای‌انقلاب‌مجارستان درشورش ۱۸٤۸رئیس‌حکومت موقتی مجارستان شد . بعد ازشکست انقلابیون به‌عثمانی وانگلستان وامریکا مهاجرت کرد .

(۲) Montbello

(۳) Magenta

(٤) Solférino

فرانسه دررم موجبی نداشته و دولت ساردنی قادراست به تنهائی متصرفات پاپ رادر مقابل تجاوزسایرین محافظت کند .

دولت ساردنی ودولت فرانسه هردو از این وقایع خوشوقت بودند زیرا یکی کشور وسیعی را متصرف شده ودیگری علاوه برانجام برنامه خود سرحدات طبیعی بدست آورده بود ولی ملیون ایتالیا که گمان میکردند توسعه دولت ساردنی بیشتر درنتیجه کوشش آنهاست بتحریك انگلستان که همواره جدیت میکرد نفوذفرانسه را درایتالیاازبین ببردتوسعه ساردنی‌راکافی‌ندانسته وخواستاروحدت تمام‌شبه‌جزیره ایتالیا بودند مازینی[1] نیزبایتالیامراجعت کرده وباکمك همراهان خوددرایتالیای جنوبی شروع باقدامات نمودند .

پادشاه ناپل فرانسوای دوم باوجودنصایحی که‌ناپلئون سوم‌برای جلب آزادی خواهان باومیداد بتحریك‌اطرافیان خود باکمال شدت از اقدامات آزادی خواهان جلوگیری میکرد وناپلئون‌سوم رامتهم‌مینمود که‌درامورداخلی ناپل‌بیجهت‌مداخله میکند. درآوریل ۱۸۶۰ شورشی درپالرم[2] ایجادشد که ازطرف‌پادشاه‌ناپل‌باقساوت زیادی خاموش گردید گاریبالدی[3] که مترصد بود مخفیانه بکمك دولت ساردنی

---

(۱) Joseph ، Mazzini (۱۸۰۵-۱۸۷۲) یکی از انقلابیون مشهور ایتالیا ـ در ۱۸۳۰ زندانی‌شد- درزندان برنامه جدیدی‌برای‌استقلال‌ووحدت‌ایتالیا تحت‌رژیم‌جمهوری تنظیم‌کرد-در۱۸۳۶ بانگلستان فرارکرد- در۱۸۴۸ بایتالیا برگشته درانقلابات ایتالیا شرکت کرد رئیس‌حکومت موقتی‌رم‌شد- دومرتبه به لندن فرار کرد ـ همواره جمهوری خواهان ایتالیا راتقویت مینمود ومخالف هرگونه رژیم سلطنتی درایتالیا بود .

(۲) Palerme

(۳) Giuseppè , garibaldi (۱۸۰۷-۱۸۸۲)سردارایتالیائی- طرفدار جمهوری ووحدت‌ایتالیا-درنتیجه‌شورشی‌در۱۸۳۴مجبوربفرارفرانسه وامریکا گردید- درامریکا رئیس وفرمانده ارتش اوروگه که‌برضد آرژانتین درجنك بود شد - در۱۸۴۸ بایتالیا مراجعت کرد-باارتش ایتالیا وارد درجنك برعلیه اتریش شد ـ بعد از شکست‌ایتالیا از اتریش درسال ۱۸۴۹ به‌نیویورك فرار کرد ـ در۱۸۵۴ دومرتبه بایتالیا مراجعت‌نمود- باارتش ساردنی برضد اتریش جنك کرد - باواگذاری ساووآ ونیس که موطن اصلی‌او بودمخالفت کرد- بعدازشکست‌اتریش بمعیت‌دستجات نظامی‌خود که‌بهنك هزار نفرموسوم

بقیه درحاشیه صفحه بعد

اوت فرمان اتحاد این دوشه را بخانواده ساووآ اعلام داشت. اهالی فلورانس هم در ۲۰ اوت سلطنت ویکتور امانوئل را تقاضا کردند. در متصرفات پاپ نیز شورش شووع شده وتمام ملیون ایتالیا تقاضای الحاق رم رابخانواده ساووآ مینمودند.

تاامضای بیمان روزیخ۱۱ نوامبر۱۸۵۹ ناپلئون‌تصمیمات‌متخذه‌درویلافرانکا راتعقیب میکرد ولی دولت ساردنی به ترغیب انگلستان موجبات الحاق دوشه های مرکزی ایتالیا را بدولت ساردنی فراهم آورد ناپلئون سوم برای جلب رضایت پاپ وحاضرنمودن اوبموافقت‌بانقشهٔ که برای ایتالیادرنظر گرفته بود فعالیت زیادی‌نمود حتی در۲۲دسامبر کتابی درفرانسه‌بعنوان پاپ و کنگره منتشرشد ونظریات‌ناپلئون نسبت بایتالیا درآن‌شرح داده میشدولی‌پاپ بهیچوجه حاضر به‌شنیدن‌نصایح‌ناپلئون سوم نبوده ومخالفین خودرا تهدید به‌بلیات آسمانی مینمود. ناپلئون سوم‌هم که از پافشاری‌پاپ‌خسته‌شده وباتوسعه‌ساردنی درمقابل عمل‌انجام شده واقع گردیده بود تصمیم گرفت از کوشش‌ملیون ایتالیاجلوگیری نکندودر۲۸دسامبر تشکیل کنگره راموقوف نمودولی در مقابل توسعه دولت ساردنی نواحی نیس وساووآ راکه دراثر متوقف نمودن لشکرکشی ازآنها چشم پوشیده بود دو مرتبه مطالبه کرد.

درایتالیا کاوور که‌مقدمات کار رافراهم کرده‌بوددومرتبه زمام اموررادردست گرفت‌وباوجوداشکالاتی که دولت‌انگلستان جهت واگذاری‌نیس و ساووآ بفرانسه میتراشید در۱۲ مارس ۱۸۶۰ تعهداتی که کاوور در پلومبیر تقبل کرده بود بصورت پیمان رسمی درآمد. درهمانروز ناپلئون واگذاری نیس وساووآ را بفرانسه بدول اروپا اعلام ومتعهد شدرأی اهالی رادرنظربگیرد و کاوور که باین وسیله ناپلئون را باصطلاح شریك‌جرم خودبرای‌الحاق متصرفات دول دیگر کرده بود دیگرتشویشی ازمخالفت فرانسه‌نداشت. در۲۹مارس ۱۸۶۰باوجود مخالفتهائی که‌بعمل‌آمدپارلمان ساردنی این واگذاری‌راتصویب کرد وتوونل که بجای والوسکی نخست‌وزیرفرانسه شده بود به کاوور اطلاع داد دولت ساردنی میتواند آزادانه دوشه های الحاق شده راضمیمه خودنماید. بالاخره در۱۱مه دولت فرانسه‌اعلام‌نمود که دیگروجود ارتش

وحدت دیگر موجبی برای اقدامات گاریبالدی باقی نماند و دول اروپا مخصوصاً اتریش که خود را دیگر مقید به تعهدات ویلافرانکا نمیدانست مداخله برعلیه دولت ساردنی ننمایند پیشنهاد کاوور مورد قبول شاه ناپل واقع نشد. در سپتامبر گاریبالدی شهر سالرن(۱) را متصرف و پادشاه ناپل به گائت(۲) پناهنده شد. در ۷ سپتامبر حکومت انقلابی بریاست گاریبالدی در ناپل تشکیل گردید و ملیون ایتالیا که مانند کاوور خود را مقید به تعهدات پلومبیر و ویلافرانکا نمیدانستند دراثر فتوحات گاریبالدی تشویق شده و خواستار وحدت ایتالیا بابدست آوردن رم و ونیز شدند.

دراثر اقدامات گاریبالدی و تقاضاهای ملیون ایتالیا پادشاه اتریش در ۲۷ ژوئیه در تپلیتز(۳) بانایب السلطنه پروس ویلهلم اول ودر دهم سپتامبر در ورشو باتزار روسیه ملاقاتهائی نمود واین دول تصرف ونیز و تیرول را برای اتریش ضمانت کردند. ناپلئون سوم هم که قضایای ایتالیا فوق العاده او را ناراحت کرده و مورد تعرض کاتولیکها و جمهوری خواهان قرار گرفته بود خیلی میل داشت ایتالیا را بحال خود وا گذار کند باینجهت درماه اوت بدولت اتریش اعلام نمود اگر جنگی بین اتریش و ایتالیا واقع شود دولت فرانسه مداخله نخواهد نمود.

کاوور که با کمال دقت مراقب اوضاع بود رمیترسید دراثر مداخله دول اروپا استقلال دولت جدید ایتالیا دچار مخاطره شود برای جلوگیری از اقدامات انقلابی گاریبالدی تصمیم گرفت قبل از رسیدن ارتش گاریبالدی این ناحیه را متصرف شود ودرنهم سپتامبر بپاپ اعلام نمود باید ارتش خود را خلع سلاح نماید. ناپلئون سوم که مایل بمداخله درامور ایتالیا وجنگ بامتحد قدیم خود یعنی دولت ساردنی نبود درمقابل تقاضای کاوور ازپاپ برای حفظ ظاهر نماینده خود رااز دربار تورن احضار کرد ولی بهمین تهدید اکتفا نموده و کاوور را دراقدامات خود آزاد گذاشت.

---

(۱) Salerne
(۲) Gaëte
(۳) Teplitz

دستجاتی بنام هنگ هزارنفره‌درشهر ژن تشکیل داد بوسیله جهازات دولت‌ساردنی درمارسالا[1] پیاده وبعد ازچند روزجنگ باارتش ناپل در۲۷ مه ۱۸۶۰پالرم را متصرف وسیسیل را ازناپل منتزع نمود .

حمله گاریبالدی به‌سیسیل‌معلوم بود که مقدمه حمله‌به‌ناپل‌خواهد بود وچون ممکن‌بودبعدازتصرف ناپل‌متصرفات پاپ نیزمورد حمله‌قرار گیرد امپراطور فرانسه درمقابل اعتراض کاتولیکها درزحمت افتاد و اگرانگلستان موافقت میکردباارسال جهازات‌جنگی‌از تجاوز گاریبالدی‌بجنوب‌ایتالیاجلوگیری‌مینمودانگلستان‌ناپلئون سوم‌رامتوجه شرایط پیشنهادی خود که مبنی برعدم‌مداخله درامورایتالیا بودنموده وناپلئون‌نتوانست اقدامی برای جلوگیری از عملیات گاریبالدی بعمل آوردفقط از احضارارتش فرانسوی که در رم اقامت داشت خود داری نمود کاوورهم برای حفظ ظاهرنماینده نزد گاریبالدی فرستاد. ودرصدد برآمد جزیره سیسیل‌راضمیمه‌دولت ساردنی نموده وحرکت گاریبالدی را بهمان جا خاتمه دهد . اما گاریبالدی بحرف کاوور گوش نداده ودر۲۰ اوت‌ازتنگه‌مسین[2] عبورنموده وارد ایتالیای جنوبی‌شد

پادشاه ناپل به‌نصیحت ناپلئون سوم بابرقراری وزیران آزادی خواه‌سعی کرد ملت رابطرف خودجلب کند ولی این اقدامات ضعف دولت شمرده شد؛ وتمام اهالی جنوب ایتالیا خودرا حاضربرای تسلیم به‌گاریبالدی نمودند .کاوور درتعقیب نقشه خود ازاین جهت که‌ازپیشرفت گاریبالدی برای اساس سلطنت‌خانواده ساووآتشویش داشت بدولت ناپل پیشنهاد نمود رسماً تقاضای‌الحاق‌به‌ساردنی‌رابنمایدتا باایجاد این

بقیه ازحاشیه صفحه قبل

بودجزیره سیسیل وایتالیای جنوبی رااشغال وبعداً تحویل‌دولت ساردنی داد در۱۸۶۶ بر ضداتریش وارد درجنك گردید وتنهاسردارایتالیائی بود درمقابل‌اطریشیهافتحی نصیبش شد در۱۸۶۲ و۱۸۶۷ برای اشغال رم اقدامات نظامی بعمل آورد که منتج به نتیجه نشد در۱۸۷۰ بادستجات خود بکمك فرانسه شتافت‌ـمانند کاوورنام اودرجزء بانیان‌ایتالیای جدید ثبت شده است .

Marsala (۱)

Messine (۲)

بوسیله اطرافیان ناپلئون سوم امپراطور فرانسه را راضی باحضار ارتش خـود از رم کند ولی توفیقی حاصل نکرد . بعداز اوراتازی(۱) در ۲۰ مـه ۱۸٦۲ مذاکرات کاوور و ناپلئون سوم را پیش کشید امـا لجاجت پاپ کـه حاضر نمیشد متصرفات جدیـد ویکتورامانوئل را برسمیت بشناسد وتظاهرات ایتالیائیها که عبارت « پارم یا مرگ » را دائماً درسرزبانهاداشتندباعث کندی مذاکرات میگردید . در ۹ اوت ۱۸٦۲ گاریبالدی دومرتبه شروع بفعالیت نظامی نمود تامانند سیسیل با تصرف رم دول اروپا را درمقابل عمل انجام شده قرار دهـد راتازی گاریبالدی را دستگیر کرد و بعداً برای تسکین احساسات اهالی ایتالیا اورا مورد عفوقرار داد ولی ازاین قضیه استفاده نموده وناپلئون را از احساسات مردم ایتالیا ترسانیده بدست آوردن رم را تنها راه چاره برای آرامش ایتالیا معرفی نمود ؛

نخست وزیر فرانسه توونل که میدید قضیه رم باعث نفرت ایتالیائیها از فرانسه خواهد شد اظهارات راتازی را تأیید نمود ناپلئون سوم نه تنها پیشنهاد راتازی راقبول نکرد بلکه باعزل توونل وبرقراری دروئن دولوئی که طرفدار کاتولیکها بودبیشتراز پیش درمقابل تقاضای ایتالیائیها برای بدست آوردن رم استقامت نمود عکس العمل این قضیه درایتالیا باعث سقوط کابینه راتازی و تشکیل کابینه جدید فارینی گردید .

ناپلئون سوم برای اینکه نظر ایتالیائیها را از رم بجای دیگری متوجه کند و رضایت کاتولیکها را نیز جلب کرده باشد بفکرافتاد تـا ونیز را در عوض رم بتصرف ایتالیائی ها بدهد و در ۱٦ مارس ۱۸٦۳ ناپلئون سوم نقشه خود را بـه کنت ارز اظهار داشت ایتالیائیها نیز برای آنکه ارتش فرانسه دررم باقی نماند متعهد شدند متعرض پاپ نشوند و دولت ایتالیا پای تخت خود را شهرفلورانس قرار داد تا حسن نیت خود

---

(۱) **Urbain Rattazi** (۱۸۰۸-۱۸۷۳) سیاستمدارایتالیائی ـ نماینده مجلس و نخست وزیر ساردنی در ۱۸۴۹ رئیس مجلس مبعوثان ساردنی در ۱۸۵۲ ـ نخست وزیردولت ساردنی از ژوئیه ۱۸۵۹ تا ژانویه ۱۸٦۰ ـ دومرتبه دیگر نیز بعد ازفوت کاوور نخست وزیر ایتالیا گردید .

در ۱۸ سپتامبر ارتش ساردنی قشون پاپ را شکست داد ودراول اکتبر لاموریسیر درانکون (۱) تسلیم گردید وچون پاپ خیال فرار از رم را داشت وممکن بود ارتش ساردنی فوراً این شهر را اشغال کرده وپایتخت ایتالیا قراردهد درنتیجه مداخله ناپلئون سوم قرارشد شهررم و اطراف آن برای پاپ باقیمانده وبآن تعرض نشود ودر ۱۲ اکتبر ۱۸۶۰ ارتش ساردنی رم را دور زده وبه سرحدات جنوبی متصرفات پاپ درموقعی رسید که گاریبالدی دراثر خستگی همراهانش نزدیك بود ازارتش ناپل شکست بخوردو کاوور بارساندن ارتش خود بجنوب ایتالیا همناجی گاریبالدی بشماررفت وهم باینوسیله مانع اقدامات انقلابی گاریبالدی گشت ودرنتیجه قسمتهای جنوبی ومرکزی ایتالیا ضمیمه دولت ساردنی شده و ایتالیای جدید تأسیس گردید .

در ۱۸ فوریه ۱۸۶۱ بدعوت ویکتور امانوئل دوم پادشاه ساردنی نمایندگان تمام ایتالیا درتورن جمع شدند وچون وحدت ایتالیا (غیر از رم وونیز ونیس) انجام شده بود ویکتورامانوئل رسما پادشاه خواهدشد ودول اروپا ایتالیای جدید رابرسمیت شناختند بعد از این همه کوشش ورنج وتدبیر که برای وحدت ایتالیا کاوور متحمل شده بود در ۶ ژوئن ۱۸۶۱ این مرد بزرگ ایتالیا دارفانی رابدورد گفت ونام خودرابا وحدت ایتالیا بیادگار گذاشت .

ملت ایتالیا که وحدت این شبه جزیره را بدون در دست داشتن شهر رم کافی نمیدانست بعد ازفوت کاوورساکت نه نشست وشروع به تبلیغ برای تصرف آن نمود . در زمان حیات کاوور قرارشده بود ارتش فرانسه رم را تخلیه کند دولت ساردنی هم متعهد میشد باین شهر تجاوزی ننماید . فوت کاوور وقفه درمذاکرات ایجاد کرد و جانشینان کاوورنتوانستندآنطور که باید مسئله راحل کنند ریکاسولی (۲) سعی نمود

Ancône (۱)

(۲) Bettino Ricasoli (۱۸۸۰ - ۱۸۰۹) سیاستمدار ایتالیائی - در ۱۸۵۹ الحاق فلورانس رابدولت ساردنی فراهم آورد - بعدازفوت کاوور تامارس ۱۸۶۲ واز ژوئن ۱۸۶۶ تا آوریل ۱۸۶۷ نخست وزیر ایتالیا بود .

قرار گرفته وبدون آنکه بیسمارك وعدهٔ صریحی راجع بفرانسه بدهد امپراطورفرانسه بشرط واگذاری ونیز به ایتالیائیها متعهدشد اتحاد ایتالیا راباپروس برضد اتریش جلب کرده وبرعلیه پروس اقدامی ننماید .

بعدازملاقات بیارتیزبیسمارك که هنوزموقع را برای جنگ با اتریش مناسب نمیدانست بادولت ایتالیا فقط پیمان بازرگانی منعقد نموده ومذاکرات راجع به پیمان نظامی را طول داد درصورتیکه ایتالیا میل داشت هرچه زودتر ونیز را تصرف کند مخصوصاً که سابقه تهدید دول آلمان و پروس بفرانسه درسال ۱۸۵۹ باعث شده بود ناپلئون سوم از کمك بایتالیا درحین فتح خودداری کند وچون دولت ایتالیا میترسید دولت پروس بااتریش نزدیك شده واختلافات بین یکدیگر رابمسالمت حل کنندمذاکرات خود را با اتریش ادامه داده وباین دولت پیشنهاد نمود که اتریش دوشه‌های مولداوی ووالاشی را که برعلیه آلکساندرکوزا شورش کرده‌بودند اشغال کند ودرعوض ایتالیا ونیز رامتصرف شود . ناپلئون سوم برای رام کردن ایتالیا مخفیانه ازرویه پروس نسبت باتریش درنزد دولت ایتالیا ضمانت کرد وبدولت ایتالیا اطمینان داد که بوسیله اتحادبا پروس خواهد توانست ونیز را بدست آورد بالاخره در ۸ آوریل ۱۸۶۶ پیمانی بین ایتالیا وپروس بسته‌شد که بموجب آن دولت ایتالیاتعهدکرد درموقع جنگ بین پروس واتریش بنفع پروس وارد در جنگ شود و دولت پروس در عوض واگذاری ونیز را بایتالیا درمقابل بدست آوردن متصرفاتی برای خودتضمین کرد وطرفین تقبل نمودند که درصورت جنگ بااتریش هیچکدام پیمان صلح جداگدانه منعقد ننمایند .

درداخلـه فرانسه سیاست ناپلئون سوم سخت مورد انتقاد واقع گردید تیر (۱)

---

(۱) Louis - Adolphe, Thiers (۱۷۹۷ - ۱۸۷۷) سیاستمدار و مورخ فرانسوی ـ از ۱۸۱۹ وکیل داد گستری و وارد سیاست میشود ـ از خانواده اورلئان طرفداری میکرد ـ درکابینه‌هائی که در زمان سلطنت لوئی فیلیپ در فرانسه تا سال ۱۸۴۰ تشکیل شد شرکت وچندنوبت هم نخست وزیرشد ـ از ۱۸۴۰ سردسته مخالفین گردید ـ در (بقیهٔ حاشیه درصفحهٔ بعد)

را به ثبوت رساند. برروی این اصول در ۱۵ سپتامبر ۱۸٦٤ پیمانی بین فرانسه وایتالیا بسته شد که بموجب آن دولت فرانسه تعهد میکرد در ظرف دوسال ارتش خود را از رم بیرون ببرد و دولت ایتالیا تقبل مینمود از هرگونه تهاجمی برضد پاپ جلوگیری کند بپاپ هم حق داده میشد ارتش داوطلبی برای خود تشکیل دهد. طبق یك ماده مخفی نیز قرارشد پایتخت ایتالیا شهرفلورانس باشد دراین پیمان که برروی توافق نظرفرانسه و ایتالیا جهت بدست آوردن ونیز بسته شد هیچگونه اشاره باین قضیه نشد.

قضیه دوشه‌ها و اختلافاتی که درباره آنها بین دانمارك و آلمان بروز نمود ناپلئون‌سوم راامیدوارنمود که عنقریب‌ونیز بتصرف ایتالیا داده‌خواهد شدبعدازانتزاع دوشه‌ها ازدانمارك ناپلئون‌سوم بنماینده ایتالیا اظهارداشت بدون شك‌بین‌اتریش‌پروس درسرقضیه دوشه‌ها اختلاف حاصل خواهد شد ودرآنوقت فرصت مناسب برای بدست آوردن ونیزپیدا خواهد شد،

درسال ۱۸٦۵ ناپلئون سوم مردد بود که آیا باید بوسیله کمك‌به پروس برضد اتریش ونیزرا بتصرف ایتالیائیها بدهد یا اینکه باتهدید اتریش و کنارآمدن با این دولت‌اشغال ونیزراتوسط ایتالیائیهاتسهیل‌نماید. تردیدناپلئون‌سوم درتصمیم ایتالیائیها نیزتأثیرداشت ژنرال لامارمورا (۱) ازطرفی‌پیشنهاد کمك فوری‌ایتالیا رابرضداتریش بدولت پروس مینمود وازطرف دیگربادولت اتریش وارد درمذاکره برای خریداری ونیز گردید.

در ۱۱ اکتبر ناپلئون سوم مصمم بهمراهی بپروس گردید ودرملاقاتی که در بیارتیز (۲) بین‌ناپلئون سوم وبیسمارك واقع گردیدناپلئون‌سوم کاملاتحت‌نفوذبیسمارك

---

(۱) Alphonse - Ferrero - marquis de La Marmora (۱۸۰٤–۱۸۷۸) سرداروسیاستمدارایتالیائی- درجنك کریمه وجنگهای برضداطریش شرکت کرد و مدتی وزیرجنگ ایتالیا بود - در۱۸٦٤ نخست وزیر ایتالیا گردید.

(۲) Biarritz

ودر۲۶ ژوئیه پیمان ترك مخاصمه نیکولسبورك (۱) بامضا رسید .

در جنك با اتریش گرچه ارتش پروس کاملا فاتح شده بود ولی ایتالیائی‌ها در همه جا از ارتش اتریش شکست خوردند این شکستهای بری و بحری مانع از آن نگردید که دولت ایتالیا باترك مخاصمه موافقت نکند وحتی ادعاهای آن از زمان قبل ازجنگ نیز زیاد ترشده بود علاوه برآنکه نمی‌خواستند ونیز را طبق پیشنهاد اتریش ازدست ناپلئون سوم مانند تحفه دریافت کند تقاضای اشغال تیرول ایتالیائی وایستری‌رانیزمیکرد . بالاخره برای‌اینکه ایتالیائیهاخاموش‌شوند قرارشداهالی‌ونیز بادادن رأی الحاق خود رابایتالیا اعلام دارند . دولت اتریش‌هم بموجب پیمان‌وین در ۲۴ اوت ۱۸٦٦ ازونیزصرفنظر کرد .

بعد ازتصرف ونیزایتالیائیها بیشترازبیش درخواست اشغال رم‌را کردند وچون ناپلئون سوم راضی‌باین امر نمیشد در۳ نوامبر۱۸٦٦ گاریبالدی بمعیت همراهان خود سعی نمود رم را تصرف کند ارتش فرانسه که مأمور محافظت پاپ بود مجبور گردید بقوه قهریه گاریبالدی را از رم دور کند واین امر لطمه زیادی باعتبار و محبوبیت ناپلئون سوم وسیاست فرانسه درایتالیا زد وایتالیائیها که فرانسه راتنها مانع‌درمقابل خود برای وحدت کامل‌میدیدند حس نفرتی درخودنسبت بفرانسوی‌ها احساس کردند ناپلئون‌سوم که نمیتوانست تصور کند شهررم انقدربرای ایتالیائیها اهمیت داشته باشد ازحق ناشناسی ایتالیائی‌ها درتعجب بود ولی نفوذ ملکه وکاتولیکها باعث شد که با وجود تمام مساعی که ازسال ۱۸٦۷ تا سال ۱۸۷۰ وزیران فرانسه برای‌جلب رضایت ناپلئون‌سوم‌جهت اشغال‌رم توسط ایتالیائی‌ها بکاربردند امپراطورفرانسه حتی‌درموقعی که‌یکه وتنها درمقابل‌ارتش‌پروس‌اساس‌امپراطوری خودرامتزازل میدید حاضربقبول پیشنهادات ایتالیانشد وپیمان‌اتفاق بین‌فرانسه واتریش‌وایتالیابهمین‌جهت‌دربوته اجمال ماند تا اینکه بعد از شکست فرانسه در۱۸۷۰ و واژگون شدن سلطنت ناپلئون سوم ایتالیائیهاتوانستندرم‌رامتصرف‌شده‌پایتخت‌خودقرارداده‌ووحدت‌ایتالیاراتکمیل کنند.

(۱) Nikolsboug

که ازمخالفین سیاست ناپلئون سوم بود پیمان بین پروس و ایتالیا را کـه تحت نظر امپراطور فرانسه تنظیم شده بود برخلاف مصالح کشور و خائنانه نامید چه ایجاد دو دولت قوی در سرحـدات فرانسه باعث تضعیف فرانسه میشد . ناپلئون سوم درجواب انتقادات تیر اظهار داشت باین وسیله توانسته است اثرات پیمان های ۱۸۱۵ را ازبین ببرد . دولت اتریش نیز که ازاقدامات پروس وایتالیا مشوش شده تحت نفوذ ونصایح دولت انگلستان سعی نمود اتفاق ایتالیا وپروس را ازبین‌ببرد . باینجهت بدولت ایتالیا پیشنهاد واگذاری‌ونیز رانمودبشرط آنکه‌بتواند آزادانه سیلزی‌راازپروس‌منتزع کند . ناپلئون‌سوم هم که گرفتارانتقادات واعتراضات سخت مخالفین خود قرار گرفته بودبا این‌پیشنهاد موافقت کرد ونزدیك بود ائتلافی برضد پروس تشکیل گردد در ۲۶ مه دروئن‌دواوئی‌وزیرخارجه فرانسه‌نیزموافقت امپراطورفرانسه رابرای‌تشکیل کنگره درماه ژوئن برای حل این موضوع جلب کرد .

دولت اتریش که در اینموقع اوضاع را بحال خود مناسب دید گمان مینمود ازترسی که دول آلمان ازاقتدار پروس پیدا کرده‌اند میتواند استفاده نموده و بـکلی نفوذ پروس را درآلمان ازبین ببرد وچون تصور مینمود در مقابل پروس باندازه کافی قدرت نظامی دارد در اول ژوئن ۱۸۶۶ مخالف مذاکرات درباره واگـذاری اراضی در کنگره گردید .

بیسمارك‌هم ازموقع‌استفاده نمود وازدیت‌فرانکفورت درخواست‌تصویب‌سازمان جدیدی‌برای‌آلمان‌نمودودولت‌اتریش‌در۱۴ ژوئن‌برضدپروس‌تجهیز کرد وارتش‌پروس در۲۴ ژوئن‌وارد بوهم گردید . در۳ ژوئیه درسادوآ (۱) ارتش‌اتریش بکلی‌مغلوب‌شد

(بقیه حاشیه ازصفحه قبل)

۱۸۴۸طرفدار برقراری نظم بود باینجهت بالوئی ناپلئون موافقت کرد ـ از۱۸۶۳ تقاضای اعطای آزادی زیادتری را ازدولت کرد وبااقدامات ناپلئون‌سوم درخارج فرانسه مخالفت کرد ـ بعدازشکست ۱۸۷۰ مسافرت سیاسی بدربارهای اروپا نمود وبریاست قوه مجریه انتخاب شد ـ در۱۸۷۳ازریاست قوه‌مجریه استعفا داد ـ تاریخ دوره کونسولاواامپراطوری ناپلئون که در۱۹ جلد منتشرشده‌است ازمعروفترین انتشارات اومیباشد ،

(۱) Sadowa

بااتریش بود ودرسال های ۱۷٤۰ و۱۸۳٤ در اثر اقدامات اتریش دیت یکنوع قوه مرکزی را تشکیل داد که میخواست حتی در کارهای داخلی دول آلمان دخالت نماید سیاست دولت پروس نیزدراین زمان تقریباً تابع سیاستاتریش بوده وازلحاظ سیاسی مانعی برای اتریش ایجاد نمیکرد .

درسال ۱۸۲۸دراثر توسعه کارخانه‌ها وپیدایش‌صنایع جدید دولت پروس که ازلحاظ اقتصادی‌تماس‌بیشتری باآلمان‌داشت بابعضی ازدول آلمان شروع‌بمذاکراتی برای عقد پیمانهای گمرکی‌نمود. ازسال ۱۸۳۱تا سال ۱۸۳٤ براساس انعقادمعاهدات گمرکی در دول آلمان یکنوع اتحادیه جدیدی که بر روی منافع اقتصادی اتکاء داشت تحت نظرپروس‌بدون دخالت اتریش تشکیل‌شد که باعث تشویش خیال‌مترنیخ برای محافظت تفوق سیاسی اتریش درآلمان گردید .

درسال ۱۸٤۸ کـه در اغلب کشورهای اروپا انقلاباتی بمنظور بدست آوردن آزادی رخ داد نظراتریش باوضاع داخلی خود متوجه شد . آزادی خواهان آلمان بطور کلی طرفدار عقیده وحدت نژادی وخواستار تشکیل یك آلمان واحد بودند . در۳۱ مارس ۱۸٤۸ درفرانکفورت کنگره بنام ورپارلامنت(۱) تحت ریاست یکی از استادان دانشگاه تشکیل شد که در نظر داشت با تشکیل مجلس مؤسسان سازمان جدیدی برای کشورآلمان بریزد .

بین این دومجلس‌جدید ودیت‌فرانکفورت اختلافاتی تولید گردید وهر کدام دیگری رافاقد صلاحیت دانستند در مجلس مؤسسان نیزدر باره این موضوع کەچه مقامی باید عهده‌دارقوه اجرائیه شود اختلاف پیدا شدبعضی دیت را که ازنمایندگان شاهزادگان آلمان تشکیل‌میشد برای‌این‌امر پیشنهاد کردند وبرخی‌دیگردرخواست انتخاب وزیرانـی را از طرف مجلس نمودند بـالاخره یك مدیر امیراطوری تعیین گردید تادر اجرای امورمراقبت کند .

این رویه مدت شش ماه ازاواخر ژوئن تادسامبر۱۸٤۸ ادامه پیدا کرد ولـی

(۱) Vorparlament

فصل ششم

مقدمات وحدت آلمان

کنفدراسیون ژرمانیك - اتحاد گمرکی - اقدامات آزادی خواهان انقلابات سال ۱۸۴۸- اتحادیه دول آلمان شمالی- اولموتز - سیاست پروس درجنك کریمه- بیسمارك - مسافرتهای بیسمارك و نظریات سیاسی او - تهدید شاهزادگان آلمان و اتریش- شورش لهستان - قضیه دوشه‌ها- اشغال دوشه‌ها- کنفرانس لندن- پیمان صلح بادانمارك- ملاقات بیارتیز- جلب نظر ایتالیا - پیمان گاستین- ملاقات دوم بیارتیز- تحریکات پروس و اتریش در دوشه‌ها- اتحاد پروس و ایتالیا- تردید ناپلئون سوم- مقدمات حمله پروس - سادو آ- پیمان صلح پراك واگذاری و نیز با یتالیا- از بین رفتن کنفدراسیون ژرمانیك - تشکیل دول متحده آلمان - مقدمات تأسیس امپراطوری آلمان

کنگره وین در ۱۸۱۵ برای تسکین احساسات ساکنین آلمان سازمانی برای این نواحی ریخت که نیمه اتحادی بین آنها برقرارمیشد .چون دراین موقع دول آلمان هر کدام استقلال داشته وشاهزادگان آنها مایل به ازدست دادن شخصیت خودنبودند کنفدراسیون ژرمانیك هم برروی این اصل تأسیس ودرصورتیکه دول آلمان مستقل بودند در فرانکفورت مجلسی بنام دیت(۱) ازنمایندگان دول شهرهای آزاد تشکیل شده وروشی بین اتحاد و تجزیه ایجاد گردید .

مترنیخ نفوذ اتریش را درآلمان کاملا برقرار کرد ریاست کنفدراسیون ژرمانیك

(۱) Diète

روسیه نسبت بپروس جلب‌شد. دراواخر سلطنت فردریك گیوم چهارم بواسطه بیماری واختلال دماغی اوحکومت پروس نمیتوانست رویه معینی اتخاذ کند . درسال ۱۸۵۸ ویلهلم اول نیابت‌سلطنت پروس‌را دردست گرفت وبعد ازروی کارآوردن چند کابینه چون‌برای تقویت پروس وارتش آلمان که ویلهلم‌اول علاقه زیادی‌بآن داشت شخص مبرز وبااراده لازم بود بعد ازفوت فردریك گیوم‌چهارم وقتی در سال ۱۸۶۲ ویلهلم اول بپادشاهی پروس رسید برخلاف میل خود بیسمارك را صدراعظم آلمان کرد .

بیسمارك(۱) که‌ازطبقه نجبا وازلحاظ عقیده‌طبقاتی به سلطنت واقتدار پروس وحفظ حقوق تاریخی دولت ونجباعلاقه‌داشت باعقاید آزادیخواهان وبدست آوردن وحدتی که آنان برای آلمان آرزو میکردند مخالف بود . درسال ۱۸۴۷ بیسمارك بنمایندگی‌دیت پروس‌انتخاب‌شد . در۱۱ مه ۱۸۵۱ بیسمارك نماینده دولت‌پروس‌در دیت‌فرانکفورت گردید ودرمدت ۸سالی که عهده‌دار‌این نمایندگی بود کاملا رفتار وسیاست اتریش‌را درآلمان موردمطالعه‌قرارداده وعقیده‌پیدا کرد که‌برای‌تأسیس‌یك آلمان متحدتحت سرپرستی‌پروس‌بایددست اتریش‌ازآلمان کوتاه‌شود.ازفرانکفورت نیز دائماً بابرلن مربوط بوده توسط دوستان و همراهان خود نصایح مفیدی بپادشاه پروس‌میداد. دراثراقدامات‌بیسمارك‌درجنگ کریمه ناپلئون‌سوم ازپروس کینه‌دردل نگرفت وباتمام‌موانع‌واشکالاتی که برای‌ورودا‌تریش‌درصف متفقین فراهم آورده‌بود تمام‌شکایات‌متوجه‌اتریش گردید. درسال۱۸۵۵ بیسمارك‌ملاقاتی ازناپلئون‌سوم‌بعمل آورد ونظرموافق اورا نسبت بپروس جلب کرد . در۱۸۵۷ درضمن مسافرت‌دیگری

---

(۱) Otto Edouard-Léopold, prince de Bismarck schönhausen (۱۸۱۵–۱۸۹۸) سیاستمدار معروف آلمانی ـ در۱۸۴۷ بنمایندگی دیت پروس انتخاب شدـمخالف آزادی خواهان بود ـ نماینده پروس دردیت فرانکفورت از۱۸۵۱ تا۱۸۵۹ سفیرپروس درروسیه از۱۸۵۹تا۱۸۶۲ ـ سفیرپروس درفرانسه در۱۸۶۲ ودرهمین‌سال نخست وزیر ووزیر خارجه پروس میشود ـ بانی امپراطوری آلمان‌ـ سیاست خارجی و عملیات اودرضمن کتاب شرح داده خواهد شد ـ درسیاست داخلی مخالف آزادی‌خواهان و کشیشان بود ـ دراوائل سلطنت ویلهلم دوم باامپراطورجدید آلمان اختلاف نظرپیدا کرد ودرسال ۱۸۹۰ مجبور باستعفا گردید .

شاهزادگان آلمانی که این روش را مخالف منافع خود میدانستند شروع به ترغیب مردم و پیدا کردن حس شخصیت آنها نموده آنها را تشویق به نگاهداری از تأسیسات خود نمودند. درهمین موقع دولت آلمان و مجلس فرانکفورت دراثر مخالفت دول اروپا نتوانستند درباره قضیه دوشه‌ها دردانمارك اقدامی بعمل آورند. این امرباعث از بین رفتن اعتبارنمایندگان و غضب ملت شده در نتیجه شورشهائی در ۱۸ سپتامبر در فرانکفورت و کولونی و برسلو و در ۱۷ اکتبر در وین و ۳۱ اکتبر ۱۸٤۸ در برلن اتفاق افتاد.

درمقابل این پیش آمد ملیون آلمان ازپادشاه پروس فردریك ویلهلم چهارم تقاضای برقراری وحدت آلمان را نمودند پادشاه پروس جرئت نکرد با دولت اتریش و شاهزادگان آلمانی اختلافی پیدا کند و خواهش ملیون و قبول ریاست آلمان را در ۲۸ آوریل ۱۸٤۹ رد کرد. بعداً بمعیت ارتش خود به شاهزادگان آلمان کمك کرد وشورشهائی را که اتفاق افتاده بود خوابانید.

دراینموقع که وریارلمان ومدیر امپراطوری و دیت فرانکفورت ازبین رفته بودند پادشاه پروس میتوانست بخوبی از موقعیت استفاده کرده واز نفوذ اتریش در آلمان بکاهد وچون درسال ۱۸٤۹ اتریش دائماً گرفتار انقلابات داخلی بود دراوائل سال ۱۸۵۰ دولت پروس باتشکیل پارلمان ارفورت(۱) درصدد تشکیل اتحادیه از دول آلمان شمالی برآمد ولی دیگر فرصت ازدست رفته بود وشاهزادگان آلمان که ازخطر انقلاب راحت شده بودند بااطریش همدست شده وبا فشار روسیه توانستند دراواخر سال ۱۸۵۱ پیمان اولموتز(۲) وبر قراری مجدد کنفدراسیون ژرمانیك را به پروس تحمیل کنند.

درجنك کریمه دولت پروس تحت نصایح بیسمارك نه‌تنها بیطرف باقیمانده بلکه باجلو گیری ازورود دولت اتریش کمك‌های ذیقیمتی بروسیه کرد. درخاتمه جنك نیز نصایح دولت پروس روسیه‌واتشویق بقبول شرایط متفقین نمود. باین‌ترتیب نظرموافق

---

(۱) Erfurt

(۲) Olmûtz

تهدید شاهزادگان آلمان و اتریش ـ شورش لهستان

نمایندگان دول آلمان واتریش درووزبورگ[۱] مجتمع شده ودرباره مسائل کلی آلمان تصمیم بگیرند تابااین وسیله بتوانند باکمک اتریش از نفوذ پروس بکاهند. دولت اتریش هم که این قضیه رابنفع خود میدید فوراً پیشنهاد آنها راقبول نمود و قرارشد برای اداره آلمان یك هیئت مدیره شش نفری انتخاب شود. بیسمارك اتریش راتهدید نموده واظهارداشت دولت اتریش یاباید جانب پروس را نگاهدارد یا اینکه حمایت شاهزادگان آلمانی رابعهده بگیرد! درماه ژانویه ۱۸۶۳ روابط بین اتریش وپروس بقدری تیره شده بود که اگرناپلئون سوم پروس راقدری تشویق مینمود ممکن بود جنگ پروس بااتریش درهمان سال واقع شود ولی بیطرفی ناپلئون سوم باعث ختم قضیه بمسالمت گردید.

برای جلب نظر روسیه درسال ۱۸۶۳ موقعی که شورش لهستان اتفاق افتاد دولت پروس تنها دولتی بود که زیر بار تحریکات ناپلئون سوم برای آزاد ساختن لهستان نرفت. بیسمارك بـه دولـت روسیه کمك نظامی پـروس را پیشنهاد نمود و بطوری خودرا طرفدار قلع وقمع شورشیان لهستان وانمود کـرد که تزار روسیه از نظریات پروس راجع بلهستان بتردید افتاد وصلاح در آن دانست بـه دولت پروس اجازه مداخله درامورلهستان را ندهد ولی پیشنهاد بیسمارك درتحکیم روابط پروس وروسیه وبیطرفی این دولت در زمان جنگهای پروس بااتریش وفرانسه تأثیرزیادی داشت.

در۱۵ نوامبر ۱۸۶۳ پادشاه‌دانمارك فردریك هفتم‌فوت نمود وقضیه دوشه‌های شلزویك[۲] وهولشتین[۳] و لوئنبورگ[۴] فرصت مناسبی بدست بیسمارك بـرای استفاده ازموقعیت وتوسعه پروس داد.

---

wurzbourg (۱)
Slesvig (۲)
Holstein (۳)
Lauenbourg (٤)

که بپاریس کرد مطمئن‌شد که ناپلئون از اقدامات پروس کینه دردل‌نگرفته است . ازسال ۱۸۵۹ تاسال ۱۸۶۲ بیسمارك سفیرپروس درسن‌پترزبورك گردیدودراین‌مدت کوشش کامل برای جلب نظرتزار روسیه نسبت بپروس بعمل آورد. درسال ۱۸۶۲ قبل ازاینکه بصدارت پروس انتخاب گردد بیسمارك ملاقات دیگری ازناپلئون سوم بعمل آورد وازنظرمساعد امپراطور فرانسه اطمینان حاصل نمود .

از زمانیکه بیسمارك زمام‌امورپروس را دردست گرفت باوجودمخالفتهائی که ازطرف دیت پروس بعمل میآمد سعی‌نمود با اراده آهنین خود اقتدار پروس رازیاد کند زیرا بیسمارك برخلاف آزادی خواهان که طرفدار وحدت آلمان بدون تفوق دولتی بردولت دیگربودند مایل بوحدت آلمان تحت نظریك پروس قوی که‌ریاست آلمان‌رابعهده داشته باشد بود. تقویت ارتش پروس باین ترتیب با کمك وهمراهی رون(۱) ومولتکه(۲) که درتمام فتوحات‌پروس درزمان بیسمارك نقش مهمی رابعهده داشتند عملی شد .

دراکتبرسال ۱۸۶۲ بیسمارك‌برای‌جلب توجه‌ناپلئون سوم‌بپروس‌پادشاه‌پروس رامجبوربامضای پیمان‌بازرگانی بادولت فرانسه نمود وچون دول آلمان باین پیمان که مابین‌پروس ودشمن‌قدیمی آنها بسته شده بود ایراد میگرفتند بیسمارك‌مجبوربه تهدیدآنها گردید . شاهزادگان‌آلمان برای ازبین‌بردن نفوذ پروس پیشنهادنمودند

---

(۱) Albert-Theodore.Emile، Comte de Roon(۱۸۰۳-۱۸۷۹)مارشال پروسی - مدرسه نظام برلن راباتمام‌رسانیده واستاد مدرسه نظام ودانشگاه‌جنك گردید از۱۸۵۹وزیرجنك وبحریه پروس شد - بسیج‌عمومی پروس رادرسالهای ۱۸۶۶و۱۸۷۰ تهیه نمود .

(۲) Helmuth-Cbarle-Bernard , comte de Moltke (۱۸۰۰ - ۱۸۹۱) مارشال پروسی-درمدرسه نظام کپنهاك‌تحصیلات خودرا بپایان‌رسانید-درارتش‌دانمارك وبعداً درارتش پروس افسرشد - مدتی دردربار عثمانی مشغول اصلاح ارتش عثمانی‌بود ازسال ۱۸۵۷ رئیس ستاد ارتش‌آلمان‌گشت وسعی بسیاری برای تقویت این ارتش‌بعمل آورد - نقشه جنگهای بادانمارك واتریش وفرانسه بتوسط اوطرح شد .

کنفرانس لندن - پیمان صلح بادانمارک

واتریش در ۹مه ۱۸٦٤ درلندن کنفرانسی تشکیل داد وبرای نجات دانمارك ازادعاهای نژاد ژرمن باپیشنهاد دیت در باره واگذاری دوشه های هولشتین ولوئنبورك بدوك دو گوستنبورك موافقت کرد بشرط آنکه شلزویك که اغلب سکنه آن دانمارکی بودند جزء دانمارك شود. بیسمارك برای عقیم نمودن پیشنهاد انگلستان خودراطرفدار دستجات طرفداروحدت آلمان نشان داده وبدون مخالفت باپیشنهادانگلستان تقاضای برقراری دوك دو گوستبورك را درهرسه دوشه نمود . ضمناً برای اینکه بعدها بتواند ازاقدامات دوگستنبورك نیز جلوگیری کند تا آنجائیکه تـوانست مدعیان تازهٔ را تشویق نمود تاادعای سلطنت بردوشه‌ها بنمایند .

دولت انگلستان که منظورش از کنفرانس لندن نگاهـداری شلزویك برای دانمارك بود ازاقدام خود نتیجه نبرد ودرصدد برآمدنظردولت فرانسه را جلب نموده وبا تهدید دول پروس واتریش را ازمیدان بدر کند . اما چون درباره قضایای لهستان ناپلئون سوم ازرفتارانگلستان کـاملا دلسرد شده بود بـی‌میل نبود در این موقـع انگلستان رابامشکلاتی که باآنها روبرو بود تنها گذارد و همین حس کینه تـوزی ناپلئون سوم سبب شد دراین قضیه که بضرر کامل فرانسه تمام شد امپراطور فرانسه گمراه شده واز کمك بانگلستان دریغ ورزد. بیسمارك هم که دوك دو گوستنبورك را کاملاً دست نشانده خود کرده بود زیرا درهرآن ممکن بود ادعا نماید که دوك دو گوستنبورك حقی بسلطنت بردوشه‌ها نداردشرایطی بدلخواه‌خود باوتحمیل کرده وتوانست بمعیت اتریش ارتش دول آلمان را از دوشه هـا بیرون نموده در۲۸ ژویـه شرایط تقسیم دوشه‌ها راباا تریش دروین تعیین کند کریستیان‌نهم پادشاه دانمارك‌هم که دیگرامید بجائی نداشت مجبور گردید شرایط‌پیشنهادی راقبول کندپیمان‌صلح قطعی بادانمارك در ۳۰ اکتبر ۱۸٦٤ منعقد گردید .

بعد ازتصرف دوشه‌ها ازطرف پروس واتریش اداره آنها موضوع مباحثه‌واقع شد دولت اتریش که نفعی از بدست آوردن این دوشه ها برای خود انتظار نداشت کم کم متمایل بنظر دیت فرانکفورت میشددیت فرانکفورت ودول آلمان نیزبرای

بعد ازاختلافاتی که ازسال ۱۸٤۸ بین کنفدراسیون ژرمانیك ودانمارك‌درسر دوشه‌های شلزویك وهولشتین پیداشده‌بود بموجب پیمان‌لندن‌در۸مه ۱۸۵۲ سلطنت فردریك‌هفتم پادشاه‌دانمارك برای‌ن‌دوشه‌ها شناخته‌شد . پادشاه دانمارك چندین‌مرتبه سعی کرده بود روابط بین این دوشه‌هارا بادانمارك بموجب فرامینی تعیین کند در۳۰ مارس ۱۸٦۳ پادشاه نمارك تصمیم گرفت قانون اساسی مستقلی به هـولشتین داده و شلزویك راکه اکثرسکنه آن دانمارکی بودند کامـلاً ضمیمه دانمارك کند دیت فرانکفورت بمحض‌اطلاع ازاین تصمیم اعتراض‌نموده دانمارکیها هم ازپادشاه جدید خود کریستیان نهم تقاضای اجرای تصمیمی راکه اتخاذ شده بود کردند .

دیت فرانکفورت اعلام نمود با تصمیم پادشاه دانمارك پیمان لندن که سلطنت پادشاه دانمارك را براین‌دوشه ها برقرار ساخته‌بود ازاعتبار افتاده است . در۷دسامبر تمایل خودرا بواگذاری این دوشه‌ها به‌دوك دوگوسنبورك(۱) اعلام و امـر باجرای فوری تصمیم خود داد . بیسمارك که مایل به ازبین بردن اعتبار دیت فرانکفورت و توسعه پروس بود ازاجرای اوامر آن خودداری نمود و از ترسی که دولت اتریش از اتفاق پروس بادولت جدید التأسیس ایتالیا داشت استفاده نموده امپراطور اتریش را با خود همراه ساخت و علیرغم تصمیمات دیت فرانکفورت در اوائـل فوریه ۱۸٦٤ ارتش پروس و اتریش وارد دوشه هـا گردیده و از اشغال آنها توسط ارتش ساکس وهانور که میخواستنداوامر دیت رااجرا نمایند جلوگیری کرد . دیت فرانکفورت اعتراضات بسیاری بعمل پروس واتریش نمود ولی هیچکدام از ایـن دودولت وقعی باعتراضات او نگذاشتند .

دولت‌انگلستان که‌طرفداردولت دانمارك‌بودبرای‌جلوگیری ازاقدامات پروس

(۱) Frédéric-Christian-Auguste , duc d. Augustenbourg (۱۸۸۰–۱۸۲۹) ازشاهزادگان آلمان مدعی سلطنت بردوشه هـا ـ پدرش قبل از انعقاد معاهده‌لندن۱۸۵۲حق‌سلطنت‌خودرا بردوشه‌ها به‌پادشاه دانمارك‌فروخته‌ومبلغ ۲۲۲۵۰۰۰ تالر دریافت کرد ـ واسطه این‌معامله در آن موقع بیسمارك بودکه بعداً ادعاهای پسرش رابرای استفاده پروس تقویت کرد .

کاملاً حاضر بااتحاد باپروس بود. تنها امری که مانع اقدام فوری بیسمارك میشد یکی این بود که احزاب دست راست که پشتیبان بیسمارك بودند همواره متوجه جلوگیری ازانقلاب بوده واساس اتحاد مقدس و توافق تزار روسیه و امپراطور اتریش و پادشاه پروس ازاصول اولیه عقاید آنها بود . دیگر اینکه پادشاه پروس که حقوق پادشاهان را عطیه الهی میدانست حاضر نبود با پادشاهی مثل ویکتور امانوئل دوم که حقوق پادشاهان دیگر را رعایت نکرده وتقریباً مولود انقلاب بود متحد شود صرفنظر از اینکه اکراه داشت برضد امپراطور اتریش متحد قدیمی پروس اقدامی بعمل آورد بیسمارك هم که ازتمام این جریانات اطلاع داشت سعی میکرد درفته رفته زمینه راحاضر کند وبابعضی ازدول دیگر آلمان نیزواردمذاکره شده ودرمقابل وعده توسعه نظر موافق آنهارا نیزجلب کرده بود .

فرانسواژوزف امپراطور اتریش که ازنزدیکی پروس وایتالیا وفرانسه بیمناك بود ازنظراوضاع داخلی امپراطوری اتریش مجبور گردید موقتاً با دولت پروس ازدر صلح درآید زیرا مجارها تقاضاهای زیادی نموده وهر کدام ازنژادهای تابعه ادعاهائی داشتند باینجهت مجبور بقبول پیشنهادات پروس گردیده ودر ۱۴ اوت ۱۸۶۵ پیمان گاستین[۱] بین پروس واتریش منعقد گردید. بموجب این پیمان شلزویك از آن پروس وهولشتین به اتریش داده شد ولی دولت پروس اجازه داشت کیل[۲] را اشغال نموده وراه نظامی ازهامبورك بهرندسبورك[۳] ساخته وترعهٔ بین دریای بالتیك ودریای شمال حفر کند . لوئنبورك اصولا بدولت اتریش واگذار گردید ولی دولت پروس در مقابل پرداخت مبلغی این دوشه را ازدولت اتریش خریداری نمود .

دول فرانسه وانگلستان ودیت فرانکفورت به پیمان گاستین اعتراض کردند .

Gastein (۱)

Kiel (۲)

Bendsbourg (۳)

جلوگیری ازتوسعه‌پروس تقاضای واگذاری فوری دوشه‌ها رابه‌دوك دوگوستنبورك مینمودند. بیسمارك اظهارنمود که درمقابل مدعیانی که برای سلطنت براین‌دوشه‌ها پیدا شده است ناچار است برای‌طرفداری ازحق وعدالت موضوع را به‌هیئتی ازعلماء مراجعه کند تا معلوم شود آیا واقعاً دوك دوگوستنبورك در تقاضای خود مُحق‌است یا خیر. این هیئت نیز برای رسیدگی بفرامین وسوابق تاریخی مدت زیادی بـرای مطالعه لازم داشت. دراین‌مدت دولت پروس‌باوجود اعتراضات مکرردیت‌فرانکفورت اشغال دوشه‌ها راادامه داد وضمناً دوك دوگوستنبورك راهم مجبور کرد اداره ارتش دوشه‌ها راپپروس واگذارنماید تابالاخره درماه ژوئن ۱۸۶۵ هیئت مأمور رسیدگی به‌تقاضای مدعیان سلطنت بردوشه‌ها به‌این نتیجه رسیدند که ازروی سوابق تاریخی سلطنت بر دوشه ها فقط مختص پادشاهان دانمارك است و ادعای دیگران منجمله دوك دوگوستنبورك باطل است.

بعد از این رأیی که مأمورین رسیدگی به‌حق سلطنت بر دوشه‌ها داده بودند بنظرمیآمدبیسمارك که خودراآنقدرطرفدارعدالت وحق نشان داده است‌بایددوشه‌ها را دومرتبه تسلیم پادشاه دانمارك کند ولی بیسمارك که منظورش تصرف دوشه‌ها و توسعه پروس بود اظهارداشت چون بموجب پیمان ۳۰ اکتبر ۱۸۶۴ پادشاه دانمارك رسماً حقوق خودرا بر دوشه‌ها بپروس و اتریش واگذار کرده است بنابراین مطابق حق وعدالت دوشه‌ها باید بتصرف این دودولت درآیند.

برای اجرای تصمیم خود وتحمیل آن براتریش بیسمارك حتی حاضر بجنگ بااتریش بود چه درماه اکتبر ۱۷٦٤ بیسمارك‌دربیارتیز ملاقاتی ازناپلئون سوم بعمل آورده بود وبا وعده‌های غیر مستقیم خود برای توسعه فرانسه بدون اینکه کمترین تعهدی ازطرف پروس کرده باشد ناپلئون‌سوم راتحت نفوذ خود درآورده واطمینان پیدا کرده بود که امپراطور فرانسه مخالفتی با توسعه پروس نشان نخواهد داد. در سال ۱۸٦۵ بیسمارك نیز مـذاکراتی بوسیله نماینده خـود در دربـار ایتالیا بعمل آورده ودولت جدید التأسیس ایتالیا هم برای بدست آوردن و نیز و متصرفات تازهٔ

من داشتید .

دراثرتوصیه ناپلئون سوم وضمانتی که درمقابل ایتالیا ازرفتارپروس کرددر ۸ آوریل ۱۸۶۶ بین‌پروس وایتالیاپیمان تدافعی وتعرضی بسته‌شد که بموجب آن دولت ایتالیا میتوانست ونیز رابتصرف‌خود آورده ودرمقابل‌دولت پروس‌هم‌بتواندبهمان‌اندازه توسعه‌پیدا کند ولی‌درپیمان مقررشده بود دولت‌ایتالیادرصورتی‌وارد درجنگ خواهد شد که ارتش پروس عملیات تعرضی‌رابرضد اتریش شروع نماید مدت این پیمان‌نیز سه ماه بود .

برای‌رفع‌اختلافات‌دولت‌اتریش‌پیشنهاد کردحل‌این‌قضیه بنظردیت‌فرانکفورت گذاشته شود بیسمارك که از ایجاد این اختلافات منظور صلح جویانه نداشت اعلام نمود که دیت فرانکفورت‌حق مداخله دراین قضیه‌راندارد وصدراعظم آلمان‌مخالف آزادی‌خواهان بود اعلام نمود مجلسی‌به‌رأی عمومی باید ازطرف تمام آلمانهادعوت شود تادرباره اصلاحاتی دراساس دول متحده آلمان بحث نماید . درهمین‌مواقع‌ارتش ایتالیا در سرحدات اتریش متمرکزمیشد وچون دولت اتریش برای جلو گیری از حوادث احتمالی بنوبه خود بسرحدات ایتالیا ارتش فرستاد ایتالیائیها جاروجنجال راه انداختند که اتریش آنها راتهدید مینماید .

دراینموقع که‌بیسمارك پادشاه پروس رابرای‌حمله‌قطعی باتریش‌حاضرمیکرد رویه ناپلئون سوم مشکوك بنظرمیرسید زیرا درمقابل اعتراضات سختی که ازطرف تیربسیاست ناپلئون سوم میشد امپراطورفرانسه درسیاست مرموز خود دچار تردید شده بود فرانسواژوزف هم که ازاتحاد ایتالیا باپروس واتفاق آنها با فرانسه بتشویش افتاده بود شروع‌به‌اقداماتی نمودتاامپراطورفرانسه رابطرف خود متمایل کند وزیر خارجه فرانسه دروئن دولوئی نیزطرفدار سیاست تمایل بااتریش بود .

درماه مه۱۸۶۶ ازطرف‌ناپلئون‌سوم پیشنهاد تشکیل کنگره گردید که در آن

ایتالیائیها نیز از رفتار پروس که بدون آنکه توجهی به آنها بنماید بااتریش سازش کرده بود دلگیر شدند. بیسمارك که پیمان گاستین را مقدمه عملیات بعدی خود در آلمان میدانست جلب موافقت ناپلئون سوم را قبل از هرچیز لازم میدانست بااینجهت درماه اکتبر عازم بیاریتز گشته وباناپلئون سوم ملاقاتی بعمل آورد، منظوربیسمارك ازاین ملاقات یکی بدست آوردن بیطرفی ناپلئون سوم درصورت بروزاختلاف بااتریش بود دیگر توصیه ناپلئون بایتالیائیها برای انعقادپیمان اتحادی باپروس. دربیارتیز بیسمارك بدون آنکه وعده صریحی بناپلئون سوم بدهد خود را موافق توسعه فرانسه نشان داد وباتشویق احساسات جاه طلبانه ناپلئون سوم نظر موافق اوراجلب کرد ناپلئون سوم هم که خودرا زرنگ تراز بیسمارك میدانست در نظر داشت با تشویق پروس بجنگ با اتریش بتواند درموقع لازم میانجیگری خود را بطرفین تحمیل نموده وبنفع فرانسه اقداماتی بنماید خصوصاً که ناپلئون دراثر عدم اطلاع کافی از وضع پروس یقین داشت اگر جنگی رخ دهد اتریش بآسانی برپروس فائق خواهد شد وبااینجهت کمك ایتالیا رابرای طولانی نمودن جنك لازم میشمرد.

بیسمارك بااطمینان کامل از مساعدت یالااقل بیطرفی ناپلئون سوم به برلن مراجعت نمود وبدون اینکه بااعتراضات دیت فرانکفورت وقعی گذارد شروع بایجاد اختلافات بین اتریش وپروس کرد. حمایت پروس واتریش بردوشه‌هانیز بهترین بهانه‌ها رادرموقع لازم بدست پـروس میداد. اداره هولشتین برای اتریش جـزاسباب مزاحمت نتیجه نداشت بااینجهت فرانسواژوزف ازهمان مرحله اول متوجه بیفایده بودن پیمان گاستین برای اتریش شده بود. برای ممانعت از توسعه پروس دولت اتـریش طرفداران دوك دوگوستنبورك رادرهولشتین تقویت نمودوهمین امرباعث شد که دولت پروس اعتراضات سختی نسبت بطرزاداره اتریش بنماید واعلام نمود اگردولت اتریش اقدامات جدی بعمل نیاورد دولت پروس آزادی عمل خودراحفظ خواهد کرد وحتی درمقابل توضیح نماینده اتریش که سئوال کرده بود آیا پروس میل داردبااتریش جنك کندبیسمارك اظهار کرده بود خیرولی اضافه نمود اگرغیراز این باشد آیا انتظارجواب دیگری از

سادووآ - پیمان صلح پراك - واگذاری ونیز بایتالیا

ژوئیه درسادووآ فتح‌قطعی نصیب ارتش پروس گردید که‌راه چاره رابراتریش‌مسدود نمود دولت اتریش هم که شهروین را درمخاطره میدید فوراً به ناپلئون سوم برای برقراری صلح مراجعه کرد .

ناپلئون سوم گرچه شکست اتریش رابااین فوریت پیش بینی نکرده بودبااز میتوانست ازموقعیت استفاده کافی ببرد ولی‌بیماری قوای امپراطورفرانسه را تحلیل برده ونتوانست‌تصمیمات‌لازم رااتخاذبنماید.تحریکات‌بیسمارك وایتالیائیهانیز ناپلئون وا از کمك‌باتریش واشغال نواحی رنانی منصرف نمود.فرانسواژوزف‌هم که درمقابل تهدید قوای پروس واقع شده بود مجبور گردید در۲۲ ژوئیه ترك مخاصمه نیکولسبورك را باپروس امضا کند .

درطول مدت بین‌امضای ترك‌مخاصمه وامضای پیمان صلح برخلاف نظر وزیر خارجه‌فرانسه نماینده‌پروس باناپلئون سوم مذاکراتی‌بعمل‌آورد ونظرموافق ناپلئون سوم رابتوسعه پروش درآلمان شمالی‌جلب نمودوبراساس این‌موافقت‌باوجوداعتراض ایتالیائیها که گرچه درجنگهای بری وبحری شکستهای پی‌درپی ازاتریش خورده بودند اما ادعاهای زیادتری داشتند شرایط پیمان صلح تنظیم ودر۲۳ اوت ۱۸۶۶در پراك بتصویب رسید .

بموجب‌این‌پیمان اتریش‌باانحلال اساس کنفدراسیون‌ژرمانیك که‌برطبق‌پیمان وین‌۱۸۱۵ برقرارشده بود موافقت وازجرگه‌دول آلمان‌خارج شد . دولت پروس با دول‌آلمان شمالی اتحادیهٔ تشکیل داده و فرماندهی ارتش آنان را بعهده میگرفت . دول‌جنوبی آلمان‌هم آزاد بودند مابین خود اتحادیه بوجود آورند(ولی‌بیسمارك‌قبل ازاینکه‌پیمان‌امضاءشودنظرآنها راجلب کرده وبنفع‌پروس‌باآنهااتحادی‌برقرار کرده بود) دولت پروس توسعه ارضی زیادی پیدا کرد وعلاوه بردوشه‌ها چند دولت دیگر آلمان را نیز ضمیمه خود کرد . دولت اتریش مجبور به پرداخت غرامت جنگی بپروس گردید و ناحیه ونیز در اختیار امپراطور فرانسه گذاشته شد تابایتالیائیها واگذارشود .

موضوع دوشه‌های آلمان واختلاف‌اتریش وایتالیا واصلاحاتی که باید دردول‌متحده آلمان بشود مورد بحث قرار گیرد . امپراطور اتریش گرچه درباطن امرموافق این امربود درظاهر حضور خودرا در کنگره مشروط باین نمود که دولی که در کنگره حاضرمیشوند تقاضای توسعه ارضی‌ننمایند . ضمناً مقدمات عقد پیمانی‌هم بین‌اتریش وفرانسه براساس پیشنهادات فرانسه تهیه گردید .

بیسمارك که اتفاق جدیداتریش وفرانسه راحدس‌میزدومیدید که‌اگر قبل‌ازسه ماهی که موعد پیمان اتحاد باایتالیاست اقدامی نکندممکن است ایتالیا از همراهی خود دریغ کند دراوایل ماه ژوئن تصمیم گرفت جنك بااتریش را غیرقابل اجتناب سازد دولت اتریش اعلام کرده بود که حل‌قضیه دوشه‌ها را به حکمیت دیت واگذار میکند بیسمارك از این اعلامیه استفاده کرده و پیمان گاستین راملغی شده دانست و ارتش پروس در۸ ژوئن وارد هولشتین گردید . در۱۰ ژوئن بیسمارك بدول آلمان پیشنهادات زیررا نمود ۱ـ اخراج اتریش و لوکزامبورك از کنفدراسیون ژرمانیك ۲ـ دعوت پارلمانی بانتخاب رأی‌عمومی ۳ـ تشکیل یك قوه متحده برای مسائل اقتصادی وسیاسی ۴ـ تشکیل یك ارتش واحد که‌فرماندهی‌آن درشمال بعهده‌پروس ودرجنوب بعهده باویرباشد .

درمقابل تقاضاهای پروس‌دیت‌فرانکفورت جنك برعلیه پروس رانجویز کرد نماینده پروس نیز اعلام نمود پیمان کنفدراسیون‌دیگر اعتبار ندارد . در ۱۵ ژوئن بیسمارك بدول هانوروهس وساکس اعلام نمود که رأی خود راپس گرفته تقاضاهای پروس راقبول کنند ارتش پروس در ظرف چند روزاین نواحی را اشغال کرد وعمده قوای خودرا بطرف بوهم برای مقابله بااتریش اعزام نمود دولت ایتالیا هم‌از۲۰ژوئن شروع بحمله بطرف اتریش نمود .

گرچه ایتالیائیها در۲۴ ژوئن شکست سختی ازاتریشیها خوردند ولی‌منظور بیسمارك که مشغول کردن قسمتی ازقوای اتریش درجبهه ایتالیا بودعملی‌شد ودر۳

خصوصاً که باانعقاد پیمانهای اتحاد گمرکی منافع اقتصادی دول مختلف آلمـان با یکدیگر توأم میشد ولی بیسمارك برای تکمیل شالوده حکومت جدیدلازم میدیـد مقدمات جنگی رابا دشمن قدیمی تمام آلمانها یعنی فرانسه فراهم آورد تاتمام آلمانها را وادارباتحاد کاملتری بایکدیگر بنماید وبطوریکه خواهیم دید جنك فرانسه و آلمان در ۱۸۷۰ اقـدامات بیسمارك را تثبیت نموده وبعد ازفتح آلمانها امپراطوری جدید آلمان درنتیجه زحمات بیسمارك بوجود میآید .

بیسمارك دره اوت درموقع افتتاح دیت‌پروس وعده آزادی داده و با اقدامات خود آزادی خواهان رابطرف‌خود جلب کردو باپیمانهائیکه‌حتی قبل‌ازامضای‌پیمان صلح بااتریش بادول آلمان بامضاء نمودشاهزادگان آلمانی رامجبور کردادارهٔارتش خودرا بپروس واگذار کنند دراوائل سال۱۸۶۷ نمایندگان دول‌آلمان رابدورخود جمع نموده ودرظرف سه‌هفته از۱۸ ژانویه تا۷فوریه۱۸۶۷ اقدامات خودرا بتصویب آنها رسانید وباین ترتیب اساس شخصیت دول جزءآلمان متزلزل گردید.بیسمارك‌در ۲٤فوریه ۱۸۶۷ اساس حکومت جدیدآلمان را بـه اولین مجلس عمومـی آلمان رایشتاك(۱) پیشنهاد نمود وقانون اساسی جدید در۱۶ آوریل ۱۸۶۷ بتصویب‌رسید.

بموجب‌این‌قانون‌اساسی شاهزادگان‌آلمان‌عناوین‌وحکومت‌خودراحفظ‌نموده وبا دردست داشتن درآمدخود استقلال داخلی داشتند . هر کدام از آنها نمایندهٔ به بوندسرات(۲) که‌شبیه‌به‌سنای امریکابودمیفرستادند این مجلس که‌حافظ‌حقوق‌آنها بودحق‌طرح وردقوانین رانیزداشت. مجلس دیگری موسوم‌به‌رایشتاگ‌ازطرف‌افراد ملت انتخاب‌میشد ونماینده عموم‌اهالی‌آلمان بود وحق تصویب بودجه‌راداشت‌مجلس رایشتاك وسیلهٔ بود که توسطآن بیسمارك سعی مینمود رفته رفته شخصیت دول جزء آلمان را ازبین ببرد .

دولت پروس ریاست این دول متحده جدیدرا دارابوده وفرماندهی‌ارتش‌ـاداره سیاست خارجی آلمان ـ حق‌صلح و جنك ـ اعلام حکومت نظامی با اوبود ۱۷ رأی از۴۳ رأی مجلس بوندسرات متعلق بدولت پروس بود وچون تصمیمات این مجلس میبایستی تا کثریت دوثلث اتخاذ شود باین وسیله دولت پروس میتوانست همواره از تصمیماتی که برعلیه منافع اوبود جلوگیری کند . وزرای پروس نیزازطرف رئیس دول متحده انتخاب‌شده ودرمقابل مجلس مسئولیتی نداشتند .

تشکیلات جدید روز بروز روابط دول‌آلمان را با پروس مستحکم ترمینمود

---

(۱) Reichtag

(۲) Bundesrath

مخصوصاً خانواده بناپارت که طرفدار توسعه ایتالیا بودند ووضع نظامی ومالی فرانسه را بطورفوق العاده بدی بنظر امپراطورفرانسه مجسم ساختند مانع از آن شد که ناپلئون تصمیم فوری اتخاذ نموده ونظرخودرا برپروس واتریش تحمیل کند بطوریکه بعد از مدتی معطلی در مقابل تهدید ارتش پروس بوین امپراطور اتریش مجبور گردید در نیکولسبورگ شرایط بیسمارك را بپذیرد. درموقع امضای ترك مخاصمه وامضای پیمان پراك ناپلئون سوم بنظر خود زرنگی کرده وبرای اینکه خودرا مقید نسازد آنهارا امضاء ننمود ایتالیائیها هم که دریافت ونیز را توسط ناپلئون سوم موهن میدانستند باتمام مساعدتیکه دولت فرانسه برای تصرف ونیز بآنها کرده بود ازامپراطورفرانسه ناراضی شده واورا مانع توسعه ایتالیا پنداشتند.

بعدازبرقراری صلح بین پروس واتریش ناپلئون سوم که متوجه خطاهای سیاست خود شده بود سعی نمود بابیسمارك تماس حاصل کرده ودرمقابل توسعه پروس سهمی برای فرانسه مطالبه کند. بندتی[۱] سفیر فرانسه در برلن در ۶ اوت یادداشتی تسلیم دولت پروس نموده وتقاضای واگذاری مایانس[۲] وقسمتی از سواحل غربی رودرن را بفرانسه نمود. بیسمارك درظاهر روی کاملا موافقی بدرخواست فرانسه نشان داد ولی اظهار نمود واگذاری قسمتی ازاراضی آلمان بفرانسه ازعهده دولت پروس خارج است وممکن است این امر احساسات آلمانهارا تحریك کند ضمناً تذکر داددرصورتیکه ناپلئون سوم نقشهٔ برای تصرف بلژیك یالوکزامبورك داشته باشد چون باحساسات آلمانها خدشه وارد نمیآورد دولت پروس از آن پشتیبانی خواهد کرد. ضمناً بانواع وسائل تقاضای ناپلئون سوم را بسمع آلمانها رسانده وبوسیله تحریك احساسات آلمانها ازاین امر استفاده کرد وپیمانهای نظامی بادول آلمان منعقد ساخت.

---

(۱) **Vincent, comte Benedetti** (۱۸۱۷-۱۹۰۰) سیاستمدار فرانسوی - رئیس اداره امور سیاسی وزارت خارجه فرانسه در ۱۸۵۵ - سفیر فرانسه در ایتالیا در ۱۸۶۱ - سفیر کبیر فرانسه در برلن از ۱۸۶٤ تا ۱۸۷۰ - از سال ۱۸۷۱ متقاعد شد

(۲) **Mayence**

فصل هفتم

اروپا بین دوجنگ

تردید امپراطور فرانسه - سوء تدبیر ناپلئون سوم - تقاضای تصرف بلژیک پیشنهاد فروش لوکزامبورک - شکست سیاست فرانسه - کنفرانس لندن برقراری رژیم آزادی در فرانسه - سیاست اتحاد اسلاو - شورش کرت - ملاقات سالزبورک کنفرانس پاریس و ختم شورش کرت - طرح اتحاد بین اتریش وفرانسه و ایتالیا عدم تصمیم ناپلئون سوم .

درسوم مه ۱۸۶۶ درمجلس مبعوثان فرانسه تیر سیاست ناپلئون سوم را سخت مورد انتقاد قرارداد وآینده خطرناکی رابرای دولت فرانسه پیش بینی نمود . نطق تیر که سیاست قدیمی خودرا ترك کرده و سردسته محافظه کاران شده بود تأثیر فوق العاده درملت فرانسه نمود وازتقویت پروس هراسان گردید ناپلئون سوم که در این موقع بدولت پروس در قضیه اختلاف با اتریش وعده بیطرفی داده بود بتردید افتاد وبطوریکه درفصل گذشته شرح داده شد درصدد برآمد بوسیله تشکیل کنگره اختلافات بین اتریش وپروس وواگذاری ونیز بایتالیا راحل نماید ولی بیسمارك که تشکیل کنگره رابصلاح پروس نمیدانست پیشدستی کرده وجنك بین اتریش وپروس راغیر قابل اجتناب ساخت .

بعد ازشکست غیر منتظره اتریش در سادوآ بازامپراطورفرانسه میتوانست با تهدید سواحل رن بنفع فرانسه اقداماتی بعمل آورد ولی بیماری وتلقینات اطرافیان او

ابراز مخالفت با پیشنهاد فرانسه راجع ببلژیك دختر خود شاهزاده خانم ماری دوهوهنزولرن را به‌ازدواج کنت دوفلاندر ولیعهد[1] بلژیك درآورد. در ۲۰ مارس ۱۸۶۷ هم‌پیمان‌های اتحادنظامی پروس بادول آلمان منتشر گردیده‌این قضیه‌باعث کدورت بین ناپلئون سوم وبیسمارك گردید وناپلئون‌سوم کم کم بفکر افتاد بادولت اتریش وارد مذاکره شود تابرعلیه پروس بتواند اقدامی کند.

ناپلئون‌سوم برای بالابردن مقام خود درنزد فرانسویها ناچاربود صورت‌ظاهر را حفظ کند وچون بهراقدامی متوسل میشد درمقابل تدبیربیسمارك تیرش بسنك میخورد ازپیشنهادی که پادشاه هلند برای واگذاری‌لوکزامبورك نمود خواست‌استفاده کند باین‌جهت قضیه‌لو کزامبورك که درحقیقت‌امر کوچکی‌بودفوق‌العاده‌مهم‌جلوه گرشد گراندوشه‌لو کزامبورك ملك شخصی پادشاه هلند بود ولی‌ازسال ۱۸۱۵ دولت‌پروس ازطرف کنفدراسیون‌ژرمانیك‌پادگان‌نظامی‌در آنجا برقرار کرده‌بود پادشاه‌هلند که ازاین‌قضیه وهمچنین ناحیه لیمبورك[2] درتشویش بود ومیترسید دولت پروس‌همان عملی‌را که بادانمارك انجام داده بود بااو هم بنماید مایل‌بود درمقابل تضمین‌دردست داشتن لیمبورك‌دوشه‌لو کزامبورك را بدولت‌معتبری وا گذار کند ضمناً چون‌ازدولت پروس هم میترسید ونمی‌خواست بهانه بدست او بدهد جلب رضایت پادشاه پروس‌را نیز لازم‌میشمرد ناپلئون‌سوم هم ازموقع‌استفاده کرده وپادشاه‌هلندرا بوسائل‌مختلف تشویق باین‌امر میکرد.

پادشاه هلند درژانویه ۱۸۶۷ بدولت فرانسه پیشنهاد فروش این گراندوشه‌را نمود بشرط آنکه دولت پروس از حقوق خود در دوشه لیمبورك صرفنظر کند. دراین‌جا باید متذکرشد که چون اساس کنفدراسیون ژرمانیك ازبین‌رفته‌بود ادامه اشغال دوشه‌های لوکزامبورك ولیمبورك دیگر صورت قانونی نداشت ومعلوم‌نبود از طرف چه‌مقامی پادگان نظامی‌پروس دراین‌دوشه‌ها مستقرمیباشند.

---

(1) Comt de Flandre

(2) Limbourg

ناپلئون سوم که درمقابل اظهارات بیسمارك جوابی نداشت برای جبران مافات فریب اظهارات بیسمارك را خورد وبدون آنکه توجه کند تصرف بلژیك یالوکزامبورك مواجه باچه اشکالاتی خواهد شد دردام بیسمارك افتاد. چون دروئن دولوئی از عقاید او پیروی نمیکرد واتفاق باپروس را برای سیاست فرانسه نافع نمیشمرد معزول گردید ولاوالت[1] بجای او وزیر خارجه فرانسه گردید دربیستم اوت بندتی ازطرف دولت فرانسه دوپیشنهاد به بیسمارك تسلیم نمود یکی برای تصرف لوکزامبورك ودیگری تصرف بلژیك بوسیله فرانسه. ناپلئون سوم ضمناً مانند همیشه بااستدلال عقیده نژادی اظهار میداشت که ملت بلژیك وجود خارجی نداشته و نتیجه منطقی وحدت ایتانیاو آلمان وتوسعه این دودولت الحاق بلژیك بفرانسه میباشد.

بیسمارك که بعدازجنك سادوا کاملا بمقصود خود رسیده بود ازاین تاریخ تمام هم خودرا مصروف استفاده ازتقاضاها وچارجوئی های ناپلئون سوم میکند در مقابل درخواست ناپلئون سوم نماینده فرانسه را باخوشروئی پذیرفته وخودرا کاملا موافق بانقشهٔ ناپلئون نشان میدهدو بقدری امر را بامهارت انجام میدهد که پیشنهادفرانسه بخط بندتی تهیه شده وتسلیم بیسمارك میشود . بعد ازدریافت تقاضای فرانسه بیسمارك که متوجه بود انگلستان بهیچوجه موافقت باشغال بلژیك توسط فرانسوبها نخواهد کرد مذاکرات باسفیر فرانسه را بعنوان اینکه موافقت پادشاه پروس را ممکن نیست باین زودی بدست آورد وباید صبر وحوصله بخرج داد طول میدهد تادرموقع مقتضی بتواند احساسات انگلیسهارا برضد فرانسه تحریك کند.

درماه مارس ۱۸٦۷ باوجود اظهارات مودت آمیز بیسمارك پادشاه پروس بدون

---

(۱) Charles-Jean-Marie - Felix , marquis de la Valette (۱۸۸۱ - ۱۸۰٦) در ۱۸٤٦ بنمایندگی مجلس انتخاب شد- طرفدارلوئی ناپلئون - سفیر کبیر فرانسه درقسطنطنیه از ۱۸۵۱ تا ۱۸۵۳ و ۱۸٦۰ تا ۱۸٦۲ - سناتور ۱۸۵۳ - وزیرداخله از ۱۸٦۵ تا ۱۸٦۷ - وزیرخارجه در ۱۸٦۸ - سفیر کبیر فرانسه درلندن در ۱۸٦۹

ایتالیا ـ هلند ـ لوکزامبورك ـ پروس ـ روسیه که معاهده ۱۸۳۹ راامضاء کرده بودند تشکیل گردید . بموجب تصمیم این کنفرانس دولت پروس مجبور گردید پادگان نظامی خودرا ازلوکزامبرك خارج کند ولی قرارشد استحکامات آن خراب شود ولو کزامبورك مانند سابق بملکیت پادشاه هلند باقی ماند و بیطرف شناخته شد. قضیه لوکزامبورك باعث شد که درمقابل تقاضاهای ناپلئون سوم اهالی آلمان بیشتر از سیاست بیسمارك پشتیبانی نموده وخودرا برای روز مقابله قطعی بافرانسه آماده نمایند بیسمارك هم از درخواستهای فرانسه حداکثر استفاده رانموده واتحادبین دول مختلف آلمان راکه با مخالفت شاهزادگان آلمانی مواجه میشد مستحکم تر نمود .

شکستهای سیاسی پی درپی ناپلئون سوم اعتبارامپراطور فرانسه را چه درداخل فرانسه وچه درخارج آن ازبین برده بود . درسال ۱۸۶۷ درمقابل افشار احساسات عمومی ناپلئون سوم مجبور گردید آزادی بیشتری بفرانسویها داده حق استیضاح نمایندگان مجلس ومسئولیت وزیران را درمقابل آنها قبول کند . درسال ۱۸۶۹ نیزمجبور گردید رژیم کامل آزادی را درفرانسه برقرارسازد . این آزادی که درموقع قدرت امپراطوری فرانسه ممکن بود حیثیت ناپلئون را بالا ببرد دراین موقع باعث گردید که با شدت زیادتری امپراطوری فرانسه موردانتقاد مخالفین قرار گیرد ضمناً هم آزادی خواهان وهم محافظه کاران مخالف سیاست دولت فرانسه شوند ـ آزادی خواهان از این جهت که اقدامات امپراطور فرانسه را ازروی صمیمیت تلقی نکرده و هر روز در خواستهای زیادتری داشتند محافظه کاران وسلطنت طلبان ازاین جهت که آزادگذران عقاید را برای رژیم سلطنتی خطرناك میدانستند . برمشکلات زیادی که ازهرطرف ناپلئون سوم رااحاطه مینمود پافشاری پاپ برای در دست داشتن اختیارات خود مشکل دیگری اضافه میکرد زیراپاپ نهم روزبروزدرعقاید قدیمی خود راسخ تر شده وبرای سال ۱۸۷۰ مجمعی ازنمایندگان کلیساهای دنیا دعوت کرد که درآن مجمع قوه وقدرت پاپ را مافوق همه چیز قرارداده.ودرنتیجه کاتولیکهارا نیز درفرانسه مخالف سیاست ناپلئون سوم قلمدادنمود . ضعف وبیماری ناپلئون سوم نیزسربار همه این اشکالات شده بود و

بیسمارك به‌نماینده‌فرانسه اظهار داشت‌معامله‌لوکزامبوك‌ارتباطی‌بادولت‌پروس ندارد واگر ناپلئون سوم بفوریت این‌قضیه را انجام‌دهد دولت پروس اعتراض‌نخواهد کرد. اما پادشاه هلند که ازعواقب واگذاری‌جزئی‌ازخاك آلمان راحت نبود اصرار داشت که دولت‌پروس رسما موافقت خودرا بااین‌امراعلام‌دارد واگرچه پادشاه‌پروس نمیتوانست صریحاً این‌واگذاری‌را اجازه دهد باوجود این پاسخ مبهمی بدولت هند داد. دولت فرانسه که کار را تمام شده میپنداشت قبل از امضای قطعی پیمان تبلیغاتی دراطراف موفقیت دیپلوماسی‌خود نمود وهمین‌امر وتحریکات بیسمارك باعث گردید که یك‌روز قبل‌ازامضای پیمان یکباردیگر احساسات آلمانها تحریك‌شودازیکطرف بیسمارك طرف اعتراض واستیضاح لیدرهای آزادیخواهان در رایشتاك قرار گیرد واز طرف دیگر بیسمارك‌صدراعظم‌پروس‌ازاین‌مقدمات‌نتیجه گرفته وشاهزادگان آلمانی را مجبور به‌پیروی‌ازسیاست‌خودبنماید. پادشاه‌پروس‌نیز دعوت گردید که باواگذاری لوکزامبورك بفرانسه موافقت ننماید.

ناپلئون‌سوم که یکباردیگر درمقابل عموم خفیف شده بود اگر میتوانست در همانموقع جنگ باپروس‌را شروع میکرد ولی‌وضع مالی‌و نظامی‌فرانسه بامپراطور فرانسه اجازه چنین‌عملی‌را نمیداد برای رهائی ازاین‌تحقیر ناچاروزیرخارجه جدید فرانسه موستیه[۱] اعلام نمود که اگر دولت فرانسه حق‌تصرف لوکزامبورك‌را ندارد با ازبین رفتن کنفدراسیون ژرمانیك دولت پروس نیز چنین حقی را دارا نیست ودر خواست تخلیه‌فوری‌لوکزامبورك‌را ازارتش‌پروس‌نمود بیسمارك‌هم که موقع‌رامناسب برای جنگ نمیدید درمقابل‌تمایل‌عموم دول‌اروپ‌بصلح‌باپیشنهادناپلئون‌سوم‌چندان مخالفت‌ننمود ودرنتیجه در۷ مه۱۸۶۷بدعوت‌دولت‌انگلستان کنفرانسی‌درلندن‌برای حل‌قضیه لوکزامبورك مرکب ازنمایندگان‌دول‌اتریش‌ـ‌بلژیك‌ـ‌فرانسه‌ـ‌انگلستان

Lionel-Desle-Marie-fsançois-René,marquis de Moustier (۱)
(۱۸۱۷-۱۸۶۹)سیاستمدارفرانسوی‌ـ‌وکیل‌مجلس‌در۱۸۶۹‌ـ‌درزمان‌امپراطوری‌ناپلئون‌سوم عهده‌دار چندین‌سفارت دربرلن ـ‌وین‌ـ‌قسطنطنیه‌ـ‌وزیرخارجه‌در۱۸۶۶‌ـ‌سناتور در۱۸۶۸

این موقع وزیر خارجه اتریش بود برای تقویت امپراطوری اتریش طرفدار بوجود آوردن امپراطوری اتریش ومجارستان میشود که بااتحاد اتریشی ها ومجارهابتواند بر اسلاو هافایق شود . این مسئله البته اسلاوهارا ناراضی میکرد ولی باجلب نظر مجارهاامپراطوری اتریش موفق میشد از توقعات آنها جلوگیری کند . راجع بعثمانی نیز موجب اعلامیه دراول ژانویه ۱۸۶۷ بوست اعلام نمود که دول اروپا موظفند دولت عثمانی را مجبور کنند اصلاحات لازم را در امور داخلی خود بعمل آورد وشکی نبود که این اعلامیه بیشتر برای جلوگیری از اقدامات روسیه است تااین دولت نتواند بتنهائی دخالت زیادی درامورعثمانی بکند . در۷فوریه ۱۸۶۷ بوست صدراعظم اتریش گردید وبعدازانتصاب او فوراً سازش بین اتریش و مجارستان بامضاء رسید که دول متحده با اتحاد شخص فرانسواژوزف درامپراطوری اتریش مرکب ازدول اتریش ومجارستان بوجود آورد . درسیاست خارجی نیزعلاوه بردردست داشتن مساعدت انگلستان نسبت بروسیه بوست سعی میکند نظر ناپلئون سوم را متوجه اتریش کند .

ناپلئون سوم که دراین موقع دراثر اقدامات بیسمارك دچارشکستهای پی درپی سیاسی گشته بود نیز مایل بود درمقابل پروس متحدینی برای خود فراهم کند . در۱۹ اوت ۱۸۶۷ امپراطور وملکهٔ فرانسه بعنوان تسلیت مرك ماگزیمیلین که در مکزیك تیرباران شده بودمسافرتی به سالزبورك[۱] برای دیدن فرانسواژوزف کردند درسالزبورك چون طرفین بیکدیگر اعتمادی نداشتند پیمان اتحادی بین اتریش وفرانسه بسته نشد زیرا فرانسویها مایل بودند درآلمان اقدام کنند درصورتیکه اتریشیها بیشتر میل داشتند اقدامات برضدروسیه صورت گیرد وچون هر کدام از آنها خیال کردند طرف مقابل خیال استفاده ازاوراداشته وبعدازانجام مقاصد خوددرازیربار تعهدات دیگرشانه خالی خواهد کرد بوعده های شفاهی اکتفا کردند .

Salzbourg (۱)

اطرافیان ناپلئون سوم مطمئن نبودند که اگر ناپلئون سوم فوت کند آیا رژیم امپراطوری باولیعهد شانزده ساله ناپلئون سوم برقرار خواهد ماند یا خیر .

این جریانات باعث گردید که امپراطور فرانسه واطرافیان او تنها راه چاره را برای بالابردن حیثیت امپراطوری فرانسه ایجاد جنگی برعلیه پروس تصور کنند ولی برای جنك قوه وقدرت نظامی ومتحدین کافی لازم بود که از سال ۱۸۶۸ تاسال ۱۸۷۰ ناپلئون سوم سعی میکند باسیاست پیچ درپیچ خود راه حلی برای آن پیدا کنند .

دولت روسیه از بعداز جنك سادوا سعی میکند تا آنجا که ممکن است اعتبار پیمان صلح پاریس را از بین ببرد در ۲۰ اوت ۱۸۶۶ وزیر خارجه روسیه عدم رعایت این پیمان را از طرف دولت عثمانی درباره اصلاحات داخلی وازطرف اهالی رومانی برای الحاق دوحکومت مولداوی ووالاشی گوشزد میکند ومنتظر موقع است تا محدودیتهائی را که برای روسیه پیش بینی شده بود از بین ببرد . تبلیغای دولت روسیه برای اتحاد اسلاو ها نیز برضد دولت اتریش ودولت عثمانی شدت پیدا میکند . روسیه وعده مساعدت به دول اسلاو بالکان ویونان داده شورش جزیره کرت را ترغیب مینماید ازطرف دیگر در آسیا در نواحی ترکستان دولت روسیه روز بروز متصرفات خود را توسعه میدهد این اقدامات باعث تشویش دولت اتریش ودولت انگلستان میشود .

دولت انگلستان دراین موقع گرفتار مشکلات داخلی بود ومسئله کانادا وایرلند توجه این دولت را بیش از هرچیز بخود جلب کرده بود وتاقضیه بمرحله عمل نمیرسید مایل نبود وارد اقدام مثبتی بشود .

دولت اتریش بعداز شکست سادوا گرفتار مشکلات داخلی بیشماری شده بود اقدامات مجارها واسلاوها آنی این دولت را راحت نمیگذاشت کنت دوبوست[1] که در

(۱) Frèdèric-Ferdinand ' comte de Beuste (۱۸۰۹-۱۷۸۶) سیاستمدار آلمانی . سفیر ساکس در برلن در ۱۸۴۸ ـ وزیر خارجه ساکس از ۱۸۴۹ ـ وزیر داخله ونخست وزیر ساکس در ۱۸۵۳ ـ سعی بسیاری برای متحد کردن دول درجه دوم آلمان جهت پایداری درمقابل پروس واتریش بعمل آورد ـ در ۱۸۶۴ نماینده دیت فرانکفورت در کنفرانس راجع به دوشه ها وزیر خارجه اتریش در ۱۸۶۶ ـ صدراعظم اتریش ومجارستان در ۱۸۶۷ ـ سفیر کبیر اتریش در لندن در ۱۸۷۱ ـ سفیر کبیر اتریش درپاریس ۱۸۷۸ .

عدم تصمیم ناپلئون سوم

از کمك باو دریغ نخواهند کرد اطرافیان ناپلئون سوم نیز خیال میکردند درصورت بروز جنگ بطوریقین فرانسه فاتح خواهد شد وبدست آوردن اتحاد اتریش وایتالیا که ممکن بود قبل از جنگ برای فرانسه گران تمام شود بمحض شروع جنگ بآسانی و ارزانی برای فرانسه میسر خواهد گشت باین جهت تا زمان شروع جنگ فرانسه و پروس وحتی درموقع شروع بجنك دولت فرانسه اقدام جدی برای عقد ـ پیمان اتحاد بعمل نیاورد .

درسال ۱۸۶۸ درمقابل فشارروسها بردولت عثمانی روابط بین اتریش وفرانسه نزدیکتر گردید مخصوصاً که اقدامات اسلاوها خیال اتریش را بیشتراز پیش ناراحت میکرد ناپلئون سوم نیزدرمقابل خطرپروس اصرار داشت که بمعیت اتریش یادداشتی بدولت پروس تسلیم شود وازتجاوزاتی که بیسمارك نسبت مفاد پیمان پراك بعمل آورده بود اعتراض شود ولی دولت اتریش میترسید این امر باعث گردد که دول آلمان در نتیجه این اعتراض بیشتر بیکدیگر نزدیکتر شوند ومایل بود اقدام مشترك فرانسه و انگلستان از تحریکات روسیه جلوگیری کندچه باصدارت دیسرائیلی در انگلستان این دولت نیز موافق اقدام جدی برای جلوگیری ازعملیات روسیه بود . درنتیجه در ۲ دسامبر ۱۸۶۸ دولت عثمانی اولتیماتوی بدولت یونان فرستاده بارسال مهمات ونفرات به جزیره کرت سخت اعتراض نمود . وچون دولت پروس مایل نبود قبل از تصفیهٔ حساب خود با دولت فرانسه روسیه از کمك او بی نیازشود دولت روسیه مجبور گردید قضیه کرت به کنفرانسی که درپاریس در ۹ ژانویه ۱۸۶۹ تشکیل شد احاله شود ودر ۱۸ فوریه ۱۸۶۹ کنفرانس یونان را از کمك بشورشیان کرت منع نمود .

درسال ۱۸۶۹ صدراعظم اتریش بخیال افتاد طرح اتحادی بین سه دولت اتریش وایتالیا وفرانسه تهیه کند درمسافرتی که بوست به فلورانس نمود نظرویکتورامانوئل دوم را نسبت باین موضوع جلب کرد ولی قضیه رم باعث شد که ناپلئون سوم با وجود احتیاج زیادی که بمتحدین تازه داشت تصمیمی درباره این امر اتخاذ نکند . ایتالیائیها برای شرکت دراین اتحاد خواهان تصرف رم بودند ولی در اثر نفوذ ملکه و کاتولیکها باوجود تمام اشکالات وموانعی که پاپ برای سیاست ناپلئون سوم ایجاد میکرد امپراطور فرانسه حاضر بقبول تصرف رم توسط ایتالیائیها نگردید وقضیه رم که دولت فرانسه مجبور شده بود آنرا درمقابل حمله گاریبالدی در ۱۸۶۷ بوسیله نیروی نظامی حفظ کند از طرفی باعث تنفر ایتالیائیها ازفرانسه گردید وازطرف دیگر باعث عدم انعقاد پیمان اتحاد بین سه دولت اتریش وفرانسه وایتالیا شد . علاوه برآن درنتیجه این مذاکرات ناپلئون سوم تصورنمود در صورتیکه جنگی بین پروس وفرانسه رخ دهد دول اتریش و ایتالیا

لازم میشمردند . باینجهت ناپلئون سوم باوجود ضعف وبیماری وپیری بفکر مقابله با پروس افتادفقط لازم بود بهانه مناسبی بدست حکومت فرانسه افتد .

بیسمارك که بعد ازجنك سادو آنمام هم خودراصرف تقویت ارتش پروس واتحاد دول آلمان تحت ریاست پروس نموده بود نیزدرسال ۱۸۷۰ جنك بـا فرانسه رابرای تثبیت اقدامات خودلازم میشمرد زیرا دول آلمان که درتحت فشاراحساسات عمومی حاضربه قبول اختیارات وامتیازات پادشاه پروس درآلمان شده بودندبفکرافتادند خود را ازاین تحمیل خلاص کنند. مذاکراتی هم که بین دول اتریش وفرانسه وایتالیاراجع بهانعقادپیمان سه جانبه درجریان بودبیسمارك رابتشویش انداخت چه درصورت بوجود آمدن این اتحاد بیسمارك دیگر نمیتوانست امید شکست دادن فرانسه را داشته باشد باینجهت دولت پروس نیز حاضر برای مقابله میشود ولی مسئله مهم این بود که جنك از طرف فرانسه اعلان شودتا دول آلمان در مقابل خطر دشمن قدیمی مجبور به کمك به پروس شوند . بااطلاعی که صدراعظم آلمان ازوضع فرانسه وتحریکات درباریان داشت منتظرموقع میشود تا بـوسیله تحریك احساسات فـرانسویان جنك برعلیه پـروس تجویز گردد .

در۱۸٦۸ درنتیجه انقلاباتی که دراسپانیا رخ دادملکه اسپانیا ایزابل دوم مجبور بفرار شد . احزاب اسپانیا بریاست ژنرال پریم(۱) برای تعیین پادشاه جدیدی بتلاش افتادند وچون پسر پادشاه پرتقال حاضربقبول سلطنت اسپانیانگردید نظراسپانیولیها دراول سال۱۸٦۹ بیکی از شاهزادگان خانواده هوهنزولرن لئوپولد برادر پـادشاه رومانی متوجه گردید .

بمحض شهرت یافتن این خبرسفیر فرانسه دربرلن بتندی بکابینه پروس تذکر داد که دولت فرانسه ممکن است بااین انتخاب اعتراض کند . انتشاراین خبردر فرانسه

Juan‚prim y prats,comte de Reus,Marquis de Los Castillejos (۱) (۱۸۷۰-۱۸۱٤) سرداروسیاستمدار اسپانیولی ـ خدمات نظامی زیادی در مراکش انجام داد ـ از۱۸٤۱ بنمایندگی مجلس انتخاب شد ـ فرمانده قوای اعزامی اسپانیا بمکزیك ـ در ۱۸٦۲ باسپانیا مراجعت ووارد سیاست شد ـ در۱۸٦۸ وزیر جنك حکومت موقتی اسپانیا گردید در۲۷ دسامبر ۱۸۷۰ بقتل رسید .

فصل هشتم

جنك فرانسه و آلمان در سال ۱۸۷۰

برقراری رژیم آزادی درفرانسه ـ از بین رفتن حیثیت ناپلئون سوم ـ علل لزوم جنك ـ پیشنهاد سلطنت اسپانیا ـ اعتراض فرانسه ـ ملاقات امس ـ تلگراف امس ـ تحریك احساسات عمومی ـ اعلان جنك ـ از بین رفتن امیدهای فرانسه عدم موافقت باواگذاری رم ـ انتشار طرح تصرف بلژیك ـ شکست فرانسه ـ اتحادیه بیطرفی ـ حکومت دفاع ملی ـ مسافرت سیاسی تیر ـ اقدامات ژول فاور ـ تسلیم بازن اعلامیه روسیه و نقض بیطرفی دریای سیاه ـ کنفرانس لندن وعدم حضور نماینده فرانسه ـ ترك مخاصمه ـ کمون ـ پیمان صلح فرانکفورت ـ تشکیل امپراطوری آلمان

درمقابل تعرضات بیشماری که ازهر طرف بسیاست ناپلئون سوم وارد میشد در درسال ۱۸۶۹ امپراطور فرانسه رژیم آزادی کامل رابرقرار کرد دستجات مخالف نیز ازاین فرصت استفاده کرده بیش ازپیش برحملات خود افزودند. حکومت جدید فرانسه که نخست وزیر آن امیل اولیویه[۱] بود برای تقویت دولت به آراء عمومی مراجعه نمود[۲] و نتیجه مثبت این مراجعه که بنفع دولت فرانسه بود در ظاهر امر رونقی بسلطنت ناپلئون سوم داد ولی درباطن امر مخالفین دست ازمخالفت خود نکشیده و اطرافیان امپراطور هرروز لزوم جنگی رابرعلیه پروس برای پیدا کردن حیثیت ازدست رفته

(۱) Emile, Olivier (۱۸۲۵-۱۹۱۳) سیاستمدار فرانسوی ووکیل دادگستری از ۱۸۵۷ بنمایندگی مجلس انتخاب شد ـ در ۱۸۷۰ نخست وزیر فرانسه گردید ـ در ۱۸۷۰ بعضویت فرهنگستان فرانسه انتخاب شد تألیفات سیاسی زیادی انتشارداده است.

(۲) Plébisciste

پادشاه پروس که از اقدام خود راجع به این انتشارات پشیمان شده بود در ۱۰ ژوئیه بعد از پذیرفتن بندتی در شهر امس[۱] به شاهزاده انتوان پدر شاهزاده لئوپولد پیغام داد که مایل بېروز جنك نیست پادشاه رومانی نیز که از ثبات تاج و تخت خودش مطمئن نبود بنوبه خود بشاهزاده انتوان نصیحت کرد شاهزاده لئوپولد را از قبول سلطنت اسپانیا منصرف کند. ژنرال پریم نیز پیغام داد حاضر است از پیشنهاد خود صرفنظر نماید. دو روز بعد در ۱۲ ژوئیه شاهزاده انتوان از طرف پسرش از تخت و تاج اسپانیا دست کشید. در نتیجه انتشار این خبر بیسمارك که مشغول تهیه مقدمات جنك بود و خیال داشت رایشتاك را برای تجهیز ارتش دعوت کند مأیوس شده و بخیال استعفا افتاد درصورتیکه درپاریس امیل اولیویه از خوشحالی در پوست نمیگنجید.

قضیه اسپانیا باین ترتیب خاتمه پیدا کرده بود ولی حکومت فرانسه که میخواست پادشاه پروس را تحقیر کرده باشد درساعت ۷ روز ۱۲ ژوئیه به بندتی مأموریت میدهد باپادشاه پروس ملاقاتی بعمل آورده و ویلهلم اول را مجبور کند رسماً تعهد نماید دیگر بهافراد خانواده خود اجازه قبول سلطنت اسپانیا را ندهد و اگر ممکن شود نامه معذرتی نیز بدولت فرانسه بنویسد بندتی ناچار راه امس را پیش گرفته در ۱۳ ژوئیه ۱۸۷۰ در امس ازپادشاه پروس ملاقات کرد. پادشاه پروس با کمال ادب سفیر فرانسه را پذیرفته وحتی درنتیجه اصرار نماینده فرانسه رد سلطنت اسپانیا را ازطرف شاهزاده لئوپولد رسماً تأئید کرد. در اثر اصرار حکومت فرانسه بندتی در بعد از ظهر آن روز دو مرتبه خواست ملاقاتی از ویلهلم اول بعمل آورد پادشاه پروس باوجود آنکه بوسیله سفیر پروس درپاریس از تقاضاهای تعجب آمیز کابینه فرانسه باخبر شده بود بدون اینکه اهانتی بنماینده فرانسه بنماید رد سلطنت اسپانیا را ازطرف شاهزاده لئوپولد دومرتبه تأئید نمود و اظهار داشت بنظر او ملاقات دیگری لازم نمیباشد.

---

(۱) Ems

نیز باعث اعتراض شدید روزنامه‌های فرانسه شد . بیسمارك گرچه اظهار نمود که این مسئله مربوط بسیاست دولت پروس نبوده و امر خانوادگی است آنرا وسیله خوبی برای تهیج فرانسویان درموقع لازم تشخیص داد ولی چون درسال ۱۸۶۹ مایل بجنك نبود پیشنهاداسپانیا رابدون اینکه رد کند تقویت ننمود . در۱۷ فوریه ۱۸۷۰ نماینده از طرف ژنرال پریم جهت پیشنهاد سلطنت اسپانیا به‌شاهزاده لئوپولد ببرلن آمدچون پادشاه پروس درقبول این پیشنهادتردید میکرد وجواب صریحی بنماینده اسپانیانمیداد بیسمارك شاهزاده لئوپولد را ترغیب بقبول آن نمود در۲۵ مه ۱۸۷۰ شاهزاده لئوپولد نیز بدون اینکه ذکری ازاقدامات بیسمارك بمیان آید پیشنهادسلطنت اسپانیاراقبول کرد . ژنرال پریم هم برای حفظ روابط حسنه بادولت فرانسه در۲ ژوئیه قضایارا باطلاع این دولت رسانید .

بمحض دریافت خبر قبول سلطنت اسپانیاازطرف شاهزاده لئوپولد جنب‌وجوش غریبی درفرانسه راه‌افتاد . دولت فرانسه‌مواجه بااستیضاح نمایندگان مجلس گردید دولت فرانسه هم بدون اینکه متوجه عواقب کارباشد درعوض اینکه دولت اسپانیا را ازاقدام خودمنصرف کند تمام سعی خود را متوجه برلن نمود . وزیرخارجه فرانسه دوك دوگرامون[1] به‌بندتی مأموریت داد ازپادشاه پروس در خواست تکذیب ایـن خبررا نموده وپادشاه پروس رسماً متعهد شود دیگربافراد خانواده خود اجازه قبول سلطنت اسپانیا را ندهد و بعد ازمذاکراتی که بین وزرای فرانسه در حضور ناپلئون سوم درشب ۶ ژوئیه صورت گرفت دولت فـرانسه درمجلس اعلام نمود که درمقابـل هر دولت خارجی کـه بخواهد موازنه قوارا در اروپـا بهم بزند وظیفه خود را انجام خواهد داد .

---

(۱) Antoine-Alfred-Agenor, princ de Bidache, duc de Guiche et de Gramont (۱۸۸۰-۱۸۱۹) سیاستمدار فرانسوی - ازبدوامپراطوری ناپلئون سوم وارد سیاست شد - بعد ازچند سفارت کوچك سفیر کبیر فرانسه در ایتالیا در۱۸۵۷ - سفیرفرانسه دراتریش در۱۸۶۱ - وزیرخارجه فرانسه در۱۸۷۰ .

اینکه تعمقی دراخبار روزنامه‌ها بنماید بتصوراینکه درموقع بروزجنك دول ایتالیا واتریش ودول جنوبی آلمان بااوهمراه خواهند بود درنتیجه اظهارات‌اطمینان‌آمیز وزیر جنك فرانسه مارشال لوبوف[1] خطای دیگری مرتکب شد و در عوض اینکه خوداو موردحمله قرار گیرد طبق‌دلخواه‌بیسمارك در۱۵ماه‌اوت ۱۸۷۰ اعلان‌جنگ بپروس‌را بمجلس‌پیشنهادنمودتا بتواند باسرعت‌عمل‌خود دولت پروس‌راغافلگیر کند مجلس فرانسه هم‌بدون آنکه دراصل موضوع وارد شود وبدون شنیدن التماس‌ها و تضرع تیر که دولت‌فرانسه‌راازبروزجنك برحذرمینمودحتی حاضر نشدازخودبندتی که وارد پاریس شده بود اصل قضیه راتحقیق کند وبه‌اتکاء اطمینانهای بدون تأئید دولت‌دو گرامون وزیرخارجه‌مبنی‌برهمراهی‌ایتالیا واتریش‌واظهارات مارشال‌لوبوف دائربه حاضربودن ارتش فرانسه اعلان جنك باپروس راتصویب کرد جریان امرطبق پیش بینی بیسمارك صورت عمل بخود گرفته و چون دولت پروس مورد حمله واقع میشد تمام دول آلمان بهمراهی او شتافته ودر۱۹ ژوئیه رایشتاك وسائل جنك را در اختیاربیسمارك گذاشت .

درموقع حمله بپروس دولت فرانسه انتظار داشت ارتشی بتعداد ۴۰۰۰۰۰نفر تهیه کندولی‌یازده روزبعد از اعلان جنك ارتش فرانسه از۲۰۰۰۰۰ نفر که آنها هم سازوبرك‌مرتبی‌نداشتند تجاوز ننمودددرصورتیکه پروسیها کاملاً مجهزو منتظربودند ازلحاظ‌سیاسی نیزسیاست ناپلئون‌سوم‌باعث شده بود که تاموقع‌شروع‌عملیات جنگی دولت‌فرانسه‌متحدی‌نداشته‌باشندتدبیر بیسمارك‌نیز‌سبب‌شد که‌درزمان‌جنك هیچکدام از دول‌اروپا بدولت‌فرانسه کمکی نکنند. دربدوشروع‌جنك دولت‌فرانسه امیدواربود اتریش‌وایتالیاباو کمك کنند کنت دوبوست‌هم که‌ازبیسمارك خاطرات خوشی‌نداشت مایل باین قضیه‌بود ولی‌درتحت تأثیر وزرای مجارستانی مجبور گردید در۲۰ ژوئیه بیطرفی خودرا اعلام‌دارد . ویکتور امانوئل نیزدر ۲۴ ژوئیه بیطرفی ایتالیا را اعلام

---

(۱) Edmond . Leboeuf (۱۸۰۹-۱۸۸۸) مارشال فرانسوی ـ وزیرجنك فرانسه در۱۸٦۹ .

تلگراف امس-تحریك احساسات عمومی

بیسمارك که دربرلن متوجه قضایا بوددرموقع صرف غذابارون ومولتکه تلگرافی ازامس دریافت نمود که متضمن خبرمذاکرات پادشاه پروس بابندتی بودودرپایان تلگراف اشاره شده بود که پادشاه بیسمارك را آزاد میگذارد که در صورت اقتضا پیشنهادات جدید فرانسه وتردید ویلهلم اول را باطلاع عموم برساند بیسمارك بعداز اندیشه مختصری پایان تلگراف رابصورت زیردرآورد : «اعلیحضرت سفیرفرانسه را نپذیرفته وباو پیغام داد دیگرمطلبی برای اطلاع او ندارد» رون ومولتکه بعدازمطالعه متن تلگراف تباین معانی آنها رابه بیسمارك خاطرنشان کردند . بیسمارك جواب داد این امر مانند پارچه قرمزی درمقابل چشم گاو کول[1] تأثیرخواهد داشت وباعث میشود که بدون توجه باطراف وجوانب کار فرانسه خودرا بروی ماااندازد زیرا بطوری که در بالا گفته شد بیسمارك مایل بود اقدام بشروع جنك ازطرف فرانسه صورت گیردنه ازطرف پروس .

ساعت ۹ شب ۱۳ ژوئیه روزنامه های آلمان شمالی تلگرافی را که بیسمارك انشاء کرده بود منتشرواضافه نمودند که چون سفیرفرانسه درخواست زننده ازپادشاه پروس نموده بود پادشاه هم بهمین ترتیب رفتارنموده ونماینده فرانسه رانپذیرفته است این خبر انعکاس غریبی در تمام آلمان پیدا نمود ودر ساعت ۱۰ شب عده زیادی در قصرسلطنتی برلن جمع شده فریاد میکردند بطرف رن حمله ورشوند روزنامه‌های آلمان هم فردای آنروزمردم رادعوت به‌برداشتن اسلحه وحفظ شرافت ملی مینمودند

در پاریس انتشار این خبرجعلی در روز۱٤ ژوئیه احساسات عمومی را چنان تحریك کرد که مردم پنجره های سفارت پروس راشکسته ودرخیابانها بحال اجتماع فریادمیکشیدند «ببرلن-ببرلن» دولت فرانسه هم درتحت تأثیرافکار عمومی بدون

---

(۱) اشاره بدعوای گاوهای جنگی که دراسپانیا معمول است - سرزمین فرانسه هم درقدیم Gaule نامیده میشد

هم‌آهنك بود اقدامی بنفع فرانسه ننمود بلکه با تهدید اتریش بیشتر باعث پیشرفت سیاست پروس میگردید.

بعد از شکست های اولیه که در ۶ اوت نصیب فرانسویها گشت آلزاس ولورن مورد خطرواقع شده وارتش پروس بطرف فرانسه راه باز کرد. در اینموقع اگر فرانسویها حاضر بواگذاری آلزاس ولورن میشدند بـا وجود اصرار سرداران پروس بیسمارك بجنك خاتمه میداد ولـی ملت فرانسه بیاد افتخارات سابق خـود افتاده در ۹ اوت کابینه امیل اولیویه را سرنگون نمود وحفظ وتمامیت ارضی خودراخواستار شد. کنت پالیکائو (۱) نخست وزیرفرانسه وپرنس دولاتوردوورنی که سفیرفرانسه در اتریش بود وزیر خارجه شده وسعی نمودند نظراروپا را بخود جلب کنند. اقدامات بیسمارك بطوریکه ذکرشد مانع جلب نظر دول اروپا نسبت بفرانسه شد و ویکتور امانوئل که شکست‌فرانسه رامشاهده‌نموداز‌پیشنهادهای‌خودبفرانسه منصرف گردیده به دولت انگلستان پیشنهاد نمود یادداشتی صادر شود تا دول اروپا بیطرفـی خود را اعلام کنند. کابینه گلادستون نیزبا کمال میل‌پیشنهاد ایتالیا راپذیرفته وقرارشددول اروپا تعهد کنند تاخاتمه‌بحران دخالتی‌در آن‌نکنند دول‌اروپا نیزیکی‌بعدازدیگری این بیطرفی‌رااعلام کردند دولت ایتالیاهم باخیال راحت بعدازخروج ارتش‌فرانسه‌در ۱۲ اوت ازخاك رم‌خود راآماده تصرف این‌شهر نمود.

دراثرخبطهای نظامی که ارتش فرانسه مرتکب گردید در ۲ سپتامبر ۱۸۷۰ در سدان (۲) امپراطور فرانسه با ۸۰۰۰۰ سرباز تسلیم آلمانها گردید و چون بیسمارك پیشنهادخاتمه‌جنگ رابناپلئون سوم کرد امپراطورفرانسه اظهارداشت که چون‌آزاد نیست نمیتواند تعهدی ازطرف فرانسه بکند. در ٤ سپتامبرامپراطوری فرانسه ملغی

Charles Guillaume - Marie-Apollinaire-Antoine, Cousin (۱) Montauban, comte de Palikao (۱۸۷۸ - ۱۷۹۶) سردارفرانسوی کـه در جنگهای‌باچین شهرپکن‌رافتح کرد- در ۱۸۷۰- برای مدت۲٤روز نخست وزیرفرانسه‌شد.

Sedan - (۲)

کرد ولی بمعیت اتریش اقداماتی بعمل آورد تابا تخلیه رم از طرف فرانسویها و اشغال آن توسط ایتالیائیها پیمان اتحادی بین اتریش وفرانسه وایتالیا بسته شود وباین امید دولتین اتریش وایتالیا مشغول صدور دستوراتی شدند تادرظرف شش هفته ارتش خود رابسیج نمایند.

ناپلئون سوم که دراینموقع احتیاج زیادی بکمك داشت بین امیال ملکه و پرنس ناپلئون قرار گرفت. وزیرخارجه فرانسه دوك دو گرامون هم که ازموضوع اطلاع پیدانمود ازتقاضای اشغال رم توسط ایتالیائیهابر آشفت وبنماینده فرانسه دروین دستور داد حاضر بعقد چنین پیمان نشود. سفیرفرانسه دروین پرنس دولاتور دوورنی[1] نیز که کاتولیك متعصبی بـودوانعقاد پیمان رابدفع الوقت میگذرانید امر گـرامون را اطاعت کرد. یك مأمورایتالیائی برای تذکردادن عواقب وخیم سیاست ناپلئون سوم امپراطور فرانسه را در شهرمتز[2] ملاقات نمود وباوجود اصرار زیاد اوباز ناپلئون حاضر بواگذری رم نگردید.

در ۲۵ ژوئیه برای حفظ عدم مداخله انگلستان بیسمارك طرح پیشنهادی را که بندتی بخط خود درباره تصرف بلژیك تهیه کرده بود درروزنامه تایمز[3] لندن منتشر کرد. این خبر باعث وحشت انگلیسها گردید چون ترسیدند اگرفرانسه فاتح شود استقلال بلژیك بخطر افتد. دولت انگلستان هم که دراین موقع بصدارت گلادستون تمام هم خودرا صرف اموزداخلی مینمود سعی کرد دامنه اختلافات از بین فرانسه و پروس تجاوزنکند باینجهت ازطرفین تقاضا نمود بیطرفی بلژیك راحفظ کنند.

امید دیگر ناپلئون سوم دولت دانمارك بود که برای بدست آوردن دوشه های ازدست رفته ممکن بود اقدامی برضد پروس بنماید ولی فشاردولت انگلیس وروسیه مانع ازآن شد که این دولت کمکی بفرانسه بکند. دولت روسیه هم که بادولت پروس

---

(۱) Henri-Godefroi-Bernard Alphonse, prince de la Tour d'Auvergne Lauragais (۱۸۷۱-۱۷۲۳) سیاستمدار فرانسوی ـ سفیر کبیر فرانسه درپروس ـ ایتالیا ـ لندن ـ اتریش درزمان ناپلئون سوم ـ وزیرخارجه فرانسه دراواخر امپراطوری ناپلئون سوم.
(۲) Metz (۳) Times

حکومت درپاریس روابطش بانواحی دیگرفرانسه قطع‌شود درپاریس شروع بتجهیز نموده ارتشی تشکیل داد وباانتخاب ژنرال تروشوبحکومت نظامی پاریس‌این شهررا مستحکم کرد علاوه برآن چون اعضای آن هیچگونه امیدی بفتح فرانسه نداشتند تمام سعی‌آنها این بود که این کشوررا ازانقلاب مصون داشته و بتوانند شرایط صلح را سبك کنند تا بلکه باپرداخت غرامات ازادعای آلمانها جلوگیری نمایند.

حکومت دفاع‌ملی در۶ سپتامبرازلردلایونس[۱] سفیرانگلستان خواهش کرد ملکه ویکتوریا واسطه صلح گردد ولی دولت انگلستان خواهش فرانسه را ردنمود دولت اتریش‌نیزبدولت فرانسه نصیحت کرد مقاومت پاریس را زیادترنمایند. دولت ایتالیا هم که جزاشغال رم خیال دیگری درسرنداشت تقاضای تصرف‌این شهررانموده ودر۲۰سپتامبرآنرا اشغال کرد. ژول‌فاور برای جلب نظردول اروپا ازتیردرخواست کرد مسافرتی بدربارهای اروپا کند. تیرباوجود سن زیاد خواهش‌حکومت‌دفاع‌ملی را پذیرفت ودرظرف ۴۰ روزدربارهای لندن . وین ـ سن پطرزبورگ وفلورانس‌را دیدن کرد ولی‌چون‌خودش اعتمادی برؤسای‌حکومت دفاع ملی‌نداشت‌نتیجه‌مثبتی‌از سفرسیاسی‌خودبدست‌نیاوردفقط گاریبالدی‌بایك‌عده‌داوطلب بکمك‌ارتش‌فرانسه‌آمد.

بطور خلاصه کسی باظهارات فرانسه توجه ننمود و ژول‌فاور مجبور گردید در۱۹ و۲۰ سپتامبرملاقاتی ازبیسمارك بعمل‌آورد. بیسمارك برای‌تنظیم شرایط‌صلح درخواست ترك مخاصمه نمود تابموجب آن پاریس مجهز نگردیده استراسبورك‌خلع سلاح شده و واگذاری‌آلزاس وقسمتی ازلورن یکی‌ازشرایط صلح‌باشد وچون ژول فاورحاضربواگذاری‌اراضی نگردید مذاکرات به‌نتیجه نرسید بیسمارك که‌مایل بود هرچه زودتر بجنگ خاتمه دهد دراین‌موقع‌شخص مشکوکی راموسوم به رینه[۲]

---

(۱) Richand - Rickerton-Pomell, lord Lyons (۱۸۱۷-۱۸۷۷) سیاست مدارانگلیسی- ازسال۱۸۳۹واردسیاست شد ـ سفیرانگلستان درامریکا در۱۸۵۸ وبعداً درقسطنطنیه ـ ازسال۱۸۶۷سفیرکبیرانگلستان درفرانسه .

(۲) Victor -Edmond-Vitol Régnier (۱۸۲۲ ـ۱۸۸۶) ماجراجوی فرانسوی‌اقدامات‌ماجراجویانه‌ومخفیانه‌درجنگ ۱۸۷۰ نمود-۱۸۷۴ازطرف محکمه‌نظامی پاریس‌بجرم جاسوسی غیاباً محکوم باعدام گردید ـ پایان‌عمرخودرادرانگلستان‌بسر برد.

شد وملکه فرانسه که در غیاب ناپلئون سوم عهده‌دار نیابت سلطنت بود مجبور بفرار بانگلستان گردید.درشهرهای‌پاریس‌ولیون‌رژیم جمهوری‌اعلام‌وحکومت دفاع‌ملی‌در همانروزتشکیل گردید.

حکومت دفاع ملی بریاست ژنرال تروشو[۱] و وزارت خارجه ژول فاور[۲] امورحکومت را دردست گرفت ولی‌اعضای آن که‌همواره درجزء مخالفین‌بودندتجربه زیادی درسیاست نداشته و آشنا برموز کار نبودند مبرزترین افراد آن گامبتا[۳] بود که هنوزمراحل جوانی‌رامیپیمود حکومت دفاع‌ملی در۶سپتامبراعلامیه‌منتشر نمود که بموجب آن اظهارمیداشت فرانسه‌یك وجب ازرمینهای خود یایك‌سنگ ازقلاع خود را واگذار نخواهد کرد و باین ترتیب از بدو شروع بکار باب مذاکرات را برای‌استقرارصلح‌مسدود کرد وبیسمارك‌بر خلاف‌نقشه‌خودمجبوربادامه‌جنگ گردید.

حکومت دفاع ملی در عوض اینکه بولایات رفته و نگذارد بواسطه استقرار

---

(۱) Louis - Jules Trochu (۱۸۹۶-۱۸۱۵) سردارفرانسوی-درالجزیره خدمت کرد- درجنك کریمه مجروح شد - درنتیجه انتشار کتابی مبنی برتنقیدازارتش‌فرانسه درسال۱۸۶۷مورد بغض ناپلئون سوم واقع‌شد - در۱۸۷۰حاکم نظامی پاریس ورئیس حکومت دفاع ملی گردید - در۱۸۷۱ نماینده مجلس شد وازسال ۱۸۷۳ بتقاضای خود متقاعد گردید.

(۲) Gabriel -Claude-Jules Favre (۱۸۸۰-۱۸۰۹) وکیل‌دادگستری وسیاستمدارفرانسوی - ازجمهوری خواهان فرانسه - در۱۸۴۸ بنمایندگی انتخاب شد وسعی‌بسیاری‌برضد کودتای ناپلئون سوم کرد - در۱۸۵۸مدافع اورسینی‌بود - در۱۸۶۳ نماینده مجلس‌فرانسه گردید - مخالف‌سیاست امپراطورفرانسه‌بود در۱۸۷۰ نایب رئیس حکومت دفاع ملی و وزیرخارجه شد - از۱۸۷۶ بنمایندگی درمجلس انتخاب شد عضو فرهنگستان فرانسه.

(۳) Léon Gambetta (۱۸۸۲-۱۸۳۸)وکیل‌دادگستری‌وسیاستمدارفرانسوی- در۱۸۶۹وکیل مجلس وجزء مخالفین سخت امپراطوری فرانسه گردید - بعد ازشکست فرانسه‌عضوحکومت دفاع ملی گردید - با بالون ازپاریس که محاصره بود خارج‌شد - در شهرتوروزارت داخله و وزارت جنگ حکومت دفاع‌ملی‌را دردست گرفت - با اختیارات دیکتاتوری‌دفاع‌برضدآلمان راتشجیع ومرکزحکومت فرانسه را به شهر بردو منتقل‌نمود بعد از استقرار جمهوری درفرانسه وکیل مجلس شد و ریاست جمهوری خواهان را در دست گرفت - در۱۸۷۹ رئیس مجلس فرانسه شد - در۱۸۸۱ نخست وزیرفرانسه گردید.

اعتراض کرد دولت انگلستان بود که بیش‌ازدیگران منافع خود رادرخطر میدید ودر ۱۰ نوامبر درضمن یاداشتی دلائل گورچاکوف رارد کرد. دولت اتریش نیزدر ۱۶ نوامبر برعلیه اقدام روسیه اعتراض نمود. دولت ایتالیاهم که نمیخواست دراین موقع که رم را اشغال کرده مدعی پیدانماید جرئت نکرد اقدام روسیه راتصویب کند. در ۱۱ نوامبر دولت انگلستان نماینده نزد بیسمارك فرستاد و نظر بیسمارك را دراین قضیه خواستارشد.

اعلامیه روسیه مشکل سیاسی برای بیسمارك تولید کرد زیرا دولت روسیه که نخواسته بودمانند ناپلئون سوم درموقع جنك اتریش وپروس فریب اظهارات بیسمارك رابخوردتصمیم گرفت قبل ازشکست فرانسه بهای مساعدت خود رادریافت دارد. اگر بیسمارك به‌روسیه‌متمایل میشدممکن بودانگلستان بفرانسه کمك نمایدواگربانگلستان کمك میکرد ودولت روسیه برضد اواقدام کرده وبازمنافع پروس بخطرمیافتاد برای ایجاد راه‌حلی بیسمارك پیشنهاد تشکیل کنفرانسی رادرلندن نمود بشرط آنکه فقط موضوع اعلامیه روسیه درآن مطرح شود باین طریق بیسمارك انگلستان را ازخود راضی میکرد واقدام روسیه را موردمباحثه دول اروپا قرارمیداد ازطرف دیگرروسیه راراضی نگاه میداشت باین ترتیب که اظهار میداشت با مساعدت اودر کنفرانس اقدام غیر قانونی روسیه را بتصویب دول اروپا خواهد رسانید ضمناً برای راضی ساختن انگلستان که امیدواربکمك فرانسه در کنفرانس بود قرارشد دولت فرانسه هم‌دعوت گردد. حکومت دفاع‌ملی فرانسه که بنابعقیده‌تیرمصمم بود هرچه زودترباب‌مذاکرات مستقیم رابابیسمارك مفتوح‌نماید امیدی بکنفرانس لندن‌نداشت وازاین‌فرصت‌مناسب استفاده نکرد. بیسمارك‌هم که میترسیدباوجودتمام احتیاط‌های‌لازم بازدولت فرانسه ازاین کنفرانس‌استفاده‌بنماید انواع واقسام مشکلات رابرای عزیمت نماینده فرانسه به کنفرانس فراهم آورد.

حکومت دفاع‌ملی‌پاریس‌برای‌حضورنماینده فرانسه در کنفرانس‌لندن تقاضای ترك مخاصمه و بدست‌آوردن آذوقه برای اهالی پاریس نمود ژول فاور وزیرخارجه

که خود را نماینده ملکه فرانسه قلمداد مینمود نزدخود پذیرفت ومشغول مذاکره صلح با او بنام ملکه فرانسه گردید بیسمارك ازاین شخص استفاده نموده و توسط او باژنرال بازن (۱) که درمتز فرماندهی ارتش فرانسه رادردست داشت وارد مذاکره شد. بازن که درسرخیال دیکتاتوری فرانسه رامیپروراند دردام بیسمارك افتاده ودرعوض اینکه ارتش خود را از خطر محاصره برهاند آنقدر مذاکرات را ادامه داد تا درمتز محاصره گردیده ودر۲۷ اکتبرمجبوربتسلیم گردید . درنتیجه اقدامات کامبتا هم که در۱۸ اکتبربوسیله بالن پاریس راترك گفته وعازم ولایات شده بود تاحس مقاومت و استقامت آنها راتهیج نماید نیزبجائی نرسید .

دولت روسیه که ازدیرزمانی مترصد بود تابتواند اثرات پیمان پاریس۱۸۵۶ را ازبین ببرد دراین موقع که جنگ پروس وفرانسه تمام دول اروپا رامتوجه ساخته بود از موقع استفاده کرد در۲۹ اکتبر۱۸۷۰ گورچاکوف (۲) وزیر خارجه روسیه اعلام‌نمود که تزارروسیه دیگرخود رامقید به تعهدات پیمان‌پاریس که حقوق اورادر دریای‌سیاه‌محدودمیکند نمیداندواضافه‌نمود که‌مقررات‌پیمانهادرهرزمان یك‌نوع‌تعهد راایجاب نمیکند ، بوسیله این‌اعلامیه دولت‌روسیه دوماده‌ازپیمان‌پاریس‌را که‌مربوط به‌بیطرفی دریای‌سیاه بودیکطرفه ملغی‌مینمود . اولین دولتی که برعلیه اقدام روسیه

(۱) Achille' Bazaine (۱۸۱۱–۱۸۸۸) مارشال‌فرانسوی- خدمات زیادی درالجزیره وجنگ کریمه وجنك بااتریش انجام داد - در۱۸۶۲ بمکزیك رفت - در۱۸۶۳ ریاست ارتش‌اعزامی فرانسه راعهده‌داربودودر۱۸۶۴ مارشال‌شد - سردارخوب ولی‌جاه‌طلب وبدون عقیده ثابت‌بود - چون باشورشیان مکزیك تبانی میکرد احضارومورد عدم توجه ناپلئون سوم‌واقع گشت - درجنك‌فرانسه وآلمان‌فرمانده نیروی‌لورن گردید-درمدت جنك سعی کردبرای‌حفظ شهرت خودجنك اساسی باقوای‌آلمان‌نکند وارتش‌خود رادست‌نخورده نگاهداردتا درموقع لازم بتواند بنفع خود استفاده کند - درمتز بابیسمارك وارد مذاکره شد ودر نتیجه طولانی‌نمودن مذاکرات ازطرف بیسمارك قوای پروس اورامحاصره‌نموده ومجبور بتسلیم شد-بعد ازخاتمه جنك محاکمه ومحکوم‌باعدام شد ولی‌مجازات او به حبس دائم‌تخفیف‌یافت - در ۱۸۷۴ از زندان فرار کرده و باسپانیا پناهنده شد .

(۲) Alexandre -- Mikhaïlovitch' prince de Gortchakof (۱۸۸۲–۱۷۹۸)سیاستمدارروسی‌بعدازخدمات‌سیاسی‌زیادی‌از۱۸۵۶ تا۱۸۸۱ عهده‌داروزارت‌خارجه روسیه بود .

وتعداد ارتش فرانسه هم که بموجب ترك مخاصمه درپاریس از ۴۰۰۰۰ نفر تجاوز نمیکرد کافی برای خوابانیدن شورش نبود تیر مجبور گردید از بیسمارك درخواست استخلاص عده از سربازان اسیر شده فرانسوی رابنماید تا این شورش رادفع کند. بیسمارك از موقعیت استفاده کرد وبعنوان اینکه تیر دراظهارات خود صادق نیست ومخفیانه شورش پاریس راتقویت میکند تافرانسه درمقابل تقاضاهای آلمان پایداری کند درخواستهای زیادتری ازفرانسه نمود نمایندگان فرانسه نیز که بفرانکفورت[1] برای انعقاد پیمان صلح اعزام شده بودند در مقابل تهدیدات بیسمارك که صورت التیماتوم رابخود گرفته بود مجبور بتسلیم شدند و پیمان صلح قطعی بین فرانسه و آلمان در ۱۰ مه ۱۸۷۱ در فرانکفورت بامضاء رسید.

بموجب این پیمان نواحی الزاس ولورن ویك قسمت از نواحی شمالی تیونویل[2] بآلمان واگذار گردید و دوشه لوکزامبورك تحت نفوذ پروس درآمد ودولت فرانسه متعهد گردید مبلغ ۵ میلیارد فرانك بدولت پروس بپردازد وبتدریج بپرداختهای فرانسه ارتش پروس خاك فرانسه را تخلیه کند.

بیسمارك که از موقع شروع جنك دراستحکام روابط دول آلمان باپروس خیلی کوشیده بود شاهزادگان آلمانی را تشویق نمود که تاج امپراطوری آلمان رابپادشاه پروس پیشنهاد نمایند دول مختلف آلمان نیز تحت نفوذ بیسمارك واقع شده در اثر تهدید یا جهت خوش آمد پروس یا بدست آوردن سهمی از اراضی متصرفی ازفرانسه طبق میل بیسمارك رفتار کردند اما بیسمارك بعد از جنك برای ازبین بردن اختلافاتی که ممکن بود تقسیم فتوحات پروس و آلمان ایجاد نماید نواحی تازه بدست آمده را ملك متصرفی امپراطوری ریشلاند[3] قلمداد کرد. پادشاه باویر لوئی دوم در ۲ دسامبر ۱۸۷۱ به ویلهلم اول و شاهزادگان آلمان تشکیل امپراطوری آلمان رابریاست ویلهلم

---

(۱) **Frankfurt**
(۲) **Thionoville**
(۳) **Reichland**

حکومت دفاع ملی‌هم که میترسیدا گر پاریس را درحین‌بمباران ترك گوید به جبونی معروف شود روی موافقتی ازخود نشان نداد بطوریکه در کنفرانس لندن که دردهم ژانویه۱۸۷۱تشکیل‌شدجای‌فرانسه‌خالی‌ماند وباوجوداینکه دولت‌انگلستان چندین مرتبه ختم کنفرانس را بتعویق انداخت فرانسه از مشارکت در کنفرانس خود داری کرد . در۷فوریه مقررات پیمان‌پاریس۱۸۵۶ راجع‌به کشتی‌رانی درروی رود دانوب وبغازهاتأییدشد وبیطرفی‌دریای سیاه ازبین‌رفت .

در۲۳ژانویه۱۸۷۱ ازترس قحطی وشورش درپاریس ژول فاور بورساری برای مذاکره‌دراطراف‌شرایط‌صلح‌نزدبیسمارك رفت‌ودر۲۸ژانویه‌ترك مخاصمه‌بین‌حکومت دفاع‌ملی‌پاریس‌وپروس‌بامضاء رسید که بموجب آن‌مقررشد مجلسی‌انتخاب گردیده و مذاکرات‌صلح‌بانمایندگان‌فرانسه آغازشودضمناًشرایط‌سختی‌در آن گنجانیده‌شد که حکومت‌فرانسه راتقریباًتسلیم پروس‌نمودوتمام ارتش‌هائی که کامبتاباز‌حمات‌زیاد در ولایات‌تهیه‌دیده‌بود باشهرپاریس‌باختیار آلمانها گذاشته‌میشد. درنتیجه مصائب‌جنگ نمایندگانی که‌انتخاب‌شدنداغلب طرفدارصلح‌وبرضد جمهوری‌بوده وتیر که طرفدار کامل‌برقراری‌صلح‌فوری‌باپروس‌بوداز۲۶دپارتمان بنمایندگی‌انتخاب‌شداین‌مجلس‌در ۱۲فوریه۱۸۷۱دربردوتشکیل گردیده‌وتیر که‌بریاست‌قوه‌مجریه‌انتخاب‌شده‌بود دیگر منتظرنشده‌در۲۱فوریه‌بورسای‌برای‌دریافت‌شرایط‌صلح‌حرکت کرد. شرایط صلح که قبلاازطرف‌بیسمارك‌تهیه‌شده بود موردقبول تیر واقع گشت‌ودراول‌مارس۱۸۷۱بتصویب مجلس‌بردورسیدوقرارشد کنفرانسی‌دربروکسل‌تشکیل‌شده‌پیمان قطعی‌صلح‌بامضابرسد.

جمهوری خواهان فرانسه که باشرایط صلح تحمیلی ازطرف بیسمارك مخالف بودندبمعیت‌سوسیالیست‌ها در۱۸مارس‌شورشی‌درپاریس‌برپا کردند که بنام کمون (۱) معروف شده است . حکومت فرانسه درمقابل شورشیان مجبور گردید پاریس راترك گفته در ورسای مستقرشود . چون قسمتی از استحکامات پاریس دردست آلمانها بود

(۱) Commune

فصل نهم

مقدمات اتحاد آلمان و اتریش

سیاست بیسمارک بعد از جنگ با فرانسه - ضعیف نگاهداشتن فرانسه - طرح اتحاد آلمان و اتریش - ملاقاتهای سالزبورک و گاستین - عزل بوست - کولتور کامف - سلطنت آمده اول در اسپانیا - ملاقات سه امپراطور در برلن - نتایج ملاقات سه امپراطور - استعفای تیر - تشویق ویکتورامانوئل - نزدیکی ایتالیا با اتریش و آلمان - رد سلطنت فرانسه از طرف کنت دوشامبورد - اعتراض بیسمارک بدولت فرانسه - توافق روسیه و انگلستان - سلطنت آلفونس دوازدهم استقرار جمهوری درفرانسه - تهدید بیسمارک - اعتراض انگلستان و روسیه - توجه بیسمارک بخطر اتحاد روسیه وفرانسه .

بعد از جنگ فرانسه و آلمان در نتیجه فتوحات پروس وتدبیر صدراعظم آن رشته دیپلوماسی اروپا در کف بیسمارک قرار گرفت. بیسمارک ازاین تاریخ سعی میکند امتیازاتی را که بدست آورده است تثبیت نموده وبرروی استقرار عظمت پروس سیاست خودرا تعقیب کند . درنتیجه شکست فرانسه وانتزاع دو ناحیه ازاین کشور بیسمارک جدیت میکند این ملت را که تشنه انتقام وبدست آوردن آلزاس ولورن است همواره ضعیف وتنها نگاهدارد ومراقبت کند تااینکه برضد دولت پروس اتحادیه تشکیل نشود درداخل آلمان نیز برای ازبین بردن مخالفت دول مختلف که تحت تبلیغات کاتولیکی ازسیاست بیسمارک خرده میگرفتند صدراعظم آلمان سعی میکند بااقدامات جدی برعلیه کاتولیکها وپاپ وارد مبارزه گردد .

اول پادشاه پروس پیشنهاد کرد . در مجلسی که ازنمایندگان دول آلمان درورسای تشکیل شد بعد از تصویب اساس اتحادیه آلمان در ۱۸ دسامبر پادشاه پروس تاج امپراطوری آلمان را قبول نمود و یکماه بعد که درست ۱۷۰ سال از زمان بدست آوردن عنوان پادشاهی توسط فردریك اول میگذشت در۱۸ژانویه۱۸۷۲ ویلهلم اول امپراطور آلمان درمیان ارتش فاتح خود در ورسای تاجگذاری کرد .

روزبروز زیادتر شده ومانع مهمی برای‌این نظرایجاد میکرد . بیسمارک بااحاطهٔ که بعالم سیاست‌داشت سعی‌نمود با کمک‌نخست‌وزیرمجارستان‌آندراسی (۱) که‌بااسلاوها مخالف‌ومایل بودمقام‌بوست رانیزاشغال کند این اشکالات رابرطرف‌سازد باینطریق که‌ویلهلم‌اول‌رابانظرخودموافق‌ساخته‌واو را مجبورمیکندبافرانسواژوزف‌ملاقاتهائی بعمل‌آورده و امپراطوراتریش را نیزبا خود همراه کند ودرماه اوت ۱۸۷۱ امپراطور آلمان در ایشل (۲) بملاقات فرانسواژوزف رفت . چندی بعد امپراطوری اتریش به سالزبورک (۳) ببازدید ویلهلم‌اول‌آمد . درهمین موقع که امپراطورآلمان نظرموافق فرانسواژوزف را نسبت بسیاست بیسمارک جلب میکرد . صدراعظم آلمان نیز در گاستین‌برای تأمین نظریه خود بابوست زمینه‌را برای سقوط کابینه‌هوهنوارت که با اسلاوها همراه بودحاضر میکردودرعین حال باآندراسی مقدمات‌از کارانداختن‌خود بوست راتهیه میدهد .

درمراجعت از گاستین هیچکس تصورنمیکرد بیسمارک ازاین مسافرت نتیجه مثبتی بدست آورده باشد چه‌بوست باحس بدبینی و تردیدی که نسبت باظهارات بیسمارک داشت حاضر بانعقاد پیمان کتبی نشده و منتشر گردید شفاهاموافقتهائی‌بین آنها درباره اصول کلی زیربعمل آمده است : تشریک مساعی اتریش و آلمان برای نگاهداری‌صلح ـ خودداری ازمساعدت بپاپ‌برضددولت‌ایتالیا ـ جلوگیری ازافکار انقلابی امابعد ازچند هفته دول اروپا کم کم به‌نتایج ملاقاتهای سالزبورک و گاستین واقف شدند فرانسواژوزف بعد از تردید زیاد در تحت تأثیر تلقینات بوست کنت دو هوهنوارت ازوزارت معزول کرد . ودرنتیجه برضد اسلاوها بطرف مجارها متمایل

---

(۱) Comte jules Andrassy (۱۸۲۳-۱۸۹۰) سیاستمدارمجارستانی ـ درشورش مجارستان‌در۱۸۴۸ شرکت کرد‌ـ غیاباً محکوم باعدام‌شد ـ در۱۸۶۰ بمجارستان‌مراجعت وطرفداراتحاد شخصی اتریش ومجارستان گردید ـ از۱۸۷۱ تا۱۸۷۹ عهده دار وزارت خارجه اتریش ومجارستان بود .

(۲) Ischl

(۳) Salzbourg

طرح اتحاد آلمان واتریش

فکر جلوگیری ازپیدا شدن اتحادیه برعلیه آلمان بیسمارك را مصمم به پیدا کردن متحدینی برای آلمان میکند . دولت انگلستان که باصدارت گلادستون تمام هم خودرا صرف تصفیه امور داخلی مینمود وازدولت فرانسه هم راجع به تهدید بلژیك دیگر بیمی نداشت حاضر به تشریك مساعی با دولت پروس نمیگردید وحتی برای نگاهداری موازنه قوادراروپا وسوق ندادن نظر فرانسویها بطرف روسیه بیشتر حاضر بکمك ومساعدت بفرانسه بود تا بپروس . دولت روسیه که اقتدار آلمان راچندان بصلاح خودنمیدید سیاستش اقتضا میکرد فرانسه نسبتاً مقتدری درمغرب اروپا وجود داشته باشد تا بتواند درموقع لزوم ازفشار پروس بکاهد ـ دولت ایتالیا که بعد از ۱۲ سال رنج وزحمت تازه توانسته بود شهررم راپایتخت خودقراردهد با فقرمالی مواجه شده وقادرنبود در جنك وجدالی شرکت کند بنابمراتب بالاتنها دولتی که امکان داشت نظر بیسمارك رابطرف خود جلب کند دولت اتریش ومجارستان بود .

ایجاد اتحادی بین آلمان و اتریش بصلاح هردو کشور بود زیرا دولت اتریش همواره میتوانست باتقویت کاتولیکهاودول جنوبی آلمان که ازتقویت سیاست بیسمارك تااندازه‌پشیمان بودندباعث مزاحمت وآزاردولت پروس رافراهم آورد . دولت پروس هم میتوانست باتقویت فکر اتحاد تمام آلمانها ونژاد ژرمن اساس امپراطوری اتریش را از هم متلاشی سازد . درصورتیکه اتحاد بین این دو کشور باعث میشد سیاست پروس دراروپا تقویت شده ودرمبارزه برعلیه کاتولیکها بیسمارك توفیق یابد . دولت اتریش نیز بدینوسیله میتوانست در مقابل تبلیغات اتحاد اسلاوپایداری نموده و امپراطوری خودرا حفظ کند .

برای اتحاد آلمان واتریش دواشکال عمده وجود داشت یکی اینکه وزیر خارجه اتریش و مجارستان کنت دوبوست هنوز شکست سادوا رافراموش نکرده ونسبت به بیسمارك کینه دردل داشته دیگر اینکه نفوذ اسلاوها باصدارت هوهنوارت(۱) دراتریش

---

(۱) Charles-Sigismond, comte de Hohenwart بعدازمشاغل دولتی مختلفی در ۱۸۷۱ نخست وزیر ووزیرداخله اتریش گردید .

سلطنت آمده اول دراسپانیا - ملاقات سه امپراطور در برلن

دراسپانیا بعد ازقضایائی که بهانه جنك بین فرانسه و پروس قرار گرفت در ۲ ژانویه ۱۸۷۱ پسردوم ویکتور امانوئل پادشاه ایتالیا کنت دوست بنام آمده اول(۱) پادشاهی اسپانیاراقبول نمود. دون کارلو که ازطرف پاپ وطرفدارهای کنت دوشامبورد تقویت میشد برضدآمده قیام کرده و شورشی در اسپانیا برپا نموده درماه مه ۱۸۷۲ ازطریق فرانسه وارد نواحی باسك(۲) گردید وباوجود اینکه اقدامات او بـه نتیجه نرسید ومجبور گردیددومرتبه بفرانسه فرارنماید بازدست ازتحریکات خود دراسپانیا برنمیداشت.

بیسمارك برای رعایت احتیاط تصمیم گرفت هرچه ممکن است زود تر اتحاد بین اتریش وآلمان را بمرحله عمل نزدیك کند و چون صدراعظم جدید اتریش نیز محتاج به کمك آلمان برضد اسلاوها بود فرانسواژوزف دراوائل ماه سپتامبر ۱۸۷۲ برای ملاقات ویلهلم اول رسماً ببرلن آمد. تزار روسیه که ازعواقب اتحاد آلمان و اتریش نسبت بروسیه درتشویش افتاده بود برای اینکه اززیان احتمالی چنین اتحادی جلوگیری کند به بیسمارك تمایل خودرا درشرکت دراین ملاقات اطلاع داد وچون نفع آلمان نیردر این بود که روسیه با او همراه باشد ویلهلم اول تزار روسیه را نیز ببرلن دعوت کرد ومتعاقب آن تزار روسیه بمعیت گورچاکوف وارد برلن گردیدودر نتیجه ترس تزار روسیه ازاقدامات نیهیلستها(۳) ووعده‌های بیسمارك آلکساندردوم

بقیه حاشیه ازصفحه قبل

don Carlos, duc de Madrid (۱۸۰۹ - ۱۸٤۹) نوه دون کارلوی معروف در ۱۸٦۸ پدرش بنفع اوازامتیازات خود صرفنظر کرد - ازطرف کارلیست هاپادشاه اسپانیا نامیده شد - از ۱۸۷۲ مدت ٤سال باعث اغتشاش در اسپانیا گردید - بالاخره مجبور شد ازاقدام عملی برضد حکومت اسپانیا خودداری کند.

(۱) Amedeé I Frdinand-Marie' duc d'Aoste, (۱۸٤۸-۱۸۹۰) پسردوم امانوئل پادشاه ایتالیا - در ۱۸۷۰ بپادشاهی اسپانیا انتخاب شد - در ۱۸۷۳ ازسلطنت اسپانیا استعفا داده بایتالیا مراجعت کرد.

(۲) Basques

(۳) Nihilistes فرقه که طرفدارانهدام اساس اجتماع بوده وبهیچ چیزعقیده نداشتند

شد ولی غلبه بوست به‌هوهنوارت نیز دیری نپایند چند روز بعد بتحریك بیسمارك بوست ازصدارت معزول شده وآندراسی جانشین او گردید .

بعد ازنزدیکی آلمان واتریش خیال بیسمارك‌قدری‌ازمشکلات سیاست‌خارجی آسوده گشت و چون با اشغال دوازده شهرستان در فرانسه و بعید بودن خطری که ممکن بود ازطرف روسیه متوجه پروس شود تشویش‌خاطری ازلحاظ دیپلماسی در بین نبود صدراعظم آلمان تمام هم خود را در پایان سال ۱۸۷۱ صرف اقدامات جدی برعلیه کاتولیکها نموده و روحانیون را از دخالت درامور داخلی منع وبا گذرانیدن قوانینی درماه مه۱۸۷۲ برضد کشیشان درماههای ژوئن وژویه۱۸۷۲ ژزوئیتها را ازپروس اخراج‌ومبارزه را که بنام کالتور کامف(۱) معروف شده است‌شروع میکند

درمقابل اقدامات بیسمارك پاپ و کاتولیکها بیکارننشسته وباوجود اینکه از حقوق‌خوددرپروس‌محروم‌شده‌وحتی‌بزندان میافتندااغلب کشیشان‌پروس‌دست‌ازمبارزه برنمیدارند . پاپ‌هم نامهٔ به‌امپراطور آلمان نوشته و چنین وانمود میکند که ویلهلم اول تحت‌تأثیرعقاید ضاله قرار گرفته است . بیسمارك‌هم ازطرف‌پاپ ملقب به‌آتیلای جدید میشود . درفرانسه واسپانیا هم کاتولیکها به‌تبلیغات خود توسعه میدهند.زیرا درفرانسه اغلب نمایندگان رژیم جمهوری را امری موقتی دانسته وسعی دربرقراری سلطنت کنت دوشامبور(۲) میکردند . در اسپانیا هم برای استقراردون کارلو که(۳) باناامزد سلطنت فرانسه قرابت خانوادگی داشت درتلاش بودند .

(۱) kulturkampf مبارزه برای تمدن

(۲) Henri-Charles-Ferdinand-Marie-Dieudonné d' Artois,duc de Bordeaux, comte de Chambord (۱۸۲۰ـ۱۸۸۳)وارث‌خانواده‌سلطنتی بوربون فرانسه ـ پسردوك دوبری Berry در۱۸۳۰ازفرانسه‌مهاجرت کرد ـ در۱۸۳۶ پس ازفوت‌شارل دهم‌تنهاوارث‌خانواده‌سلطنتی بوربون گردید ـ بعد ازسقوط امپراطوری ناپلئون سوم نامزد سلطنت فرانسه شد .

(۳) Carlos-Maria de los Dolores - juan- Isidro - josé - Fransis Co Quirino-Antonio -Miguel-gabriel-Rafael de Bourbon،

بقیه حاشیه درصفحه بعد

شهراستلا(۱) تشکیل داده درفرانسه نیز مارشال ماك ماهون(۲) جانشین تیر شده و مابین طرفداران سلطنت اتفاق حاصل گردید باین ترتیب که کنت‌دوپاری(۳) نوه‌لوئی فیلیپ کنت دوشامبورد راتنها نماینده خانواده سلطنتی فرانسه شناخت بعد ازرفع اختلافات بین نامزد های سلطنت فرانسه بنظر میرسید که بزودی سلطنت سلسله بوربونها درفرانسه برقرار خواهد شد .

اقدامات سلطنت طلبان در فرانسه وموافقت کامل باکاتولیکها باعث تشویش ویکتورامانوئل پادشاه‌ایتالیا گردیدچه‌ممکن بود بابرقراری‌سلطنت کنت‌دوشامبورد که ملقب به هانری پنجم شده بود تصرف شهر رم دو مرتبه مورد مناقشه واقع شود بیسمارك هم ازوحشت پادشاه ایتالیا استفاده نموده او را ترغیب بنزدیکی با اتریش وپروس نمود .

درسپتامبر۱۸۷۳ ویکتور امانوئل دروین ملاقاتی ازفرانسواژوزف‌و آندراسی بعمل آورده از آنجا عازم برلن گردید .

بیسمارك هم‌ازوعده وعید بپادشاه ایتالیا کوتاه‌ی نکرد وحتی موافقت خود را باتصرف نیس وساووا توسط ایتالیا ابرازداشت .

کنت‌دوشامبورد که‌قضایای‌سیاسی‌راپیچیده‌میدیدیاازروی ترس‌یاازروی عقیده اظهارداشت کداعطای آزادی‌هایی‌را که‌طرفداران‌اوبرای‌سلطنت‌لازم‌میدیدبدجزباطیب

Estella (۱)

۱۸۰۸ - ۱۸۹۳) Marie-Edme-Patrice-Maria, Comte de Mac-Mahon(۲) مارشال فرانسوی-فاتح‌مالاکف درجنك کریمه - در۱۸۵٦ سناتورشد-درجنك بااتریش عامل مهم فتح ماژانتابود وبدین مناسبت ملقب به‌دولت ماژانتا گردیداز۱۸٦٤ تا ۱۸۷۰ فرماندار الجزیره بود - درجنك ۱۸۷۰ ازپروسها شکست خورده مجروح و اسیر گردید بعد از امضای ترك مخاصمه رئیس ارتشی شد که برضد شورش کمون اقدام کرد در۱۸۷۳ رئیس جمهورفرانسه شد - در۱۸۷۹ ازریاست جمهوری استعفا داد

۱۸۳۸ - ۱۸۹٤) Louis- Philippe-Albert d'Orléans, Comte de Paris (۳) نوه‌لوئی فیلیپ پادشاه فرانسه - درانقلاب ۱۸٤۸ ازفرانسه مهاجرت کرد - در ۱۸۷۳ کنت دوشامبورد راتنها نماینده خانواده سلطنتی فرانسه شناخت .

کاملاً تحت تأثیر عقاید بیسمارك قرار گرفت .

درنتیجه ملاقات این سه‌امپراطور و بازدیدهای رسمی که ویلهلم اول در بهار سال ۱۸۷۳ از آنها بعمل آورد یادداشتهائی بین سه‌دولت آلمان واتریش وروسیه رد وبدل گردید که بموجب آنها این سه‌دولت تصمیم خودرا درامورزیراعلام‌میداشتند:

۱ـ نگاهداری وضع فعلی ممالك اروپا و برسمیت شناختن تغییرات ارضی جدید .

۲ـ حل وتصفیه مسائل شرق باموافقت یکدیگر .

۳ـ جلوگیری ازانقلابات برضد سلاطین .

بعد ازاین ملاقاتها بنظرمیآمد که اتحاد مقدس دومرتبه تجدید شده وسیاست اروپا بزمان بعد از کنگره وین‌شباهت پیدا کرده است دول اروپا این موضوع‌رابدواً قدری جدی تصور کردند ولی معلوم بود که این اتحادپایه واستحکام‌اتحاد مقدس را نخواهدداشت‌زیرا گورچاکوف‌وزیرخارجه‌روسیه‌درعین حال که‌دم‌ازموافقت‌باپروس میزد اعتماد واطمینان زیادی نسبت باظهارات بیسمارك نداشت اماهمین اندازه کافی بود که سیاست بیسمارك‌را درداخل وخارج آلمان تقویت نماید .

درسال ۱۸۷۳ دراثرجدیت تیردولت فرانسه غرامات جنگی را قبل از موعد مقرر پرداخت نمود و در نتیجه ارتش آلمان خاك فرانسه را تخلیه کرد . طرفداران سلطنت که دیگرتیررالازم نداشتند وحتی وجود اورا مزاحم خود میدانستند شروع بخورده گیری ازاو نمودند درنتیجه در ۲۴ مه ۱۸۷۳ تیراز ریاست‌قوه مجریه استعفا داده‌وسلطنت‌طلبان درفرانسه‌تفوق کامل پیدا کردند.درتمام ادارات‌فرانسه طرفداران سلطنت‌وکاتولیکها رخنه‌پیدا نموده‌بااقدامات خودعملیات‌دون کارلوررانیزدراسپانیا تشویق کردندبطوریکه در۱۱فوریه ۱۸۷۳پادشاه‌جدید اسپانیا مجبورباستعفا گردید

دراواخر ماه ژوئیه دون کارلو که وارد اسپانیا شده‌بود حکومت جدیدی در

دوم دوك‌ددنمبورك[۱] پسردوم ملکه‌ویکتوریا انجام گرفت موافقتی‌بین دولتین بعمل آمد . درماه مه۱۸۷٤ تزار روسیه‌ببهانه دیدن دخترخود به‌لندن‌رفت وباوجودآنکه دراینوقت دیسرائیلی درانگلستان روی کار آمده بود وسیاست خارجی انگلستان وارد مرحله جدیدی‌میشد بازتا چندی آثاراین موافقت‌باقیماند . تزارروسیه‌درلندن ملاقاتی‌هم‌با کنت دوپاری نمود، وحسن‌نظرخودرا نسبت به کابینه‌فرانسه اعلام‌داشت

قضایای اسپانیا نیز کاملاً مطابق دلخواه بیسمارك جریان پیدا نکرد درسوم ژانویه ۱۸۷٤ در اثریك کودتای نظامی در مادرید ژنرال سرانو[۲] دراسپانیا زمام امور رادردست گرفت ودون کارلومجبوربفرار گردید . بیسمارك که‌باحکومت‌ژنرال سرانو موافقت داشت فوراً این‌حکومت رابرسمیت‌شناخت درصورتیکه‌دولتین روسیه وفرانسه ازشناختن‌آن خودداری نمودند . تااینکه بتحریك فرانسه شورش دیگری دراسپانیابرپاشدوپسر ملکه‌ایزابل‌موسوم‌به‌آلفونس‌دوازدهم[۳] درژانویه‌۱۸۷٥بپادشاه اسپانیاشده وتمام دول‌اروپا پادشاهی اسپانیارا برسمیت‌قبول کردند .

درسال۱۸۷٤ اختلافات پارلمانی درفرانسه قدری مرتفع شده وبا اقدامات تیر وگامبتا اساس جمهوری روزبروزمستحکم میگردید قانونی هم راجع بنظام وظیفه وسازمان ارتش فرانسه‌بتصویب رسید که نیروی‌نظامی فرانسه‌راتقویت‌نمود، بیسمارك که‌بااثبات پیدا کردن حکومت‌فرانسه موافقتی‌نداشت موضوع‌های فوق رابهانه قرار داده وبه‌تشویق اوروزنامه‌های آلمان دو مرتبه حمله بفرانسه راشروع واز بیسمارك

Duc d,Edimbourg (۱)

۱۸۸٥) Fransisco' Serrano y Dominguez' duc de La Torse (۲)
۱۸۱۰) مارشال وسیاستمدار[اسپانیولی - وزیرجنك اسپانیا در۱۸٤۳-از۱۸٤۷ به آزادیخواهان برضدملکه ایزابل ملحق‌شد -در۱۸٦۹درنتیجه انقلاب‌اسپانیا نایب‌السلطنه این کشورشد.

François d' Assise - Ferdinand - Pic-jean-Marie-grégoire (۱)
۱۸٥۷-۱۸۸٥) Pèlage,Alfonse XII پادشاه‌اسپانیا-در۱۸۷٤ بپادشاهی اسپانیا انتخاب‌شد-سعی‌دربرقراری آرامش وصلح‌درداخل‌اسپانیا کرد-در۱۸۷٦ کورتس اسپانیا رادعوت بتصویب قانون‌اساسی جدیدنمود :

خاطرقبول نخواهد کرد ودرتحت افکاردستجات مختلف قرارنخواهد گرفت و برای ازبین بردن خاطرات انقلاب فرانسه اصرارداشت پرچم فرانسه‌برنك‌سفید که علامت خانواده بوربون‌ها بودتغییر یابد . تقاضاهای دوك‌دوشامبورد باعث‌شد که ازمحبوبیت او در فرانسه کاسته شده و طرفداران سلطنت نتوانند بمقصود خود بـرسند و چون امیدشان هنوزقطع نشده بود برای پیدا کردن راه حلی دوك‌دوبرو کلی[۱] پیشنهاد نمود اختیارات مارشال دوماك ماهون برای مدت ۷ سال تمدید شود تا فرصت کافی برای استقرارسلطنت دردست باشد .

تفرقه که بین‌نمایندگان مجلس فرانسه افتادقدری باعث راحتی خیال‌بیسمارك گردید زیرا ادامه‌هرج‌ومرج ونبودن یك‌حکومت ثابت درفرانسه موجب‌باقیماندن ضعف این‌دولت میشد ولی‌باوجود این برای اینکه دولت فرانسه‌جرئت‌اقدامی برضد آلمان‌نکند درموقعیکه دراثر اعلامیه ۲۱نوامبر۱۸۷۳ پاپ کشیشان فرانسه شروع به‌نوشتن مقالاتی برعلیه بیسمارك کردند بیسمارك رسماً بدولت فرانسه اعتراض کرد ضمناً بتحریك‌اوروزنامه‌های آلمان شروع‌بانتشارمقالاتی برضدفرانسه نموده وتهدید میکردند اگرفرانسه خیال‌انتقام درسرداشته باشد دولت آلمان نخواهد گذاردابتکار عملیات را دردست‌بگیرد وتحمیلات۱۸۷۱ را نیز کافی نمیدانستند منظور بیسمارك ازاین تهدیدات بیشترترسانیدن فرانسه‌بود تااین دولت جرئت نکند سیاست مستقلی درپیش گرفته واسباب مزاحمت آلمان رافراهم آورد زیرا درپایان سال۱۸۷۳روابط آلمان‌وروسیه صمیمیت سابق خودرا ازدست داده بود دولت‌روسیه که‌بدون سروصدا تمام‌ترکستان ونصف‌خیوه رااتصرف کرده بودبرای‌تحریك نمودن‌مخالفت‌انگلستان باگلادستون واردمذاکره‌شده‌وباعروسی که‌بین گراندوشش‌ماری[۲]دختر آلکساندر

---

(۱) jeaque- Victor, duc deBroglie (۱۸۲۱-۱۹۰۱) سیاستمدار فرانسوی بعد ازچند مأموریت سیاسی در(۱۸۶۲)عضوفرهنگستان فرانسه شد-در۱۸۷۱ بنمایندگی مجلس انتخاب شد - ازطرفداران‌جدی‌سلطنت- نخست وزیرفرانسه در۱۸۷۳ودر۱۸۷۷ سناتورواز۱۸۷۵ تا ۱۸۸۵ - تألیفات تاریخی وسیاسی مهمی ازخودبیادگار گذاشته‌است

(۲) Grand-duchsse Marie

توجه بیسمارک بخطر اتحاد روسیه و فرانسه

اعلامیه ازیکطرف باعث خشم وغضب بیسمارک گردید وازطرف دیگر صدراعظم آلمان رابیش ازپیش متوجه خطراتحاد دولتین روسیه وفرانسه برای آلمان نمودباین جهت بیسمارک ازاین تاریخ تصمیم میگیرد ازقضایای شرق حداکثر استفاده رانموده وتامیتواند برای دولت روسیه اشکالات تازه تهیه کند تابامشغول شدن اودرشرق هم دشمنان ورقبای تازه برای دولت روسیه پیداشود وهم امیددولت فرانسه از کمك روسیه قطع گردد.

تقاضا کردند اگر جنگی بافرانسه رخ دهد تصمیمات فوق‌العاده‌شدیدتری نسبت باین کشور اتخاذ شود تا دیگر نتواند سربلند کند. خودبیسمارك هم بی‌میل نبود دراثر تحریك احساسات فرانسویها دولت فرانسه مانند ۱۸۷۰ دردام افتاده وپیش قدم‌حمله بآلمان گردد.

بیسمارك برای بدست آوردن نظردول اروپا بوسیله نمایندگان سیاسی خوداز دول اروپا استفسار نمود در صورت بروز جنك بین آلمان و فرانسه چه رویه را اتخاذ خواهند نمود. دولت اتریش گرچه‌مخالفتی نسبت‌برویه آلمان اظهارنکردولی‌وعده همراهی‌هم باین دولت‌نداد. دولت‌ایتالیا گرفتارمشکلات داخلی وبحران مالی بود وانتظار کمك از آن خیال واهی بنظرمیرسید. دول‌انگلستان وروسیه کاملامخالفت خودرا نسبت بآلمان ابرازداشتند زیرا بنظر روسیه دولت فرانسه تنها دولتی‌بود که میتوانست درموقع‌لزوم در مقابل آلمان بروسیه کمك کند. دولت‌انگلستان هم‌برای اینکه دولت‌فرانسه کاملا در دامان روسیه نیفتد برای دردست داشتن موافقت‌فرانسه حاضر بقبول اعتراضات آلمان نگردید.

دراواسط ماه آوریل۱۸۷۵ نمایندگان انگلستان وروسیه بحضور ویلهلم‌اول رسیده واعلام داشتند که چون ازطرف فرانسه رویه مخاصمت‌آمیزی مشاهده نشده است درصورت بروزجنك بین آلمان وفرانسه تمام مسئولیت رامتوجه آلمان دانسته وآزادی عمل خودرا حفظ‌خواهند کرد. امپراطور آلمان که منظوراین کلمات‌را کاملا ملتفت‌شد ازانتشارات‌جنك اظهارتعجب کرد واضافه‌نمود اوهم غیراز نگاهداری‌صلح منظوری را تعقیب نمیکند. لازم‌بتوضیح نیست که‌بیسمارك هم خود را بیش ازهمه طرفدارصلح نشان داده ونوشته‌های روزنامه‌های آلمان راتکذیب کرد. دولت فرانسه موقع رامغتنم‌شمرده‌وبرای‌اطمینان‌از کمك‌روسیه ازاین‌دولت تقاضانمودضمن‌اعلامیه رسمی‌رویه خودرا نسبت بفرانسه آشکارسازد تزارروسیه هم که دراینموقع نتوانست ازاحساسات‌خود جلوگیری کندرسماً‌پاسخ‌داد که‌دولت‌فرانسه میتواندبکمك‌روسیه امیدوار باشد واعلام داشت که بواسطه مداخله او صلح دراروپا حفظ شده است. این

درسربستان بعد از قتل میشل اوبرنویچ آزادیخواهان از طفولیت میلان [1] پادشاه جدیداین کشوراستفاده نموده‌قانون اساسی بتصویب رسانیده با موروثی کردن سلطنت خودرا ازرقیب دولت عثمانی آزاد ساختند. دربلغارستان نیزملیون شروع به اغتشاش کرده و دولت عثمانی مجبور گردید ازسال ۱۸٦۷ با اعزام عـده از قوای خودازانقلاب جلوگیری کند. در سال ۱۸۷۰ نیز مجبور شد آزادی مذهبی بـآنها اعطا نماید.

دولت روسیه که درسال۱۸۵٦ مغلوب شده ومنتظرفرصت برای جبران‌مافات بود نیزاین شورشها راتشویق میکرد. جنگ۱۸۷۰ بین‌فرانسه وآلمان‌موقع مناسبی بدست روسیه داد تااز این پیش آمد استفاده کند. در۳۱ اکتبر۱۸۷۰ گورچاکوف وزیرخارجه روسیه‌یادداشتی بدول اروپا فرستاد ومواد ۱۳ و۱٤ پیمان پاریس راکه مربوط به‌بیطرفی دریای سیاه بود یکطرفه ملغی نمود. دولت‌عثمانی‌هم که‌بابیطرفی دریای سیاه چندان موافق‌نبود ازیادداشت روسیه زیاد ناراضی بنظرنمیرسید. تنهـا دولت‌انگلستان‌جدا برضداقدام روسیه‌وارد فعالیت‌دیپلوماسی گردید. بطوریکه‌شرح داده‌شد درا ثر تدبیر بیسمارك‌درباره‌این‌امر کنفرانسی درلندن‌تشکیل گردیدودرنتیجه گرچه‌اقدام روسیه‌تثبیت گردید ولی‌قرارشد که دول دیگر نیزاز آزادی دریـاه سیاه استفاده کنند.

درسال ۱۸۷۱ فرانسواژوزف درتحت فشاراسلاوها هوهنوارت را نخست وزیر اتریش کردواعلام‌نمودحاضراست‌حقوق‌اسلاوهاراتأمین کند.دیت‌پراك‌نیزشروع‌بتنظیم مواد اصلی‌حقوق اسلاوها در۹و۱۰ اکتبر۱۸۷۱ نمود و بموجب آن ازفرانسواژوزی تقاضای استقلال اداری وبرقراری ۱۷ مجلس و تشکیل کنگره مانند مجلس سناف آمریکا وتعیین وزرای‌مسئول کردند.تقاضاهای‌اسلاوها باعث تشویش فرانسواژوزف

---

(۱) Milan Obrenovitch IV (۱۹۰۱-۱۹٥٤) پادشاه سربستان- در۱۸٦۸امیر سربستان شناخته شد- در۱۸۷٦ بادولت‌عثمانی واردجنگ شد-بعد ازجنگ۱۸۷۷ بطرف اتریش‌متمایل گردید - در۱۸۸۲ سربستان رابمقام‌کشور پادشاهی رساند - در ۱۸۸۹ قانون‌اساسی‌جدیدی‌اعطا نموده وبنفع پسرش‌آلکساندر ازسلطنت صرفنظر کرده بخارجه عزیمت کرد - در۱۸۹٤ کودتائی نموده ودومرتبه وارد بلگراد شد.

فصل دهم

مسائل شرق و کنگره برلن ۱۸۷۸

تقاضاهای اسلاوها - تبلیغات اتحاد اسلاو - لغو بیطرفی دریای سیاه همکاری اتریش وروسیه - فساد حکومت عثمانی - شورش هرزه گوین - میانجیگری اتریش - وعده های دولت عثمانی - سلطان عبدالحمید دوم - اعلام جنك سربستان ومونتنگرو - شکست سربها - موافقت اتریش وروسیه - تقاضای ایگناتیف کنفرانس قسطنطنیه - یادداشت دول اروپا وروسیه - اعلان جنك - فتح روسیه ترك مخاصمه - پیمان سان استفانو - مخالفت انگلستان واتریش - عذر تراشی بیسمارك - کنگره برلن - تصمیمات کنگره - نتایج کنگره برلن .

شکست اتریش ازپروس درسال ۱۸٦٦ موجب امیدواری اسلاوها گردید . با تبلیغات اتحاد اسلاو که ازطرف روسیه تشویق میشد در۱۸٦۷ کنگره ازاسلاوها در مسکو تشکیل وتحت نفوذ کاتکوف ملل اسلاوچه آنهائی که تحت نفوذدولت عثمانی بودند وچه آنهائیکه تحت نفوذ دولت اتریش ومجارستان قرارداشتند درخواستهای ملی ونژادی خود را اعلام نمودند . درمقابل ائتلاف اتریش ومجارستان اغلب اسلاو های تابع این دولت اعتراض کرده وازحضور دردیت امتناع نمودند حتی در دالماسی وکروآسی شورشهائی هم اتفاق افتاد و زد وخورد آنها بادولت اتریش و مجارستان مدتی بطول انجامید .

صلح جهانی فعالیت میکنند. اقدام روسیه باعث گردید که از یکطرف شورشیان و مسیحیان بالکان بحمایت اروپائیان امیدوار گردند و ازطرف دیگر دولت انگلستان تصور نمود بین روسیه و اتریش موافقت مخفی برای تقسیم دولت عثمانی برقرار شده است و دولت عثمانی را تشویق بمقاومت درمقابل شورشیان نمود.

دولت عثمانی برای اینکه درصورت ظاهر بهانه شورش را ازبین ببرد در ۲ اکتبر اعلام نمود که مشغول تهیه نقشه اصلاحات اساسی برای وضع تمام مسیحیان میباشد دولت روسیه ازبدو امر اظهار داشت که اعتمادی باظهارات دولت عثمانی ندارد. دولت اتریش که مایل نبود درائر اقدامات روسیه نفوذ اسلاوها دربالکان توسعه پیدا کند بدست و پا افتاد تابلکه بوسیلهٔ قضیه راخاتمه دهد و پیشنهاد نمود برنامهٔ برای اصلاح حال شورشیان تهیه شده وازطرف دول اروپا بسلطان عثمانی تسلیم شود. دولت روسیه و دولت آلمان پیشنهاد آندراسی را نپذیرفتند. انگلستان اظهار نمود بهتر است بدولت عثمانی وقت داده شود تا بتواند اصلاحاتی راکه وعده داده است انجام دهد و باین ترتیب پیشنهاد اتریش متوقف ماند. در ۱۲ دسامبر ۱۸۷۵ بتحریك انگلستان دولت عثمانی فرمان جدیدی منتشر نمود که اصلاحات خیلی زیادتری رابملل تابعه وعده میداد. دولت روسیه اعلام نمود که فرامین سلطان عثمانی جزاظهارات توخالی چیز دیگری نیست و برای اصلاح وضع اهالی بسنی و هرزه گوین بایداقدام مؤثری بعمل آورد مخصوصاً که ترکها درعوض اصلاحات دربلغارستان شروع بقتل وعام اهالی کردند

در اثر فشار روسیه آندراسی یادداشتی را که تهیه کرده بود برای تصویب و ارسال آن بدولت عثمانی باطلاع دول اروپا رسانید. دول آلمان ـ روسیه ـ ایتالیا فرانسه هیچگونه مخالفتی بامفاد آن ننمودند. دولت انگلستان نیز یادداشت مزبور را امضا نمود ولی تصریح کرد که باهرگونه اقدام عملی برای تأییدآن مخالف است بنابراین باوجود اینکه در ۳۰ ژانویه این یادداشت تسلیم دولت عثمانی گردید نه دولت انگلستان و نه دولت اتریش مایل به پافشاری زیادی نسبت بدولت عثمانی نبودند ودر نتیجه دولت عثمانی فرمان جدیدی منتشر نموده و اصلاحات تازهٔ راوعده داد شورشیان

شده وملاقاتهائی که درسالزبورك و کاستین بین‌امپراطوراتریش وویلهلم اول ووزرای آنها صورت گرفت موجب برقراری اتحاد محکمتری بین اتریشها ومجارها شده در نوامبر ۱۸۷۱ هوهنوارت مجبورباستعفا ودیت پراك منحل گردید.

بابرقراری آندراسی بوزارت خارجه امپراطوری اتـریش ومجارستان روابط آلمانها ومجارها برضد اسلاوها مستحکم گردید ومجارها درامپراطوری نفوذزیادی پیدا کردند. ملاقات سه‌امپراطور دربرلن خفت شکست سادو آو کینهٔ را که مجارها ازسال ۱۸٤۹ نسبت بروسیه داشتند ازبین برد. برای جلب نظرروسیه ازسال ۱۸۷۲ دولت‌اتریش از کمك‌بلهستانیهاازطریق گالیسی‌خودداری کرد ودرعوض‌انتظارداشت دولت روسیه‌هم ازاسلاوهای تابع اتریش تقویتی ننماید درنتیجه ملاقات‌سه‌امپراطور نیز تصمیم گرفته شد مسائل شرق و قضایای مابه الاختلاف بطریق مسالمت بین سه دولت حل شود.

دراوائل سال ۱۸۷٤ فرانسواژوزف وآلکساندر دوم درسن پترزبورك ملاقاتی ازیکدیگر بعمل آورده و وعده دادند دروضع بـالکان تغییری ندهند، ولـی ضعف حکومت عثمانی وعیاشی وتبذیر سلطان عبدالعزیز هر آن ممکن‌بود استقرارصلح را دربالکان مورد خطر قراردهد. درسال ۱۸۷۵ مسیحیون هرزه گوین(۱) در اثر فشار ترکها برضد دولت عثمانی شورش کردند ودرماه اوت ۱۸۷۵ کمیته برای آزادی‌خود تشکیل داده وبا بـدست آوردن موفقیتهائی بـر علیه دولت عثمانی از تمام اسلاوها تقاضای مساعدت نمودند. اهالی مونتنگرو ونیزبشورشیان کمك نموده درتمام روسیه هم‌مردم طرفدار آنها شدند.

گرچه درموقع شروع‌شورش آندراسی‌اعلام نمود دراین قضیه دخالتی‌نخواهد کرد ودرماه اوت ۱۸۷۵ سفیرروسیه دروین بدولت اتریش پیشنهاد میانجیگری بین شورشیان ودولت‌عثمانی رانمود. دولت‌روسیه اظهارمیداشت‌منظوراز اقدام اودخالت درامورعثمانی نبوده وفقطبرای جلوگیری ازسرایت شورش بنقاط‌دیگرونگاهداری

Herzégovine (۱)

مخاصمهٔ بین دولت عثمانی و شورشیان برقرار سازد ولی هیچکدام از طرفین راضی باین امر نشدند. دولت عثمانی برای انحراف توجه اروپائیان در ۱۲ اکتبر ۱۸۷۶ فرمانی منتشر نمود وبتمام ملل تابعه وعده برقراری آزادی وحکومت مشروطه را داد چون این جریان و وعده‌های ترکها بیشتر به تمسخر شباهت داشت در ۳۰ اکتبر ایگناتیف[۱] نماینده روسیه در دربار عثمانی بسلطان امرداد آزار واذیت مسیحیان را متوقف سازد.

قبل از اقدام ایگناتیف تزار روسیه و گورچاکوف موافقت اتریش را تحصیل کرده بودند. در نتیجه ملاقاتی که در ۸ ژویه بافرانسوا ژوزف بعمل آوردند دولتین موافقت نمودند که بسارابی بروسیه قسمتی از هرزه گوین وبسنی به اتریش داده شود وخاك عثمانی در اروپا بین ملل رومانی و بلغارستان و یونان تقسیم شده و قسطنطنیه شهر آزاد باقی بماند. دولت آلمان نیز که اتریش و روسیه را تشویق بمداخله درامور بالکان مینمود گرچه درظاهر اظهار بی اطلاعی میکرد ولی در باطن تزار روسیه را از بیطرفی خود مطمئن میساخت.

تزار روسیه بعد از اوامری که به ایگناتیف داد در ۲ نوامبر ۱۸۷۶ به نماینده انگلستان در روسیه اعلام نمود که دیگر تاب تحمل زیاده رویهای ترکها را ندارد. دولت انگلستان هم که راه هندوستان و منافع خود را در مدیترانه درخطر میدید به جنب وجوش افتاد تاشاید قضیه را ازراه کنفرانس حل کند وبه کشتیهای جنگی خود امر داد بطرف آبهای عثمانی رهسپار شوند ودر نتیجه درقسطنطنیه کنفرانسی از دول اروپا برای رسیدگی بوضع مسیحیان و اقدامات دولت عثمانی تشکیل گردید. کنفرانس

---

(۱) Nicolas Pavlovitch'Ignatiev (۱۸۳۲-۱۹۰۸) سردار وسیاستمدار روسی درجنگهای کریمه رشادت زیادی بخرج داد ـ نماینده روسیه درچین در ۱۸۶۰ ـ بعداً رئیس اداره امور سیاسی آسیا گردید ـ در ۱۸۶٤ سفیر روسیه درقسطنطنیه گردید ودر سلطان عبدالعزیز نفوذ زیادی پیدا کرد ـ باعث قطع روابط روسیه وعثمانی در ۱۸۷۷ گردید ـ از ۱۸۸۱ تا ۱۸۸۲ وزارت داخله رابرعهده داشت.

نیزفریب فرامین دولت عثمانی رانخورده به‌عملیات خود ادامه دادند .

در۷مه ۱۸۷٦ متعصبین مسلمان‌قونسولهای فرانسه و آلمان رادرسالونیك‌بقتل رسانیدند . دولت آلمان به دول فرانسه و انگلستان و ایتالیا پیشنهاد نمود کشتیهای جنگی این دول برای رفع غائله بآبهای عثمانی فرستاده شود و در نتیجه اصرار گورچاکوف دول آلمان واتریش قرار گذاردند یادداشتی بدولت عثمانی فرستاده و اصلاحاتی رابرای شورشیان درخواست کنند . دولت فرانسه ودولت ایتالیا فوراً مفاد این یادداشت را قبول کردند ولی دیسرائیلی که جانشین گلادستون شده‌بود باارسال یادداشت مخالفت کرد . باوجود مخالفت‌انگلستان دول‌اروپا تصمیم گرفتند یادداشت خودرا در۳۰مه بدولت عثمانی تسلیم کنند امادرنتیجه اغتشاشاتی که در دربارعثمانی رخ‌داد ارسال یادداشت بتأخیرافتاد چه‌درائر کودتائی که درقسطنطنیه بوسیله‌مدحت پاشا[۱] صورت گرفت شب‌قبل ازسی‌ام مه‌سلطان عبدالعزیز ازسلطنت خلع وسلطان مراد پنجم بجانشینی اوانتخاب گردید.سلطنت سلطان جدید نیزدیری نپائیدودر۳۱ اوت‌سلطان عبدالحمید دوم جانشین او گردید باسلطنت سلطان جدید قتل عام اهالی بلغارستان از نو شروع شده ودرنتیجه سختگیریهای زیادی که نسبت بمسیحیان بعمل‌آمد اهالی‌سربستان ومونتنگرو وعلناًبرعلیه دولت عثمانی وارد درجنك شدند .

برخلاف انتظار عموم دولت عثمانی ارتش سربستان را شکست کامل داده ودر نتیجه قسمت مهم سربستان و بسنی و هرزه گوین مورد قتل و غارت وچپاول ارتش ترك واقع شدوترکها بقدری در اینکارزیاده روی کردند که حتی دولت انگلستان نتوانست‌درخواست میانجیگری سربستان را که در۲۸اوت بدول اروپا ارسال‌شده‌بود رد کند . دول‌اروپادرمقابل‌تقاضای‌سربها ازدولت عثمانی شرایطصلح‌راپرسش کردند درمقابل تقاضای‌سنگین دولت عثمانی وتهدید روسها دولت‌انگلستان سعی نمود ترك

---

(۱) ـ مدحت پاشا (۱۸۸٤ـ۱۸۲۲) سیاستمدارعثمانی که‌درظاهرطرفدار افکاراروپائی واصلاحات بود بتحریك اوسلطان‌عبدالعزیز وبعد ازاوسلطان مراد پنجم ازسلطنت‌خلع شدند . درزمان سلطنت سلطان عبدالحمید دوم به‌شرکت درقتل سلطان عبدالعزیز متهم وبعربستان تبعید شد .

اتریشیها را نیز بطرف بالکان سوق میداد وازاین جهت درمدت جنگهای ۱۸۷۷ چندین مرتبه بسته به فتح وغلبه طرفین سیاست خود را تغییر میدهد .

با تبلیغاتی که طرفین نمودند جنگ بین روسیه وعثمانی جنبه نژادی ومذهبی بخود گرفته اسلاوها برضد مسلمانان قیام مینمودند در بدو امر دربالکان ودر آسیا پیشروی سریعی نصیب روسها گردید ولی ناگهان بدون آنکه کسی انتظارداشته باشد ارتش عثمانی پایداری سختی کرده وروسها را عقب زدند بطوریکه مدتی بنظرمیآمد روسها نتوانند غلبه کنند . تا ماه نوامبر ۱۸۷۷ ارتش عثمانی بپایداری خود در مقابل سپاهیان روس ادامه داد تا اینکه از ۱۲ تا ۱۸ نوامبر ارتش روسیه با حمله های پی درپی خود قشون عثمانی را شکست کامل داد در اروپا گراندوك نیکلا (۱) باطراف قسطنطنیه رسید ودر آسیا ژنرال ملیکف (۲) ارض روم وطرابوزان را بتصرف در آورد با نزدیك شدن ارتش روسیه به قسطنطنیه دولت انگلستان بناوگان خود امرداد ببغازها نزدیك شوند وباینجهت دولت روسیه جرئت نکرد قسطنطنیه را تصرف کند وچون دول اروپا اقدام عملی دیگری هم نمی نمودند دولت عثمانی ناچار در ۲٤ ژانویه ۱۸۷۸ پیشنهاد ترك مخاصمه را قبول نمود ودر ۳۱ ژانویه آنرا امضاء کرد .

بعد از امضای ترك مخاصمه دول انگلستان واتریش وآلمان که جز حفظ منافع خود طالب چیز دیگری نبودند بدرخواست کمك سلطان عثمانی جوابی نداده وبیاد داشت روسیه هم وقعی نگذاردند ودرمقابل نزدیك شدن ارتش روسیه به سان استفانو (۳)

---

(۱) Grand-duc Nicolas – Nicolaëvitch (۱۸۹۱–۱۸۳۱) پسر سوم نیکلای اول ـ در اوائل جنك ۱۸۷۷ فرمانده ارتش روسیه درقسمت اروپا بود .

(۲) Michael Tariélovitch Tainov Comte Loris Mélikof (۱۸۸۸-۱۸۲٦) سردار روسی ـ درجنگهای کریمه وقفقاز شرکت کرد عملیات نظامی را درجنك ۱۸۷۷ برضد دولت عثمانی درآسیا تعقیب نمود .

(۳) San Stéfano

قسطنطنیه بسلطان عبدالحمید پیشنهاد ترك مخاصمه نموده و دولت عثمانی را دعوت کرد بملل مسیحی بالکان استقلال محلی بدهد . سلطان عثمانی مانند همیشه اعلام داشت د رنظر دارد آزادیهای خیلی بیشتری به اتباع خود بدهد و ترتیب اثری به تصمیم کنفرانس نداد .

دراوایل ماه مارس ۱۸۷۷ ژنرال آیگناتیف ازطرف تزار روسیه مأمور گردید بدربارهای اروپا مسافرت بنماید تابدولت روسیه اختیارداده شود تصمیمات کنفرانس قسطنطنیه رااجرا کند. ژنرال روسی دروین وبرلن وپاریس ورم درانجام مأموریت خود موفق شد ولی درلندن بامخالفت دولت انگلستان مواجه گردید . باوجود این در ۳۱ مارس بدولت عثمانی ازطرف ۶ دولت روسیه ـ آلمان ـ اتریش ـ فرانسه ـ ایتالیا ـ انگلستان یادداشتی بدولت عثمانی برای اجرای اصلاحات لازم وخلع سلاح ارتشی که برعلیه روسیه مجتمع شده بود ارسال گردید . دولت روسیه ضمناً دریادداشت جداگانه دولت عثمانی را مورد تهدید بیشتری قرارداد . دولت عثمانی در ۳ آوریل یادداشت دول اروپا وروسیه رااباطلاع نمایندگانی که بعنوان مجلس مجتمع شده بودند رسانید واین مجلس مفادآنها راغیرقابل قبول دانست . درنتیجه رد این یاداشت‌ها دولت روسیه دیگر تأمل را جایز ندانسته در ۱۶ آوریل با رومانی قرار دادی منعقد نمود وموافقت این دولت را برای عبور قـوای روسی از خاك آن جلب و در ۲۴ آوریل اعلان جنك بر علیه عثمانی را منتشر کرد .

دولت انگلستان چون نمیتوانست تنها در مقابل موافقت ضمنی دول اروپا در برابر روسیه ازدولت عثمانی حمایت کند ودرداخل انگلستان نیزعده مخالف عملیات ظالمانه ترکهابود د بوسایل غیرمستقیم ازدولت عثمانی پشتیبانی نموده و آزادی عمل خود را حفظ میکرد بیسمارك هم کـه مایل بود دول اروپا بایکدیگر منازعه داشته باشندتااواز آن میان استفاده ببرد باوجود آنکه رسماً اظهار مینمود درقضایای دولت عثمانی آلمان هیچگونه نظر موافق یا مخالفتی ندارد روسها را تشویق بجنك نموده ونظر

کنگره آزادانه بتواند تمام موضوعهای مربوط بپیمان‌سان استفانو را موردمطالعه قراردهد. دولت روسیه برای مقاومت در مقابل ادعاهای انگلستان ژنرال ایگناتیف را دومرتبه‌به‌وین‌فرستاد تا باواگذاری بسنی‌وهرزه‌گوین‌موافقت اتریش‌را جلب کند ولی تقاضاهای اتریش بقدری زیاد بود که دولت روسیه نتوانست بآن رضایت دهد درنتیجه دولت انگلستان که ملتفت عدم موفقیت مذاکرات‌وین‌شده بود درپافشاری خود سخت‌تر گردید مخصوصاً که دراثر تغییر کابینه فرانسه وزیرخارجه جدید این دولت وادینگتون (۱) بیشتر بطرف انگلستان تمایل داشت ضمناً دولت‌انگلستان پادگان‌جبل‌الطارق را اضافه نموده وبا احضارسپاهیان هندی رویه مخاصمت‌آمیزی را درپیش گرفت وبا تعیین لردسالیسبوری(۲) بوزارت خارجه در اول‌آوریل ۱۸۷۸ تقاضاهای‌انگلستان بدول‌اروپا اعلام گردید.

دولت روسیه که درجنگ باعثمانی فاتح شده بود در مقابل مقاومت‌انگلستان ومخالفت اتریش متحیر مانده بودآیا استقامت نموده وحاضر بمقابله بادول اروپاشود یا اینکه‌راه تسلیم‌را پیش گیرد. اگر دولت آلمان که درنتیجه کمکهای‌روسیه‌توانسته بود توسعه‌زیادی پیدا کند بااو همراهی‌میکرد باز تزارروسیه امیدی بموفقیت‌داشت ولی بیسمارك درمقابل تقاضای تزار روسیه جواب صریحی نداده ومتعذر گردید که مراقبت فرانسه مجالی برای‌او باقی نمی‌گذارد. علاوه بر آن بیسمارك بیمیل‌نبودبین

---

(۱) William-Henry-Waddington (۱۸۲٦-۸۹٤) باستان شناس و سیاستمدارفرانسوی ـ اصلاانگلیسی بود در۱۸۷۲ بنمایندگی مجلس فرانسه انتخاب شد در۱۸۷٦ بنمایندگی سنا انتخاب گردید ـ در۱۸۷٦ وزیرفرهنگ در۱۸۷۷ وزیرخاجه و در۱۸۷۹ نخست وزیر شد ـ نماینده فرانسه در کنگره برلن ـ تألیفات زیادی راجع به باستان شناسی دارد

(۲) Robert-Arthur-Talbot-gascoyne-cecil, marquis de Salisbury (۱۸۳۰-۱۹۰۳) سیاستمدار انگلیسی در ۱۸۵۳ بنمایندگی مجلس انتخاب شد ـ جزءدسته محافظه کاران گردید ـ در ۱۸٦۸ عضو مجلس لردها شد ـ در ۱۸۷۸ وزیرخارجه انگلستان شد ـ بعداز فوت دیسرائیلی سردسته محافظه کاران گردید وچندین مرتبه نخست‌وزیر انگلستان شد.

ناوگان انگستان به داردانل نزدیك تر گردید . سلطان عثمانی از ترس اقدامات بعدی روسها از انگلیسها تقاضا نمود تظاهرات زیادتری ننمایند واز روی اجباردر۳ مارس۱۸۷۸ پیمان‌سان‌استفانورا با دولت‌روسیه امضا کرد . دولت انگستان که‌موافق با امتیازات روسیه نبود از احضار جهازات خود از داردانل‌خود داری نمود . دولت اتریش ومجارستان نیز که مفاد پیمان استفانورا زیادتر از آن‌چیزی میدید که تزار روسیه‌تقبل کرده بود بنفع اتریش‌انجام‌دهد ارتش‌خودرا مجهز نگاهداشته‌وبتحریك انگلستان تشکیل کنفرانسی‌را برای حل قضیه وتصویب تغییراتی که‌درنتیجه جنگ بادولت عثمانی پیدا میشد پیشنهاد نمود .

بموجب پیمان سان‌استفانو قارص وباطوم بروسیه داده میشد-دوبروجابتصرف روسیه درمیآمدتا بتواندآنرا با بسارابی که درتصرف رومانی بود معاوضه کند.دولت وسیع ومستقل بلغارستان تشکیل شده ویك کمیسر روسی با ۵۰۰۰۰ سرباز درآنجا اقامت‌نموده‌ومأمورتشکیلات دولت‌جدیدمیگردید. حمایت تمام‌عیسویان‌ارتودکسی بروسیه واگذار میشد . مونتنگرو وسعت پیدا کرده ودولت معتبری‌را تشکیل‌میداد سربستان کاملا مستقل گشته وبسنی وهرزه گوین استقلال اداری پیدا میکردند .

بطوریکه ملاحظه میشود بموجب پیمان سان‌استفانوروسیه بآرزوهای‌دیرینه خود فوق‌العاده نزدیك شده ونژاد اسلاو اهمیت‌بسزائی‌پیدا نموده دولت‌عثمانی‌تقریباً ازتمام متصرفات اروپائی‌خود محروم میشداما دودولت‌مخالف کامل‌نقشه روسیه‌بودند یکی انگلستان دیگر اتریش‌ومجارستان . درانگلستان بعدازاینکه دیسرائیلی‌ملقب به‌لردبیسکونسفیلد(۱) گردیددرژانویه۱۸۷۸درمجلس انگلستان‌اظهارنمود که‌مسائل سیاسی بالکان را نباید فقط از نظرعیسویان‌آنجا تحت مطالعه قرار داد بلکه مسئله بالکان‌مربوط به‌حیات امپراطوری انگلستان واتریش میشود . در۱۳مارس‌نیزوزارت خارجه انگلستان اعلام کرد درصورتی با تشکیل کنگره موافقت‌خواهد کرد که‌این

(۱) Lord Beaconsfield

هرزه گوین تحت اشغال اتریش در آمده و با توسعه از بقایای فتوحات مونتنگرو از بسنی دور گردید .

سربستان کوچك شده واز الحاق بسنی محروم شد .

بلغارستان به سه قسمت تقسیم شد قسمتی که شامل صوفیه بود به بلغارها داده شد ـ قسمتهای جنوبی بدولت عثمانی واگذار گردید مقدونیه نیز بدولت عثمانی پس داده شد .

دولت اتریش و مجارستان علاوه بر اشغال بسنی و هرزه گوین شاهراهای مقدونیه را تحت نظر خود درآورد و نظارت دریائی مونتنگرو نیز بعهده این دولت واگذار شد .

حمایت ارامنه عثمانی بدولت انگلستان واگذار گردید تا روسیه روسیه دیگر نتواند ازاین بابت در امور عثمانی مداخله کند .

اشغال جزیره قبرس توسط انگلستان تأیید گردید .

دولت رومانی درعوض واگذاری بسارابی بروسیه دوبروجا را متصرف شد .

بتقاضای دولت یونان کسی گوش نداد وجز وعده ووعید نصیبی پیدا نکرد .

آزادی بغازها درزمان صلح وبسته شدن آنها درموقع جنگ دو مرتبه تأیید گردیدوروسیه ازمستحکم نمودن بندر باتوم که بتصرف اودرآمده بود صرفنظر کرد.

دولت عثمانی متعهد گردید اصل مساوات را بین تمام اتباع خود برقرار سازد ودول اروپا متعهد شدند برای حفظ حقوق ارامنه اساس اداری برای آنها بریزند .

آزادی کشتی رانی در روی رود دانوب دومرتبه تأیید و کمسیونی برای اینکار تعیین شد .

پیمان برلن که در نظر داشت تمام دول را راضی نگاه دارد در حقیقت باعث ناراضی نمودن اغلب دول اروپا گردید زیرا هیچکدام از آنها بمقصود خود نرسیده و نیز بازود منتظر فرصت میشدند تابآرزوهای خود رسیده یا انتقام خودرا بازستانند.

انگلستان وروسیه تزاری در گیرد وبا ضعیف‌شدن طرفین دولت آلمان بتواند سیادت خودرا براروپا تحمیل کند .

دولت انگستان با تمام مخالفتی که باپیمان سان‌استفانو داشت منظوربیسمارك را ملتفت‌شد . دولت‌روسیه‌هم که نمی‌توانست یکه وتنها درمقابل انگلستان واتریش پایداری کند ازدر مسالمت درآمد واز دولت‌انگلستان تقاضا نمود تغییراتی که این دولت لازم میداند در پیمان سان استفانو بعمل آید معین کنند . با جدیت کنت‌شووالوف[1] سفیر کبیر روسیه درلندن‌دولت انگلستان‌شرایط‌خودرا مخفیانه باطلاع روسیه‌رسانید. ضمناً در٤ ژوئن ۱۸۷۸ دولت‌انگلستان مخفیانه پیمانی‌بادولت‌عثمانی منعقد نمودکه بابت بهای پشتیبانی ازدولت عثمانی و وعده همراهی باین دولت در کنگره اجازه اشغال جزیره قبرس بدولت انگلستان داده میشد . بدولت اتریش و مجارستان نیز وعده داده شد در کنگره در مورد اشغال بسنی وهرزه گوین توسط ارتش‌اتریش مساعدت شود .

بعداز این‌جریانات درسوم ژوئن ۱۸۷۸ نامه‌های دعوت کنگره برلن‌ازطرف بیسمارك صدر اعظم آلمان برای دول‌ذینفع فرستاده شد . در ۱۳ ژوئن کنگره برلن بریاست پرنس‌دوبیسمارك مرکب ازنمایندگان دول آلمان- انگلستان-روسیه-اتریش ومجارستان-فرانسه- ایتالیا-عثمانی‌افتتاح گردید . بدون اینکه‌واردجریان‌مذاکرات کنگره و مشاجراتی که بین‌نمایندگان انگلستان و روسیه وعثمانی پیش آمد وارد شویم‌نتیجه‌پیمان‌برلن‌را که‌در۱۳ژوئیه۱۸۷۸منتشر گردید بطورخلاصه‌ذکرمیکنیم

بموجب پیمان برلن مونتنگرو ازثلث فتوحات‌خود محروم وممنوع‌ازداشتن سفاین جنگی گردید .

---

(۱) Pierre Andreevitch, Schouvalov (۱۸۸۹-۱۸۲۷) سیاستمدار روسی در۱۸٦٦ رئیس شهربانی شد - در۱۸۷۳ بنمایندگی روسیه بلند فرستاده شد - مذاکرات انگلستان وروسیه را برای تشکیل کنگره برلن تسهیل نمود - یکی‌از نمایندگان روسیه در کنگره برلن :

کرد ودرنتیجه این عمل که برخلاف میل اهالی انجام میگرفت مشکلی برمشکلات سابقش اضافه نموده وعلاوه برآن گرفتار اعتراض مجارها که باتوسعه ملل اسلاودر امپراطوری اتریش مخالف بودند گردید . تبلیغات اتحاد اسلاو روسیه ودشمنی این دولت نیزاساس امپراطوری اتریش ومجارستان راتهدید مینمود .

موافقت ضمنی که کنگره برلن راجع به‌تصرف تونس از طرف فرانسه نمود باعث ایجاد اختلاف بین این دولت ودولت ایتالیا میگردید صرفنظر ازاینکه دولت انگلستان درباره قضایای مصرمیل به‌تقویت فرانسه نداشت .

دولت ایتالیا که از کنگره برلن بهره مستقیمی نبرده بود شروع به‌تبلیغ‌برای بدست‌آوردن تمام نواحی که بنظرایتالیائیها تحت تصرف اتریش بود مینمود وازاین طریق اسباب‌مزاحمت اتریش‌رافراهم میآورد درافریقاهم‌نظرخود رامتوجه‌متصرفات دولت عثمانی مینماید .

دولت آلمان که باسیاست‌بیسمارك تقریباً داور اروپا شده بود وحل‌وعقدتمام امورسیاسی اروپا اززیر نظرآن میگذشت باعث تحریك حس حسادت دول مختلف گشته ودر نتیجه معلوم بود که دیریا زود ائتلافهائی برای ازبین بردن مقام او رخ خواهد داد .

بطوریکه ملاحظه میشود پیمان برلن ۱۸۷۸ برروی هیچ اصلی اتکاءنداشت ودول مختلف جزحفظ منافع خود نظری ابراز نداشتند .

نتایج کنگره برلن

دولت عثمانی این مرد بیمار بیشتر از همه مورد تجزیه واقع شده بود دولت روسیه انگلستان دولت اتریش ومجارستان دول بالکان هر کدام سهمی از این طعمه بدست آوردند ونظر خودرا متوجه قسمتهای دیگر میکردند تنها دولتی که برای خود سهمی قائل نشد دولت آلمان بود که ازاین امر استفاده نموده خود را تنها حامی او قلمداد نمود وباینوسیله سعی میکند دولت عثمانی را تحت نفوذخود درآورد.

ملل بالکان هیچکدام راضی نبودندسر بستان ومونتنگرو ازنتیجه فتوحات خود محروم شده بودند. بلغارستان به ثلث آنچه که پیمان سان استفانو پیش بینی نموده بود تقلیل پیدا کرد. دولت رومانی که متحدروسیه بودمجبور بواگذاری بسارابی گردید اهالی بسنی وهرزه گوین بمقصودخودنرسیدند. یونانیهاجزوعده چیزی دریافت نکردند عیسویانی که در کشورعثمانی باقیمانده بودند بازدچاروعده‌های اصلاح دولت عثمانی شدند وعملا دروضعشان بهبودی حاصل نشد.

دولت روسیه که با مخارج گزافی جنگ باعثمانی را متحمل گردید و بواسطه دخالت دول دیگر اروپا ازثمره فتوحات خود محروم شده بود حس کینه و نفرت او نسبت بانگلیسها تقویت شده ومنتظر تلافی بود نسبت باتریش ومجارستان نیز نظرخوبی نمیتوانست داشته باشد زیرا این دولت را همواره خارراه خود برای نفوذدرملل بالکان میدید بدینجهت تامیتواند برای متلاشی ساختن این امپراطوری تبلیغات اتحاداسلاو را در این کشور توسعه میدهد. نسبت بآلمان هم از رفتار بیسمارك وحق ناشناسی او که درموقع لازم از کمك بروسیه دریغ کرده بود گله پیدا کرد.

دولت انگلستان که بنظر میآمد بدون زحمت موفقیت زیادی کسب کرده است نیز راضی بنظر نمیرسید زیرا نتیجه مداخله انگلستان در تقسیم عثمانی باعث شده بود که اعتبار این دولت در قسطنطنیه و اطمینانی که ترکها بانگلیسها داشتند ازبین رفت. ازطرف دیگر ازعملیات روسیه برای انتقام ازانگلستان وتوسعه اتریش در بالکان نیز درتشویش بود.

دولت اتریش ومجارستان که از اواخر سال ۱۸۷۸ بسنی وهرزه گوین را اشغال

انگلستان بیش ازبیش شدت پیدا کرد . دیسرائیلی که سردسته محافظه کاران بود برخلاف سلف خود گلادستون(۱) که بیشترهم خود را صرف اصلاح امـورد اخلی انگلستان ومسئله ایرلند مینمود متوجه توسعه امپراطوری انگلستان گردید . واز همان وحله اول با توسعه نفوذ روسیه در دولت عثمانی شروع بمخالفت کرد . تنهـا دولتی که مخالف جدی باشرائط پیمان سان استفانو نمود دولت انگلستان بودووقتی دیسرائیلی مشاهده کرد دولت عثمانی رانمیتواند نجات بدهد قبل ازحضوردر کنگره برلن پیمان مخفی بادولت عثمانی منعقد ساخته بااشغال جزیره قبرس مراقبت مصر و آسیای صغیر رابدینوسیله برای انگلستان تأمین کرد درسال ۱۸۷۶ هم باادادن عنوان امپراطوری هندوستان بملکه انگلستان شهرت وعظمت انگلستان رابالا برد .

مسئلهٔ که درنیمه دوم قرن نوزدهم نظر انگلستان رابطرف خود جلب میکرد موضوع مصر بود. حفر ترعه سوئز نیز یکی ازمشکلات سیاسی انگلستان شده بوددرزمان ناپلئون اول انگلستان باتمام قوابرضد استقرارنفوذ فرانسه درمصر اقدام کرد ، بعد از رانده شدن ناپلئون ازمصر گرچه این کشور اسماً تحت تسلط عثمانی قرار داشت ولی عملا مستقل بود. وبواسطه وجود عدهٔ زیادی فرانسوی سازمان اداری آن تحت نظر فرانسویها تشکیل شده ودولت فرانسه نفوذزیادی درمصر پیدا کرد فردیناندولپس (۲)

(۱) William Ewart, Gladstone (۱۸۰۹-۱۸۹۸)سیاستمدارمعروف انگلیسی دربدوامر جزء محافظه کاران بود ولی آنها راترك نموده وارد دستجات آزادی‌طلبان گردید وریاست آنان رادردست گرفت ـ در۱۸۵۲ بوزارت رسید نخست وزیرانگلستان از۱۸۶۵ تا۱۸۷٤ از۱۸۸۰ تا ۱۸۸۵ ـ در۱۸۸٦ از۱۸۹۲ تا ۱۸۹٤ ـ گلادستون یکی ازسیاستمداران مبرزانگلستان وسعی بسیاری برای حل مسئله ایرلاند واصلاحاتی درقوانین انتخاباتی نمود ـ درزمان صدارت او کلیسیا ازدولت جداشد واصلاحات بسیاردیگری نمود مخالف جدی سیاست خارجی دیسرائیلی بود .

(۲) Ferdinand Marie, Vicomte de Lesseps (۱۸۰۵-۱۸۹٤)سیاستمدار فرانسوی ـ بعد از طی خدمات سیاسی در۱۸٤۹ منتظرخدمت شد ـ در۱۸۵٤ امتیازحفر ترعه سوئزرا بـدست آورده ازسال ۱۸۵۵ شروع بکار کرد ـ بعد از رفع مشکـلات گوناگون حفر ترعه راتمام کردودر۱۸٦۹ ترعه سوئزرسماً افتتاح شد ـ در۱۸۸٤ بعضویت فرهنگستان فرانسه انتخاب شد ـ ازسال ۱۸۷۹ سعی بسیاری برای حفرترعه پاناما بکار برد ولی زحماتش دراینقسمت به‌نتیجه نرسید .

فصل یازدهم

مصر و انگلستان

دیسرائیلی - توسعه امپریالیسم انگلستان - مصر و حفره ترعه سوئز خریداری سهام ترعه سوئز - تصفیه قروض مصر - استقرار نفوذ انگلستان - خلع اسماعیل پاشا - کابینه گلادستون - اقدامات ملیون - عربی پاشا - عدم مداخله فرانسه - زیاده روی عربی پاشا - کنفرانس قسطنطنیه - بمباران اسکندریه - اشغال مصر توسط انگلیسها - شورش درویشان درسودان - کنفرانس لندن سقوط خارطوم - کنفرانس پاریس - سقوط کابینه گلادستون - اتفاق انگلستان وعثمانی حمایت انگلستان برمصر - ختم شورش سودان

درماه ژانویه ۱۸۷٤ دیسرائیلی (۱) نخست‌وزیر انگلستان گردید - تغییر کابینه انگلستان درأساس سیاست خارجی انگلستان تأثیرات زیادی داشت و فعالیت امپریالیستی

(۱) Banjamin Disraëli, lord Beaconsfield (۱۸۰٤-۱۸۸۱) سیاستمدار معروف انگلیسی اصلا یهودی ولی بعد دین مسیح را قبول کرد - بزودی وارد روزنامه نویسی شده و چندین زمان نیز منتشر کرد - درسالهای ۱۸۳۲ و ۱۸۳۵ درانتخابات شرکت کرد ولی شکست خورد - در ۱۸۳۸ بنمایندگی مجلس انتخاب شد وجزو دسته محافظه کاران گردید رفته رفته ریاست حزب محافظه کار را در دست گرفت - در ۱۸۵۲ وارد کابینه شد ودر کابینه‌های بعدی هم که از محافظه کاران تشکیل میشد شرکت کرد - در ۱۸۷٤ نخست وزیر انگلستان گردید وقوانینی بنفع کارگران بتصویب رسانید - درسیاست خارجی طرفدار توسعه امپراطوری انگلستان بود - درسال ۱۸۷٦ ازطرف ملکه ویکتوریا لقب لردی دریافت کرد - تالیفات ادبی بسیاری ازخود بیادگار گذاشته است .

زیرا نفوذ انگلستان را درمصرضامن وصول طلب خود میدانستند.

باتکاء ملت انگلستان و بانکداران اروپا دیسرائیلی در اوائل سال ۱۸۷۶ نمایندگانی بمصر فرستاد تافهرستی ازقروض این کشورتهیه شده وباتنظیم بودجه‌مصر نصایحی به‌خدیومصر بدهند. دولت فرانسه نیزازترس مداخله انگلستان‌فوراً نمایندهٔ بمصراعزام نمودتا قروض مصربوسیله کمیسیون بین‌المللی‌تثبیت شده و بدون اینکه مالیه کشورمصر تحت نظارت‌قرار گیرد درپرداخت منافع قروض این دولت مراقبت بعمل آید. درنتیجه خدیومصربا پیشنهاد فرانسه موافقت نمود ودر۱۸ نوامبر۱۸۷۶ پیمانی منعقد گردید که بموجب آن اداره مالی مصربدست دوبازرس یکی فرانسوی ودیگری انگلیسی سپرده‌شد.

اسماعیل پاشا که بافروش سهام‌خود درترعه سوئزو گرفتن قرضه‌های‌دیگری ازانگلستان کاملا تحت نفوذ این دولت درآمده بود بتحریك انگلستان‌سعی میکرد بازرس فرانسوی رابکلی‌از کاربر کنار کند وبدینجهت کمیسرانگلیسی‌بوزارت‌مالیه مصرمنصوب شد. درموقع انعقاد کنگره برلن وادینگتون وزیرخارجه فرانسه که امیدوار بود بدون دخالت دول اروپا بهتر بتواند قضیه مصررا با انگلستان حل کند شرط حضور فرانسه را در کنگره موکول باین امر نمود که مسئله مصر در کنگره برلن مطرح نشود. انگلیسهاهم که این موضوع راموافق بامنافع خود میدیدندفوراً قبول کردند.

اقدامات‌انگلستان‌درمصر کم کم باعث زحمت خدیومصرمیگردید.خدیومصر برای خلاصی از نفوذ انگلستان بیچارگی رعایای خودرا بهانه کرده وسعی نمود از پرداخت قروض مصراستنکاف کند. درنتیجه تحریك احساسات مصریان‌واغتشاشاتی که دراین کشور روی داد اسماعیل پاشا اعلام نمود مجبوراست وزرای خارجی‌را از مصر بیرون نموده واداره مصررا بدست مصریها بسپارد برای بدست آوردن مساعدت فرانسه نیزاعلام داشت درنظردارد دومرتبه اختیارات دوبازرس قدیمی رابرقرارسازد دولت‌فرانسه که مایل نبود دراینموقع اختلافی باانگلستان پیدا کند خدیومصررا از

بابدست آوردن امتیاز حفرترعه سوئزبتوسعه نفوذ فرانسه کمك زیادی کرده بود و چون دولت انگلستان میترسید باافتتاح این ترعه که درسال ۱۸۶۹ صورت گرفت منافع امپراطوری انگلستان بخطر افتد در بدو امر مخالفت بسیاری باآن نمود و کارشکنی‌های زیادی برای ترعه سوئز ایجاد کرد.

بعد ازحفرترعه سوئز دولت انگلستان درصدد میافتد بوسائل ممکنه از نفوذ فرانسه درمصرجلوگیری نموده واین‌شاه راه‌مهم رادراختیارخود درآورد.وضع مالی مصربهترین وسیله‌رادردسترس‌سیاستمداران انگلیسی گذاشت زیرا درزمان‌اسماعیل پاشاخدیومصرقروض‌این کشوربالغ‌برسه‌میلیاردفرانك گردیده ومحلی‌برای پرداخت اصل‌وفرع آنها باقی‌نمانده وتنها سرمایهٔ که دراختیارخدیو مصرباقی ماند ۱۷۷۰۰۰ سهم‌ازسهام‌ترعه‌سوئزبود که‌منافع‌بیست‌وپنج‌سال آنهاهم‌بگرو گذاشته‌شده بود. در ۱۱ ژانویه ۱۸۷٤ دیسرائیلی‌بوسیله بارون دوروچیلد(۱) سعی کرد امتیازترعه سوئز را ازفردینانددولپس‌خریداری کندولی‌فردینانددولپس‌حاضربرای انجام‌معامله‌نگردید درسال ۱۸۷۵ خدیومصربرای بدست آوردن وجه درصدد برآمد سهام‌خودرا درترعه سوئزبفروش‌برساند وچون‌بانکداران فرانسوی‌روی‌خوشی باونشان ندادنددیسرائیلی ازموضوع مطلع گردیده‌ازموقع استفاده نمودوبدون اینکه قضیه را باطلاع وزیران ومجلس انگلستان برساند مبلغی از بارون دوروچیلد قرض و در ۲۵ نوامبر ۱۸۷۵ سهام ترعه سوئزخدیو مصر را برای دولت انگلستان خریداری نمود . بعد ازختم معامله دیسرائیلی قضیه را باطلاع وزیر مالیه انگلستان رسانید . ملت انگلستان از شاهکارنخست وزیرخودغرق شعف‌وشادی گردید درصورتیکه دولت روسیه ودولت فرانسه‌ازتأسف‌خودداری‌نمیتوانستندبکنندوچون‌دستشان‌بجائی‌بندنبودعمل‌انگلستان رانبك آور قلمداد نمودند . بانکداران اروپائی نیز زیاد از این قضیه دلگیر نبودند

---

(۱) Baron de Rotchild خانواده‌روچیلد یهودی بوده واصلااهل فرانکفورت‌در آلمان بودند ازقرن۱۹ باینطرف اعضای این خانواده درپایتخت‌های اروپاازبانکداران مهم وبانفوذ درامورمالی بودند .

قبول کرد تصفیه قروض مصر بیك کمیسون بین‌المللی واگذار شود تامیزان این قروض معلوم گردیده وبرای تمام آنها بهرهٔ ازقرار ٤ درصد درسال تعیین شود .

دولت مصر گرچه بامداخله زیاد اروپائیان درامورمصر مخالفت داشت ازروی ناچاری از تصفیه قروض مصر خوشحال بود ولی دولت انگلستان با وجود آنکه با صدارت گلادستون خود را طرفدار اصل حاکمیت ملل نشان میداد سعی میکرد ببهانه‌های مختلف روز بروز نفوذ انگلستان را در مصر توسعه دهد ژنرال قونسول انگلستان درمصر مالت[1] ازسختگیری‌های حکومت ریاض پاشا درمصر استفاده نموده خودرا حامی فلاحان قلمداد نمود وبه‌رؤسای ملیون تلقین کرد که اروپائیان برای تصفیه قروض مصرمنافع مستخدمین ادارات ومالیات دهندگان مصری رافدای وصول‌طلب خود میکنند . رؤسای ملیون بتحریك‌قونسول انگلستان مالت بایکی از افسران ارتش موسوم به‌عربی پاشا[2] وارد مذاکره شده ودرماه فوریه ۱۸۸۱ از خدیومصرعزل وزیر جنك مصر راکه اقدامات آنها راخنثی مینمود درخواست کردند خدیومصرهم باصرار مالت وزیر جنك راخلع نمود ویکی ازحامیان عربی پاشاوزیر جنك وخود عربی پاشا بریاست کمیسیونی مأمور اصلاحات ارتش گردید درتابستان سال ۱۸۸۱ ملیون مصر بتحریك مانگلستان عزل خود ریاض پاشا رادرخواست کردند اماخدیو مصر حق رابجانب ریاض پاشا داد . ووزیر جنك مصررا معزول نمود ارتش مصربتحریك عربی‌پاشاعزل‌وزیرجنك رابهانه قرارداده شروع بشورش کرد وباتهدید

---

(۱) Sir Edward Brldwin Mølet (۱۸۳۷-۱۹۰۸) سیاستمدار انگلیسی . بعد ازطی‌خدمات‌سیاسی وعهده‌دار بودن نمایندگی سیاسی انگلستان درعثمانی ومصرو بلژیك در ۱۸۸٤ سفیر کبیرانگلستان دربرلن گردید .

(۲) احمد عربی‌الحسینی‌عربی پاشا(۱۸۳۹-۱۹۱۱) سردارمصری - یکی ازسران‌ملیون مصرطرفدار اخراج خارجیان‌ازمصر- در۱۸۸۲ وزیرجنك مصرشد وسعی کرد دیکتاتور خودرا درمصر برقرارسازد- بعد ازشکست ازارتش انگلستان محکوم باعدام شد ولی بوساطت‌انگلستان‌مجازات اوتخفیف یافت‌وبه‌سیلان تبعید گردید - درسال ۱۹۰٤ توانست دومرتبه بمصرمراجعت کند .

اینکارسرزنش کرد بیسمارك نیزاعلام نمود بهیچوجه اجاره نخواهد داد بـه حقوق اتباع آلمان واتریش خللی واردآید .

چون بیسمارك مایل بود موازنه که درنتیجه کنگره برلن در اروپا برقرارشد بود حفظشود بتحریك اودر۲۵ ژوئن ۱۸۷۹ سلطان‌عثمانی بموجب فرمانی اسماعیل پاشا را ازخدیوی مصرخلع‌نموده وطبق تمایل انگلستان پسرش توفیق‌پاشا که‌بیشتر تحت نفوذ انگلستان بود خدیو مصر شد . ولی دولت عثمانی درصدد برآمد ازموقع استفاده نموده واختیارات خود را در مصر توسعه داده این کشور را دومرتبه بصورت ولایتی درآورد .

تهدید مداخله عثمانی درامورمصر درموقعی اتفاق افتاد که سیاست استعماری انگلستان در چندین نقطه دیگر دچار شکست شده بود مثلا درافغانستان که بعد از زحمات بسیار و جنك سختی امیر شیر علی بموجب معاهده گندمك در مه ۱۸۷۹ حمایت انگلستان راقبول کرده بود بمحض ورود نماینده انگلستان بکابل‌قتل عامی ازانگلیسها دراین شهر رخ داد .

درافریقای جنوبی نیزپادشاه زولوها(۱) سه‌ستون ازارتش اعزامی انگلستان‌را بقتل رسانیده‌بود .

عکس‌العمل این‌قضایا درانگلستان باعث سقوط کابینه دیسرائیلی وبرقراری مجدد کابینه گلادستون گردید.اولین‌اقدام کابینه‌جدیدانگلستان‌متوجه‌مصر گردید دولت‌مصر جداً بر مداخله سلطان عثمانی درامور مصر اعتراض نمود وسلطان عثمانی مجبورشدبموجب فرمانی در۷ اوت۱۸۷۹ اختیار خدیو مصررا برسمیت بشناسد فقط خدیو مصر موافقت نمود درآتیه تمام تصمیماتی را که مربوط بواگذاری اراضی یـا اختیاراتی که ازطرف‌سلطان عثمانی باو اعطا شده است‌یامیشودباطلاع سلطان‌برساند وعلاوه برآن مجبور گردید مشاورین انگلیسی وفرانسوی را دومرتبه در حکومت خود برقرارسازد . برطبق پیشنهاد دولت فرانسه نیزدر۱۷ ژوئن ۱۸۸۰ خدیو مصر

---

(۱) zoulous

حفظ صورت ظاهر است اقدامات مالت درنزد خدیو مصر نیز مؤید این قضیه بود در ۲۶ژانویه ۱۸۸۲ کابینه فرانسه سقوط نموده ودولت انگلستان ازمقاومت گامبتا در مورد سیاست اودر مصر آزاد گردید . درهمانروز درنتیجه اقدامات عربی پاشا که از ٤ژانویه ۱۸۸۲ معاون وزارت جنگ گردیده بود ارتش مصرخود را دراختیار ملیون گذاشته‌و کابینه‌مصر مجبور باستعفا گردید. قانون‌اساسی نیزدر۷فوریه‌تصویب گردید که مجلس ملی مرکب از ۱۵۰نفربرای اداره امور کشور تعیین مینمود وزیران‌مصر نیزدرمقابل‌مجلس مسئول‌شناخته شده ودرنتیجه نظارت فرانسه‌وانگلیس درامورمصر ازبین میرفت .

بااین ترتیب دولت انگلستان درنظرداشت ازطاعت عربی پاشا که وزیر جنگ شده بود وانگلیسها درنظرداشتند اورا دیکتاتور مصربنمایند استفاده کرده وایـن کشوررا کاملاتحت نفوذخودقراردهند . وزیرخارجه جدید فرانسه فریسینه[1] نیز در مقابل اقدامات انگلستان اعتراض ننمود مأمورین فرانسوی هـم درمصر بدستور دولت فرانسه سکوت اختیار کردند وحتی دولت فرانسه حاضرشد قانون اساسی‌مصر توسط دول اروپا ضمانت شود تاراه مداخله دولت عثمانی درمصرمسدود گردد .

عربی پاشا که‌دراینموقع سرمست ارتقاءخود شده بود بدون‌جلب‌نظرانگلستان سعی نمود دیکتاتور خودرا برمصرتحمیل کند دردهم آوریل ببهانه اینکه سوءقصد هائی برعلیه او شده است خدیو مصر را مجبور به تشکیل یك دادگاه نظامی نمود . این دادگاه نیزبدستور عربی پاشا بیش از ٤۰ حکم محکومیت مخالفین عربی‌پاشارا صادرنموده . مالت که دراینموقع وزیر مختار انگلستان درمصر شده بود چون عربی پاشارا کاملامطیع‌خودنمیدیدخدیومصرراتشویق بمقاومت‌درمقابل عملیات عربی‌پاشا

---

(۱) Charles-Louis de Saules de Freycinet (۱۹۲۳ - ۱۸۲۸) مهندس وسیاستمدارفرانسوی - از۱۸۷۰تا۱۹۲۰ بسمت سناتورانتخاب شد - چندین مرتبه‌وزیر وزارت خانه های مختلف وزیر خارجه و نخست وزیر فرانسه شد - در ۱۸۹۰ بعضویت فرهنگستان فرانسه انتخاب شد-تألیفات علمی وادبی بسیاری‌ازخودبیادگارگذاشته‌است

خدیومصرعزل ریاض پاشاوتأسیس مجلس ملی برای تصویب لوایح مالی والغای اختیارات مفتشین مالی را که بیشترمورد نظرانگلستان بود تقاضا نمودند . خدیومصرهم مجبور گردید درسپتامبر ۱۸۸۱ ریاض پاشا را ازوزارت معزول نموده ومجلس ملی برای مصر دعوت کند،

دولت انگلستان برای ممانعت ازمخالفت فرانسه درفرانسه اقداماتی نمود تا قونسول این دولت درمصر که موافق با اقدامات مالت نبود عوض شود وچون کابینه فرانسه دراینموقع قصد داشت درتونس مشغول اقداماتی شودمخالفت باانگلستان را جایز ندانسته ودرنتیجه درمصرحکومت ظاهراً ملی که کاملا تحت نفوذانگلستان بود برقرارشد . بیسمارك که کاملا مراقب قضایای مصربود درنزد دولت عثمانی اقداماتی بعمل آوردتاسلطان عثمانی برای حفظ حقوق خودبه کابینه مصراعتراض کنداما دولت فرانسه که بانقشه انگلستان موافقت ضمنی کرده بود مخالفت خود را بااقدام سلطان عثمانی صریحاً ابراز نمود .

دولت انگلستان نیزبرای جلوگیری از اقدامات احتمالی عثمانی دو ناوشکن به بندراسکندریه فرستاد وباین ترتیب دولت انگلستان توانست بوسیله اتفاق بافرانسه ازمداخله عثمانی وبوسیله ملیون مصرازمداخله فرانسه درامور مصرجلوگیری کند .

در۱٤ نوامبر۱۸۸۱ گامبتاوزیرخارجه فرانسه گردید . کابینه جدید فرانسه که مایل نبود دست انگلستان را کاملا درمصر باز گذارد در۲۵ دسامبر۱۸۸۱ بدولت انگلستان پیشنهاد نمود وسائل تقویت خدیو مصررا فراهم کرده واین کشوررازهرج ومرج خلاصی بخشد وزیر خارجه جدید انگلستان لرد گرانویل(۱) که نمیتوانست علناً پیشنهادفرانسه رارد کند باارسال یادداشتی در۷ ژانویه۱۸۸۲ برروی این اصول ناچارموافقت نموداما معلوم بود که موافقت انگلستان باپیشنهاد فرانسه فقط برای

(۱) Georges Loveson-Gower lord-Granville (۱۸۱۵-۱۸۹۱)سیاستمدار انگلیسی در۱۸۳۷ بنمایندگی مجلس انتخاب شد - جزء احزاب آزادی خواه بود-چندین مرتبه وزیر ووزیرخارجه انگلستان شد .

دولت انگلستان نیز تقبل نمودجز درموقع بروزقوه مجریه جداگانه درمصر اقدامی بعمل نیاورد. اما دولت انگلستان باین بهانه که تقویت دفاع ساحلی مصر که بدستور عربی پاشا انجام میگرفت قوه جبریه است به ناوگان خود امر داد تجهیزات دفاعی اسکندریه رابمباران کنند ودر ۱۱ ژویه درمقابل بمباران اسکندریه مصریها هم‌محله اروپائیان را دراین شهرمورد غارت وچپاول قراردادند .

در ۱۵ ژویه ۱۸۸۲ ببهانه حفظ ترعه سوئزومتوقف‌نمودن‌قتل‌وغارت‌اروپائیان ارتش انگلستان در مصر پیاده شد دولت انگلستان برای حفظ ظاهر ازدولت فرانسه ودولت ایتالیا نیزدعوت نمود در این عمل شرکت کنند دولت فرانسه که از اقدامات آلمان هراسان بود انتظارداشت قبل ازاقدام عمل مداخله درمصر بتصویب دول‌اروپا برسد ووقتی‌هم که مصمم به مداخله‌درامورمصر گردید بواسطه سقوط کابینه‌فرانسه در۲۹ ژویه ازارسال نفرات بمصرخودداری نمود .

اقدامات انگلستان درمصرچون بیشترجنبه اداره مالیه وحفظ‌حقوق‌طلبکاران مصررا بخود گرفته بود درهمه جامورد قبول عامه واقع گردید مخصوصاًمحافل‌مالی وبانکی که دخالت انگلستان را درمصربهترین وثیقه برای بدست آوردن طلب خود میدانستندبعد ازشکست مصریهاانگلستان حمایت کامل خودرا برمصر تحمیل وتمام ادارات وارتش مصربدست انگلیسها سپرده شدولی برای‌رفع اعتراضات فرانسه کابینه انگلستان که‌درظاهر خودراحامی ملل‌قلمداد مینمود بوسیله‌لرد گرانویل‌در۳ژانویه ۱۸۸۳اعلام نمود که‌روزی که مصرعناصرلازم رابرای‌استقرار امنیت وترقی‌پیدا کنند دولت‌انگلستان مصر راتخلیه خواهدنمرد ولی‌شورش سودان بهانه‌های جدیدی‌بدست انگلستان برای رعایت ننمودن قول خود داد .

ازسال ۱۸۱۹ محمدعلی پاشا وبعد ازاو اسماعیل پاشا حدود مصرراتوسعه‌داده وحکومت‌سودان‌راضمیمه‌این کشورنموده تادریای قرمزپیش رفتند . بعدازبرقراری

نمود و در نتیجه در ۱۰مه۱۸۸۲ خدیو مصر حکم دادگاه را باطل کرد. دریازدهم مه‌وزرای مصر به عمل خدیو اعتراض کرده وازاو جداً درخواست کردند درمقابل پارلمان مصر حاضر شده و توضیح دهد تاباوارد کردن ایراداتی براو دیکتاتور عربی پاشا رامسجل سازند.

دولت فرانسه برای حل قضیه پیشنهاد کرد سلطان عثمانی خدیو مصر راخلع نموده وپسرش حلیم پاشا رابجای‌اومعین کند دولت انگلستان که‌توفیق پاشارا‌موافق منافع خود میدیدباپیشنهاد فرانسه موافقت ننمود وبااتفاق‌دولت فرانسه‌تصمیم گرفته شد دوازده کشتی جنگی فرانسه برای تهدید عربی پاشا به‌آبهای مصر فرستاده شود چون شرط اعزام این کشتیها این بود که سربازان بخاك مصر پیاده نشوند این‌تهدید در عربی پاشا تأثیری ننمود و در مقابل تقاضای استعفای کابینه از طرف خدیو مصر عربی‌پاشا اتمام‌حجتی بعنوان‌مصر خدیو‌مصر صادر کرده وازمجلس ملی‌مصر خلع‌خدیو راتقاضا کرد. رئیس‌مجلس مصر بتحریك انگلستان‌خواست بین‌خدیو‌مصر‌وعربی‌پاشا میانجیگری نمایداما عربی‌پاشا شرط سازش خودرا تسلیم خدیوبه پیشنهادهای‌خود قرارداد. در نتیجه دولت انگلستان علناً مخالفت خود را باعربی پاشا اعلام و بدولت فرانسه اطلاع داد که آزادی عمل خودرا محفوظ میدارد.

برای حل‌قضیه در۷ ژوئن دولت‌عثمانی مأموری بمصر فرستاد تابین‌خدیو‌مصر وعربی پاشا داوری‌نماید. عربی پاشا برای اینکه قضیه رازودتر بنفع خود تمام کند شورشی در اسکندریه برضد اروپائیان برپا نمود و دول اروپا مجبور گردیدند اعلام کنند اگر سلطان عثمانی غائله مصررا رفع نکند متوسل باقدامات جدی خواهند گردید.دولت‌فرانسه‌برای جلوگیری‌ازاقدام‌دولت عثمانی پیشنهادتشکیل کنفرانسی را درقسطنطنیه نمود. دولت عثمانی که مایل بمداخله درامورمصر بود ازحضور در کنفرانس تعلل کردتااینکه در۲۳ ژوئن بدون حضورنماینده دولت‌عثمانی کنفرانس در قسطنطنیه تشکیل گردید. در کنفرانس اصولا موافقت شد سلطان عثمانی فقط برای‌سه‌ماه جهت استقرارنظم درامور مصرمداخله کند.

تصفیه قروض مصر نمودند تابلکه بتوانند قرض دهندگان جدیدی برای دولت مصر پیدا کنند دولت فرانسه موقع را غنیمت شمرده وحضورخودرا در کنفرانس مشروط براین نمود که دولت انگلستان قبلا تاریخ تخلیه مصر را اعلام نماید . لرد گرانویل در ۱۷ ژوئن ۱۸۸٤ رسماً اعلام نمود که ارتش انگلیس دراوائل سال ۱۸۸۸ مصر راتخلیه خواهد کرد درخود کنفرانس هم که در ۲۸ ژوئن ۱۸۸٤ درلندن تشکیل شد دولت آلمان که درباره قضایای مستعمراتی باانگلستان تماس پیدا کرده بودبافرانسه موافقت کرد وبطرز حمایت انگلستان ایراد گرفته وباصرفنظر کردن از قسمتی از منافع قروض دولت مصر که برای بدست آوردن قرضه جدید لازم بودمخالفت کردند دولت انگلستان که ازتشکیل کنفرانس نتیجه نگرفت بکنفرانس خاتمه داد و سعی نمود بلکه بتواند بوسیله کابینه مصر بمقصود خود برسد .

درخلال این احوال ژنرال گوردون که در ۱۸ فوریه ۱۸۸٤ به خارطوم رسیده بود درمقابل مشکلات تخلیه این شهر تقاضای کمك نمود . دربدوامر دولت انگلستان خواست اززیر بار مسئولیت شانه خالی کند ولی بالاخره درماه اوت مجبور بتقاضای اعتباری برای کمك به گوردون گردیدضمناً برای اینکه ازمخارج زیاددرسودان پرهیز کند سعی نمود قضیه قروض مصر را جنبه بین المللی بدهد ودرنتیجه مذاکراتی که از ۲ تا ۲۳ ژانویه ۱۸۸۵ بین فرانسه وانگلستان درجریان بود پیشنهاد دولت فرانسه مبنی برنظارت شش دولت اروپا در تصفیه قروض مصر در ۲۵ ژانویه مورد قبول انگلستان واقع شد .

در ۲٦ ژانویه ژنرال گوردون درخارطوم بقتل رسید وچون دیگر تأخیرجایز نبود براساس پیشنهاد فرانسه پیمان لندن در ۱۸ مارس ۱۸۸۵ برای تصفیه قروض مصر بامضاء رسید این پیمان مانند قرارتصفیه قروض مصر درسال ۱۸۸۰ نظارت دول اروپا رابرتصفیه قروض مصر بر قرار میساخت دولت انگلستان نیزمقام اولویت خود را در مصر حفظ نموده وهیچگونه تعهدی هم برای تخلیه مصر نمیکرد فقط دولت انگلستان

ژنرال گوردون(۱) بحکومت این ناحیه هارار(۲) ودارفور(۳) نیز ضمیمه سودان گردید وبرضد تجار برده فروش مشغول اقدامات شدند - درسال ۱۸۷۹ ژنرال گوردون حکومت سودان راترك کرد وحکومت این ناحیه بدست عمال ترکی ومصری افتاد ظلم وجور این حکام سبب گردید که اهالی سودان درماه مه ۱۸۸۱ تحت لوای درویشی موسوم بمحمد احمد که خودرامهدی می نامید شورش کنند وتا آخرسال ۱۸۸۲ دامنه این شورش بقدری وسعت پیدا کرد که قسمت اعظم سودان بدست آنها افتاد کوششهای انگلستان درسال ۱۸۸۳ برای ازبین بردن شورش مهدی بجائی نرسید وارتش مصری که بسر کردگی افسران انگلیسی برای سر کوبی شورشیان فرستاده شده بودند معدوم گردیدند در زمستان سال ۱۸۸٤ یك ارتش دیگری که انگلیسها بسودان فرستاده بودند نیزدچارسرنوشت اولی گردید وشهر خارطوم پایتخت سودان مورد تهدید قرار گرفت .

دربهارسال ۱۸۸٤ انگلستان درنظر گرفت ازسودان صرفنظر کرده و تمام هم خود را صرف حفظ مواضع کنار دریای قرمز کند ولی چون درخارطوم عده زیادی مسیحی واروپائی وجود داشتند از اطراف فشارزیادی برای کمك بآنها وارد آمد . چون انگلیسها راضی بدینباری خرج درسودان نبودند مالیه مصر نیز دیگر توانائی تحمل مخارج لشکر کشی رانداشت لذا انگلیسها ژنرال گوردون رامأمور تخلیه خارطوم نموده ودر ۱۹ آوریل ۱۸۸٤ دول اروپا رادعوت بتشکیل کنفرانسی برای

---

(۱) Charles_Georges Gordon Pacha (۱۸۳۳–۱۸۸۵) سردارانگلیسی_در جنگهای کریمه وچین شرکت کرد_بعداز ۱۸۶۰ بخدمت دولت چین واردشد-فرماندهی ارتشی که شورش تائی پینك را خوابانید بعهده گرفت - در ۱۸۷۳ بخدمت مصر وارد ودر ۱۸۷٤ حاکم سودان گردید - در ۱۸۷۹ ازحکومت سودان استعفاداد-بعد ازچند مسافرت درسال ۱۸۸٤ مأمور برقراری امنیت درسودان شد - درژانویه ۱۸۸۵ درخارطوم محصورو بعد ازتسلیم شهر بشورشیان مقتول گردید .

(۲) Harrar

(۳) Darfour

بدولت‌عثمانی نزدیك‌شده وسیردروموندولف[۱] رابسمت‌سفیر کبیر بااختیارات‌مطلق روانه قسطنطنیه نمود در۲٤ اکتبر۱۸۸۵ درنتیجه مذاکرات سیردروموندولف بین دولت انگلستان وعثمانی پیمانی منعقد گردید که بموجب آن درژانویه ۱۸۸٦ دو- نماینده یکی انگلیسی که خود سفیر کبیر انگلستان بود و دیگری ترك مأموریت یافتند برای بررسی اوضاع اداری مصر وتجهیز ارتشی ازمصریها وترکها بمصر رفته واقداماتی برای خوابانیدن شورش سودان بنمایند. با کمك دولت آلمان نیز دولت انگلستان توانست در اروپا قرضه دیگری برای مصر تهیه نموده و اوضاع این کشور رامرتب کند.

گرچه درموقع‌انتخابات گلادستون توانست دومرتبه اکثریت‌مجلس‌رابدست بیاورد ولی وزیرخارجه اوهمان سیاست سالیسبوری راتعقیب نمود وهنوزشش‌ماه از تاریخ‌انتخابات نگذشته بود که سالیسبوری دومرتبه روی کارآمدو درنوامبر ۱۸۸٦ انگلستان‌قول‌خودرا درباره تخلیه مصرپس گرفت. سیردروموندولف نیزسعی‌مینمود ارتش مصری وترکی که درشرف تشکیل بود دارای افسران انگلیسی باشند. درماه مارس۱۸۸۷ درنتیجه فشار سلطان عثمانی دولت انگلستان مجبور شد دومرتبه وعده دهد که درظرف سه سال مصر را تخلیه بنماید ولی دولت انگلستان در عین حال در صورت اقتضای موقعیت حق اشغال مجدد مصررا برای خود محفوظ میداشت.

درنتیجه مساعدت بیسمارك و نفوذ اودر دربارعثمانی بالاخره در۲۲ مه ۱۸۷۷ درقسطنطنیه پیمانی بسته شد که بموجب آن حفظ بیطرفی ترعه سوئز تا آنجائیکه منافاتی بااشغال مصرتوسط انگلیسها نداشته باشد به‌خدیومصروسلطان‌عثمانی محول گردید و باین ترتیب درتحت نام سلطان عثمانی دولت انگلستان مصر وترعه سوئز را در تحت نظارت وحمایت خود در آورد. برای دفع شورش سودان نیز دولت

---

(۱) Henry Drummond-Wolf (۱۸۲۰-۱۹۰۹)سیاستمدارانگلیسی-در۱۸٤٦ واردخدمت سیاسی شد وزیرمختار انگلستان درقسطنطنیه - تهران - بخارست-مادرید

مجبورشد در۱۷ مارس رسماً اعلام کند که آزادی ترعه سوئز راهمواره رعایت خواهد کرد برای تعیین رژیم ترعه سوئز ۳۰ مارس کنفرانسی درپاریس منعقد شد دولت انگلستان در این کنفرانس پیشنهاد نمود برقراری نظم ترعه سوئز باختیار دولت مصر گذاشته شود بشرط آنکه بنادر ورودی آن دردست دولت انگلستان باقی بماند درمقابل این پیشنهاد که کاملا بنفع انگلستان بود دولت فرانسه بمعیت دول اتریش و آلمان وروسیه پیشنهاد کرد مانند رود دانوب کمیسیون بین المللی عهده دار اداره ترعه‌سوئز گردد ولی انگلستان ببهانه اینکه برقراری کمیسیون بین المللی به اختیارات خدیو مصر لطمه وارد میآورد بااین پیشنهاد مخالفت کرد بیسمارک که دراین موقع بی میل نبود ازاختلاف انداختن بین فرانسه وانگلستان استفاده کند دولت فرانسه را در مقابل انگلستان تشویق بپایداری نمود وچون دولت فرانسه ازصداقت بیسمارک مشکوک بود درمقابل انگلستان زیاد پافشاری نکرد ودر نتیجه خدیو مصر مسئول نگاهداری وحفظ بیطرفی ترعه سوئز شناخته وقرار شد نمایندگانی مأمور کانال سوئز شوند تااگر اقدامی برخلاف آزادی ترعه سوئز مشاهده کنند مراتب رابدول متبوع خود اطلاع دهند. کنفرانس هم در۱۳ ژوئن متفرق گردیده وانگلستان ازترس نظارت بین المللی درترعه سوئز خلاصی یافت.

دراثر لطماتی که ازهرطرف بسیاست انگلستان واردمیآمد زیرادرسودان ارتش انگلیسی و مصری درمقابل فشار درویشان مجبوربه تخلیه خارطوم وسواکیم[۱] در کناردریای قرمز شده ودراقیانوس کبیر نیزانگلستان مجبورشده بود شرایط آلمان راقبول کنددرماه ژوئن ۱۸۸۵ گلادستون مجبورباستعفا گردیده و کابینه سالیسبوری جانشین آن گردید سالیسبوری که سردسته حزب محافظه کار و از پیروان سیاست دیسرائیلی بود کنار آمدن بابیسمارک رااساس وپایه سیاست خود قرارداد وسعی نمود اختلافات بین انگلستان وروسیه رانیزازبین ببرد سالیسبوری برای خوش آمدبیسمارك

---

(۱) Suakim

فصل دوازدهم

اتحاد مثلث

بیسمارک داور اروپا ـ اتحاد آلمان و اتریش ـ جلب نظر دولت عثمانی ـ مناطق نفوذ اتریش وروسیه در بالکان ـ الحاق رومل ببلغارستان ـ جنگ سرب و بلغار ـ استعفای الکساندرد و باتنبرک ـ اتحاد آلمان و اتریش و ایتالیا (اتحاد مثلث) تشویق توسعه مستعمراتی فرانسه ـ شروع رویه تهدیدآمیز نسبت بفرانسه تبلیغات ژنرال بولانژه ـ قضیه شنوبله ـ ملاقات سکرینویس ـ تهدید بانگلستان پیمان انگلستان و روسیه ـ اتفاق نظر آلمان و انگلستان ـ تجدید اتحاد مثلث نگاهداری وضع فعلی در بالکان ـ تجدید اختلاف راجع به بلغارستان ـ سیاست بیسمارک و روسیه ـ نزدیکی فرانسه وروسیه ـ فوت ویلهلم اول

در کنگره برلن بیسمارک اظهار میداشت دولت آلمان تنها دولتی است که تقاضائی نداشته و منظوری جز برقراری صلح وامنیت ندارد بعد از کنگره برلن دراثر سیاست مدبرانه بیسمارک وقوه وقدرت نظامی ارتش آلمان صدراعظم این کشور داور اروپا گشت وقطع وفصل روابط سیاسی اروپا اغلب بااطلاع اوصورت میگرفت . درداخله کشور نیز صدراعظم آلمان کمک های مهمی بتوسط اقتصاد وتجارت نمود . باایجاد صنایع جدید مردم را واداربکار کرده ودر نتیجه هرروز شهرهای صنعتی جدیدی احداث وبرثروت کشور افزوده میشد . پشتیبانی کامل ملت آلمان ازبیسمارک وترس ازقدرت نظامی آلمان نیز دول اروپاراخواه وناخواه مجبور بقبول میانجیگری بیسمارک درامور اروپا مینمود ،

انگلستان لرد کیچنر[1] رامأمـورقلع وقمع درویشان نمـود وبعد ازده سال جنگ بالاخره تمام دره نیل تحت نفوذ انگلستان قرار گرفت .

(۱) Lord Horatio-Herbert, Kitchener (۱۹۱۶-۱۸۵۰) سردارانگلیسی در ۱۸۸۱ واردارتش مصرشده وسعی دراصلاح آن نمود - در ۱۸۹۱ شورش درویشان را خاموش کرد-در ۱۸۹۹ رئیس ستاد ارتش اعزامی برای سر کوبی بوئرهاشد - در ۱۹۰۰ فرمانده این ارتش شد-در ۱۹۰۲ فرمانده ارتش هندوستان گردید . نماینده مقیم انگلستان درمصر دد ۱۹۰۵- درشروع جنگ بین الملل اول وزیرجنگ انگلستان-در ۱۹۱۶ درموقع عزیمت بروسیه کشتی او به مین اصابت نموده وغرق شد .

نگاه خواهد داشت مگر آنکه دولت روسیه نیز وارد در جنگ شود که دراینصورت مفادماده اول‌بمورد اجرا گذاشته خواهدشد بطوریکه‌ملاحظه میشوداساس این‌پیمان برضدروسیه وبرای متوجه کردن اتریش‌بطرف بالکان‌تنظیم شده‌است تادولت‌اتریش دیگرنسبت بآلمان اقدامی بعمل نیاورد وفعالیت دولت روسیه نیز صرف جلوگیری ازاقدامات اتریش دربالکان شده ومجال برای کمك بفرانسه بدست اونیفتد .

درکنگره برلن سیاست بیسمارك باعث شده‌بود که دولت عثمانی دولت آلمان راتنها حامی خود بداند . ودرمقابل چشم طمعی که دول‌مختلف بمتصرفات اودوخته بودندبطرف آلمان متوجه‌شودبیسمارك ازاین‌سابقه استفاده کامل نموده‌درسال۱۸۸۲ افسران آلمانی برای اصلاح ارتش عثمانی استخدام گردیدنـد سفیر کبیر آلمان در قسطنطنیه کنت دوهاتزفلد[۱] بمعیت ون درگولتز[۲] که مشاور و مجری اوامـر دو مولتکه بود تشکیلات دولت وارتش عثمانی از روی سازمان دولت پروس شروع کردند . دولت عثمانی درسال۱۸۸۱ تأسیس خط آهنی را ازقسطنطنیه به بغداد نیز پیشنهاد کرد وسفرای فرانسه وانگلیسی بدولت‌های متبوع خود گزارش‌دادندممکن است بزودی اتحاد بین آلمان و عثمانی بوجود آیـد ولی بیسمارك که میل نداشت خصومت روسیه رانسبت بآلمان تحریك کند بیشترمایل بود دولت عثمانی‌مشتری‌او باشد نه‌متحد که تکالیفی بردوش آلمان گذاشته شود .

دولت رومانی که مطمح نظردونژاد روس وژرمن بود گرچه درظاهرامرسعی میکرد بیطرفی خودرا حفظ کند چون خطرروسیه را بیشتر احساس میکردوپادشاه آن نیزاز فامیل هوهنزولرن بود طبعاً نفوذ ژرمن هادراین کشور برتری پیدانمودو

---

(۱) Comte de Hatzfeld

(۲) Colmar, baron von der goltz (۱۸۴۳-۱۹۱٦)-سردار آلمانی-درجنگهای ۱۸٦٦ و ۱۸۷۰ شرکت کرد - در۱۸۸۳ مأمور اصلاح سازمان ارتش عثمانی گردید-در جنك ۱۸-۱۹۱۴ فرماندهی دوسپاه‌عثمانی رابرعهده داشت-چندین تألیفات نظامی منتشر کرده است.

اتحاد آلمان واتریش

بیسمارك نگاهداری صلح عمومی رابعد از جنك بافرانسه برای عملی کردن نقشه خودلازم میشمرد و تاپایان صدارت بیسمارك براساس این سیاست دولت آلمان تقریباً هیچگونه ادعائی رامطرح نکرددرصورتیکه دراین‌مدت دولت انگلستان‌مصر و افغانستان و زنگبار وبیرمانی راتحت حمایت خود درآورد. دولت فرانسه تونس قسمتی از کنگو - تونکن - آنام و سودان رااشغال نمود. دولت ایتالیا خود رابرای تصرف حبشه‌مجهزمیکرد. دولت روسیه‌ترکستان‌را برمتصرفات خود افزود. بلغارها روملی - یونانیها اپیروتسالی دولت اتریش بوسنی هرزه گوین راتحت تسلط خود درآوردند.

بیسمارك‌بامتوجه کردن‌اتریش‌بطرف‌بالکان‌نظراین‌دولت‌رااز آلمان‌دورمینمود وباتشویق عملیات مستعمراتی فرانسه امید داشت افکار فرانسویهارا ازبدست‌آوردن مجدد آلزاس ولورن منحرف کند. روسها را نیز کاملا متوجه آسیا نماید.

صدراعظم آلمان‌بعد ازفراهم آوردن‌نزدیکی بین امپراطور آلمان واتریش‌از سال ۱۸۷۳ تمام مساعی خودرا صرف تقویت دوستی این دودولت میکند تااینکه‌در ۱۷ اکتبر ۱۸۷۹ پیمان‌اتحادی که بعدهااساس اتحادمثلث میشود بین‌اتریش و آلمان بامضامیرسد. چون‌مفاداین پیمان برضددولت روسیه‌تنظیم شده‌بود وبیسمارك‌دوستی روسیه را برای آلمان لازم میدانست در موقع عقدپیمان مفاد آن منتشرنگردیده و مخفی ماند ولی همین‌پیمان باعث شد که ائتلاف محکمی بین دوامپراطوری‌برقرار شده‌وبرای‌مدت‌قریب چهل‌سال سیاست اتریش تابع سیاست آلمان گردد فقط درسال ۱۸۸۸ برای کاستن سوءظن تزارروسیه بیسمارك قسمتی ازاین پیمان رامنتشرساخت وبقیه مفاد پیمان تاسال ۱۹۲۰ تقریباً مخفی نگاهداشته شد.

بموجب ماده اول‌پیمان دولتین تعهدمیکردند درصورتیکه یکی از آنهامورد حمله روسیه واقع شود دولت‌دیگرباتمام قوای نظامی خود باو کمك نموده وحاضر بعقد صلح‌جداگانه نخواهد گردید. ماده دوم‌پیش‌بینی‌مینمود که اگراتریش‌یاآلمان هر کدام مورد حمله ایتالیا یافرانسه قرار گیرند دولت دیگربیطرفی خودرا محفوظ

بارسنگینی میدانستند متمایل‌شد . در ۱۸۸۳ پادشاه بلغارستان قانون اساسی را در کشور خود برقرار و مستخدمین روسی را از کار بر کنار کرد . الکساندرسوم تزار روسیه که هیچوقت‌نسبت‌به‌باتنبرك محبتی‌نداشت کینه سختی‌ازاودردل گرفت.پادشاه بلغارستان نیز که ازاینموقع انضمام روملی رابه بلغارستان تهیه میدید نقشه خودرا ازتزار روسیه مکتوم داشت . درماه سپتامبر۱۸۸۵ کودتائی در روملی صورت گرفت وحاکم ترك‌رااز آنجا بیرون کرده‌الحاق روملی راببلغارستان‌اعلام کردند؛ الکساندر دوباتنبرك نیزدر۲۱ سپتامبر وارد روملی شده خودرا امیر روملی نامید .

تزار روسیه که درزمان کنگره برلن حامی بلغارستان بزرك بود ودر مقابل اقدامات باتنبرك رسماًاعتراض نمود دولت عثمانی‌راهم واداربا‌عتراض به نقض پیمان برلن کرد ودر اثر اقدامات روسیه برای حل قضیه قرارشد کنفرانسی در قسطنطنیه تشکیل شود ولی غفلةً بتحریك اتریش دولت سربستان ازدوری باتنبرك ازبلغارستان واشتغال اودر روملی استفاده کرد به بلغارستان اعلان جنك‌داد ودر۱۳ نوامبر ارتش سربستان وارد بلغارستان شده بفتوحات درخشانی نائل شد . بلغارها که در بدوامر غافل‌گیرشده‌بودند فوراًقوای‌خودرابرای مقابله‌جمع‌نموده ودرنتیجه شکست فاحشی بسربها واردآورده آنهارا از بلغارستان بیرون‌راندند اما دولت اتریش که محرك تمام این‌اقدامات بود مانع گردید که بلغارستان ازفتوحات خود نتیجه قطعی بدست‌آورد دولت‌عثمانی هم که ازمداخله روسها بیم‌داشت و به تنهائی خودرا قادر بجنك با بلغارستان‌نمیدید راضی‌بشناختن‌باتنبرك بعنوان امیرروملی گردید . دراین‌بین‌دولت یونان که‌در کنگره برلن وعده‌های‌زیادی دریافت کرده بود خواست ازموقع‌استفاده کرده وقسمتی از آرزوهای خود را تأمین کند ولی دول اروپا مجال این امررا باو نداده وبامحاصره سواحل یونان این دولت رامجبور بانصراف ازتصمیم خود نمودند.

دولت روسیه که‌ازاقدامات پادشاه‌بلغارستان‌راضی‌نبود تحریکاتی‌دراین کشور بعمل آورد . ودر ۲۱ اوت۱۸۸۶ در نتیجه یك شورش نظامی آلکساندر دوباتنبرك مجبور باستعفا گردید ولی ملیون بلغارستان در مقابل تصمیمات روسیه تسلیم نشده

در ۳۰ اکتبر و ۱۹ نوامبر ۱۸۸۳ بوسیله‌پیمانهای مخفی بادول آلمان واتریش کاملا متحد گردید.

دولت اتریش برای استقرار کامل نفوذ خود درسربستان وسائل عیش‌وعشرت میلان پادشاه این کشور راکاملافراهم ساخت وباین ترتیب‌اوامرخود رادرسربستان بوسیله او اجرا میکرد تا اینکه در ۲٤ اکتبر ۱۸۸۱ دولت سربستان برای مدت ده سال پیمانی بااتریش‌منعقد ساخت که کاملا تحت نفوذاتریش درآمده وتعهد میکرد باهیچ دولت دیگری پیمانی نه‌بندد.

تنها دولتی که درشبه جزیره بالکان تحت نفوذ کامل روسها قرارداشت دولت بلغارستان بود که بکمك‌روسها باستقلال خود رسیده بود ووفاداری نسبت بروسیه‌را بانگاهداشتن کمیسر ومشاورین روسی حفظ میکرد باوجود آنکه پادشاه‌بلغارستان آلکساندر دوبا تنبرك(۱) اصلا پروسی بودجرئت آنرا نداشت که خودرا ازقیدروسها آزاد سازد. بیسمارك‌هم‌ازاو چنین توقعی نداشت‌بدینجهت بمحض اینکه‌آلکساندر سوم تزار روسیه در۱۸۸۱ بعد از رسیدن بسلطنت پیشنهاد اتفاقی راجع به‌این کشور به‌بیسمارك نمود صدراعظم آلمان فوراً تقاضای روسیه را پذیرفت و دولتین روسیه و اتریش که ازمداخلات گلادستون بنفع ملل بالکان ترس داشتند منطقه نفوذخودرا دربالکان معین‌نموده دولت روسیه‌به‌الحاق‌بسنی هرزه گوین به‌واتریش‌و دولت‌اتریش بحمایت روسیه در بلغارستان وروملی رضایت دادند.

درنتیجه دخالت مأمورین روسی درامور بلغارستان ودراثر احتیاج‌مالی‌زیادی که پادشاه بلغارستان‌بپول‌داشت وتحریکاتی که دولت‌انگلستان ودولت اتریش‌بعمل میآوردندآلکساندردوباتنبرك بطرف ملیون بلغارستان که حمایت‌روسها رابرای‌خود

(۱) Alexandre,prince de Battenberg (۱۸۹۳-۱۸۵۷) اولین پادشاه بلغارستان ـ اصلاآلمانی ونوه آلکساندر دوم تزار روسیه ـ طفولیت خودرا در روسیه گذرانده در۱۸۷۹ بامارت بلغارستان انتخاب شد ـ سیاستش کم کم ازروسیه دورشد ـ در ۱۸۸٦ مجبور باستعفا گردیده وارد خدمت درارتش اتریش شد.

وارد درجنك شود . دولت اتریش نیز درمقابل ازتوسعه خود بطرف دریای آدریاتیك صرفنظر کرده وتصرف شهررم‌برای ایتالیائیها ضمانت گردید .

بیسمارك باایجاد اتحاد مثلث دیگردرباره فضایای اروپا تشویشی نداشت زیرا اقدامات دول اروپا درمقابل سه‌دولت آلمان واتریش وایتالیا محکوم به‌شکست‌میشد و دول دیگراروپا مجبور به تبعیت ازنظر بیسمارك که بانی ورئیس این اتحادیه بود میگردیدند. با وجود این صدراعظم آلمان برای اینکه فـرانسویها را در خارج از اروپا مشغول داشته ونظر آنها را ازآلزاس ولورن منحرف سازد ازتشویق این دولت بفعالیت‌های مستعمراتی فروگذار نمیکرد صرفنظرازاینکه توسعه‌مستعمراتی‌فرانسه باعث اصطکاك منافع‌بادولت انگلستان شده وبه‌تنها ماندن فرانسه کمك میکردمثلا در ٦ ژوئن ١٨٨٠ بیسمارك بسفیر فرانسه در برلن خاطر نشان کرده بود که دولت آلمان حاضراست توسعه مستعمراتی‌فرانسه راتقویت کند بشرط آنکه دولت فرانسه ازنواحی از دست رفته چشم بپوشد ودر عین حال درآلزاس ولـورن هم خوشرفتاری مینمود تانظراهالی آنجا راکاملا بطرف آلمان جلب کند .

دولت فـرانسه از تشویقهای‌بیسمارك استفاده نمود ودر ماه مه١٨٨١ تونس را اشغال کرد . گرچه صدراعظم‌آلمان در نزد دولت عثمانی اقداماتی بعمل آورد تااین دولت ارتشی بتونس اعزام ندارد وازدول انگلستان وایتالیا نیزدعوت کرد ازعملیات فرانسه جلوگیری نکنند ولی همین امرباعث شد که بیسمارك دولت ایتالیا رابرضد فرانسه تحریك نموده ودرتحت نفوذ خـود درآورد . ملت فرانسه هم باوجود اظهار تشکر نخست وزیر آن‌ازآلزاس ولورن چشم پوشی‌ننموده‌اهالی این دوناحیه‌نیزدست ازمقاومت خود برنداشتند .

ازسال ١٨٨٤ دراثر ترقی صنعت وتوسعه تجارت آلمان بیسمارك کم کم‌متوجه مستعمرات میگردد قضایای کنگو و تقاضا های انگلستان باعث میشد که بیسمارك متمایل به بدست آوردن مستعمراتی درخارج از اروپا شده و پیشنهاد اتفاقی را بـه نماینده فرانسه برضد ادعاهای انگلستان بنماید دولت فرانسه که دراینموقع درهند

ودرنتیجه حکومت موقتی تشکیل گردید و در صدد برآمدند پادشاه جدیدی برای بلغارستان پیدا کنند.

باین ترتیب بدون آنکه رسماً دولت پروس دخالتی درامور بالکان کند نفوذ روسیه دراین قسمت روزبروز کمتر میشد تنها ترس بیسمارك ازتقاضاهای ایتالیا نسبت باتریش بود که برای بدست آوردن سواحل آدریاتیك وتریست اتریش را راحت نمیگذارد کریسپی[1] رئیس مجلس ایتالیا هم درسپتامبر ۱۸۷۷ ببهانه تنظیم حقوق بین المللی مدنی ببرلن مسافرتی نموده وتقاضاهای خودرا بسمع بیسمارك رسانیده بود صدراعظم آلمان ازاختلافاتی که راجع بتصرف تونس بین فرانسه وایتالیا پیدا شده بود استفاده کرده وبا دادن وعده هائی به همبرت اول[2] که درسال ۱۸۷۸ جانشین ویکتور امانوئل شده بود وسائل مذاکرات دوستانه رابین اتریش وایتالیا فراهم کرد درهمین وقت هم بیسمارك که مبارزه خود را برعلیه کاتولیکها تخفیف داده ونسبت به جانشین پی نهم لئون سیزدهم اظهار خصوصیت میکرد تصرف رم را توسط ایتالیائیها بطور غیر-مستقیم مورد تهدید قرارمیداد. در نتیجه اقدامات بیسمارك در ۲۰ مه ۱۸۸۲ پیمانی بین اتریش و آلمان وایتالیا بسته شد که بموجب آن دولت ایتالیا ازتقاضاهای خود نسبت باتریش صرفنظر نموده ودرصورت بروزجنك بافرانسه وعده مساعدت بآلمان واتریش میداد. چنانچه آلمان واتریش ازطرف مشرق هم مورد حمله قرارمیگرفتند ودولت فرانسه نیزبرضدآنها مبادرت بجنك میکرددولت ایتالیا تعهد مینمود برعلیه فرانسه

---

(۱) Eracisco، Crispi (۱۸۱۹-۱۹۰۱) سیاستمدارایتالیائی - گرچه مخالف رژیم پادشاهی درایتالیا بود بعدازانجام وحدت ایتالیا طرفدارایتالیای جدید ونماینده مجلس شدرئیس مجلس ایتالیادر ۱۸۷۶ - وزیرداخله در ۱۸۷۷ - ازسال ۱۸۷۷ تا ۱۸۹۱ وازسال ۱۸۹۳ تا ۱۸۹۶ نخست وزیر ووزیرخارجه ایتالیا - طرفداراتحاد مثلث وتوسعه مستعمراتی ایتالیا.

(۲) Humbert I (۱۸٤٤-۱۹۰۰) پادشاه ایتالیا - پسرارشد ویکتورامانوئل سوم درسال ۱۸۷۸ جانشین پدرش شد - پادشاه آزادیخواهی بود وسلطنت مشروطه را کاملا رعایت میکرد بطریقیکه نخست وزیران اومخصوصاً کریسپی تقریباً اقتدار دیکتاتور را پیدا کرده بودند - در ۲۳ ژویه ۱۹۰۰ بدست یك آنارشیت کشته شد.

تبلیغات ژنرال بولانژه - قضیه شنوبله

بعدازسقوطژول‌فری بیسمارك ازتبلیغات‌طرفداران‌ژنرال‌بولانژه[1] در فرانسه استفاده نموده اقدامات فرانسویان رامخل صلح و آسایش عمومی معرفی وبا تحریك احساسات آلمانها قانون‌اختیارات هفت‌ساله رابرای ارتش که درژانویه ۱۸۸۷ خاتمه میپذیرفت برای هفت سال‌دیگرتجدید کرد ونفرات ارتش آلمان رابه ۵۰۰۰۰۰نفر رسانید . اقدامات‌بولانژه درفرانسه نیزباعث تیرگی‌روابط بین‌آلمان‌وفرانسه گردید بطوریکه در۲۰ آوریل ۱۸۸۷ کمیسرپلیس فرانسه درپانیی سورموزل[2] موسوم‌به شنوبله[3] ازطرف کمیسرپلیس آلمان گوچ[4] برای‌مذاکره درباره قضایای مرزی دعوت گردیده‌وباتهام‌جاسوسی‌توقیف شددرفرانسه‌ژنرال‌بولانژه برای‌استفاده‌تبلیغاتی هیاهوی راه‌انداخت ولی وزیرخارجه فـرانسه بکمك رئیس جمهور فرانسه ترجیح داد قضیه را ازطریق دیپلوماسی ومسالمت‌حل کند ودر نتیجه اقدامات آنها وارائـه دادن‌دعوتنامه کمیسر آلمانی‌شنوبله‌آزاد گردیدوبعدازآنکه‌بوسیله‌تحقیقات‌دیگری معلوم شد که‌شنوبله بنفع‌ژنرال بولانژه جاسوسی میکند عده‌ای از کارمندان اداری فرانسه از کاربر کنارشده ودر۱۷ مه دراثرسقوط کابینه گوبله[5] ژنرال بولانژه نیز ازوزارت جنك دور گردید . باین ترتیب‌حزم واحتیاط رئیس جمهور ووزیرخارجه فرانسه‌ازتشدیداختلافات‌بین آلمان وفرانسه جلوگیری کرد اما بیسمارك که مشاهده مینمودتعارفات دوستانه‌وخوشرفتاری‌های‌او نسبت‌بفرانسویان به‌نتیجه نمیرسد گمان

---

(۱) George-Ernest، Boulanger (۱۸۳۷-۱۸۹۱)سردارفرانسوی-درجنگهای مستعمراتی‌خدمت کرد - در۱۸۷۰ مجروح‌شد - وزیرجنك فرانسه ازژانویه ۱۸۸۶ تامه ۱۷۸۷-در۱۸۸٦ طرف‌توجه‌افرادی واقع‌شد که خیال انتقام ازآلمان‌راداشتند-درنتیجه تحریکاتش حکومت‌فرانسه دراول‌آوریل۱۸۸۹ قرارتوقیف اورا صادرنمود-ببروکسل فرار ودر۳۰سپتامبر۱۸۹۱ درروی قبرمعشوقه‌اش انتحار کرد :

(۲) Pagny-sur-Moselle

(۳) Schnoblé

(٤) Gautch

(٥) René, goblet (۱۸۲۸-۱۹۰۵) سیاستمدار فرانسوی ووکیل دادگستری - در ۱۸۷۱ بنمایندگی مجلس انتخاب شد - در۱۸۸۲ وزیرگردید - نخست وزیرفرانسه در ۱۸۸٦-از۱۸۹۱ بنمایندگی مجلس سنا انتخاب شد .

وچین وجزیره ماداگاسکار ونواحی علیای رودنیل مشغول اقداماتی بود ونخست وزیر آن ژول فری[1] برای توسعه مستعمراتی فرانسه مساعی زیادی بکار میبرد به پیشنهاد بیسمارك روی موافقتی نشان داد ولی چون دولت فرانسه هنوز خاطرات شکست را فراموش ننموده واز آلزاس ولورن نمیتوانست صرفنظر کند مساعی بیسمارك بنتیجه مثبت نرسید . واتحادی بین فرانسه وآلمان بسته نشد فقط در مدت هفت ماه دولت آلمان از تقاضاهای فرانسه نسبت بمصر و ترعه سوئز پشتیبانی کرد ودر عوض دولت فرانسه سیاست بیسمارك رابرای برقراری آزادی تجارت در کنگو وشرایط استعمار اروپائیان دراین ناحیه تقویت نمود .

در ۳۱ مارس ۱۸۸۵ کابینه ژول فری در فرانسه که طرفداراقدامات جدی در مستعمرات بود سقوط کرد . بیسمارك که ناظر جریانات سیاسی فرانسه بود مشاهده کرد که اقدامات اوبهیچوجه جلب نظرفرانسویان را ننموده واز رویه خصمانه آنها نسبت بآلمان نمیکاهد . اهالی آلزاس ولورن هم باوجود خوشرفتاری های بیسمارك دست ازمقاومت خود برنمیداشتند باینجهت بعد ازفوت مانتوفل[2] صدراعظم آلمان بحاکم جدیدآلزاس ولورن پرنس دوهوهنلو[3] امردادازسختگیری وخشونت نسبت باهالی آلزاس ولورن فرو گذار نکنند .

---

(۱) Jules-François-Camille, Ferry (۱۸۳۲-۱۸۹۳) سیاستمدارفرانسوی در ۱۸۶۹ نماینده مجلس شد-مخالف امپراطوری-عضوحکومت موقتی فرانسه در ۱۸۷۰ نخست وزیردر ۱۸۸۰ و۱۸۸۳-طرفدار توسعه مستعمراتی فرانسه :

(۲) Edwin-Hans-Karl' baron de Manteuffel (۱۸۸۵ - ۱۸۰۹) فلدمارشال آلمان-درجنگهای ۱۸۶٤و۱۸۹٦ و ۱۸۷۰ شرکت کرد-فرمانده ارتش اشغالی آلمان درفرانسه از ۱۸۷۱ تا ۱۸۷۳ حکمران آلزاس ولورن در ۱۸۸۰ .

(۳) Clovis, Charles, Victor, prince de Hohenlohe Schillingsfurt سیاستمدارآلمانی- یکی ازطرفداران آلمان جدید-نماینده مجلس رایشتاك-سفیرآلمان درفرانسه از ۱۸۷٤ تا ۱۸۸۵ - حکمران آلزاس ولورن از ۱۸۸۵ تا ۱۸۹٤ - صدراعظم آلمان از ۱۸۹٤ تا ۱۹۰۰ :

که مایل بادامهاین روش نبود بکمك ولیعهد آلمان که‌همسرش دختر ملکه‌ویکتوریا بود و بوسیله پادشاه دانمارك مذاکراتی با دولت روسیه بعمل آورده و در سپتامبر ۱۸۸۵ پیمانی بین انگلستان و روسیه راجع بسرحدات افغانستان بسته شد. در باره قضایای مصر نیز بکابینه فرانسه رسماًاعلام داشت که در سال ۱۸۸۸ ارتش انگلستان مصررا تخلیه خواهد کرد ودرباب‌تشکیلات ترعه سوئز نیز وارد مذاکره گردید.

در کابینه‌سوم گلادستون (ازفوریه۱۸۸۶) وزیر خارجه جدید انگلستان رد لردروزبری[۱] که ازآزادیخواهان وطرفدارتعقیب سیاست دیسرائیلی بود مسافرتی ببرلن‌نمود تاشالوده موافقتی رابرای‌توسعه امپراطوری‌بریتانیابین انگلستان‌وآلمان بریزد. درنتیجه این‌ملاقات قرارشد دولت انگلستان درمصراقدامات خود را بمعیت دولت عثمانی‌تعقیب کند تاهم تسخیرمصر بوسیله انگلستان در پس پرده بماند وهم قدرت دولت عثمانی‌مسجل شودتاملل‌بالکان‌نتوانند مبادرت باقداماتی‌برعلیه‌اونمایند وباینطریق دولت انگلستان نیزبا سیاست بیسمارك در بالکان موافقت خود را ابراز میداشت با وجود مخالفت فرانسه وروسیه و تشجیع سلطان عثمانی از طرف این دو دولت دراثر این اقدامات انگلستان بیش از پیش درمصر مستقر گردید و سعی نمود درقضایای بالکان‌نیز مداخله‌نکند.حتی درموقعیکه بعدازجنك سربستان‌بابلغارستان یونانیها خواستند بر علیه دولت عثمانی به کشور خود توسعه دهند انگلستان برای جلوگیری از اقدامات یونانیان از۸ ژوئن ۱۸۸۶ جهازات خود را به سواحل یونان فرستاد وحامی صلح دربالکان قلمداد گردید.

اختلافات مستعمراتی انگلستان وآلمان نیز درسال ۱۸۸۶ مرتفع گردید.در سال ۱۸۸۵ گینه جدید بطریق دو ستانه بین انگلستان و آلمان تقسیم شد: در اول آوریل۱۸۸٦مناطق نفوذهر کدام‌ازاین‌دودولت‌دراقیانوس‌ساکن‌تعیین گردیدبموجب

---

(۱) Archibald-Philip - Primrose, ocmte do Rosebery (۱۹۲۹- ۱۸۴۷) سیاستمدار انگلیسی-در۱۸۶۸ بنمایندگی‌مجلس انگلستان‌انتخاب گردید-معاون وزارت داخله از۱۸۸۱ تا ۱۸۸۳- وزیرخارجه در کابینه گلادستون در۱۸۸۶ودر۱۸۹۲ نخست وزیرانگلستان از۱۸۹۴ تا ۱۸۹۵ :

نمود برای رسیدن بمقصود خود باید رویه تهدید آمیزی اختیار نماید مخصوصاً که در این موقع نقشه‌های او درباره مناسبات باانگلستان دراثر تغییرات کابینه های انگلستان نیز به نتیجه نرسیده بود .

بعد از کنگره برلن بین بیسمارك و لرد بیکونسفیلد (دیسرائیلی) خط مشی سیاسی معینی تعقیب میشد گلادستون که در سپتامبر ۱۸۸۰ جانشین دیسرائیلی گردید نقشه‌های نخست وزیر سابق انگلستان را کنار گذاشته و بر خلاف سیاست بیسمارك که تقویت نفوذ اتریش در بالکان بود اقداماتی رابنفع ملل بالکان شروع کرد بیسمارك برای عقیم گذاردن نقشه‌های انگلستان از شورش عربی پاشا درمصر خواست استفاده نموده ونظر این دولت رامتوجه مصر کند وبشرط اینکه دولت انگلستان در قضایای بالکان مداخله ننماید پیشنهاد کمك برای رفع غائله مصر بانگلستان نمود . درمقابل عدم قبول این پیشنهاد ازطرف انگلستان بیسمارك متوسل به تهدید گردید . درسال ۱۸۸٤ ازفرانسو یهادعوت نمود که باادعاهای انگلستان درینجریه و کنگو مخالفت کنند وبا مذاکراتی که بوسیله سفیر روسیه در برلن بعمل آورد طرح موافقتی را بین سه دولت آلمان واتریش و روسیه تهیه نمود در ملاقاتی که در ١٤ سپتامبر ۱۸۸٤ در سکرینویس(۱) واقع در لهستان بین سه امپراطور دول نامبرده بعمل آمد این سه دولت وعده میدادند در صورت حمله بیکی از آنها دول دیگر بیطرفی مساعد خود راحفظ نموده وسیاست خودرا همواره بر روی اساس سلطنت تعقیب نمایند بیسمارك ضمناً تزار روسیه را تشویق بمتوجه کردن ارتش خود بطرف افغانستان مینمود تا مشکلات تازه برای انگلستان فراهم کند .

دولت انگلستان برای ازبین بردن تهدید روسها بافغانستان در صدد بر آمد جهازات جنگی خودرا بدریای سیاه اعزام دارد بیسمارك هم برای جلو گیری ازاقدامات انگلستان توسط ون در گولتز شروع بساختن استحکامات دردادانل نموده ودرپاریس و وین تحریکاتی بعمل آورد تادول اروپا برضد انگلستان عملیاتی بنمایند . گلادستون

(۱) Skerniewice

نگاهداری وضع فعلی را در مدیترانه قبول کرده وتقبل نمودند برضد هر دولتی که باعث اختلال در این دریا شود اقدامات لازمه رابعمل آورند . دولت اتریش نیزچند روزبعد بوسیله نامه این تصمیم راقبول کرد ایــن تصمیم مورد قبولدولت اسپانیا نیز قرار گرفت ودر ٤ مه ۱۸۷۷دولتاسپانیابوسیله نامه محرمانه‌به‌پادشاه‌ایتالیاتعهدنمود روابط خودرا باایتالیا محفوظ داشته وهیچگونه پیمانی برضد ایتالیا بادولت فرانسه منعقد نسازد .

در۱٤اوت ۱۸۸۷ شاهزاده فردیناند دوکوبورك[۱] با تشویق محرمانه آلمان واتریش سلطنت بلغاوستان راقبول نمود .

تزار روسیه که مداخله در بلغارستان رامنحصر بخود میدانست بااین انتخاب مخالفت جدی کرد . در همین اوان کریسپی که نخست وزیرایتالیا شده بود در نظر داشت اقدامات جدی بعمل آورد و اهمیتی کسب کند لذا درماه اوت ۱۸۸۷ بدولت انگلستان پیشنهاد انعقاد یك پیمان‌نظامی نمود . گرچه سالیسبوری‌پیشنهاد ایتالیارا رد کرد ولی هرقدر تزارروسیه برای عزل فردینانددو کوبورك بیشترپافشاری‌میکرد دولت ایتالیا نیزدر اصرار برای‌قبول پیشنهاد خود میافزود . پسربیسمارك‌هربرت[۲] نیزاز سیاست ایتالیا در لندن تقویت میکرد . در ۲۲ نوامبر ۱۸۸۷ بیسمارك شخصاً نامه بلرد سالیسبوری نوشت ودر نتیجه آن در ۱۲ دسامبر ۱۸۸۷ قرار مخفی بین

(۱) Maximilin-Charles-Lèpold-Marie de saxe-Cobourg, Ferdinad (-۱۸۶۱) در۱۸۸۷ بکمك اتریش‌وانگلستان بپادشاهی بلغارستان‌انتخاب‌شد-دولت‌روسیه موافق باسیاست او نبود-در۱۸۹۶ازطرف‌روسیه برسمیت‌شناخته‌شد-در۱۹۰۸خود راتزار بلغارستان‌نامیده وروابط‌تبعیت بلغارستان رانسبت بعثمانی قطع کرد-خیال‌ایجاد اتحادیه بالکان رابرپاست خود درسرداشت وباینجهت جنگهای بالکان رابرپا کرد - در جنك ۱۸-۱۹۱٤ سیاست‌شخصی‌او بلغارستان رابطرف آلمان کشانید- در۱۹۱۸ بنفع پسرش بوریس Boris ازسلطنت کناره گیری کرد .

(۲) Henri-Ferdinand - Herbert, prince de Bismarck (۱۰۹٤ - ۱۸٤۹) پسر بیسمارك صدراعظم بزرك‌آلمان-بعدازجنك ۱۸۷۰ واردخدمت سیاسی‌شد- در۱۸۸۷ بمقام وزارت رسید - بیسمارك درنظر داشت اورا جانشین خود نماید ولی بسا عزل اوپسرش نیزازسیاست دورشد .

پیمانهای اول نوامبر ۱۸۸٦ و ۲ ژوئیه ۱۸۸۷ استقرار سلطان زنگبار درافریقا ازطرف بیسمارك تأیید و اراضی بین دریاچه نیاسا(۱) و یکتوریا(۲) و تانگانیکا(۳) متصرفات آلمان شناخته شد .

باین ترتیب در اثر سیاست پیچ در پیچ بیسمارك حلقه اتحادی برعلیه فرانسه درتمام اروپا تحت نظر بیسمارك تشکیل گردید فقط دولت ایتالیا ازاتحاد خودبادول آلمان و اتریش راضی بنظر نمیرسید زیرا دولت ایتالیا از طرفی مجبور شده بود از ادعاهای خودبراتریش صرف نظر کند وازطرف دیگر تشویق های بیسمارك ازفرانسه باعث تسلط فرانسویها برتونس شده واز این اتحاد ایتالیائیها نفعی نبرده بودند باین جهت افکار عمومی موافقت باتجدید اتحاد مثلث نداشت بیسمارك که اساس سیاست خودرا براتحاد مثلث قرارداده بود بافشاری که بدربارهای اتریش وایتالیا وارد آورد بازموفق بتجدید اتحاد سه گانه گردیدولی چون اتریشیها وایتالیائیها بایکدیگر موافقت کامل نداشتند در ۲۰ فوریه ۱۸۸۷ دوپیمان یکی بین ایتالیا و آلمان ودیگری بین ایتالیا واتریش بسته شد بموجب پیمان اول بیسمارك کمك آلمان رابایتالیادرصورت بروز جنك برضد فرانسه وعده میداد مخصوصاً اگرفرانسه بخواهد بمتصرفات خود درشمال افریقا توسعه دهد باین پیمان درسال ۱۸۸۷ یك پیمان نظامی نیزضمیمه شد بموجب معاهده دوم دولت ایتالیادربالکان تعهد مینمود وضع فعلی(٤) رارعایت کند ودرصورتیکه اتریش ازطرف دولت ثالثی مورد حمله واقع میشد دولت ایتالیادرمقابل بدست آوردن منافع ارضی کمك خودرا به اتریش وعده میداد .

برای تقویت سیاست ایتالیا درمدیترانه بیسمارك شروع باقداماتی بمنظور جلب نظر انگلستان بایتالیا نمود در ۱۲ نوامبر ۱۸۸۷ درنتیجه یادداشتهای محرمانه که بین سفیر ایتالیا درلندن و کابینه انگلستان رد وبدل گردید دو دولت انگلستان و ایتالیا

Nyassa(۱)
Victoria (۲)
Tanganika (۳)
Statuquo (٤)

شاهزاده ویلهلم نوه امپراطور آلمان به مانورهای روسیه سعی نمود ظاهر را حفظ کند و به تزار روسیه وعده داد درصورتیکه دولت روسیه مجبور باقداماتی در بالکان بشود دولت آلمان بیطرفی خود راحفظ خواهد کرد صدراعظم آلمان بااین وعده توقع داشت که درصورت بروز اختلاف بین آلمان وفرانسه دولت روسیه نیز بیطرف بماند گرچه وعده بیسمارك بدولت روسیه کاملا مخالف تعهدات او نسبت باتریش وایتالیا و انگلستان مبنی بررعایت وضع فعلی در بالکان بود ولی صدر اعظم آلمان امید داشت بامخفی نگاهداشتن مذاکرات هرچه ممکن است همراهان بیشتری پیدا کند تزارروسیه که منظور بیسمارك رااز این وعده‌ها دریافته بود فریب اظهارات بیسمارك رانخورد ودربهار سال ۱۸۸۷ اعلام نمود که اجازه نخواهد داد بیسمارك اوو پارامنقلب نموده ودول دیگر را دائماًدرترس ووحشت نگاه‌دارد وحتی گوشزدنموددرصورت بروزجنك بین فرانسه و آلمان اگر ضعف فرانسه مسلم شود از کمك بفرانسه دریغ نخواهد کرد بیسمارك برای رام نمودن تزار روسیه متوسل بفشارمالی گردید وسهام قرضه روسیه در آلمان بدون مشتری ماندولی فرانسویها ازموقع استفاده کرده فوراً حاضر برای قرض دادن بروسیه گشتند وهمین امرسبب نزدیکی بین محافل فرانسوی وروسی گشت.

در ۹ مارس ۱۸۸۸ ویلهلم اول امپراطور آلمان دارفانی را وداع گفت و بـا درگذشتن امپراطورپیر آلمان که کاملامطیع نظریات سیاسی بیسمارك بودستاره اقبال بیسمارك که باوج ترقی رسیده بود شروع بافول نمود.

انگلستان وایتالیا بسته شد که بموجب آن طرفین تعهد میکردند باهر نوع تجاوزی درشرق مخالفت نمایند وحتی اگر دولت‌عثمانی دخالت روسها رادربلغارستان‌تسهیل نماید کشورعثمانی را نیز اشغال کنند درمقابل این وضع در ۱۸ دسامبر ۱۸۸۷ تزار روسیه ناچار اعلام نمود که راضی نیست برای مسئله بلغارستان یك قطره خون ریخته شود .

درسال ۱۸۸۸ بنظرمیآمد که‌بیسمارك سعی دارد جنك برضد فرانسه‌راتسریع کند . در۲۸ ژانویه و۸ آوریل این سال ستاد های ارتش آلمان و ایتالیا مخفیانه نقشه‌هائی برای حمله بفرانسه طرح نمودند . دولت اتریش هم گرچه دراتخاذ تصمیم مردد بود مقدماتی رابرای حمله بروسها تهیه میدید ولی‌صبروحوصله وصلح‌خواهی تزار روسیه وفوت ویلهلم اول امپراطور آلمان دربهارسال ۱۸۸۸ مجالی برای تعقیب این نقشه‌ها باقی نگذارد .

تزار روسیه باانعقاد پیمانی در۱۸۷۹ بدول آلمان واتریش نزدیك شده‌بوددر سال ۱۸۸۱ الکساندر سوم که جانشین الکساندر دوم گردید پیمان اتفاق سه‌امپراطور راتجدید کرد ولی مذاکرات دول آلمان و اتریش سربستان و رومانی وایتالیا اسباب تشویش‌اورا فراهم کرد واقدامات هربرت دوبیسمارك وژیر (۱) وزیر خارجه روسیه قدری ازوحشت تزار روسیه کاست و چون الکساندر سوم ازرژیم جمهوری متنفر و این طرز حکومت راسبب هرج و مرج میدانست باظهارات وزیر خارجه خود مبنی براینکه اقدامات بیسمارك بمنظورضعیف کردن وتنها نگاه داشتن فرانسه است‌وقعی نگذارد در۲۳ مارس ۱۸۸٤ نیزوزیر خارجه خودرا عوض کرده وپیمان۱۸۸۱ راکه برای مدت یکسال بسته شده بود باآلمان تجدید کرد .

درسپتامبر۱۸۸۷ قضایای بلغارستان باعث اختلاف بین روسیه واتریش گردید وروابط روسیه وآلمان نیز صمیمیت سابق را از دست داد بیسمارك بوسیله فرستادن

(۱) Nicolas Karlovitch de Giers (۱۸۹۵-۱۸۲۰) سیاستمدار روسی ساصلا سوئدی بود ـ از۱۸۳۸ وارد سیاست وچندین‌مرتبه‌سفیرشد ـ معاون وزارت خارجه‌روسیه در۱۸۷۵ وزیرخارجه روسیه از۱۸۸۲ .

هوهنزولرن که ضمناً قرابت خانوادگی نیز با او داشتند در تحکیم روابط دوستانه بین آلمان وروسیه کوشش کند. اقدامات دولت آلمان وبست وبندهای سیاسی بیسمارك تزارروسیه را کم کم از حسن نیت آلمان مأیوس کرد و تزار روسیه که طبعاً از رژیم جمهوری متنفر واین طرزحکومت را باعث هرج ومرج میدانست مجبورشد برای نگاهداری موازنه صلح اروپا رفته رفته بطرف فرانسه متمایل گردد .

قضایای بلغارستان وتعیین جانشین آلکساندر دوباتنبرگ سوء ظن تزارروسیه رانسبت بدولت آلمان زیاد تر کرد .

چون دراین موقع وزیر خارجه فرانسه بنمایندگان بلغارستان پیشنهادنمودبرای تعیین پادشاه بلغارستان با دولت روسیه کنار بیایند روابط بین فرانسه وروسیه تسهیل گردید وباوجود اینکه این دو دولت اعلام کردند منظوری جز نگاهداری صلح در بالکان ندارند واتحادی بین آنها برقرارنشده است نزدیکی روابط فرانسه وروسیه ازنظر تیزبین بیسمارك دورنماند . صدراعظم آلمان برای ازبین بردن نطفه این اتحاددرسال ۱۸۸۷ شروع بتهدیداتی برعلیه فرانسه نمود ازقبیل حمله روزنامه‌ها بسیاست فرانسه قضیه شنوبله ـ گذراندن قوانین نظامی تا این دولت ازترس تهدید آلمان اقدامات سیاسی خودرا متوقف سازد . ضمناً برای اینکه دولت روسیه را نیز رام کند باتجدید اتحاد مثلث وهمکاری باانگلستان وجلوگیری ازتحصیل قرضه برای روسیه درآلمان سعی نمود اسباب تشویش این دولت رافراهم سازد .

تحریکات بیسمارك بیشترباعث نزدیکی روابط بین فرانسه وروسیه گردیدزیرا بطوریکه در فصل پیش شرح داده شد بانکداران فرانسوی فوراً وسیله فروش سهام قرضه روسیه رافراهم ساخته وبامیانجیگری که دولت فرانسه برای اصلاح روابط بین تزارروسیه وپاپ لئون سیزدهم بعمل آورد قدم دیگری بسوی اتحاد فرانسه وروسیه برداشته شده باوجودتمام این احوال چون تزار روسیه تمایل بیشتری به رژیم های سلطنتی داشت وازحکومتهای جمهوری گریزان بوددرضمن مسافرتی که درسال ۱۸۸۷ به کپنهاك

فصل سیزدهم

اتحاد فرانسه وروسیه درپایان قرن نوزدهم

شروع سلطنت آلکساندرسوم ـ تمایل روسیه بفرانسه ـ تهدیدات بیسمارك نزدیکی فرانسه وروسیه ـ تظاهرات کرونستاد ـ تنظیم نامه‌های اتحاد ـ تعهدات نامها ـ طرح پیمان نظامی روسیه وفرانسه ـ اشکال تأییدآن ازطرف دولت فرانسه ـ تأخیر درامضای پیمان ـ امضای پیمان ـ سلطنت نیکلای دوم ـ کنفرانس لاهه .

آلکساندر سوم تزار روسیه درسال ۱۸۸۱ بعد ازقتل پدرش فرمانروای روسیه گردید . در مقابل اقدامات شورشیان که باعث قتل الکساندر دوم شده بودند . تزار جدید روسیه اختیارات خودرا فقط ازجانب خداوند دانسته و کاملامخالف تقاضاهای آزادیخواهان بود الکساندر سوم درعین حال که اقتدار تزار را برای نجات روسیه از واجبات میشمرداین قدرت راوظیفه نیزبرای خود میدانست وسعی میکرد ملت خود را ازصلح وصفابرخوردار نماید . پیمانهائیکه دولت روسیه درسالهای ۱۸۸۱و۱۸۸٤ و۱۸۸۷ بادولت آلمان امضا کرد بیشتربرای حفظ و نگاهداری صلح دربالکان بود باینجهت اشخاصی را که مانند ایگناتیف طرفدارجدی اتحاد اسلاوهابودنداز حکومت دور نموده وبا برقراری بارون دوژیر که طرفدار صلح بود امید داشت خانواده

بااتحادمثلث مکشوف نشده بود ولی‌علائم و قرائن معلوم میشد که دولت انگلستان متمایل‌به‌آن است‌سالیسبوری هم درنطقی که درنوامبر۱۸۸۹ایراد نمود صراحتاًاین قضیه راتکذیب نکرد. ازماه نوامبر۱۸۹۰ تاماه مه۱۸۹۱ نیزدراثر اقدامات کریسپی اتحاد مثلث تجدید وپروتوکولی راجع به‌موافقت انگلستان در باره قضایای شرق و شمال افریقا بآن ضمیمه شد.

باوجود ملاقاتهای دوستانهٔ که درماههای اوت و سپتامبر۱۸۸۹ وبعداً در سال های ۱۸۹۰ و۱۸۹۲ بین تزار روسیه و امپراطور جدید آلمان صورت گرفت روابط فرانسه وروسیه هرروز مستحکم ترمیشد. درماه ژانویه۱۸۹۱ نیروی دریائی‌فرانسه به‌بندر کرنستاد دعوت ودر ۲۵ مارس نشان صلیب سنت آندره ازطرف تزار روسیه برای رئیس جمهور فرانسه ارسال شد. در ۲۲ ژویه ۱۸۹۱ نیروی دریائی فرانسه وارد کرنستاد گردیده وپذیرائی شایانی ازآنها بعمل آمد و باین ترتیب قبل از بر قراری اتحاد رسمی بین دولتین روسیه و فرانسه بین این دو ملت اساس دوستی محکمی بوجود آمد.

از۱۸ ژویه‌طرح موافقتی بین فرانسه وروسیه برای‌نگاهداری‌صلح‌اروپاتنظیم گردید. برای‌اینکه این‌طرح موافقت صورت‌پیمانی‌رابرضد اتحادمثلث بخودنگیرد قرار شد ازطرف دولت روسیه نامهٔبدولت فرانسه‌نوشته شود ودولت‌فرانسه‌نیزپاسخی بنامه روسیه‌بدهد. ولی‌تعهدات‌ناشیه‌ازاین نامه‌هابقدری صریح‌بود که تقریباًجانشین یك پیمان‌میگردید ضمناًبابرقراری‌تعهدات بصورت نامه‌دولت‌فرانسه میتوانست‌مفاد آنرا مخفی نگاهدارد زیرا باوجود حکومت پارلمانی در فرانسه دولت فرانسه در صورت انعقاد پیمان رسمی مجبورمیشد موادآنرا به‌تصویب مجلس برساند.

موضوعی که باعث تعویق صدور این نامه‌ها گردید اختلاف نظر دول فرانسه و روسیه راجع بحدود اعمال آن بود. دولت فرانسه میل داشت تعهدات دو دولت

نمود در ۱۸ نوامبر در برلن از بیسمارك راجع به اقدامات او توضیح خواست و مدارکی را که مبنی بر اقدامات سوء بیسمارك درقضیه بلغارستان بدست آورده بود بدو ارائه داد. بیسمارك که جوابی باعتراضات تزار نمی‌توانست بدهد درصحت مدارك تردید نمود و آنها را تکذیب واظهار داشت تزار روسیه تحت نفوذ جمهوری خواهان وطرفداران اتحاد اسلاوها واقع شده است گرچه تزار روسیه تمام گفته‌های بیسمارك را باور نکرد ولی با اطمینان‌های جدیدی که صدراعظم آلمان داد بازبرای مدت سه سال دراتحاد خودش باامپراطور آلمان باقی ماند.

بیسمارك که بیش ازپیش ازاتحاد فرانسه وروسیه به تشویش افتاده بود درماه دسامبر ۱۸۸۷ مقررات نظامی آلمان راتشدید کرد درفوریه ۱۸۸۸ قسمتی ازمتن پیمان آلمان واتریش رامنتشر نموده وبااحتمال وقوع جنك درمشرق ومغرب آلمان دولتین اتریش وایتالیا را نیزبرای همکاری باآلمان حاضرمیکرد عکس‌العمل این اقدامات توافق نظرزیادتری رابین فرانسه و روسیه ایجاد کرد. انتخاب کارنو (۱) نیز بریاست جمهوری فرانسه نظرمساعدتزار را نسبت باین کشورجلب نمود دردسامبر ۱۸۸۸ انتشار اولین سهام قرضه روسیه درفرانسه باموفقیت انجام گرفت. دولت روسیه هم ۵۰۰۰۰۰ تفنك به کارخانه جات اسلحه‌سازی فرانسه سفارش داد و فرانسویها این سفارش را بشرطی قبول نمودند که تفنگها برضد آنهااستعمال نشود تاوقتیکه بیسمارك صدراعظم آلمان بوددراثرقولی که به‌تزار روسیه‌داده‌بودالکساندرسوم اقدام عملی برای برقراری اتحاد بافرانسه بعمل نیاورد. پس ازعزل بیسمارك در مقابل تمایل انگلستان بآلمان تزار روسیه کاملابطرف فرانسه‌متوجه‌شد گرچه دراین‌موقع هنوز موافقت‌انگلستان

(۱) Marie-Francois- Sadi, Carno (۱۸۹٤-۱۹۳۷) رئیس جمهورفرانسه - بعدازه ۱۸۷۰ بنمایندگی‌مجلس‌فرانسه انتخاب شد- از ۱۸۷۸ درکابینه های مختلف سمت وزارت داشت - در ۱۸۸۷ بریاست‌جمهوری فرانسه انتخاب گردیدودر ۱۸۹٤ درنمایشگاه لیون ازطرف یك آنارشیست بقتل رسید.

طرح پیمان نظامی روسیه و فرانسه ـ اشکال تأییدآن ازطرف دولت فرانسه

اگرروسیه مورد تهاجم آلمان یااتریش بکمك آلمان قرار گیرد فرانسه‌تمام قوه حاضرخود رابرعلیه‌آلمان بکارخواهد برد .

ماده ۲ـ درصورتیکه‌قوای اتحاد سه گانه یایکی ازدولی که جزء آنست‌بسیج شوند فرانسه‌وروسیه بمحض اطلاع ازقضیه باهم‌وفوراً تمام قوای خودرا بسیج نموده وبنزدیکترین نقطه سرحدات اعزام خواهند داشت .

ماده۳ـ قوای‌حاضری که‌بایدبرضدآلمان بکارافتد ازطرف‌فرانسه۱۳۰۰۰۰۰ نفر واز طرف روسیه هفتصد تا هشتصد هزارنفر خواهند بود این قوا باتمام سعی و کوشش خود اقدام خواهند نمود بطریقیکه آلمان درشرق وغرب بجنگد .

ماده ٤ـ ستادهای ارتش دو دولت درهر موقع با یکدیگربرای تهیه وتسهیل اجرای مقررات پیش‌بینی شده توافق نظرحاصل خواهندکرد .

ماده ۵ـ فرانسه وروسیه‌جداگانه پیمان صلحی منعقد نخواهند نمود .

ماده ٦ـ این پیمان همان مدتی راخواهد داشت که اتحاد مثلث .

ماده ۷ـ تمام مواد بالا کاملا مخفی نگاه داشته خواهد شد .

طرح پیمان بالا در۱۸ اوت ۱۸۹۲ بوسیله ژنرال بوادفر ازطرف دولت‌فرانسه و ژنرال اوبروچف از طرف دولت روسیه بامضاء رسید . بعد از امضای پیمان توسط نمایندگان فرانسه دولت‌فرانسه برای تأییدآن دچار تردید شد زیرا اگرچه‌اسم‌این پیمان نظامی بود ولی بطوریکه ملاحظه میشود جنبه سیاسی آن بیشتر است واگر دولت فرانسه‌آنرا برای‌تصویب بپارلمان‌پیشنهاد مینمود درا‌ثرمذاکرات‌مجلس سری نگاه‌داشتن‌آن دچاراشکال میگردید. باینجهت‌دولت فرانسه پیشنهاد کرد ماده‌هفت پیمان بطریق زیراصلاح‌شود « موادپیمان جزبا رضایت طرفین منتشرنخواهدگردید ولی دولت‌روسیه که مخفی نگاهداشتن قرارداد بالارا ازشرایط اساسی‌آن میدانست راضی‌باین تغییر نشده واعلام داشت درصورتیکه ماده۷ ازبین برود تعهدات روسیه را باید ملغی شده پنداشت .

فقط درمورد تجاوزات اتحاد مثلث صورت عمل بخود گیرد درصورتیکه‌دولت روسیه تقاضا داشت تعهدات مزبور شامل هر گونه تجاوزی چه در اروپا وچه در خارج از اروپا بشود تادولت روسیه بتواند درمقابل تجاوزات انگلستان نیز از اتحاد با فرانسه استفاده کند بالاخره بعد از مذاکرات زیاد متن نامه در ۲۷ اوت بطریق زیر تنظیم و رد وبدل گردید : «دو دولت فرانسه وروسیه درباره هرقضیه که صلح عمومی رامورد تهدید قراردهد بایکدیگر تبادل افکار نموده درصورتیکه این صلح حقیقتاً موردخطر قرار گیردو مخصوصاً اگر یکی از طرفین مورد تهدیدتهاجم واقع شود طرفین قرارمیگذارند درباره‌اقداماتی که این تهدید نسبت به‌دو دولت ایجاد میکند اتفاق حاصل نمایند» .

دولت فرانسه که بیشتر ترسش از آلمان بود برای اینکه درموقع بروزاختلاف دولت روسیه تمام قوای خود رافقط برعلیه اتریش بکار نبرد درصدد برآمدبااضافه نمودن پیمان نظامی به‌نامه‌ های مبادله شده وظائف طرفین را درموقع تهاجم یکی از دول اتحاد مثلث تصریح کند . بعد ازمذاکرات زیادی که بین ژیر صدراعظم روسیه‌و فریسینه‌وزیرخارجه‌فرانسه‌درپاریس بعمل آمددرسن پطرزبورگ ازطرف دولت فرانسه ژنرال بوآدفر(۱) وازطرف دولت روسیه ژنرال وانوسکی(۲) وژنرال اوبروچف(۳) تبادل نظرنموده وطرح پیمان رابشرح زیرتهیه کردند .

ماده ۱ـ اگرفرانسه‌مورد تهاجم آلمان یاایتالیا بکمك آلمان‌واقع‌شود روسیه تمام قوه حاضرخود را برای حمله بآلمان بکارخواهد برد .

---

(۱) Raoul - Francois - Charles le Mouton de Boisdeffre (۱۸۳۹-۱۹۱۹) سردارفرانسوی آتاشه نظامی فرانسه در روسیه - رئیس ستاد ارتش فرانسه از۱۸۹۳ تا ۱۸۹۸ .

(۲) Vannovsk سردار روسی

(۳) Nikolaï'Obroutchev (۱۸۳۰-۱۹۰٤) سردار روسی - خدمات زیادی‌در جنگهای بالکان انجام‌داد-رئیس‌ستاد ارتش روسیه در۱۸۹۳ ـ عضوشورای‌امپراطوری

تغییر کابینه فرانسه در ۳۷ دسامبر صدراعظم روسیه نامه زیرا که سند انعقاد پیمان اتحاد بین‌فرانسه و روسیه است بعنوان رئیس جمهور فرانسه ارسال داشت : « بعد از آنکه طبق دستور اعلیحضرت طرح پیمانی راکه توسط ستاد های ارتش فرانسه و روسیه تهیه شده بود مطالعه و بعرض امپراطور رسانیدم وظیفه خود میدانم بآگهی آن عالیجناب برسانم که‌متن این پیمان رامیتوان ازاین ببعد بصورت حاضرش کاملا قابـل قبول دانست . » از این تاریخ اتحاد فرانسه وروسیه با وجـود سری بودن آن قطعی گردید .

درسال ۱۸۹٤ آلکساندر سوم تزار روسیه فوت نمود . رئیس جمهور فرانسه کارنـو نیز درلیون بقتل رسید ولی حـکومت جدید فرانسه و تـزار جوان روسیه نیکلای دوم همان سیاست پیشین اتحاد دودولت راتعقیب کردند . تظاهرات دوستانه ودید وبازدیدهای دیگری‌هم ازطرف دودولت برای نگاهداری واستحکام‌این اتحاد بعمل آمد .

درسال ۱۸۹۸ برای نگاهداری صلح‌ومتوقف‌نمودن تسلیحات‌دول تزار روسیه پیشنهاد تشکیل کنفرانسی را درلاهه نمود . درمقابل مخالفت آلمان کنفرانس لاهه بجائی نرسید فقط نتیجه مذاکرات کنفرانس بـه‌تعمیم تصمیمات کنفرانس ژنودرباره مجروحین جنگی به مجروحین نیروی دریائی وایجاد قوانین تازهٔ در باره جنك در تعقیب کنفرانس‌برو کسل ۱۸۷٤ ویك پیمان ۶۰ مادهٔ‌برای رفع اختلافات درقضایائی که مربوط بمسائل حیاتی و شرافت ملی نشود بوسائل صلح جـویانه یعنی داوری منجر گردید .

اشکال تأیید پیمان ازطرف دولت فرانسه تصویب پیمان رامدت یکسال ونیم بتأخیرانداخت . مسائل پاناما وسوء استفاده های نمایندگان مجلس فرانسه وافتضاح محافل مطبوعاتی وپارلمانی فرانسه نیزبه حیثیت دولت جمهوری فرانسه لطمه بزرگی وارد آورد ودرنتیجه تزار روسیه که اصولا تمایلی برژیم جمهوری نداشت از اتحاد با فرانسه دلسرد گردید بطوریکه صدر اعظم روسیه که زمستان ۱۸۹۳ رادر ایتالیا میگذراند درماه مه درموقع عبور از وین از تظاهرات کرونشتاد اظهار تأسف نمود .

درماه نوامبر ۱۸۹۳ دولت آلمان طرح قانون جدیدی برای تصویب بمجلس رایشتاك پیشنهاد نمود که بموجب آن درظرف ۶سال تعداد نفرات ارتش آلمان رادر زمان صلح به۵۰۰۰۰۰نفرمیرسانید ودرضمن صحبت دراطراف آن صدراعظم آلمان اظهارداشت که دولت آلمان باید خودرابرای جنك آماده کند محل مانورارتش آلمان نیزدرماه ژویه۱۸۹۳ ناحیه متزوسرحدات فرانسه تعیین گردید .

تهدیدات آلمان دومرتبه باعث نزدیکی فرانسه وروسیه گردیدبرای تجدیدروابط دوستانه بین دوملت روسیه وفرانسه درماه ژوئن۱۸۹۳ دولت فرانسه ازنیروی دریائی روسیه دعوت کرد تادربندر تولون(۱) مورد پذیرائی واقع شوند در اواسط ماه ژویه دولت فرانسه بموجب یادداشتی ازطرف ستاد ارتش اهمیت تسلیحات آلمان را بتزار روسیه گوشزد نموده و لزوم اتحاد بین دو دولت را یاد آوری نمود . یادداشت ستاد ارتش فرانسه در۵سپتامبر بدست صدراعظم روسیه رسید وتاریخ ورود جهازات روسیه به بندر تولون روز۱۳ اکتبر۱۸۹۳ تعیین گردید .

ملوانان روسی درتولون وپاریس مورد پذیرائی خیلی گرمی از طرف دولت وملت فرانسه قرار گرفتند . درخلال این مدت رئیس جمهورفرانسه کارنونیزپیمان نظامی را که دربالا شرح داده شد بهمان صورت اولیه تأییدنمود . در۲۹اکتبر۱۸۹۳ از طرف تزار روسیه نامه تشکری بعنوان رئیس جمهور فرانسه رسید و با وجود

---

(۱) Toulon

درربع آخرین قرن‌نوزدهم واوائل‌قرن بیستم سلطان عثمانی - حکومت عثمانی در زمان سلطنت عبدالحمید دوره ترس و وحشت گردید سلطان عثمانی از ترس شورش وجان ومال خود تمام امور رادردست خود متمرکز نموده بانظارت‌در کارهاوتعمیم جاسوسی ورشوه خواری واستبدادمطلق دستگاه حکومت رامورد بغض و کینه‌مردم قرار داده اعتماد و آرامش عمومی رادر کشور عثمانی ازبین برد .

یکی ازمللی که‌زودتر ازدیگران قربانی سیاست‌سلطان عثمانی‌واختلافات‌دول اروپا گشت ملت ارامنه بود که بواسطه پشت کار وجدیت خود درامور مالی وتجارت دست زیادی پیدا کرده وسالها انتظار بدست آوردن استقلال را داشت. درسال۱۸۶۳ سلطان عبدالعزیز آزادی‌مختصری به‌ارامنه داد . سلطان‌عبدالحمید نیزدربدوسلطنت خود بسیاری ازمشاغل اداری رابآنهاسپرد بطوریکه درسال۱۸۹۰ ارامنه نفوذزیادی دردولت عثمانی پیدا کردند .

نفوذ ارامنه‌باعث بدبختی آنها گردید مخصوصاً که پیمانهای‌سان‌استفانووبرلن سلطان عثمانی راموظف میکرد دراصلاح حال ارامنه بکوشد . در صورتیکه دولتین روسیه وانگلستان نظرخاصی نسبت بارامنه نداشتندوبرای‌استقرار نفوذ سیاسی‌خود بآسانی‌حاضربفدا کردن‌منافع ارامنه میشدند . دولت روسیه‌بعدازپیمان‌برلن ویاس‌از توسعه نفوذدر آسیای‌صغیر بارامنه که‌تابع‌او بودندفشارزیادی‌واردآورد تازبان‌ومذهب و حس ملیت آنها را ازبین برده وارامنه را روسی کند ارامنه هم که‌دارای‌حس‌ملیت قوی‌بودند برای‌مبارزه‌بااقدامات‌روسیه‌شروع به‌تبلیغات‌درخارج‌نموده‌واجتماعات‌سری وروزنامه‌هائی‌برای‌دفاع‌ازحقوق‌خودتأسیس کردند. عکس‌العمل‌اقدامات‌ارامنه باعث تشدید فشارروسیه شده وچون‌این‌دولت‌دیگر بعنوان‌حمایت‌ارامنه نمیتوانست‌منظور خودرا دردولت‌عثمانی‌تأمین کندبیشتراقدامات‌دولت‌عثمانی‌رابرضد ارامنه‌تجویز کرد. ارامنه که درخاك عثمانی‌سکونت‌داشتند نیزباامید بکمك‌انگلستان‌شروع باقدامات تروریستی جهت ایجادیك‌نهضت‌ملی نمودند درمقابل‌عملیات‌ارامنه دولت عثمانی که

فصل چهاردهم

عثمانی واروپا

سلطنت سلطان عبدالحمید دوم - مسئله ارامنه - سیاست روسیه نسبت بارامنه قتل عام ارامنه - تقاضای ایتالیا - پیشنادات دول اروپا - ادامه کشتار ارامنه اختلاف نظر روسیه وانگلستان - میانجیگری دولت فرانسه - قتل عام مجدد ارامنه عدم کمك دول اروپا بارامنه - مسئله کرت - دخالت یونان واروپا - مسئله مقدونیه - رفع خصومت بلغارستان وروسیه - توافق نظر روسیه واتریش در امور بالکان - جنك عثمانی ویونان - تعهد نگاهداری وضع فعلی در بالکان از طرف روسیه واتریش - ترك مخاصمه یونان وعثمانی - شورش مقدونیه - موافقت نامه مورزتك - نهضت جوانان ترك

....

بعد از قتل سلطان عبدالعزیز(۱) وسلطان مراد(۲) سلطان عبدالحمید دوم(۳)

---

(۱) سلطان عبدالعزیز (۱۸۷۶-تا ۱۸۳۰) سلطان عثمانی از سال ۱۷۶۱-پسر دوم سلطان محمود وبرادر سلطان عبدالمجید - در بدو سلطنت شروع به اصلاحاتی نمود ولی آنها را تعقیب نکرد - درشب ۳۰ مه ۱۸۷٦ بنفع برادر زاده‌اش سلطان مراد پنجم استعفاداد- در ۱۱ ژوئن ۱۸۷٦ بروایتی انتحار وبروایتی مقتول شد .

(۲) سلطان مراد پنجم (۱۹۰٤-۱۸٤۰) پسر سلطان عبدالمجید-درسال ۱۸۷٦ برای مدت سه‌ماه سلطان عثمانی شد- بعلت بیماری دماغی از سلطنت خلع وبرادرش سلطان عبدالحمید دوم جانشین او گردید .

(۳) سلطان عبدالحمید دوم(۱۹۱۸-۱۸٤۲) سلطان عثمانی- پسر دوم سلطان عبدالمجید بعد از خلع برادرش در ۳۱ اوت ۱۸۷٦ سلطان عثمانی شد - در ۲۳ دسامبر ۱۸۷٦ مجبور باعطای قانون اساسی گردید- در ۵ مارس ۱۸۷۷ برژیم استبدادی برگشت - در نتیجه شکست از روسیه پیمانهای سان استفانو وبرلن بدولت عثمانی تحمیل شد-در نتیجه سیاست مزورانه وجابرانه واستبدادی منفور وملقب به سلطان قرمز گردید-درسال ۱۹۰۹ از سلطنت عثمانی خلع گردید .

احتمالی حمله فرانسویها واشغال داردانل توسط روسها وارد مذاکراتی‌شده بودند ولی درحقیقت منظور آلمان تقویت نیروی دریائی خود درمدیترانه‌وامیدوارساختن ایتالیا بکمك دولت آلمان بود. انگلستان هم که هنوز کاملا درمصر مستقر نشده‌بود کمك ایتالیارا در اینموقع لازم شمرده و در موقع لزوم ناوگان ایتالیا ممکن بود کمکهای ذیقیمتی‌بدولت‌انگلستان‌بنماید کابینه‌ایتالیاهم که کمك‌خودرابرای آلمان وانگلستان لازم میدید روزبروز برتقاضاهای خود میافزود فقط مخالفت اتریش با پیشنهادات ایتالیا باعث جلوگیری ازمقاصد این دولت میشد .

وزیرخارجه کابینه جدید گلادستون روزبری سعی کردسیاست‌سلف خود را درمدیترانه تعقیب کند در ضمن کوشش مینمود فرانسه‌اعلام کند که درصورت بروز اختلاف درمدیترانه بیطرفی را رعایت می‌نماید اما چون‌دولت‌انگلستان نمیتوانست درمقابل فشار ترکهانسبت بارامنه‌ساکت بماند وزیرخارجه این دولت پیشنهادنمود برای حمایت ارامنه دولت انگلستان دست باقداماتی دربغازها بزند تا دولت عثمانی مجبور برعایت حقوق ارامنه شود . دولت آلمان هم که ورود جهازات انگلیسی را بدریای سیاه مقدمه شروع جنك بین‌انگلستان و روسیه میدانست خوشحال بود که هنوز رسماً نسبت بهیچ یك ازطرفین تعهدی نداشته وبا خیال راحت خواهد توانست استفاده شایانی ببرد .

دولت فرانسه که مایل بوقوع حوادث غیرمترقبه وتشدید اختلافات‌بین‌روسیه وانگلستان نبود پیشنهاد کرد سفرای دول‌اروپا ازعبدالحمیدتقاضای انجام اصلاحاتی رانسبت بوضع ارامنه بنمایند . پیشنهاد فرانسه مورد موافقت قرار گرفته ودر۱۶ مه ۱۸۹۵ دول اروپا ازسلطان عبدالحمید در خواست رعـایت حقوق ارامنه را کردند . سلطان عثمانی که ازاختلاف نظردولت اروپا آگاه بود بر عکس پیشنهاد دول اروپا قتل‌عام‌ارامنه رانشویق نمود وازاول تا۱۶ اکتبر کشت و کشتار ارامنه درقسطنطنیه شروع شد وحتی در۱۸ اکتبردرموقعیکه سلطان عبدالحمید طرح‌اصلاحاتی رابنفع

تا آنوقت نسبت به آنها روی خوش نشان میداد درصدد بر آمد با ازبین بردن و مضمحل کردن این ملت موجبی برای مداخله دول اروپا در دولت عثمانی باقی نگذارد.
سلطان عبدالحمید برای اجرای نقشه خود کردها را که جزء سپاهیان عثمانی محسوب میشدند تشویق بآزار ارامنه نمود و در نتیجه تبلیغات مذهبی اذهان عمومی را برای قلع وقمع ارامنه حاضر کرد. درماه اکتبر ۱۸۹٤ درشهرهای ساسون(۱) بیتلیس(۲) و دیاربکر قتل عامی ازارامنه بعمل آمد که باعث اعتراض دول اروپا گردید. عبدالحمید که شخصاً مسبب این کشت و کشتار بود برای ازبین بردن مسئولیت خود با تشکیل کمیسیونی بعضویت نمایندگان اروپائی جهت رسیدگی بقضیه موافقت کرد. چون دولت روسیه بامداخله دولت انگلستان درامور ارامنه موافقتی نداشت درعوض قونسولهای محلی که بصیرت واطلاع کافی بکنه قضیه داشتند مأمورین جدیدی بعضویت کمیسیون تعیین گردیدند وطبق تمایل دولت عثمانی مسئولیت امر بیشتر متوجه خود ارامنه گردید دولت انگلستان نیز که میدید اگر بخواهد جداً قضیه را تعقیب کند ممکن است مجبور باعزام جهازات جنگی به بغاز هاشده واختلاف دیرینه درسر قضایای شرق تجدید شود صلاح را دراین دانست برقضیه سرپوش گذاشته واصرار زیادی برای حمایت ازمنافع ارامنه بکار نبرد.
دراین موقع اغلب دول اروپا مراقب امور داخلی دولت عثمانی و مترصد بودند قسمتی ازخاك این کشور را تجزیه کنند. دولت ایتالیا در ۱۸۸۹ درخواست اقدامات جدی برای تصرف طرابلس نموده ودرماه اکتبر درملاقاتی که کریسپی ازبیسمارك بعمل آورد نقشه تقسیم خاك عثمانی رابمعیت یونان پیشنهاد کرده بود ودرسال بعد در موقع تجدید پیمان اتحاد مثلث نیز در انجام تقاضای خود اصرار داشت و در مقابل مخالفت دولت اتریش در باره این امر نزدیك بود رشته اتحاد مثلث گسیخته شود فقط اقدامات سالیسبوری وفشار اوبر کابینه ایتالیا این دولت راموقتاً وادار بسکوت کرده بود. ازسال ۱۸۸٤ تا ۱۸۸۹ دول آلمان وانگلستان بعنوان جلوگیری ازخطر

---

(۱) Sasson
(۲) Bitlis

درسال ۱۸۹۶ ارامنه که وضع خودرا بدتراز پیش میدیدند بتحریك دستجات شورشیان تروشاك[۱] ببانك عثمانی حمله نمودند اقدامات ارامنه باعث تشدیداقدامات دولت عثمانی شده و در اواخر اوت ۱۸۹۶ کشتار ارامنه دو مرتبه شروع شد وچون لرد سالیسبوری تقاضای اقدامجدی درنزد دولت عثمانی مینمود دولتفرانسهپیشنهاد اجتماع یك ناوکانبین‌المللی رادرنزدیکی داردانل نمودروسها که مخالفبرقراری هرگونه نفوذ خارجی در بغازها بودند اعلام کردند که در اینصورت آنطرف بغازها را دردریای سیاه اشغال خواهند کرد وبرای پیش بینی تجهیزبنادر سباستوپول‌وادسا ازنو شـروع شد . درنتیجه این دفعه هم منافـع ارامنه فدای نگاهداری صلـح بین دول اروپا گردید فقط سلطان عبدالحمید برای اسکات دول اروپا وعـده داد طرح اصلاحـات اداری را به سه ولایت آسیای صغیر که ارامنه در آنجا سکنی داشتند تعمیمدهد.

رفتارسلطان عبدالحمیدنسبت بمسیحیان درجزیره کرت نیزمورد تنفرعمومی قرارگرفت در۵ مارس ۱۸۹۶ سلطان عبدالحمید حاکم جدیدی برای جزیره کرت تعیین کرد اهالی کرت که ازمدتمدیدی درخواست الحاقاینجزیره رابیونان کرده بودند ازتغییرحاکم استفاده نمودهوشورش کردند حاکم جدیدبفرمان سلطانعثمانی باقساوت تمام نسبت بمسیحیانرفتار کرده ودرماه مه۱۸۹۶ قتلعامیدر کانه[۲] بعمل آمد وحاکمجدیدی نیزبا دستجاتارتش کمکی ازطرف دولتعثمانی بجزیره کرت اعزام شد . در مقابل تهدید دول اروپـا بفرستادن ناوگان جنگی به کرت سلطـان عبدالحمیدناچارشد وعدهاصلاحاتیرا درجزیره کرت بدهد ولی در باطن امر حکـام عثمانی ازهیچگونه آزار واذیتی نسبت بساکنین جزیره کرت فروگذارنمیکردند.

دولت یونان که الحاق جزیره کرت را چندین مرتبه تقاضاکرده بود با اعزام دستجات کمکی وارسال مهمات بشورشیان کمك های زیادی نمود ودامنه شورش را

Trochak (۱)
Cannèe (۲)

رعایای خود امضا میکرد مسلمانان بتحریك او درطرابوزان ودیاربکر مشغول کشتار ارامنه بودند درماه نوامبر نیز قتل عام ارامنه ادامه پیدا نمود .

درمقابل این وضع وتحریك احساسات عمومی دراروپا برضد عملیات سلطان عثمانی در ۷ نوامبر انگلیسها ۱۸ کشتی جنگی خودرا بسالونیك فوستادند. روسها هم مقدمات تجهیز ارتش را در سباستوپول شروع کردند. فرانسویها وایتالیائیها واتریشیها نیز شروع بتجهیز نمودند . باوجود تمام این تهدیدات دولت عثمانی ازتعقیب رویه خـود نسبت بارامنه دست نکشید و انگلیسها ناچار دو کشتی جنگی خود را وارد دریای مرمره ساختند ومنتشر شد که درموقع لزوم دولت ایتالیا نیز بانگلستان کمك خواهد کرد . بانزدیك شدن جهازات انگلیسی به داردانل تزار روسیه شروع به ارسال نفرات وتجهیز بنادر سباستوپول وادسا نموده ودر ۲۵ نوامبر ۱۸۹۵ بدولت عثمانی اطلاع داد دولت روسیه بمعیت دولت فرانسه اقدامات لازم را برای حفظ بیطرفی خاك عثمانی معمول خواهد داشت .

دولت انگلستان برای اجبار عثمانی برعایت حقوق ارامنه پیشنهاد اقدام دسته جمعی دول اروپا را درنزد دولت عثمانی کرد. روسها که خیال میکردند پیشنهاد انگلستان منجر بنفوذ این دولت در دولت عثمانی شده وبعداً مانند مصر بتنهائی نفوذ خودرا در دولت عثمانی برقرار خواهد کرد ازپیشنهاد انگلستان حسن استقبال ننمودند. دولت فرانسه که میترسید اختلافات درشرق موجب بروز جنك درغرب گردد شروع باقدامات جدی برای رفع اختلافات بین دول نمود وضمناً بدولت روسیه خاطر نشان کرد دولت فرانسه نسبت باقداماتی که درپیمان اتحاد پیش بینی نشده است مقید بکمك روسیه نخواهد بود . بدولت انگلستان نیز تذکر داد مخالف هرگونه تجاوزی نسبت بخاك عثمانی میباشد . باین ترتیب درنتیجه اختلافات دول اروپا ووجود نداشتن هم آهنگی بین آنها منافع ارامنه فـدای جلوگیری از بروز اختلافات زیاد تـری بین روسیه وانگلستان گردید.

همواره مترصد غارت و چپاول بودند مشغول کشت و کشتار و وارد آوردن فشار در مقدونیه گردید. اهالی این سامان هم از روی اجبار به سربستان و بلغارستان فرار نموده خود را مهیای انتقام ساختند.

بعد از برقراری فردیناند دو کوبورك بسلطنت بلغارستان روابط این دولت با روسیه فوق العاده تیره شده و تازمانی که آلکساندر سوم تزار روسیه بود دولت روسیه بهیچوجه روی موافقتی به بلغارستان نشان نمیداد بعد از برقراری نیکلای دوم بسلطنت روسیه پادشاه بلغارستان اقدامات زیادی برای جلب دوستی روسیه بعمل آورد نخست وزیر بلغارستان استامبولف[1] که طرف تنفر تزار روسیه بود معزول گشت و ولیعهد بلغارستان نیز بآئین مذهب اورتودکس غسل تعمید گردید. درنتیجه در سال ۱۸۹۶ نیکلای دوم پادشاه بلغارستان را برسمیت شناخته وظاهراً موافقتی بین این دودولت پیدا شد و دولت بلغارستان باازبین بردن خصومت روسیه گمان میکرد بتواند درمقاصد خود نسبت بمقدونیه کامیاب شود. اگر بین دول بالکان موافقتی وجود داشت سلطان عثمانی نمیتوانست در مقابل آنها ایستادگی نماید ولی بارقابت و اختلافاتی که بین بلغارستان وسربستان وجودداشت سلطان عبدالحمید هیچگونه واهمه بخود راه نداده واقدامات خودرا هر روز درمقدونیه تشدید میکرد.

دولت اتریش که مایل نبود ملل بالکان توسعه پیدانموده واسباب مزاحمت او رافراهم سازند باب مذاکرات رابرای نگاهداری صلح دربالکان با روسیه مفتوح نموده ودرنتیجه ملاقات وزرای خارجه اتریش و روسیه درماه اوت ۱۸۹۶ دو دولت

---

(۱) stephane stamboulov (۱۸۵۳-۱۸۹۵) سیاستمدار بلغارستانی ـ درجنك ۱۸۷۷ درارتش روسیه خدمت کرد در ۱۸۸٤ وزیرشد. برای برقراری سلطنت باتنبرك وفردیناند زحمات بسیاری کشید ـ نایب السلطنه بلغارستان بین دوسلطنت ـ نخست وزیر بلغارستان در ۱۸۸۷ ـ مخالف دخالت روسیه دربلغارستان ـ خشونت اواهالی را منزجر ساخت در ۱۸۹٤ مجبور باستعفا شد ـ در ۱۸۹۵ بقتل رسید.

هرروز وسیع ترمی ساخت باین جهت در ماه اوت ۱۸۹۶ دول اروپا بسلطان عثمانی پیشنهاد نمودند حفظ انتظام درجزیره کرت بآنها واگذارشود. دراثر شورش در کرت وتشدید فشارحکام عثمانی درماههای ژانویه وفوریه ۱۸۹۷ قتل وغارت وهرج ومرج در کرت توسعه پیدا نمود وپارلمان یونان ازاین امر استفاده وبدولت یونان پیشنهاد اعزام دو کشتی جنگی رابکرت نمود. سلطان عبدالحمید که مقصود یونان رادریافته ومیدانست که پادشاه یونان در نظر دارد یکی از پسرانش را بکرت بفرستد. دولت روسیه هم ممکن بود بواسطه قرابت خانوادگی با پادشاه یونان بااین امر موافق باشد برای جلوگیری ازعملی شدن نظریه دولت یونان طبق پیشنهاد قبلی دول اروپا فوراً جزیره کرت را دراختیار دول اروپا گذارد تاصلح را در آنجا برقرار نمایند.

چون دولت روسیه که دربارهٔقضایای ارامنه بامداخله دول اروپا درامورعثمانی مخالفت کرده بود نمی توانست در کرت از شورشیان طرفداری نماید در ۱۱ فوریه ۱۸۹۷ ناوکان فرانسوی وانگلیسی به جزیره کرت رسید و بزودی ناوکان اتریش و ایتالیا نیزبآنها ملحق شدندواعلام نمودند که دروضع حاضرالحاق جزیره کرت بیونان ممکن نیست باین ترتیب اقدام سلطان عبدالحمید بدون اینکه کرت رااز تسلط سلطان عثمانی خارج سازد مانع الحاق این جزیره بیونان گردید.

موضوع دیگری که در کشورعثمانی درپایان قرن نوزدهم توجه عموم دول را بخود جلب نمود قضیه مقدونیه بود پیمان سان استفانو تقریباً تمام این ناحیه راجزء بلغارستان قلمداد نمودولی پیمان برلن دومرتبه مقدونیه راتحت تسلط سلطان عثمانی قرارداد. اهالی مقدونیه که هرقسمت آنها متکی بیکی از دول مجاور خود سربستان بلغارستان یایونان بودند کم وبیش ازسال ۱۸۹۰ تقاضای استقلال والحاق بیکی ازاین دول رامیکردند بعد ازامیدهائی که پیمان سان استفانوبه بلغارها داده بود از طرف آنها کمیته هائی برای انتزاع مقدونیه ازعثمانی تشکیل گردیدعبدالحمیدطبق معمول خود برای ازبین بردن احساسات اهالی با کمك ارتش خود وسر کردگان آلبانی که

نشان دهد . دولت ایتالیاهم که تقاضاهای زیادی درسواحل آدریاتیك داشت مجبور گردید موقتاً ادعاهای خود را مسکوت گذارد . دول صربستان وروماني وبلغارستان و مونتنگرو نیز کم وبیش دست از تبلیغات خود برداشتند . در اثر میانجیگری تزار روسیه دولت یونان که از ارتش عثمانی شکست خورده بود نجات یافت وتعهد نمود ارتش خودرا از جزیره کرت احضار کرده و دیگر تقاضای الحاق این جزیره را بیونان ننماید . دولت عثمانی نیز در تحت فشار روسیه واقع شده در ۱۸ مه ۱۸۹۷ ترك مخاصمه را بایونان امضاء ودر ۱۴ دسامبر ۱۸۹۷ تسالی رادرازای پرداخت غرامت بیونان مسترد نمود .

در سال ۱۸۹۸ برای جلب رضایت یونان تزار روسیه پیشنهاد نمود حکومت مستقل جزیره کرت که در ۴ دسامبر ۱۸۹۷ مورد موافقت دول اروپاقرار گرفته بودبه پسرپادشاه یونان واگذار شود . دول آلمان واتریش برای اینکه احساسات ترکهابر ضدآنهابرانگیخته نشودبااین پیشنهاد مخالفت کردندودرنتیجه حکومت کرت بدست دریاسالاران خارجی بمعیت چهارمستشارخارجی ویك مجلس انتخابی ازطرف اهالی جزیره که ونیزلوس (۱) نیزدرآن عضویت داشت سپرده شد . اهالی کرت گرچه مجبور بقبول این حکومت شدندولی چون درهمان روزارتش عثمانی که در کاندی اقامت داشت شروع بداقداماتی برای تصرف شهرو کشتن مسیحیان نمود دول اروپا فوراً در صدد متوقف کردن عملیات آنهابرآمده ودر ۵ اکتبر سلطان عثمانی مجبوربه احضارارتش خود از کرت گردید . درنتیجه این امرتصمیم گرفته شدپسرپادشاه یونان پرنس ژرژ (۲)

---

(۱) Eleuthère_Venizelos (۱۸۶۴-۱۹۳۶) سیاستمدارمعروف یونانی ـ مخالف مداخله دولت عثمانی در کرت و محرك شورشیان این جزیره ـ در ۱۸۹۸ عضوحکومت موقتی کرت ـ در ۱۹۰۶ کمیسرعالی کرت ـ نخست وزیر یونان در ۱۹۱۱ - اصلاحات زیادی بعمل آورد وعامل جنك یونان باعثمانی بود ـ در ۱۹۱۴ چون متمایل به متفقین بودباپادشاه یونان اختلاف پیدا کرد ـ در ۱۹۱۶ برعلیه حکومت یونان حکومت ملی درسالونیك تشکیل داد ـ نماینده یونان در کنفرانس صلح ورسای ـ نخست وزیر یونان در ۱۹۲۴ ـ نخست وزیر یونان از ۱۹۲۸ تا ۱۹۳۳ .

(۲) Prince_Georges (۱۸۶۹) پسردوم پادشاه یونان - در ۱۸۹۸ بعنوان کمیسر عالی در کرت انتخاب شد ـ در ۱۹۰۶ ازاین مقام استعفا وازسیاست کناره گیری نمود ،

جنك عثمانی و یونان - تعهد نگاهداری وضع فعلی در بالکان از طرف روسیه و اتریش

روسیه و اتریش تصمیم گرفتند از مداخلات خارجی و شورشهای داخلی در دولت عثمانی جلوگیری کنند کشتارهائی که در اواخر ماه اوت ۱۸۹۶ در قسطنطنیه از مسیحیان بعمل آمد و فشاری که دولت عثمانی بر مسیحیان در کرت و مقدونیه وارد میآورد باعث گردید که سربها و بلغارها و یونانیها از سلطان عثمانی امتیازاتی را برای برادران دینی خود درخواست کنند. پادشاه یونان در تحت فشار عقاید عمومی در فوریه ۱۸۹۷ ارتشی به تسالی(۱) اعزام داشت و در اثر اختلافاتی که بزودی بین دستجات ارتش عثمانی و یونان بروز کرد در ماه آوریل جنك بین دولت عثمانی و یونان شروع شد در نتیجه عدم مداخله دول اروپا در ماه آوریل یونانیها شکست سختی از ترکها خورده و ارتش عثمانی لاریسا(۲) را متصرف گردید.

برای جلوگیری از توسعه اغتشاش در بالکان در ماه آوریل ۱۸۹۷ فرانسوا ژوزف از تزار روسیه بازدیدی بعمل آورد ودو امپراطور روسیه و اتریش بمعیت وزرای خود طرح موافقتی را برای تعقیب خط مشی سیاسی واحدی در بالکان تنظیم نمودند در ۸ مه ۱۸۹۷ بعد از مراجعت امپراطور اتریش بین روسیه و اتریش قرار داد مخفی بامضا رسید که بموجب آن دولتین تعهد میکردند اگر ادامه وضع فعلی در بالکان میسر نباشد باهر نوع کشور گشائی که از طرف دول دیگر صورت گیرد مقاومت نمایند. با امضای این پیمان دولت روسیه که میترسید دولت انگلستان در اثر مداخله در امور عثمانی راه های دریای سیاه را مانند ترعه سوئز در اختیار خود در آورد بدون درخواست تصرف بغازها دول دیگر را از این ناحیه دور نگاه میداشت. دولت اتریش نیز در نظر داشت درصورت تشدید اختلافات و اغتشاشات بوسنی و هرزه گوین را اشغال نموده و دولت آلبانی را مستقل سازد.

توافق نظر بین اتریش و روسیه کمك زیادی به کاسته شدن اختلافات در بالکان نمود. امپراطور آلمان هم گرچه از مرتفع شدن اختلافات اتریش و روسیه در بالکان خوشنود نبود زیرا احتیاج اتریش را از آلمان سلب مینمود مجبور گردید دروی موافقت

Thessali(۱)
Larissa(۲)

بین بردن این اغتشاش ارتش بزرگی بمقدونیه اعزام داشت ودر نتیجه بدرفتاری با مسیحیان انقلاب عمومی در مقدونیه شروع شده ودر تمام مدت تابستان سال ۱۹۰۳ جنگ وخون ریزی درمقدونیه رواج یافت درمقابل این وضع دول اروپاهم مجبور بتقاضای اقدامات جدی‌تری درمقدونیه شدند.

دراثر اغتشاشات مقدونیه‌قونسول روسیه درموناستیر (۱) کشته‌شدوبنظرمیآمد درنتیجه این پیش آمد دولت‌روسیه ازرویه قدیمی وصلح‌طلبی خوددست برداردولی در ۱۱ سپتامبر ۱۹۰۳ وزیرخارجه روسیه با دولت اتریش وارد مذاکره شده و بدون آنکه منتظر نظر دول‌اروپا شوندجهت اجبارسلطان عثمانی در ۲ اکتبر ۱۹۰۳ این دو دولت برنامه‌اصلاحاتی‌درمورزتك (۲) برای‌سلطان عثمانی تنظیم کردند تابموجب آن مأمورین اتریش بمعیت‌حلمی پاشانظارت درامورمقدونیه نموده ویك سردار خارجی بکمك افسران اروپائی مأمورتشکیل ژاندارمری گردد ضمناً ازسلطان‌عثمانی‌دعوت کردند به‌بعضی ازنواحی استقلال داخلی داده برخی ازمشاغل رابه مسیحیان‌واگذار نموده وبا تشکیل کمیسیونهای مختلطی بمعیت قونسولهای اتریش وروسیه موجبات رسیدگی بداختلافات گذشته رافراهم آورد.

سلطان عبدالحمیدبنابعادت دیرینه‌خوددراجرای این‌برنامه تعلل‌نمودو گمان کرد بتواند باواگذاری امتیازاتی بهریك ازدول اروپا بین‌آنها اختلاف انداخته واز زیربار اصلاحات بگریزد ولی این‌بارحساب سلطان عثمانی غلط درآمد درتحت‌فشار انگلیسها وموافقت فرانسوی‌هاوایتالیائیها موافقت‌نامه‌مورزتك‌درآوریل ۱۹۰٤ جنبه بین‌المللی بخود گرفت ودر ۱۸ دسامبر ۱۹۰۵ تهدید جهازات جنگی‌دول‌اروپا سلطان عثمانی راوادارنمود که‌قبول‌نماید کمیسیون بین‌المللی درسالونیك اداره‌امورمقدونیه راتحت نظربگیرد.

ماده سوم موافقت‌نامه مورزتك دولت عثمانی رادعوت مینمود ازلحاظ نژادی

Monastir (۱)

Murzteg (۲) دراتریش

برای مدت سه‌سال بعنوان کمیسر عالی کرت برقرار شود · اهالی جزیره کرت‌هم که یکقدم دیگر بطرف‌الحاق‌بیونان جلو رفته‌بودند به‌این‌امرا کتفا نموده‌ومنتظر روزی شدند که رسماً بیونان ملحق گردند.

توافق نظرروسیه واتریش درباره امور بالکان ازقتل وغارت دولت عثمانی در مقدونیه جلوگیری ننمود . از۱۸۹۸ اهالی‌مقدونیه ومخصوصاً بلغارهای ساکن‌این ناحیه مجامع‌سری تشکیل‌داده‌وشروع بمقاومت دربرابرارتش عثمانی ونفرات آلبانی نمودنددولت‌اتریش‌برای‌جلوگیری ازمداخلات‌خارجی‌مذاکراتی بادولت‌ایتالیابعمل آورده واین دولت راهم موافق بانگاهداری وضع فعلی دربالکان نمود . ویکتور امانوئل سوم پادشاه جدید ایتالیا نیزدر ملاقاتی که درماه ژویه۱۹۰۲ از تزار روسیه بعمل آورد رسماً توافق نظرخود را باسیاست اتریش وروسیه دربالکان اعلام‌داشت. بعد ازاین مقدمات در۲۹ دسامبر۱۹۰۲ دولتین روسیه واتریش برنامه اصلاحاتی را برای مقدونیه بدولت عثمانی‌پیشنهاد کردند.

درآواخر سال۱۹۰۲ مجامع سری مقدونیه‌درمقابل فشارترکهاشروع‌بشورش کرده وجنگهائی بین‌انقلابیون‌وارتش عثمانی درگرفت. سلطان عبدالحمید ارتشی‌از آسیای صغیربمقدونیه اعزام وبرای حفظ‌صورت ظاهرحلمی پاشا(۱)را که مردفعال‌و پاکدامنی بود بعنوان بازرس بمقدونیه فرستاد در صورتیکه مأمورین دولت عثمانی بهیچوجه درتحت امراونبوده وبعملیات جابرانه خود مانند سابق ادامه میدادند.در۷ آوریل۱۹۰۳ نیز سلطان عبدالحمید ظاهراً عفوعمومی رادر مقدونیه اعلام وتأسیس ژاندارمری مخصوصی رابرای این ناحیه وعده داد ولی بتحریك خود او مسلمانان و اهالی آلبانی برعلیه فرامین اواعتراض واغتشاش نمودند . سلطان عبدالحمیدببهانه از

---

(۱) حلمی پاشا (۱۸۵۹) سیاستمدار عثمانی - طرفدار جوانان ترك ولی نسبت بسلطنت عثمانی وفاداربود اصلاحاتی درمقدونیه بعمل‌آورد-در۱۹۰۹ صدراعظم عثمانی وبعد از خلع سلطان عثمانی دست باصلاحات‌اداری زد-دراواخرسال ۱۹۰۹ مجبور باستعفا گردید

فصل پانزدهم

ویلهلم دوم و سیاست آلمان

سلطنت صدروزه فردریك سوم-سلطنت ویلهلم دوم - اختلاف نظر بین امپراطور و صدراعظم- عزل بیسمارك- صدارت دوکاپریوی-سیاست شخصی ویلهلم دوم-تظاهرات امپراطور آلمان-صدارت هوهنلو-تقویت بحریه آلمان دخالت درامور مستعمرانی وخاوردور-نمایشات ویلهلم دوم - افتتاح کانال کیل-اعلام اتحادیه روسیه و فرانسه-تفتین در مناسبات فرانسه و روسیه-تحریکات آلمان درسیاست فرانسه-صدارت دوبولو-

وحدت آلمان در نتیجه سعی وجدیت بیسمارك صدراعظم بزرگ آلمان عملی شد تازمانیکه ویلهلم اول امپراطور آلمان بود بیسمارك دغدغه بخودراه نداده ورئیس حقیقی حکومت آلمان محسوب میشد. اگر بعضی مواقع هم بامخالفت امپراطور آلمان مواجه میگشت باتوسل به تهدید استعفا ازمقام صدارت عظمی امپراطور پیر آلمان را مجبور بمتابعت از نظریات خود مینمود. بعد ازفوت ویلهلم اول در ۱۳ مارس ۱۸۸۸ پسرش فردریك سوم امپراطور آلمان گردید. گرچه مناسبات بیسمارك با امپراطور جدید آلمان زیاد حسنه نبود چون فردریك سوم ضعیف و بیماربود تغییری درحکومت آلمان واردنشد وبعد ازصدروز سلطنت پسرش ویلهلم دوم امپراطور آلمان گردید.

حدود نواحي مختلف مقدونيه را تغيير دهد وجود اين ماده سبب شد كه يونانيها - رومانيها - بلغارها - سربها - هر كدام برای اينكه مناطق بيشتری را در تحت نفوذ خود داشته باشند بجان يكديگر افتاده و مدت چند سال كشمكش در بين آنها برقرار باشد تا اينكه به پيشنهاد انگلستان درسال ۱۹۰۷ اين ماده حذف گرديد و برای تسريع اصلاحات در مقدونيه مقرر شد عوارض گمركی اضافی نيز از مال التجاره های اروپائی دريافت گردد - سلطان عبدالحميد بازمدتی وقت را بتعلل گذرانيده و با وعده اصلاحات قضائی در نظر داشت دول اروپا را سرگرم سازد ولی در ماه ژوئيه ۱۹۰۸ مجبور باحضار ارتش خود از مقدونيه شده موظف گرديد. اصلاحات قضائی را در تحت نظارت كميسيونی در مقدونيه بعمل آورد.

بطوريكه ملاحظه ميشود سياست سلطان عبدالحميد دولت عثمانی را رو بفساد و نيستی سوق ميداد و اگر اختلافات نظر دول اروپا نبود در پايان قرن نوزدهم اين مرد بيمار راه ديار عدم را در پيش ميگرفت ولی اختلافات سياست خارجی مانع از آن نميشد كه در داخله عثمانی رژيم حكومت غير قابل تحمل گردد. در اثر استبداد سلطان - رواج فساد اخلاق - جاسوسی و رشوه خواری درباريان كم كم نهضت جديدی در دولت عثمانی بنام جوانان ترك ايجاد شد سران اين نهضت از ۱۸۹۸ تا ۱۹۰۷ در ازمير و سالونيك اجتماعاتی بنام جمعيت «اتحاد و ترقی» تشكيل دادند. اين اجتماعات رفته رفته در ارتش عثمانی نيز رخنه نمود و در كنگره كه درسال ۱۹۰۸ در سالونيك تشكيل گرديد برنامه خود را تنظيم و در ۲۳ ژوئيه ۱۹۰۸ در اثر برپا كردن انقلاب سلطان عثمانی را مجبور به اعطای حكومت مشروطه كردند.

بیسمارك برای آنکه مراقبت بیشتری درسیاست عمومی وخارجی کشورمعمول داردازوزارت تجارت وامورمربوط به‌پروس استعفا داد وازمفادآئین‌نامهٔ که در ۱۸۶۲ بتصویب رسیده ومذاکره‌باامپراطوررا فقط به‌شخص‌صدراعظم اختصاص‌میداداستفاده نموده بوزرای کابینه‌خود اخطارکرد بدون اطلاع قبلی اوبا امپراطورواردمذاکره نشوند. در ۱۵ مارس ۱۸۹۰ ویلهلم دوم به‌بیسمارك اخطارنمود که ازمزایای آئین‌نامه ۱۸۶۲ صرف نظر کند وچون بیسمارك‌جوابی به‌فرستاده امپراطورنمیداد فرداوپس‌فردای آنروزاین پیغام تکرارشدتااینکه بالاخره‌در ۲۷ مارس ۱۸۹۰ دوکاپریوی(۱) بجای بیسمارك بصدارت عظمی آلمان انتخاب گردید.

ازموقعیکه بیسمارك صدراعظم آلمان شده بود تاتاریخ عزلش بابنانهادن‌اساس امپراطوری آلمان سعی‌بسیاری دراستحکام بنیان این‌امپراطوری وپیشرفت اقتصاد و تجارت آلمان بکاربرده‌بودملت آلمان که دربحبوحه‌ترقی سیرمیکردباوعده‌هائی که امپراطورآلمان داده وتعقیب سیاست بیسمارك‌رانصب‌العین خود قرارمیداد توجهی به عزل بیسمارك‌ننمود مخصوصاً که ویلهلم‌دوم‌ظواهرامررا کاملارعایت کرده‌اززحمات‌و خدمات برجسته بیسمارك قدردانی‌بعمل آورده وبملت‌خود اطمینان میدادتغییری در سیاست عمومی کشورنخواهد داد. انتخاب‌دوکاپریوی هم‌بجانشینی‌بیسمارك‌ازهمین نظربود که مردم تصورکنند سیاست بیسمارك تعقیب خواهد شد ولی از همان اوان امپراطورآلمان‌خیالات دیگری درسرداشت رئیس ستاد ارتش آلمان‌والدرسه(۲) نیز

Georges-Léon, Comte de Caprivi de Caprera di Montecuccoli (۱) (۱۸۳۱-۱۸۹۹) سرداروسیاستمدارپروس - درجنك برضداتریش‌وفرانسه‌شرکت کرد- در ۱۸۸۳ رئیس بحریه آلمان - در ۱۸۹۰ بجانشینی بیسمارك انتخاب وتـا سال ۱۸۹٤ صدراعظم آلمان بود.

(۲) Alfred Comte de Waldersee (۱۸۳۲-۱۹۰٤) فلدمارشال پروس - در جنگهای ۱۸۶۶ و ۱۸۷۰ شرکت داشت - در ۱۸۸۸ رئیس‌ستاد ارتش آلمان‌شد-در ۱۹۰۰ بسمت فرماندهی ارتش اروپائی اعزامی بچین تعیین گردید.

بادرنظر گرفتن بیماری فردریك سوم بیسمارك تمام همش راصرف تربیت ویلهلم دوم کرده بود . امپراطورجدید آلمان که بیشتراوقاتش رادرارتش میگذرانیدقبل از رسیدن بسلطنت طرف توجه بیسمارك واقع شده وحتی درموقع سلطنت فردریك سوم بیسمارك نقشهٔ طرح کرد که او سلطنت را دردست بگیرد . ویلهلم دوم نیز که حس جاه طلبی زیادی داشت خیالات دورودرازی برای عظمت آلمان درسرمیپرورانید واز هیچگونه عملی چه اعمال زورچه توسل به خدعه وفریب ابانداشت بدین جهت بظاهر اموراهمیت زیادی داده ودرتمام مواقع کاملا مواظب حرکات ورفتار خود بود .

برای جلب نظر دول اروپا ویلهلم دوم درشروع سلطنت خودتصمیم گرفت مسافرتهائی بدربارهای اروپا بنماید برنامه این مسافرتها نیز طبق دستوربیسمارك انجام گرفت و دربدوامر مانند اسلاف خود زمام امورزا باختیاربیسمارك گذاشت. ولی بعد ازیکسال امپراطورجدید آلمان که میخواست بااقدامات خودجلب توجه عمومی رابنمایدشروع بمداخله درامورمملکت نموده وسعی میکند ازاختیارات بیسمارك بکاهدنتیجه این کار بروزاختلاف بین امپراطوروصدراعظم آلمان گردید. ازماه اوت ۱۸۸۹ ویلهلم دوم گرچه ظاهراً احترام زیادی نسبت به بیسمارك معمول میدارد درباطن وسائل دورنمودن او رافراهم آورده وباتعویض مشاورین خود برعلیه بیسمارك مشغول فعالیت میشود . در اول مه ۱۸۸۹ اعتصابی دربین کارگران معادن وستفالی (۱) رخ داد ویلهلم اول برای جلب قلوب وپیدا کردن محبوبیت درمیان افرادملت درصددبر آمد قانونی بنفع کارگران ازمجلس رایشتاك بگذراند . صدراعظم پیر آلمان که درافکاروعقاید خودراسخ بودبا نظرامپراطورمخالفت کرده واورا تهدید به دادن استعفا ازمقام خودنمود . ویلهلم دوم ناچارنظریه بیسمارك راقبول کرد امادراثر تحریکات اومجلس رایشتاگ در ۲۵ ژانویه ۱۸۹۰ طرحی راکه بیسمارك برعلیه سوسیالیست ها تنظیم کرده بود رد نمود.در ۳۱ ژانویه نیزعده ازوزراء برخلاف میل بیسمارك بطرف طرح پیشنهادی ازطرف امپراطور آلمان متمایل گردیدند .

(۱) Westphalie

ازسال ۱۸۹۰ امپراطور آلمان برای تثبیت اقتدار آلمان بفکر ایجاد بحریه‌قوی‌افتاد وچون درنتیجه حملات بیسمارك دو کاپریوی ضعیف شده واعتبارخودرا ازدست‌داده بود پرنس دوهوهنلورا که ازخانواده‌های قدیمی ومسن و دارای اعتبار زیادتری در نزد اهالی آلمان بود بصدارت انتخاب کرد . برای تقویت بحریه آلمان نیز آمیراك تیرپیتز(۱) وزیربحریه شد .

در ژانویه‌۱۸۹۵ برای توسعه متصرفات افریقای جنوبی آلمان بحریه آلمان دو کشتی جنگی به‌خلیج دلاگولا(۲) اعزام داشت در موقع حمله جمسون(۳) در ۳ ژانویه امپراطور آلمان‌تلگرافی به کروگر(۴) مخابره کرد که‌شرح آن بعداً خواهد آمد ولی نتیجه این امرباعث خشم وغضب عمومی در انگلستان گردیده وامپراطور آلمان مجبور گردید ازملکه انگلستان معذرت بخواهد .

در۱۸۹۶ امپراطوو آلمان متوجه قضایای خاور دور گردید برای ازبین‌بردن

---

(۱) Alfred von Tirpitz (۱۸٤۹-۱۹۳۰) دریاسالارآلمانی - رئیس ستاد بحریه آلمان‌در۱۸۹۲ - در۱۸۹۸ وزیربحریه آلمان - دریاسالار در۱۹۰۳-دریاسالار بزرك آلمان در ۱۹۱۱ - تاجنك ۱۹۱٤ زحمات‌زیادی برای توسعه بحریه آلمان کشیده‌وآنرا بمقام درجه دوم دردنیا رسانید-در۱۹۱٦ مجبور باستعفاشد - از۱۹۲٤ تا ۱۹۲۸ نماینده مجلس رایشتاك ،

(۲) Delagola

(۳) Leander starr,Jameson (۱۸۵۳-۱۹۱۷) پزشك ومأمورسیاسی انگلستان پزشك ودوست سسیل‌رود-دراقدامات برای‌توسعه متصرفات افریقای جنوبی‌شرکت کرد-در۱۸۹۵ به‌ژوهانسبورك حمله‌بردتااین شهررا بطورغافل‌گیری تصرف کند - ازبوئرها شکست خورد وتسلیم انگلستان گردید - درانگلستان محاکمه ومحکوم به‌۱۵ماه حبس شد بزودی آزاد وعملیات خودرا ازسر گرفت - نخست وزیرافریقای جنوبی در۱۹۰٤

(٤) Kruger (۱۸۲۵-۱۹۰۵) رئیس بوئرها .

باافکاروعقاید خود نصایح کشور گشائی بامپراطور آلمان میداد .

صدراعظم جدید آلمان دو کاپریوی نیز درتعقیب سیاست بیسمارك سعی کرد اتحاد دول دیگررا بطرف آلمان جلب کند مثلا برای رفع اختلافات باانگلستان زنگبار رادر عوض تصرف جزیره هلیگولاند(۱) به اختیار انگلستان گذارد - جهت بدست آوردن اطمینان اتریش پیمان باروسیه‌راتجدید نکرد. درنوامبر ۱۸۹۰ برای تجدید پیمان اتحادمثلث قبل‌ازموعد انقضای آن بمیلان بملاقات کریسپی‌رفت‌وچون دراواخرژانویه ۱۸۹۱باسقوط کابینه کریسپی افکارایتالیائیها متوجه فرانسه گردید صدر اعظم آلمان اقدامات خود را تسریع کرده و با حاضر نمودن اتریش بشناختن مزایائی برای ایتالیائیها درماه مه۱۸۹۱ یکسال قبل ازموعد اتحاد مثلث‌تجدیدشد.

ویلهلم دوم تصورمیکرد با دیپلوماسی شخصی وبا اظهارات عوام فریبانه خود بتواند نظرموافق روسیه وفرانسه را نسبت بآلمان جلب کند باینجهت در مانور های نظامی ناروا(۲) در۱۸۹۰ توجه زیادی نسبت به تزارروسیه آلکساندر سوم معطوف داشت برای تحبیب فرانسویها نسبت به آنها روی خوش نشان داده ودر ۱۸ فوریه ۱۸۹۱ مادر و خواهر خود را بعنوان دیدن هنرهای زیبای فرانسه بپاریس فرستاد اقدامات ویلهلم دوم‌چه‌نسبت‌بروسیه وچه نسبت بفرانسه فایده نکرد وحتی درفرانسه نتیجه معکوس بخشید . درماه مه۱۸۹۱ نیزبا ورود ملوانان فرانسه به‌بندر کرنشتاد اساس اتحاد روسیه وفرانسه مستحکم گردید .

درمقابل تهدید اتحاد فرانسه‌وروسیه‌ویلهلم‌دوم‌رایشتاگ‌رامجبورنمودبنفرات ارتش‌آلمان درزمان صلح ۸۰۰۰۰ نفربیفزاید ودر نطق هائی که ایراد میکرد در عین حالی که قدرت وقوت آلمان را برخ جهانیان میکشید دم ازصلح خواهی میزد

---

(۱) Heligoland

(۲) Narva

ودر ۱۵ فوریه ۱۸۹۵ امپراطور آلمان دول روسیه وفرانسه رابرای جشن افتتاح کانال کیل[۱] دعوت کرد . امپراطور آلمان تصور مینمود که چون فرانسویها دعوت دولت آلمان راقبول نخواهند کرد درروابط آنها باروسها شکافی ایجاد خواهدشدچه دراین موقع ژیرفوت نموده ولوبانوف[۲] که یکی ازموافقین جدی اتحادبافرانسه بودبتحریك ملکه مادر تزار روسیه ازنظر افتاده بود جانشین موقتی ژیر نیز قدرت لازم رابرای اداره سیاست خارجی روسیه وراهنمائی تزارجوان و بی تجربه روسیه نداشت بایـن جهات تزار روسیه بدون مشاوره بادولت فرانسه دعوت امپراطور آلمان راقبول کرد در صورتیکه فرانسویها قبل از اعلام تصمیم خود بادولت روسیه وارد مذاکره شدند دراین بین در ۲۷ فوریه لوبانوف به‌جانشینی ژیر تعیین شد امپراطور آلمان نیز که از این تصمیم ناگهانی تزار روسیه فـوق العاده متغیرشده تصورات خود را نقش برآب میدید سفیرخودرا ازپطرزبورك احضار نمود .

لوبانوف برای اینکه دعوت به‌جشن افتتاح کانال کیل موجب نقاری بین فرانسه وروسیه نشود دولت فرانسه‌راترغیب بقبول دعوت آلمان کرد وچون برای فرانسویها مشکل بود درجشنی که عظمت دشمن قدیمی آنها راتأییدمیکرد شرکت کنندبرای تسکین احساسات عمومی مذاکراتی بین‌دولتین فرانسه وروسیه جریان یافت تابملت فرانسه چنین وانمود شود شرکت دراین‌جشن برای نگاهداری اتحاد فرانسه‌باروسیه لازم است تزار روسیه نیز که تا آنـوقت این اتحاد را سری نگـاه میداشت به افشاء آن رضایت داد باین ترتیب نقشه امپراطور آلمان که در بدوامر برای ایجاد تفرقه بین دولت فرانسه و روسیه بود بـاعث گردید کـه در موقعی کـه فرانسه در جشن افتتاح کانال کیل شرکت میکرد در پارلمان فـرانسه اتحاد فرانسه و روسیه رسماً

---

(۱) Kiel

(۲) Lobanov سیاستمدار روسی

مزایای پیمان شیمونوزاکی[1] دخالت درروابط چین وژاپن نمود و کشتیهای آلمانی بعنوان حفاظت مسیحیان در دسامبر ۱۸۹۷ تحت فرمان پرنس هانری[2] رهسپار آبهای چین گردید . یکسال بعد امپراطور آلمان باجاه وجلال بسیار مسافرتی به بیت المقدس کرد. کشیشان آلمانی این مسافرت رابه مسافرتهای صلیبیون تشبیه کردند درصورتیکه ویلهلم دوم برای جلب نظر دولت عثمانی ملاقات صمیمانه نیزباسلطان عبدالحمید دشمن مسیحیان بعمل میآورد .

منظورویلهلم دوم ازاین تظاهرات بیشترجلب نظر واعتماد اهالی آلمان بود بارونق اقتصادی که صنایع آلمان پیدا کرده بود نمایشات امپراطورآلمان درنزدملت مؤثرواقع واطمینان اهالی آلمان نسبت بسیاست حکومت جلب گردیدفقط اتحادفرانسه وروسیه که مانع برتری آلمان وجلوگیری از تهاجمات احتمالی آلمان میشد خیال ویلهلم دوم راناراحت ساخته وبرای ازبین بردن این تهدید امپراطور آلمان از هیچ اقدامی فروگذار نمیکرد باین جهت درسال ۱۸۹٤ ازاقدامات مالی که برعلیه روسیه بعمل آمده بود دست برداشت وحاضرشد نسبت بروسیه در امور تجارتی و راجع بهبغازها تسهیلاتی قائل شود ولی الکساندرسوم تحت تأثیرویلهلم دوم قرارنگرفت و مناسبات دوستانه خودرا با فرانسه ادامه داد .

فوت الکساندرسوم وسلطنت نیکلای دوم که هم جوان وبی‌تجربه وهم‌دوست وقوم خویش ویلهلم دوم بود امپراطورآلمان را امیدوارساخت که بزودی‌تزارروسیه تحت نفوذ اوقرار خواهد گرفت . بمحض اینکه درنوامبر ۱۸۹٤ نیکلای دوم تزار روسیه گردید باب مکاتبات دوستانه بین امپراطورآلمان وتزار روسیه مفتوح گردید

---

(۱) Shimonosaki

(۲) Albert-guillaume'prince Henri (۱۸٦۲–۱۹۲۹) برادرویلهلم دوم امپراطورآلمان– دربحریه آلمان خدمت ودرسال ۱۸۹۷ بفرماندهی ناوگان اعزامی بخاور دورتعیین شد .

وصریحاً بدولت روسیه خاطرنشان نمود که اقداماتی که خارج ازپیمان اتحادصورت گیرد بدون موافقت قبلی تعهدی برای فرانسه ایجاب نخواهند کرد . باین ترتیب در قضیه ارامنه سیاست فرانسه مانع ازبروزبحران بین دول اروپا گردید وباوجودتحریکات آلمان درسال ۱۸۹۶ تزار روسیه مسافرتی بفرانسه کرد درسال ۱۸۹۷ هم رئیس جمهور فرانسه بدیدار تزار روسیه رفت و در نتیجه اتحاد فرانسه و روسیه علیرغم سیاست ویلهلم دوم مستحکم گردید .

همانطوریکه ویلهلم دوم سعی مینمود با نزدیك شدن بروسیه این دولت را از فرانسویها دورسازد چندین مرتبه نیزسعی نمود این سیاست رانسبت بفرانسویها بکار برد مثلا درسال ۱۸۹٤ بدولت فرانسه پیشنهاد نمود راجع به اختلافاتی که درباره نیل علیا پیدا شده بودمتفقاً اقداماتی برای حفظوضع فعلی درافریقا بعمل آورند ولی بعداً ازتصمیم خود منصرف شده ودولت فرانسه را درنیمه راه تنها گذارد.درسال ۱۸۹٦ نیز امپراطور آلمان ازدولت فرانسه دعوت نمود برای جلوگیری ازتوسعه امپراطوری انگلیس درجنوب افریقا اقداماتی بعمل آورند ولی این دفعه فرانسوی ها دیگر حاضر نشده و پیشنهاد آلمان رابسردی تلقی کردند در ۱۸۹۸ بازامپراطور آلمان از دولت فرانسه مخفیانه دعوت نمود مستعمرات پرتقال را درافریقاتقسیم کنند . این بارهم دولت فرانسه دعوت ویلهلم دوم را رد کرد در همین سال بین فرانسه وانگلستان اختلافاتی درباره قضیه فاشودا[۱] رخداد وویلهلم دوم امیدوارشد این اختلافات وسعت پیدانمایندولی بازامید امپراطور آلمان مبدل بیأس گردید .

باوجودتمام شکستهای سیاسی که نصیب امپراطور آلمان میگردیدترقی فوق العاده صنایع واقتصاد آلمان ویلهلم دوم رابعظمت آلمان مغرور کرده وبعدازفتوحات بیسمارك که مقام مهمی را برای آلمان دراروپا بدست آورده بود امپراطور آلمان بخیال تقویت بحریه آلمان افتاد تاسیادت خودرابردنیا تحمیل کند باین جهت درسال ۱۸۹۷ پرنس

---

(۱) Fachoda

اعلام گردد .

ویلهلم دوم بعد ازعدم موفقیت در قضیه کیل روسیه را ترغیب نمود که برضد ژاپونیها که درچین فاتح شده بودند اقداماتی بعمل آورد باین امید که فرانسویهااز کمك خود دراین موضوع بروسیه دریغ خواهند کرد ولی برخلاف تصورامپراطور آلمان دولت فرانسه درتظاهراتی که برضد ژاپن صورت گرفت شرکت کرد و نقشه ویلهلم دوم بهنتیجه نرسید .

درسپتامبر۱۸۹۵ پرنس لوبانوف وعدهٔ ازافسران روسی درمانورارتش فرانسه که درناحیه لورن انجام گرفت حضورپیدا کرده وازطرف فرانسویان با گرمیزیادی پذیرائی شدندویلهلم دوم دراین موقع نامهخصوصی به تزارروسیه نوشته وسعی کرد نیکلای‌دوم‌را ازاقدامات فرانسویان وحس انتقامجوئی آنها بترساند تزار روسیهتحت تأثیر تلقینات‌ویلهلم دوم قرارنگرفت ولی‌قضیه ارامنه ودولت عثمانی که فرانسه‌رابین دوسیاست متضاد انگلستان وروسیه قرارداده بود بـاعث خوشحالی امپراطور آلمان گردید چه در۱۸۹۵ در نتیجه کشتارهای متوالی ارامنه دولت انگلستان بفکرافتاد بمعیت اتریش وایتالیا اقدام دسته جمعی بعمل‌آورد وسلطان عثمانی راخلع نمایند. دولت آلمان که منتظرفرصت بودبه تزار روسیه نامه مجددی نوشته و کمك خودرا درصورت لزوم بدولت روسیه پیشنهاد کرد ،

دولت روسیهباوجود پیشنهاد های امپراطور آلمان کهحتی حاضربتقسیم‌دولت عثمانی بین اتریش و روسیه بود اتفاق نظرخـود رابا فرانسه از دست نداد واز دولت فرانسه درخواست نمود بمعیت یکدیگراعلام نمایند که باتعقیب مقاصد خصوصی‌در دولت عثمانی‌مخالفت خواهند کرد . ضمناًدولت‌روسیه تصمیم بهتجهیزصدهزارسرباز گرفت مشاورین تزار روسیه نیزاورا ازمقاصد امپراطور آلمان که ایجاد اختلاف‌بین روسیه وفرانسه بودآگاه کردند و در نتیجه دولت روسیه برای شروع بهاقدامات در دولت عثمانی وارد مذاکره بافرانسه گردید . دولت فرانسه برعکس آلمان درعوض تقسیم عثمانی دولت روسیه را تشویق بهنگاهداری سکون و آرامش دربالکان نمود

فهرست مطالب

مقدمه	از صفحه ۱ تا ۳

جلد اول

جنبش ملل اروپا و تأسیس دول جدید

(۱۸۵۶-۱۹۰۰)

فصل اول

دول مهم جهان در نیمه دوم قرن نوزدهم

انگلستان ـ فرانسه ـ اتریش ـ پروس ـ دول آلمان ـ روسیه ـ عثمانی ـ ایتالیا ـ یونان ـ اسپانیا و پرتقال ـ دول اسکاندیناوی ـ دول متحده امریکای شمالی ـ کانادا ـ مکزیک ـ امریکای جنوبی ـ افریقای جنوبی ـ استرالیا ـ ژاپن ـ چین ـ ایران
از صفحه ۷ تا ۲۹

فصل دوم

کنگره صلح پاریس (۱۸۵۶)

جنگ کریمه ـ بیطرفی پروس ـ تردید اتریش ـ ورود دولت ساردنی درجنگ ـ تسخیر سباستوپول ـ اولتیماتوم متفقین ـ قبول آن ازطرف روسیه ـ دولی که در کنگره شرکت کردند ـ افتتاح کنگره صلح درپاریس ـ پیمان صلح ـ موضوعهای دیگری که در کنگره موردبحث قرار گرفت ـ نتایج کنگره پاریس وجنگ کریمه از صفحه ۳۰ تا ۳۶

دوبولو(۲) را که شاگرد مکتب بیسمارك وجوان تراز پرنس دوهوهنلوبودبدواُوزیر خارجه ودرسال ۱۹۰۰ صدراعظم آلمان نمود تابتواند نقشه فرمانروائی آلمان را بر دنیا تحمیل کند .

(۱) Bernard'prince de Bulow (۱۸۴۹-۱۹۲۹) سیاستمدار آلمانی-از ۱۸۷۰ وارد خدمت دولتی شد - وزیر خارجه آلمان در ۱۸۹۷- طرفدار توسعه مستعمراتی واقتصادی آلمان - صدراعظم آلمان از ۹۰۰ تا ۱۹۰۹- سفیر کبیر آلمان درایتالیا در ۱۹۱۵- سعی بسیاری برای حفظ موافقت ایتالیا باآلمان بعمل آورد ولی به نتیجه نرسید .

فصل ششم

مقدمات وحدت آلمان

کنفدراسیون ژرمانیك ـ اتحاد گمرکی ـ اقدامات آزادیخواهان ـ انقلابات سال ۱۸۴۸ ـ اتحادیه دول آلمان شمالی ـ اولموتز ـ سیاست پروس درجنك کریمه ـ بیسمارك مسافرتهای بیسمارك ونظریات سیاسی او ـ تهدید شاهزادگان آلمان واتریش ـ شورش لهستان ـ قضیه دوشه‌ها ـ اشغال دوشه ها ـ کنفرانس لندن ـ پیمان صلح با دانمارك ملاقات بیارتیز ـ جلب نظر ایتالیا ـ پیمان گاستین ـ ملاقات بیارتیز ـ تحریکات پروس و اتریش دردوشه‌ها ـ اتحاد پروس وایتالیا ـ تردیدناپلئون سوم ـ مقدمات حمله پروس سادوآ ـ پیمان صلح پراك ـ واگذاری ونیز بایتالیا ـ ازبین رفتن کنفدراسیون ژرمانیك تشکیل دول متحده آلمان ـ مقدمات تأسیس امپراطوری آلمان . ازصفحه ۷۲ تا ۸۷

فصل هفتم

اروپا بین دوجنك

تردید امپراطور فرانسه ـ سوءتدبیر ناپلئون سوم ـ تقاضای تصرف بلژیك ـ پیشنهاد فروش لوکزامبورك ـ شکست سیاست فرانسه ـ کنفرانس لندن ـ برقراری رژیم آزادی در فرانسه ـ سیاست اتحاد اسلاو ـ شورش کرت ـ ملاقات سالزبورك ـ کنفرانس پاریس وختم شورش کرت ـ طرح اتحاد بین اتریش وفرانسه وایتالیا ـ عدم تصمیم ناپلئون سوم ازصفحه ۸۸ تا ۹۷

فصل هشتم

جنك فرانسه وآلمان در ۱۸۷۰

برقراری رژیم آزادی درفرانسه ـ ازبین رفتن حیثیت ناپلئون سوم ـ علل لزوم

فصل سوم

فرانسه و ناپلئون سوم بعد از جنگ کریمه

اهمیت فرانسه بعد ازجنگ کریمه - عقاید ناپلئون سوم- امورایتالیا - قضایای رومانی- سوءِ قصد اورسینی- جنگ بااتریش- عدم توافق نظربادولت ساردنی - تصرف نیس وساووآ - اقدامات برای جلب نظر کاتولیکها-تحریکات ناپلئون سومدررومانی وسربستان - شورش لهستان - مداخله درامورمکزیك - عدم موفقیت سیاست ناپلئون سوم درداخله وخارجه . از صفحه ۳۷تا۴٦

فصل چهارم

تأسیس دولت رومانی

آمال وآرزو های اهالی رومانی - تصمیم کنگره پاریس - تحریکاتاتریش و عثمانی- انتخابات اول رومانی - قطع روابط فرانسه با عثمانی - ملاقات ناپلئون سوم ازملکه انگلستان وتزار روسیه - ابطال انتخابات رومانی وانتخابات مجدد - انتخاب الکساندر کوزا با مارت مولداوی و والاشی - تأسیس دولت رومانی - کناره گیری الکساندر کوزا - انتخاب پرنس شارل دوهوهنزولرن بپادشاهی رومانی .
ازصفحه ٤٧تا٥٢

فصل پنجم

وحدت ایتالیا

رویه پاپ- کاوور و عقاید او-جنگ کریمه - شرکت ساردنی در کنگره صلح تبلیغات کاوور- اعتراض اتریش - سیاست ناپلئون سوم ملاقات پلومبیر - پیمان ساردنی وفرانسه - رویه مسالمت آمیزاتریش - طرح تشکیل کنگره-اولتیماتوماتریش-جنگ بااتریش ترك مخاصمه ویلافرانکا - الحاق دوشه‌های مرکزی ایتالیا بدولت‌ساردنی و نیس وساووا بفرانسه - پادشاه ناپل وشورش سیسیل - حمله گاریبالدی - سقوط ناپل وتظاهرات ایتالیائیها - شکست‌پاپ - ایتالیای‌جدید - فوت کاوور- تقاضای تصرف رم پیمان سپتامبر۱۸٦٤ - اتحاد پروس وایتالیا - تردید ناپلئون سوم - الحاق‌ونیزبایتالیا تصرف شهررم . ازصفحه ٥۳تا۷۱

فصل یازدهم

مصر و انگلستان

دیسرائیلی - توسعه امپریالیسم انگلستان- مصر وحفر ترعه سوئز-خریداری سهام ترعه‌سوئز- تصفیه قروض مصر- استقرار نفوذ انگلستان - خلع اسماعیل پاشا کابینه گلادستون-اقدامات ملیون-عربی‌پاشا-عدم‌مداخله فرانسه- زیاده روی عربی پاشا- کنفرانس قسطنطنیه-بمباران اسکندریه - اشغال مصر توسط انگلیسها- شورش درویشان‌درسودان- کنفرانس لندن-سقوط خارطوم - کنفرانس پاریس-سقوط کابینه گلادستون-اتفاق انگلستان وعثمانی - حمایت انگلستان برمصر ختم-شورش سودان

از صفحه ۱۳۸ تا ۱۵۲

فصل دوازهم

اتحاد مثلث

بیسمارك داوراروپا - اتحاد آلمان واتریش - جلب نظردولت عثمانی-مناطق نفوذ اتریش وروسیه‌دربالکان - الحاق‌روملی ببلغارستان-جنك‌سرب‌وبلغار-استعفای الکساندردوباتنبرك-اتحاد آلمان‌واتریش‌وایتالیا(اتحادمثلث)-تشویق‌توسعه‌مستعمراتی فرانسه-شروع رویه‌تهدیدآمیزنسبت بفرانسه - تبلیغات ژنرال بولانژه-قضیه شنوبله ملاقات‌سکرینوس - تهدید به‌انگلستان - پیمان انگلستان وروسیه-اتفاق‌نظرآلمان وانگلستان-تجدید اتحادمثلث-نگاهداری وضع‌فعلی دربالکان - تجدید اختلافات راجع به‌بلغارستان - سیاست بیسمارك و روسیه - نزدیکی فرانسه وروسیه - فوت ویلهلم اول .

از صفحه ۱۵۳ تا ۱۶۷

فصل سیزدهم

اتحاد فرانسه وروسیه در پایان قرن نوزدهم

شروع سلطنت الکساندر سوم - تمایل روسیه بفرانسه - تهدیدات بیسمارك نزدیکی‌فرانسه وروسیه - تظاهرات کرونستاد - تنظیم نامه‌های اتحاد-تعهدات‌نامها طرح پیمان نظامی‌روسیه‌وفرانسه-اشکال تأییدآن‌ازطرف فرانسه - تأخیردرامضای پیمان-امضای پیمان-سلطنت‌نیکلای دوم کنفرانس‌لاهه .از صفحه ۱۶۸ تا ۱۷۵

جنك - پیشنهاد سلطنت اسپانیا - اعتراض فرانسه - ملاقات امس - تلگراف امس تحریك احساسات عمومی - اعلان جنك - ازبین رفتن امیدهای فرانسه-عدم موافقت با واگذاری رم - انتشارطرح تصرف بلژیك - شکست فرانسه - اتحادیه بیطرفی حکومت‌دفاع‌ملی- مسافرت‌سیاسی‌تیر-اقدامات ژول‌فاور-تسلیم بازن- اعلامیه روسیه ونقض بیطرفی دریای سیاه - کنفرانس لندن و عدم حضور نماینده فرانسه - ترك مخاصمه - کمون - پیمان صلح فرانکفورت - تشکیل امپراطوری آلمان.

ازصفحه ۹۸تا۱۱۲

فصل نهم

مقدمات اتحاد آلمان واتریش

سیاست بیسمارك بعد ازجنك بافرانسه-ضعیف‌نگاهداشتن فرانسه-طرح‌اتحاد آلمان‌واتریش-ملاقاتهای‌سالزبورك‌و گاستین-عزل‌بوست-کولتور کامف-سلطنت‌آمده اول دراسپانیا- ملاقات سه امپراطور دربرلن - نتایج ملاقات سه امپراطور - استعفای تیر- تشویش ویکتورامانوئل - نزدیکی ایتالیا بااتریش وآلمان- رد سلطنت فرانسه ازطرف کنت دوشامبورد- اعتراض‌بیسمارك بدولت فرانسه- توافق روسیه و انگلستان سلطنت الفونس دوازدهم - استقرارجمهوری در فرانسه - تهدید بیسمارك - اعتراض انگلستان وروسیه - توجه بیسمارك بخطراتحاد روسیه وفرانسه **ازصفحه ۱۱۳ تا۱۲۳**

فصل دهم

مسائل شرق و کنگره برلن ۱۸۷۸

تقاضاهای اسلاوها - تبلیغات اتحاد اسلاو- لغوبیطرفی دریای سیاه - همکاری اتریش وروسیه - فساد حکومت‌عثمانی-شورش‌هرزه گوین-میانجیگری‌اتریش-وعده های دولت‌عثمانی-سلطان عبدالحمیددوم -اعلان‌جنك سربستان ومونتگرو-شکست سربها-موافقت اتریش وروسیه- تقاضای ایگناتیف - کنفرانس‌قسطنطنیه - یادداشت دول اروپا وروسیه-اعلان‌جنك-فتح‌روسیه-ترك‌مخاصمه- پیمان‌سان‌استنفانو-مخالفت انگلستان واتریش - عذر تراشی بیسمارك - کنگره برلن - تصمیمات کنگره - نتایج کنگره برلن.

ازصفحه ۱۲۴ تا۱۳۷

غلطنامه

ص	سطر	غلط	صحیح
۱۰	۳	دوراشت	دور داشت
۱۲	۱۷	جنبه مثبی نداشت	جنبه مثبتی نداشت
۱۲	۱۲	درلت	دولت
۱۹	۱	اسکاندینارها	اسکاندیناوها
۲۲	۱۸	متقین	متفقین
۱۳	۱	مفنوح	مفتوح
۲۶	۱۶	خوداری	خودداری
۲۷	۱۲	اروبا	اروپا
۲۹	۱۱	آورند	آوردند
۳۳	۶	چرن	چون
۴۲	۴	خیلی	خیال
۴۲	۴	دول متحده	دول متحده‌ای
۴۴	۹	وسیه	روسیه
۵۱	۱۹	انتخاپ	انتخاب
۵۲	۱۵	خوم	خود
۵۲	۱۵	مجتور	مجبور
۵۶	۱۵	ایتالیات	ایتالیا
۷۴	۲۲	وا	را
۸۰	۱۵	۱۳۰اکتبر	۳۰ اکتبر
۸۱	۲۳	Bendsbourg	Rendsbourg
۸۲	۱۲	بآسایی	بآسانی
۸۲	۱۶	تهترین	بهترین
۸۴	۱۷	کنندراسیون	کنفدراسیون
۸۵	۷	وا	را
۸۵	۱۲	بروش	پروس
۸۶	۱۹	تاکثریت	باکثریت
۸۸	۱	شوء تدبیر	سوء تدبیر
۸۸	۶	مبعوتان	مبعوثان
۸۸	۱۵	امیراطور	امپراطور
۹۰	۸	ایتانیا	ایتالیا
۹۰	۱۰	تادیخ	تاریخ
۹۰	۱۷	تاروموقع	تادرموقع
۹۱	۲۰	ژومالیك	ژرمانیك
۹۳	۱۰	افشا	فشار
۹۳	۱۴	ناپلئون‌را باربیرو	ناپلئون‌را بالا برد

ص	سطر	غلط	صحیح
۹۴	۱۱	تبلیغای دولت روسیه	تبلیغات دولت روسیه
۹۴	۱۲	روات عثمانی	دولت عثمانی
۹۴	۱۵	درلت انگلستان	دولت انگلستان
۹۵	۱۶	فرانشوازوف	فرانسواژوزف
۹۶	۷	دیسرائیلی	دیسرائیلی
۹۶	۹	اولتیماتوی	اولتیماتومی
۹۶	۱۸	کانولیکها	کاتولیکها
۱۰۱	۴	بنویه	بنوبه
۱۰۱	۶	انتوان	انتوان
۱۰۱	۸	بزای	برای
۱۰۱	۸	استمقا	استعفا
۱۰۱	۲۱	اطهار	اظهار
۱۰۴	۱۲	بواگذری	بواگذاری
۱۰۷	۴	نمام	تمام
۱۱۰	۱۳	صلج	صلح
۱۱۱	۴	بعنون	بعنوان
۱۱۷	۱۴	نیر	نیز
۱۱۹	۱۳	کوتاه‌ی	کوتاهی
۱۲۱	۱	دوك‌ددنمبورك	دوك‌وادمبورك
۱۲۳	۳	تاریچ	تاریخ
۱۲۵	۳	رقیب	رقیت
۱۲۵	۱۹	فرانسواژوزی	فرانسواژوزف
۱۲۵	۲۰	سناف	سنای
۱۳۵	۲۳	دیز	دیر
۱۳۶	۲۴	بسنی رهرزه کوین	بسنی وهرزه گوین
۱۳۸	۹	انگلستای	انگلستان
۱۳۸	۳	گلادسیون	گلادستون
۱۳۹	۱۵	فردینانددولیس	فردینانددولسپس
۱۴۵	۹	طاعت	اطاعت
۱۶۷	۹	اوویا	اروپا
۱۷۶	۲	پیشنادات	پیشنهادات
۱۸۵	۱۹	Vcnizelos	Venizelos
۱۸۸	۶	عبدالجمید	عبدالحمید

فصل چهاردهم

عثمانی واروپا

سلطنت سلطان عبدالحمید دوم - مسئله ارامنه - سیاست روسیه نسبت بارامنه قتل‌عام ارامنه - تقاضای ایتالیا - پیشنهادات دول اروپا - ادامه کشتار ارامنه - اختلاف نظر روسیه وانگلستان - میانجیگری دولت فرانسه - قتل‌عام مجدد ارامنه - عدم کمک دول اروپا بارامنه - مسئله کرت - دخالت یونان واروپا - مسئله مقدونیه - رفع خصومت بلغارستان وروسیه - توافق نظر روسیه واتریش درامور بالکان - جنگ عثمانی ویونان - تعهد نگاهداری وضع فعلی دربالکان ازطرف روسیه واتریش - ترک مخاصمه یونان وعثمانی - شورش مقدونیه موافقت نامه مورزتك - نهضت جوانان ترك .

ازصفحه ۱۷۶ تا ۱۸۸

فصل پانزدهم

ویلهلم دوم وسیاست آلمان

سلطنت صدروزه فردریك سوم - سلطنت ویلهلم دوم - اختلاف نظر بین امپراطور وصدراعظم - عزل بیسمارك - صدارت دو کاپریوی - سیاست شخصی ویلهلم دوم - تظاهرات امپراطور آلمان - صدارت هوهنلو - تقویت بحریه آلمان - دخالت درامور مستعمراتی وخاوردور - نمایشات ویلهلم دوم - افتتاح کانال کیل - اعلام اتحاد روسیه وفرانسه - تفتین درمناسبات فرانسه و روسیه - تحریکات آلمان در سیاست فرانسه - صدارت دوبولو .

ازصفحه ۱۸۹ تا ۱۹۸

انتشارات دانشگاه تهران

۱ -	وراثت (۱)	تألیف دکتر عزت‌الله خبیری
۲ -	A Strain Theory of Matter	» » محمود حسابی
۳ -	آراء فلاسفه دربارهٔ عادت	ترجمهٔ » برزو سپهری
٤ -	کالبدشناسی هنری	تألیف » نعمت‌الله کیهانی
٥ -	تاریخ بیهقی جلد دوم	بتصحیح سعید نفیسی
٦ -	بیماریهای دندان	تألیف دکتر محمود سیاسی
۷ -	بهداشت و بازرسی خوراکیها	» » سرهنگ شمس
۸ -	حماسه سرائی در ایران	» » ذبیح‌الله صفا
۹ -	مزدیسنا و تأثیر آن در ادبیات پارسی	» » محمد معین
۱۰ -	نقشه برداری جلد دوم	» مهندس حسن شمسی
۱۱ -	گیاه شناسی	» حسین گل گلاب
۱۲ -	اساس‌الاقتباس خواجه نصیرطوسی	بتصحیح مدرس رضوی
۱۳ -	تاریخ دیپلوماسی عمومی جلد اول	تألیف دکتر حسن ستودهٔ تهرانی
۱٤ -	روش تجزیه	تأ » » علی‌اکبر پریمن
۱٥ -	تاریخ افضل - بدایع الازمان فی وقایع کرمان	فراهم‌آوردهٔ دکتر مهدی بیانی
۱٦ -	حقوق اساسی	تألیف دکتر قاسم زاده
۱۷ -	فقه و تجارت	» زین‌العابدین ذوالمجدین
۱۸ -	راهنمای دانشگاه	—
۱۹ -	مقررات دانشگاه	—
۲۰ -	درختان جنگلی ایران	» مهندس حبیب‌الله ثابتی
۲۱ -	راهنمای دانشگاه بانگلیسی	—
۲۲ -	راهنمای دانشگاه بفرانسه	
۲۳ -	Les Espaces Normaux	تألیف دکتر هشترودی
۲٤ -	موسیقی دورهٔ ساسانی	» مهدی برکشلی
۲٥ -	حماسه ملی ایران	ترجمهٔ بزرگ علوی
۲٦ -	زیست شناسی (۲) بحث در نظریهٔ لامارک	بألیف دکتر عزت‌الله خبیری
۲۷ -	هندسه تحلیلی	» » علینقی وحدتی
۲۸ -	اصول گدازواستخراج فلزات جلد اول	تألیف دکتر یکانه حایری
۲۹ -	اصول گدازواستخراج فلزات » دوم	» » »
۳۰ -	اصول گدازواستخراج فلزات » سوم	» » »

۶۶- مکانیك فیزیك	تألیف دکتر کمال جناب
۶۷- کالبدشناسی توصیفی (۲) - مفصل شناسی	» » امیراعلم- دکتر حکیم- دکتر کیهانی - دکتر نجم آبادی- دکتر نیك نفس
۶۸- درمانشناسی جلد اول	تألیف دکتر عطائی
۶۹- درمانشناسی » دوم	» » »
۷۰- گیاه شناسی - تشریح عمومی نباتات	» مهندس حبیب‌الله ثابتی
۷۱- شیمی آنالیتیك	» دکتر گاگیك
۷۲- اقتصاد جلد اول	» » علی‌اصغر پورهمایون
۷۳- دیوان سیدحسن غزنوی	بتصحیح مدرس رضوی
۷۴- راهنمای دانشگاه	—
۷۵- اقتصاد اجتماعی	تألیف دکتر شیدفر
۷۶- تاریخ دیپلوماسی عمومی جلد دوم	» » حسن ستوده تهرانی
۷۷- زیبا شناسی	» علینقی وزیری
۷۸- تئوری سنتتیك گازها	» دکتر روشن
۷۹- کارآموزی داروسازی	» » جنیدی
۸۰- قوانین دامپزشکی	» » میمندی‌نژاد
۸۱- جنگل‌شناسی جلد دوم	» مرحوم مهندس ساعی
۸۲- استقلال آمریکا	» دکتر مجیر شیبانی
۸۳- کنجکاویهای علمی و ادبی	—
۸۴- ادوار فقه	» محمود شهابی
۸۵- دینامیك گازها	» دکتر غفاری
۸۶- آئین دادرسی در اسلام	» محمد سنگلجی
۸۷- ادبیات فرانسه	» دکتر سپهبدی
۸۸- از سربن تا یونسکو- دو ماه در پاریس	» » علی‌اکبر سیاسی
۸۹- حقوق تطبیقی	» » حسن افشار
۹۰- میکروب‌شناسی جلد اول	تألیف دکتر سهراب- دکتر میردامادی
۹۱- میزراه جلد اول	» » حسین گلاژ
۹۲- » » دوم	» » » »
۹۳- کالبد شکافی (تشریح عملی دست‌وپا)	» » نعمت‌الله کیهانی
۹۴- ترجمه وشرح تبصره علامه جلد دوم	» زین‌العابدین ذوالمجدین
۹۵- کالبد شناسی توصیفی (۳) - عضله شناسی	» دکتر امیراعلم- دکتر حکیم- دکتر کیهانی- دکتر نجم آبادی- دکتر نیك نفس
۹۶- » » (۴) - رگ شناسی	» » » »
۹۷- بیماریهای گوش وحلق و بینی جلداول	تألیف دکتر جمشید اعلم
۹۸- هندسهٔ تحلیلی	» » کامکار پارسی
۹۹- جبر و آنالیز	» » » »
۱۰۰- تفوق و برتری اسپانیا (۱۵۵۹-۱۶۶۰)	» » بیانی

۳۱- ریاضیات در شیمی	نگارش دکتر هورفر
۳۲- جنگل شناسی جلد اول	» مرحوم مهندس کریم ساعی
۳۳- اصول آموزش و پرورش	» دکتر محمد باقر هوشیار
۳۴- فیزیولژی گیاهی جلداول	» » اسمعیل زاهدی
۳۵- جبر و آنالیز	نگارش دکتر محمدعلی مجتهدی
۳۶- گزارش سفر هند	» » غلامحسین صدیقی
۳۷- تحقیق انتقادی در عروض فارسی	» » پرویز ناتل خانلری
۳۸- تاریخ صنایع ایران - ظروف سفالین	» » مهدی بهرامی
۳۹- واژه نامه طبری	» » صادق کیا
۴۰- تاریخ صنایع اروپا در قرون وسطی	» عیسی بهنام
۴۱- تاریخ اسلام	» دکتر فیاض
۴۲- جانورشناسی عمومی	» » فاطمی
۴۳- Les Connexions Normales	» » هشترودی
۴۴- کالبد شناسی توصیفی (۱) - استخوان‌شناسی	» دکتر امیراعلم - دکتر حکیم دکتر کیهانی-دکتر نجم‌آبادی- دکتر نیك نفس-دکتر نائینی
۴۵- روان‌شناسی کودك	نگارش دکتر مهدی جلالی
۴۶- اصول شیمی پزشکی	» » آ. وارتانی
۴۷- ترجمه و شرح تبصرهٔ علامه جلداول	» زین‌العابدین ذوالمجدین
۴۸- اکوستیك «صوت» (۱) ارتعاشات - سرعت	» دکتر ضیاء الدین اسمعیل بیگی
۴۹- انگل شناسی	» » ناصر انصاری
۵۰- نظریه توابع متغیر مختلط	» » افضلی‌پور
۵۱- هندسه ترسیمی و هندسه رقومی	» احمد بیرشک
۵۲- درس اللغة والادب (۱)	» دکتر محمدی
۵۳- جانورشناسی سیستماتیك	» » آزرم
۵۴- پزشکی عملی	» » نجم‌آبادی
۵۵- روش تهیه مواد آلی	» » صفوی گلپایگانی
۵۶- مامائی	» » آهی
۵۷- فیزیولژی گیاهی جلددوم	» » زاهدی
۵۸- فلسفه آموزش و پرورش	» دکتر فتح‌الله امیرهوشمند
۵۹- شیمی تجزیه	» » علی‌اکبر پریمن
۶۰- شیمی‌عمومی	» مهندس سعیدی
۶۱- امیل	ترجمهٔ مرحوم غلامحسین زیرك‌زاده
۶۲- اصول علم اقتصاد	تألیف دکتر محمود کیهان
۶۳- مقاومت مصالح	» مهندس گوهریان
۶۴- کشت گیاه حشره‌کش پیرتر	» مهندس میردامادی
۶۵- آسیب شناسی	» دکتر آرمین

۱۳۸- مصنفات افضل الدین کاشانی	نگارش دکتر مینوی و یحیی مهدوی
۱۳۹- روان‌شناسی (از لحاظ تربیت)	« « علی‌اکبر سیاسی
۱۴۰- ترمودینامیک (۱)	« مهندس بازرگان
۱۴۱- بهداشت روستائی	نگارش دکتر زوین
۱۴۲- زمین شناسی	« « یدالله سحابی
۱۴۳- مکانیک عمومی	« « مجتبی ریاضی
۱۴۴- فیزیولوژی جلد اول	« « کاتوزیان
۱۴۵- کالبدشناسی و فیزیولوژی	« « نصرالله نیک‌نفس
۱۴۶- تاریخ تمدن ساسانی جلد اول	« سعید نفیسی
۱۴۷- کالبدشناسی توصیفی (۵) قسمت اول سلسله اعصاب محیطی	« دکتر امیراعلم-دکتر حکیم دکتر کیهانی-دکتر نجم‌آبادی-دکتر نیک‌نفس
۱۴۸- کالبدشناسی توصیفی (۵) قسمت دوم سلسله اعصاب مرکزی	« « « «
۱۴۹- کالبدشناسی توصیفی (۶) اعضای حواس پنجگانه	« « « «
۱۵۰- هندسه عالی (گروه و هندسه)	تألیف دکتر اسدالله آل‌بویه
۱۵۱- اندام‌شناسی گیاهان	« « پارسا
۱۵۲- چشم پزشکی (۲)	نگارش دکتر ضرابی
۱۵۳- بهداشت شهری	« « اعتمادیان
۱۵۴- انشاء انگلیسی	« بازارگادی
۱۵۵- شیمی آلی (ارگانیک) (۲)	« دکتر شیخ
۱۵۶- اسیب شناسی (گانگلیوت استلر)	« « آرمین
۱۵۷- تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی	« « ذبیح‌الله صفا
۱۵۸- تفسیر خواجه عبدالله انصاری	بتصحیح علی‌اصغر حکمت
۱۵۹- حشره‌شناسی	تألیف جلال افشار
۱۶۰- نشانه‌شناسی (علم العلامات) جلد اول	« دکتر محمدحسین میمندی‌نژاد
۱۶۱- نشانه‌شناسی بیماریهای اعصاب	« « صادق صبا
۱۶۲- آسیب‌شناسی عملی	« « حسین رحمتیان
۱۶۳- احتمالات و آمار	« « مهدوی اردبیلی
۱۶۴- الکتریسته صنعتی	« « محمد مظفری زنگنه
۱۶۵- آئین دادرسی کیفری	« « محمدعلی هدایتی
۱۶۶- اقتصاد سال اول (چاپ دوم اصلاح شده)	« « علی‌اصغر پورهمایون
۱۶۷- فیزیک (تابش)	« « روشن
۱۶۸- فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة (جلد دوم)	« علینقی منزوی
۱۶۹- « « « « « (جلد سوم-قسمت اول)	« محمدتقی دانش‌پژوه
۱۷۰- رساله بود و نمود	« محمود شهابی
۱۷۱- زندگانی شاه عباس اول	« نصرالله فلسفی
۱۷۲- تاریخ بیهقی (جلد سوم)	بتصحیح سعید نفیسی
۱۷۳- فهرست نشریات ابوعلی‌سینا بزبان فرانسه	« « «

۱۰۱ـ کالبدشناسی توصیفی ـ استخوان‌شناسی اسب	تألیف دکتر میر بابائی
۱۰۲ـ تاریخ عقاید سیاسی	» » محسن عزیزی
۱۰۳ـ آزمایش و تصفیه آبها	نگارش » محمد جواد جنیدی
۱۰۴ـ هشت مقاله تاریخی وادبی	» نصرالله فلسفی
۱۰۵ـ فیه مافیه	» بدیع‌الزمان فروزانفر
۱۰۶ـ جغرافیای اقتصادی جلد اول	» دکتر محسن عزیزی
۱۰۷ـ الکتریسیته وموارد استعمال آن	» مهندس عبدالله ریاضی
۱۰۸ـ مبادلات انرژی در گیاه	» دکتر اسمعیل زاهدی
۱۰۹ـ تلخیص البیان عن مجازات القران	» سید محمد باقر سبزواری
۱۱۰ـ دو رساله ـ وضع الفاظ و قاعده لاضرر	» محمود شهابی
۱۱۱ـ شیمی آلی جلداول تئوری واصول کلی	» دکتر عابدی
۱۱۲ـ شیمی آلی «ارگانیک» جلداول	» » شیخ
۱۱۳ـ حکمت الهی عام و خاص	نگارش مهدی قمشهٔ
۱۱۴ـ امراض حلق و بینی وحنجره	» دکتر علیم مروستی
۱۱۵ـ آنالیز ریاضی	» » منوچهر وصال
۱۱۶ـ هندسه تحلیلی	» » احمد عقیلی
۱۱۷ـ شکسته بندی جلد دوم	» » امیر کیا
۱۱۸ـ باغبانی (۱) باغبانی عمومی	» مهندس شیبانی
۱۱۹ـ اساس التوحید	» مهدی آشتیانی
۱۲۰ـ فیزیك پزشکی	» دکتر فرهاد
۱۲۱ـ اکوستیك «صوت» (۲) مشخصات صوت - لوله - تار	» » اسمعیل بیگی
۱۲۲ـ جراحی فوری اطفال	» » مرعشی
۱۲۳ـ فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة (۱)	» علینقی منزوی تهرانی
۱۲۴ـ چشم پزشکی جلداول	» دکتر ضرابی
۱۲۵ـ شیمی فیزیك	» » بازرگان
۱۲۶ـ بیماریهای گیاه	» » خبیری
۱۲۷ـ بحث در مسائل پرورش اخلاقی	» » سپهری
۱۲۸ـ اصول عقاید و کرائم اخلاق	» زین‌العابدین ذوالمجدین
۱۲۹ـ تاریخ کشاورزی	» دکتر تقی بهرامی
۱۳۰ـ کالبدشناسی انسانی (۱) سر و گردن	» » حکیم ودکتر گنج‌بخش
۱۳۱ـ امراض واگیر دام	» » رستگار
۱۳۲ـ درس اللغة والادب (۲)	» » محمدی
۱۳۳ـ واژه نامه گرگانی	» » صادق کیا
۱۳۴ـ تك یاخته شناسی	» » عزیز رفیعی
۱۳۵ـ حقوق اساسی چاپ پنجم (اصلاح شده)	» » قاسم زاده
۱۳۶ـ عضله و زیبائی پلاستیك	» » کیهانی
۱۳۷ـ طیف جذبی واشعه ایکس	» » فاضل زندی

۲۰۹- شیمی بیولوژی	تألیف دکتر مافی
۲۱۰- میکربشناسی (جلد دوم)	« آقایان دکتر سهراب- دکتر میردامادی
۲۱۱- حشرات زیان‌آور ایران	« مهندس عباس دواچی
۲۱۲- هواشناسی	« دکتر محمد منجمی
۲۱۳- حقوق مدنی	« « سیدحسن امامی
۲۱۴- ماخذ قصص و تمثیلات مثنوی	نگارش آقای فروزانفر
۲۱۵- مکانیک استدلالی	« پرفسور فاطمی
۲۱۶- ترمودینامیک (جلد دوم)	« مهندس بازرگان
۲۱۸- گروه بندی وانتقال خون	« دکتر یحیی پویا
۲۱۸- فیزیک، ترمودینامیک (جلد اول)	« « روشن
۲۱۹- روان پزشکی (جلد سوم)	« « میرسپاسی
۲۲۰- بیماریهای درونی (جلد اول)	« « میمندی‌نژاد
۲۲۱- حالات عصبانی یا نورز	ترجمه « چهرازی
۲۲۲- کالبدشناسی توصیفی (۷) (دستگاه گوارش)	تألیف دکتر امیراعلم - دکتر حکیم دکتر کیهانی - دکتر نجم آبادی - دکتر نیک نفس
۲۲۳- علم الاجتماع	تألیف دکتر مهدوی
۲۲۴- الهیات	« فاضل تونی
۲۲۵- هیدرولیک عمومی	« مهندس ریاضی
۲۲۶- شیمی عمومی **معدنی فلزات** (جلد اول)	تألیف دکتر فضل‌الله شیروانی
۲۲۷- آسیب‌شناسی آزردگیهای سورنال « غده فوق کلیوی »	« « آرمین
۲۲۸- اصول الصرف	« علی‌اکبر شهابی
۲۲۹- سازمان فرهنگی ایران	تألیف دکتر علی کنی
۲۳۰- فیزیک، ترمودینامیک (جلد دوم)	نگارش دکتر روشن
۲۳۱- راهنمای دانشگاه	—
۲۳۲- مجموعهٔ اصطلاحات علمی	—
۲۳۳- بهداشت غذائی (بهداشت نسل)	نگارش دکتر فضل‌الله صدیق
۲۳۴- جغرافیای کشاورزی ایران	« دکتر تقی بهرامی
۲۳۵- ترجمه النهایه باتصحیح ومقدمه (۱)	« آقای سیدمحمد سبزواری
۲۳۶- احتمالات و آمار ریاضی (۲)	« دکتر مهدوی اردبیلی
۲۳۷- اصول تشریح چوب	« مهندس رضا حجازی
۲۳۸- خون‌شناسی عملی (جلد اول)	« دکتر رحمتیان دکتر شمسا
۲۳۹- تاریخ ملل قدیم آسیای غربی	« « بهمنش
۲۴۰- شیمی تجزیه	« « شیروانی
۲۴۱- دانشگاهها و مدارس عالی امریکا	« « ضیاءالدین اسمعیل بیگی
۲۴۲- پانزده گفتار	« آقای مجتبی مینوی
۲۴۳- بیماریهای خون (جلد دوم)	« دکتر یحیی پویا

۱۷۴- تاریخ مصر (جلد اول)	تألیف احمد بهمنش
۱۷۵- آسیب‌شناسی آزردگی سیستم رتیکولو آندوتلیال	« دکتر آرمین
۱۷۶- نهضت ادبیات فرانسه در دوره رومانتیک	« مرحوم زیرک‌زاده
۱۷۷- فیزیولژی (طب عمومی)	نگارش دکتر مصباح
۱۷۸- خطوط لبه‌های جذبی (اشعه ایکس)	« « زندی
۱۷۹- تاریخ مصر (جلد دوم)	« احمد بهمنش
۱۸۰- سیر فرهنگ در ایران و مغرب زمین	« دکتر صدیق اعلم
۱۸۱- فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة (جلد سوم - قسمت دوم)	« محمدتقی دانش‌پژوه
۱۸۲- اصول فن کتابداری	« دکتر محسن صبا
۱۸۳- رادیو الکتریسیته	« « رحیمی
۱۸۴- پیوره	« « محمود سیاسی
۱۸۵- چهار رساله	« محمد سنگلجی
۱۸۶- آسیب‌شناسی (جلد دوم)	« دکتر آرمین
۱۸۷- یادداشت‌های مرحوم قزوینی	فراهم‌آورنده آقای ایرج افشار
۱۸۸- استخوان شناسی مقایسه‌ای (جلد دوم)	تألیف دکتر میربابائی
۱۸۹- جغرافیای عمومی (جلد اول)	« « مستوفی
۱۹۰- بیماریهای واگیر (جلد اول)	« « غلامعلی بینش‌ور
۱۹۱- بتن فولادی (جلد اول)	« مهندس خلیلی
۱۹۲- حساب جامع وفاضل	نگارش دکتر مجتهدی
۱۹۳- ترجمهٔ مبدء ومعاد	ترجمه آقای محمودشهابی
۱۹۴- تاریخ ادبیات روسی	تألیف « سعید نفیسی
۱۹۵- تاریخ تمدن ایران ساسانی (جلد دوم)	« « « «
۱۹۶- درمان تراخم با الکتروکوآگولاسیون	« دکتر پرفسور شمس
۱۹۷- شیمی وفیزیك (جلد اول)	« « توسلی
۱۹۸- فیزیولوژی عمومی	« « شیبانی
۱۹۹- داروسازی جالینوسی	« « مقدم
۲۰۰- علم العلامات نشانه‌شناسی (جلد دوم)	« « میمندی نژاد
۲۰۱- استخوان شناسی (جلد اول)	« « نعمت‌اله کیهانی
۲۰۲- پیوره (جلد دوم)	« « محمود سیاسی
۲۰۳- علم النفس ابن‌سینا وتطبیق آن با روانشناسی جدید	« « علی‌اکبر سیاسی
۲۰۴- قواعد فقه	« آقای محمودشهابی
۲۰۵- تاریخ سیاسی ودیپلوماسی ایران	« دکتر علی‌اکبر بینا
۲۰۶- فهرست مصنفات ابن‌سینا	« « مهدوی
۲۰۷- مخارج الحروف	تصحیح وترجمهٔ دکتر پرویز ناتل‌خانلری
۲۰۸- عیون الحکمه	ازابن‌سینا - چاپ عکسی

۲۷۷– مدخل منطق صورت	نگارش دکتر غلامحسین مصاحب
۲۷۸–ویروسها	« « فرج‌الله شفا
۲۷۹– تالفیت‌ها (آلکها)	« « عزت‌الله خبیری
۲۸۰– گیاه‌شناسی سیستماتیک	« « محمد درویش
۲۸۱– تیره‌شناسی (جلددوم)	« « پارسا
۲۸۲– احوال و آثار خواجه نصیرالدین طوسی	« مدرس رضوی
۲۸۳– احادیث مثنوی	« آقای فروزانفر
۲۸۴– قواعد النحو	« قاسم تویسرکانی
۲۸۵– آزمایشهای فیزیك	« دکتر محمدباقر محمودیان
۲۸۶– پندنامه اهوازی یا آئین پزشکی	« « محمود نجم‌آبادی
۲۸۷– بیماریهای خون (جلدسوم)	« « یحیی پویا
۲۸۸– جنین شناسی (رویان‌شناسی) جلد اول	« « احمد شفائی
۲۸۹– مکانیك فیزیك (اندازه‌گیری مکانیك نقطه مادی وفرضیه نسبی)(چاپ‌دوم)	تألیف دکتر کمال‌الدین جناب
۲۹۰– بیماریهای جراحی قفسه سینه (ریه، مری، قفسه سینه)	« « محمدتقی قوامیان
۲۹۱– اکوستیك (صوت) چاپ دوم	« « ضیاءالدین اسماعیل‌بیگی
۲۹۲– چهار مقاله	بتصحیح « محمد معین
۲۹۳– داریوش یکم (بادشاه پارسها)	نگارش « منشی‌زاده
۲۹۴–کالبدشکافی تشریح‌عملی سروگردن–سلسلهٔ اعصاب‌مرکزی	« « نعمت‌الله کیهانی
۲۹۵ – درس‌اللغة والادب (۱) چاپ‌دوم	« « محمد محمدی
۲۹۶– سه گفتار خواجه طوسی	بکوشش محمدتقی دانش‌پژوه
۲۹۷ – Sur les espaces de Riemann	نگارش دکترهشترودی
۲۹۸ – فصول خواجه طوسی	بکوشش محمدتقی دانش‌پژوه
۲۹۹ – فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة (جلدسوم) بخش سوم	نگارش محمدتقی دانش‌پژوه
۳۰۰ – الرسالةالمعینیة	« « «
۳۰۱ – آغاز و انجام	« ایرج افشار
۳۰۲– رسالهٔ امامت خواجهٔ طوسی	بکوشش محمدتقی دانش‌پژوه
۳۰۳ – فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة (جلدسوم) بخش چهارم	« « «
۳۰۴ – حل مشکلات معینه خواجه نصیر	« « «
۳۰۵ – مقدمه قدیم اخلاق ناصری	« جلال‌الدین همائی
۳۰۶– بیوگرافی خواجه نصیرالدین طوسی (بزبان فرانسه)	نگارش دکتر امشه‌ای
۳۰۷– رساله بیست‌باب درمعرفت اسطرلاب	« مدرس رضوی
۳۰۸– مجموعهٔ رسائل خواجه نصیرالدین	« « «
۳۰۹– سرگذشت وعقائد فلسفی خواجه نصیرالدین طوسی	« محمد مدرسی (زنجانی)
۳۱۰– فیزیك (پدیده‌های فیزیکی در دماهای بسیار خفیف) کتاب‌هفتم	« دکترروشن
۳۱۱ – رساله جبرومقابله خواجه نصیرطوسی	بکوشش اکبردانا سرشت

٢٤٤- اقتصاد کشاورزی	نگارش دکتر احمد هومن
٢٤٥- علم العلامات (جلدسوم)	« « میمندی نژاد
٢٤٦- بتن آرمه (٢)	« آقای مهندس خلیلی
٢٤٧- هندسهٔ دیفرانسیل	« دکتر بهفروز
٢٤٨- فیزیولژی گل ورده بندی تك لپه ایها	« « زاهدی
٢٤٩- تاریخ زندیه	« « هادی هدایتی
٢٥٠- ترجمه النهایه با تصحیح ومقدمه (٢)	« آقای سبزواری
٢٥١- حقوق مدنی (٢)	« « دکتر امامی
٢٥٢- دفتر دانش وادب (جزء دوم)	—
٢٥٣- یادداشتهای قزوینی (جلد دوم ب، ت، ث، ج)	« ایرج افشار
٢٥٤- تفوق وبرتری اسپانیا	« دکتر خانبابا بیانی
٢٥٥- تیره شناسی (جلد اول)	« « احمد پارسا
٢٥٦- کالبد شناسی توصیفی (٨) دستگاه ادرار وتناسل - پردهٔ صفاق	تألیف دکتر امیر اعلم - دکتر حکیم - دکتر کیهانی دکتر نجم آبادی - دکتر نیك نفس
٢٥٧- حل مسائل هندسه تحلیلی	نگارش دکتر علینقی وحدتی
٢٥٨- کالبد شناسی توصیفی (حیوانات اهلی مفصل شناسی مقایسه‌ای)	« « میر بابائی
٢٥٩- اصول ساختمان ومحاسبه ماشینهای برق	« مهندس احمد رضوی
٢٦٠- بیماریهای خون ولنف (بررسی بالینی وآسیب شناسی)	« دکتر رحمتیان
٢٦١- سرطان شناسی (جلد اول)	« « آرمین
٢٦٢- شکسته بندی (جلد سوم)	« « امیر کیا
٢٦٣- بیماریهای واگیر (جلددوم)	« « بینش ور
٢٦٤- انگل شناسی (بندپائیان)	« « عزیز رفیعی
٢٦٥- بیماریهای درونی (جلددوم)	« « میمندی نژاد
٢٦٦- دامپروری عمومی (جلداول)	« « بهرامی
٢٦٧- فیزیولوژی (جلددوم)	« « علی کاتوزیان
٢٦٨- شعر فارسی (درعهدشاهرخ)	« « یارشاطر
٢٦٩- فن انگشت نگاری (جلداول و دوم)	نگارش ناصرقلی وادسر
٢٧٠- منطق التلویحات	« دکتر فیاض
٢٧١- حقوق جنائی	تألیف آقای دکتر عبدالحسین علی آبادی
٢٧٢- سمیولوژی اعصاب	« « « چهرازی
٢٧٣- کالبد شناسی توصیفی (٩) (دستگاه تولید صوت وتنفس)	تألیف دکتر امیر اعلم - دکتر حکیم - دکتر کیهانی دکتر نجم آبادی - دکتر نیك نفس
٢٧٤- اصول آمار وکلیات آمار اقتصادی	نگارش دکتر محسن صبا
٢٧٥- گزارش کنفرانس اتمی ژنو	« « جناب دکتر بازرگان
٢٧٦- امکان آلوده کردن آبهای مشروب	نگارش دکتر حسین سهراب - دکتر میمندی نژاد

۳۴۷ ـ نمایشنامه لوسید — ترجمهٔ دکترسپهبدی
۳۴۸ ـ آب شناسی هیدرولوژی — تألیف دکترجنیدی
۳۴۹ ـ روش شیمی تجزیه (۱) — » » فخرالدین خوشنویسان
۳۵۰ ـ هندسهٔ ترسیمی — » » جمال عصار
۳۵۱ ـ اصول الصرف — » علی اکبرشهابی
۳۵۲ ـ استخراج نفت (جلد اول) — » دکترجلال الدین توانا
۳۵۳ ـ سخنرانیهای پروفسور رنه ونسان — ترجمه دکترسیاسی-دکترسیمجور
۳۵۴ ـ کورش کبیر — تألیف دکترهادی هدایتی
۳۵۵ ـ فرهنگ غفاری فارسی فرانسه (جلد اول) — مهندس امیرجلال الدین غفاری
۳۵۶ ـ اقتصاد اجتماعی — دکترسید شمس الدین جزایری
۳۵۷ ـ بیولوژی (وراثت) (تجدید چاپ) — » خبیری
۳۵۸ ـ بیماریهای مغز و روان (۳) — » حسین رضاعی
۳۵۹ ـ آئین دادرسی دراسلام (تجدیدچاپ) — آقای محمد سنگلجی
۳۶۰ ـ تقریرات اصول — » محمود شهابی
۳۶۱ ـ کالبد شکافی توصیفی (جلد ٤ ـ عضله شناسی اسب) تألیف دکتر میربابائی
۳۶۲ ـ الرسالة الکمالیه فی الحقایق الالهیه — » سبزواری
۳۶۳ ـ بی‌حسی‌های ناحیه‌ای دردندان پزشکی — » دکتر محمود مستوفی
۳۶٤ ـ چشم و بیماریهای آن — » » باستان
۳۶۵ ـ هندسهٔ تحلیلی — » » مصطفی کامکار پارسی
۳۶۶ ـ شیمی آلی ترکیبات حلقوی (چاپ دوم) — » » ابوالحسن شیخ
۳۶۷ ـ پزشکی عملی — » » ابوالقاسم نجم آبادی
۳۶۸ ـ اصول آموزش وپرورش (چاپ سوم) — » » هوشیار
۳۶۹ ـ پرتو اسلام — بقلم عباس خلیلی
۳۷۰ ـ جراحی عملی دهان ودندان (جلد اول) — تألیف دکتر کاظم سیمجور
۳۷۱ ـ درد شناسی دندان (۱) — » » محمود سیاسی
۳۷۲ ـ مجموعهٔ اصطلاحات علمی (قسمت دوم) — ـ
۳۷۳ ـ تیره شناسی (جلد سوم) — » » احمد پارسا
۳۷٤ ـ المعجم — بتصحیح مدرس رضوی
۳۷۵ ـ جواهر الآثار (ترجمهٔ مثنوی) — بقلم عبدالعزیز صاحب الجواهر
۳۷۶ ـ تاریخ دیپلوماسی عمومی — تألیف دکتر محسن عزیزی
۳۷۷ ـ Textes Français — » بانو نفیسی
۳۷۸ ـ شیمی فیزیك (جلد دوم) — » دکترعلی اکبر توسلی
۳۷۹ ـ زیباشناسی — » آقای علینقی وزیری
۳۸۰ ـ بیماریهای مشترك انسان ودام — » دکتر میمندی نژاد
۳۸۱ ـ فرزان تن وروان — » » بصیر
۳۸۲ ـ بهبود نسل بشر — » » محمد علی مولو
۳۸۳ ـ یادداشتهای قزوینی (۳) — ایرج افشار
۳۸٤ ـ گویش آشتیان — تألیف دکتر صادق کیا

۳۱۲ - آلرژی بیماریهای ناشی از آن	تألیف دکتر هادوی
۳۱۳ - راهنمای دانشگاه (بفرانسه) دوم چاپ	—
۳۱۴ - احوال و آثار محمد بن جریری طبری	تألیف آقای علی‌اکبر شهابی
۳۱۵ - مکانیك سینماتیك	« دکتر احمد وزیری
۳۱۶ - مقدمه روانشناسی (قسمت اول)	« دکتر مهدی جلالی
۳۱۷ - دامپروری (جلد دوم)	« « تقی بهرامی
۳۱۸ - تمرینات و تجربیات (شیمی آلی)	« « ابوالحسن شیخ
۳۱۹ - جغرافیای اقتصادی (جلد دوم)	« « عزیزی
۳۲۰ - پاتولوژی مقایسه‌ای (بیماریهای مشترك انسان ودام)	« « میمندی نژاد
۳۲۱ - اصول نظریه ریاضی احتمال	تألیف دکتر افضلی پور
۳۲۲ - رده‌بندی دولپه‌ای ها و بازدانگان	« « زاهدی
۳۲۳ - قوانین مالیه ومحاسبات عمومی ومطالعه بودجه از ابتدای مشروطیت تا حال	« « جزایری
۳۲۴ - کالبدشناسی انسانی (۱) سر و گردن (توصیفی - موضعی - طرز تشریح)	« « منوچهر حکیم و « سیدحسین گنج بخش
۳۲۵ - ایمنی‌شناسی (جلد اول)	« « میردامادی
۳۲۶ - حکمت الهی عام وخاص (تجدید چاپ)	« آقای مهدی الهی قمشه‌ای
۳۲۷ - اصول بیماری‌های ارثی انسان (۱)	« دکتر محمدعلی مولوی
۳۲۸ - اصول استخراج معادن	« مهندس محمودی
۳۲۹ - مقررات دانشگاه (۱) مقررات استخدامی ومالی	جمع آوری دکتر کی‌نیا
۳۳۰ - شلیمر	دانشکده پزشکی
۳۳۱ - تجزیه ادرار	مرحوم دکتر ابوالقاسم بهرامی
۳۳۲ - جراحی فك وصورت	تألیف دکتر حسین مهدوی
۳۳۳ - فلسفه آموزش وپرورش	« « امیرهوشمند
۳۳۴ - اکوستیك (۲) صوت	« « اسماعیل بیگی
۳۳۵ - الکتریسته صنعتی (جلداول چاپ دوم)	« مهندس زنگنه
۳۳۶ - سالنامه دانشگاه	—
۳۳۷ - فیزیك جلد هشتم- کارهای آزمایشگاه و مسائل ترمودینامیك	« دکتر روشن
۳۳۸ - تاریخ اسلام (چاپ دوم)	« « فیاض
۳۳۹ - هندسهٔ تحلیلی (چاپ دوم)	« « وحدتی
۳۴۰ - آداب اللغة العربية وتاریخها (۱)	« « محمد محمدی
۳۴۱ - حل مسائل ریاضیات عمومی	تألیف دکتر کامکار پارسی
۳۴۲ - جوامع الحکایات	« « محمد معین
۳۴۳ - شیمی تحلیلی	« مهندس قاسمی
۳۴۴ - ارادهٔ معطوف بقدرت (اثر نیچه)	ترجمه دکتر هوشیا
۳۴۵ - دفتر دانش وادب (جلد سوم)	مقالهٔ دکتر مهدوی
۳۴۶ - حقوق مدنی (جلداول تجدید چاپ)	تألیف دکتر امامی

٤٢٠ ـ بیماریهای اعصاب (جلد نخست) نگارش دکتر صادق صبا

٤٢١ ـ مکانیك عمومی (جلد دوم) » دکتر مجتبی ریاضی

٤٢٢ ـ صنایع شیمی معدنی (جلداول) » مهندس مرتضی قاسمی

٤٢٣ ـ مکانیك استدلالی » پرفسور تقی فاطمی

٤٢٤ ـ تاریخ فرهنگ ایران » دکتر عیسی صدیق

٤٢٥ ـ شرح تبصره آیة الله علامهٔ حلی (جلد دوم) » زین العابدین ذوالمجدین

٤٢٦ ـ حکیم ازرقی هروی بتصحیح مرحوم علی عبدالرسولی

٤٢٧ ـ علوم عقلی نگارش دکتر ذبیح‌الله صفا

٤٢٨ ـ شیمی آنالیتیك » دکتر کاکیك

٤٢٩ ـ فیزیك الکتریسیته (جلد دوم) » » روشن

٤٣٠ ـ کلیات شمس تبریزی باتصحیحات وحواشی آقای فروزانفر

٤٣١ ـ کانی شناسی (تحقیق دربارهٔ بعضی ازکانهای جزیره هرمز) نگارش دکترعبدالکریم قریب

٤٣٢ ـ فرهنك غفاری فارسی بفرانسه (جلد پنجم) » امیرجلالالدین غفاری

٤٣٣ ـ ریاضیات درشیمی (جلد دوم) » دکترهورفر

٤٣٤ ـ تحقیق درفهم بشر ترجمه دکتر رضازاده شفق

٤٣٥ ـ السعادة والاسعار بتصحیح مجتبی مینوی

٤٣٦ ـ تاریخ فرهنك اروپا نگارش دکترعیسی صدیق

٤٣٧ ـ نقشه برداری (جلددوم) » مهندس حسن شمسی

٤٣٨ ـ بیماریهای گیاه (تجدیدچاپ) » دکتر خبیری

٤٣٩ ـ حقوق مدنی (جلد سوم) » دکتر سیدحسن امامی

٤٤٠ ـ سخنرانیهای آقای انیس المقدسی (استاد دانشگاه آمریکائی بیروت)

٤٤١ ـ دردشناسی دندان (جلد دوم) نگارش دکتر محمودسیاسی

٤٤٢ ـ حقوق اساسی فرانسه » » قاسم زاده

٤٤٣ ـ حقوق عمومی واداری » » شیدفر

٤٤٤ ـ پاتولوژی مقایسه‌ای (جلد سوم) » » میمندی‌نژاد

٤٤٥ ـ شیمی عمومی معدنی » » شیروانی

٤٤٦ ـ فسیل شناسی » » فرشاد

٤٤٧ ـ فرهنگ غفاری فارسی بفرانسه (جلد ششم) » امیرجلال‌الدین غفاری

٤٤٨ ـ تحقیق درتاریخ قندسازی ایران » مهندس ابرهیم ریاحی

٤٤٩ ـ مشخصات جغرافیای طبیعی ایران » دکترحسین گل گلاب

٤٥٠ ـ جراحی فك وصورت (جلد دوم) » » حسین مهدوی

٤٥١ ـ تاریخ هرودت » » هادی هدایتی

۳۸۵ ـ کالبد شکافی (تشریح عملی قفسه سینه وقلب وریه)	نگارش دکتر نعمت‌الله کیهانی
۳۸۶ ـ ایران بعد از اسلام	» عباس خلیلی
۳۸۷ ـ تاریخ مصر قدیم (جلداول چاپ دوم)	» دکتر احمد بهمنش
۳۸۸ ـ آرگلونیاتها (۱) سرخس‌ها	» » خبیری
۳۸۹ ـ شیمی صنعتی (جلد اول)	» » رادفر
۳۹۰ ـ فیزیك عمومی الکتریسیته (جلد اول)	» » روشن
۳۹۱ ـ مبادی علم هوا شناسی	» » احمد سعادت
۳۹۲ ـ منطق و روش شناسی	» » علی اکبر سیاسی
۳۹۳ ـ الکترونیك (جلد اول)	» » رحیمی قاجار
۳۹۴ ـ فرهنگ‌غفاری (جلد دوم)	» مهندس جلال‌الدین‌غفاری
۳۹۵ ـ حکمت الهی عام وخاص (جلد دوم)	» محیی‌الدین مهدی الهی قمشه‌ای
۳۹۶ ـ گنج جواهر دانش (٤)	» حسن آل طه
۳۹۷ ـ فن کالبد گشائی و آسیب شناسی	» دکتر محمدکار
۳۹۸ ـ فرهنگ غفاری (جلد سوم)	» مهندس جلال‌الدین‌غفاری
۳۹۹ ـ مزدا پرستی در ایران قدیم	» دکتر ذبیح‌الله‌صفا
٤۰۰ ـ اصول روشهای ریاضی آمار	» » افضلی پور
٤۰۱ ـ تاریخ مصر قدیم (جلد دوم)	» » دکتراحمدبهمنش
٤۰۲ ـ عددمن بلغاء ایران فی‌اللغة	» قاسم‌تویسرکانی
٤۰۳ ـ علم اخلاق (نظری وعملی)	» دکتر علی‌اکبر سیاسی
٤۰٤ ـ ادوارفقه (جلددوم)	» آقای محمودشهابی
٤۰٥ ـ جراحی عملی دهان‌ودندان (جلددوم)	» دکتر کاظم سیمجور
٤۰٦ ـ فیزیولژی‌بالینی	» » گیتی
٤۰۷ ـ سهم الارث	» نصراصفهانی
٤۰۸ ـ جبرآنالیز	» دکترمحمدعلی مجتهدی
٤۰۹ ـ هوا شناسی (جلد اول)	» » محمد منجمی
٤۱۰ ـ بیماریهای درونی (جلدسوم)	» » میمندی نژاد
٤۱۱ ـ مبانی فلسفه	» » علی‌اکبر سیاسی
٤۱۲ ـ فرهنگ غفاری (جلد چهارم)	» مهندس‌امیر جلال‌الدین غفاری
٤۱۳ ـ هندسهٔ‌تحلیلی (چاپ دوم)	» دکتراحمد سادات عقیلی
٤۱٤ ـ کالبد شناسی (عضله‌شناسی‌مقایسه‌ای) (جلدپنجم)	» » میربابائی
٤۱٥ ـ سالنامه دانشگاه ۱۳۳٦-۱۳۳٥	—
٤۱٦ ـ یادنامهٔ خواجه نصیر طوسی	نگارش دکتر صفا
٤۱۷ ـ تئوریهای اساسی ژنتیك	» » آزرم
٤۱۸ ـ فولاد وعملیات حرارتی آن	» مهندس هوشنگ خسرویار
٤۱۹ ـ تأسیسات آبی	» مهندس عبدالله ریاضی